



نور حقیقت - SUN KU

ملاحظات بی تکلف ساخته شده در طرح خوب است، بسیار دوز استقلال ، عمیق، جالب که ما تعامل ایده های بسیار خوبی که منجر مرحله یک داستان با اخلاقی است که اخلاقی داستان برای گفتن ... این داستان را ببینید حدود دو اسب های کاریکه سفر را از طریق ژاپن باستان ساخته شده ، از زمان کشف ، خر خاکستری را با نمک ، بار بسیار سنگین لود شد . الاغ سیاه و سفید به کاروان مقصد خود را به خاطر او تا به حال یک بار بسیار سبک ، هدایت و جو در زمان اسفنج تا مباحثات شانس خود را در حال راه بسیار بی ادب خاکستری می تواند آن را تحمل کند و در مورد این بود که مرد هنگامی که تلاش آباگر نیمی از بار، الاغ سیاه و سفید - derretendo سکندری سقوط به گودال بزرگ از مات و مبهوت میکنه تماشای همسر شانس باور نکردنی است که می رود بلند کردن ، کاهش مصرف چه از اتهام باقی مانده بود وجود دارد. رانده شده توسط حسادت، بازیگران را به آب . امید همان سرنوشت

اسفنج خیس کردن آب و آن را تقریباً به سیاه و سفید غیر ممکن حتی ایستادن ، البته در نهایت به خستگی تسلیم و می میرند

داستان های پدر بزرگ

عشق مثل یک رنگین کمان است ، نه همیشه حاضر ، اما همیشه به نظر می رسد ! نظریه رنگین کمان اسپیرال مدینه فاضله A هرج و مرج تخیلی فرموله $1 = 2 : 2 = 1 + 1 = 1$ عشق چند به پایان می رسد در حداکثر نهاد قدرت تابش ، شکوفه در آفتاب - زمین منقضی می شود، خورشید الهام بخش از رنگ های مشابهه رنگ جهان - تنفس من ، شما در هوا همان عشق الهام بخش و من همه رنگ به رنگ جهان را به خود هستم ! همه بخشی از چگونه ما احساس می کنیم همه چیز و همه چیز که متحد ، دیگر مجزا اما حقیقت می کند حقایق را پنهان نمی کند وجود دارد. اولین خاطره من به سادگی فقط باید خاطراتی که در آن مورد در یک روز روشن جذب می شود، و من با قدرت نور از تاریکی آماده ، و قدرت و

توزیع. من خودم را به فکر می کنم اگر یک روز **constelar** انرژی برای کل جامعه یک فاصله؟ اگر یک روز از راه دور، که ناوشکن، ترسناک، پرسر و صدا، و یا بی امان روشن، زیبا، درخشان و پر انرژی بود. هر اشعه است به عنوان انسان ویژگی های مختلف، حالت های مختلف اکشن، نور مختلف، یعنی هر اشعه / منحصر به فرد و منحصر به فرد. خب اگر یک روز یک فاصله حداقل در آن اصلی است. هر اشعه است به شکل عمل، به عنوان در هر زمان مردم که در زمان به اشتراک گذاری ناشی می شود بخش. آیا ما در پرتو عمل / باشد، ما می تواند جهت و مقصد را تغییر دهید. با توجه به مقصد و اولین بار من به نام خدا استناد، یک روز آمد، یک اعتقادات مکالمه و ایمان با یک دنبال قرآن که به من داستان زیر گفت که من توصیف خواهد: آیا شما یک بازی داده شده برای دست و شدید از خدا به شما حداکثر نمره را ترک و به شما یک لعنتی را ترک کرد. عزیز من، داستان جوش پایین اما که در نهایت منتشر شد اطلاعات؟ اما جدا از این داستان من می خواهم به شما بگویم که ما باید عمل و شعاع / با محیط زیست اقدام، هر رول تاس با انرژی / شکل / رفتار خود. من می دانستم که این امر می تواند یک ترانسفورماتور و همه چیز داره به یک که واقعیت تبدیل. انرژی احیا و که نارضایتی زندگی می **gleaming** توازن نیروهای کند با رضایت تبدیل در همه رنگ به رنگ جهان را به خود. من در واقعیت متفاوت از دوره های نوشتن معمول و اکتشاف بیدار از طریق این کتاب می بودن من گسترش دهد. من در مورد چگونگی انتقال اندیشه را منعکس و برابر آن را به نور و قدرت آن است. همه ما فکر می کنیم در مورد دیدگاه های چندگانه باید به دنبال زنجیره ای و روح است لحظات اختلال، راه ما نگاه همیشه ساده و بی تکلف و انرژی گسترش. ذهن ناراحتی با جنبه ها تداوم و صدا در صدا بلندتر از بسیاری از صداها، کلمات بیان هنری، از هم اکنون وجود خواهد داشت الهام بخش. ضرب و شتم از قلب است ریتم آن است که گسترش می یابد، رگهای سرکوب می سازد تا مرده چرا که همه چیز دارد پرسش آن است. همه ما در مورد شر فکر می کنم و گاهی اوقات ما خفه شو را، " اما همه ما فکر می کنم، " خاطرات به دلیل آن بد است. همه ما **pratiques** همیشه حاضر نیست و می گویند بدون نفرت آزادی بیان اما نه همه آن را در زمان مناسب داشته باشند و چیزی بیش از حقیقت صادقانه، ما باید به اشکال مختلف بیان و رفاه است که تعادل می باشد. تعادل و ال چرخه است، عصبی بودن عدم تعادل است. مردم عشق برای ارسال نظر. همه باید خالص شفقت موجب زایش عشق جهانی. خورشید منبع انرژی است، غیر طبیعی است هیچ چیز اتفاق می افتد، همه را فراموش زمانی که آنها می خواهند و همیشه وجود دارد دیدگاه های چندگانه، ایده های بسیاری، چند محکومیت ... همه چیز جبران ناپذیر وجود دارد، چرا که همه در معرض بی عدالتی است. عشق یک منبع از لذت و همیشه به تنهایی و محافظت: افرادی که دوست ندارند به فکر می کنم اما آگاهی یک چراغ قوه که ما را روشن است وجود دارد.

می رذیلت است که همه ما گاهی اوقات ترس وجود دارد، همه آنها می گویند و انجام کارهای احمقانه ای کردند. من به هر کسی ارسال نمی، همه ما باید چیزی است که ما نمی خواهیم به خاطر داشته باشید، اما خوب است بدانید زمانی که ما غمگین هستند و همیشه اعتراف آن و نه پنهان هر چیز به دلیل همه ما باید آسیب پذیری، همه ما احساس لذت بردن

را باز کند. است وجود دارد همیشه احساس lurks از چیزی و زمانی که فرصت نحوه برای دیگر است، اما "هیچ کس کسی است" و بنابراین هر کس حق درخشش است. دوستی همیشه یک اصل خوب به یک دوست خود دیگر است. دنبال غریزه شما می بینید مثبت است. ما همه می توانند دوست و عشق عشق ژنراتور نور هنگامی که ما دوست ما باید این احساس احترام، عاشق یکدیگر و افزایش نرخ تولد، همیشه با کلمات در تقاطع بازی بدون شک کلمات متضاد اما با منطق خود استبرای جلوگیری از درد و رنج. "چه قدیمی است خرد، اما احتیاط نیست" تا گوش! هر کس خوب و بد می داند؟ ما در دست ما تصمیم به خوب یا بد، جنون برخی از سلامت عقل است، واقعا دانش مهم است! اگر ممکن است فارغ التحصیل از مدرسه زندگی... من خودم را خواهم برای شما به نوبه خود، برای من و برای کسانی که مرا دوست. تغییر به تکامل. کابل که می گذرد یک جریان پر جنب و جوش از اضطراب، برق، اجرا بدن، فیدر و امید برای چیزی جدید و شگفت انگیز است که برگ های جنبش ایستا اما با مسابقه افکار و اضطراب. حرکت فلج، تنش در فریم بالا می رود و در واقع کنترل و اندازه گیری حرکات، پایین پله ها اندیشه که در آن ما به یکدیگر ارتباط برقرار کنند. آیا این نردبان افکار که ما طبقه بندی رفتارها، چهره و حرکات در تبار و صعود از لحظه های زندگی مناسب نیست، چراغ خوراک تردمیل بدون توقف سرب شما، انرژی، سحر و جادو، لباس، همه با هارمونی آشکار، XXI. دیوانه این واقعیت قرن اما مراقب باشید از پله ها، هر کس نمی خواهد پله برقی از زندگی، موجودات که صعود از پله ها که بالا می رود و به خصوص کسی حرکت می کند و پشتیبانی، این است که به اندازه کافی و یا آن را وجود دارد سوال از تعادل؟ توازن قدرت به تعادل حرکات، بالا و پایین به سطح هر ضروری است، اما نه همه سزاوار به پایین و یا از ما حمایت در صعود، تلاش و پشتکار می کلیدی، سپس خود را به روح فداکاری را بالا ببرد، بدون آسیب یا متوقف می شود و او به شما در نور وجود تفکر کنند. بدون تعادل نیروهای خارجی که ممکن است بدهید، مراحل جامد و تغذیه توسط کابل از امید به مهم ترین کابل برق آمده چرخه زندگی، انرژی است که تغذیه زمین است. پائل های الکتریکی من یکی که مواضع و مقاصد قدرت جهانی فرمان بود. این نور خورشیدی که به روده تاریک طبیعت زمین روشن بود. چه اتفاقی می افتد احساس متاثر شده از طلوع آفتاب یک دست کت و شلوار که با شب هنگام آمد، زندگی می کردند، زنده کرد و دوباره متولد او هستم خورشید قدرتمند (خورشید) (**** یک منبع تابشی که مانند قطره سقوط بر روی زمین، این منبع از زندگی و نور است. فانوس دریایی من، که به دنبال جنبش دائما لولا از اختلال. شروع به احساس برق برای اولین بار و اعصاب پر سر و صدا زدن با برق قلب. امواج الکترومغناطیسی که آیند و می روند افکار شکل موج در اطراف دایره از امواج. برق اجرا می شود از طریق بدن من در حال حاضر که من به مدار از امواج به ارمغان می آورد. ضربه الکتریکی پایین و من پالس متزلزل گردش در حالت برقی، همیشه می دانستم حقیقت زمانی که توسط درخششهای ضربه کشف، یک خاموشی وجود دارد و خفه شو عذاب توسط صدای احساس روشن بودن، روشن یک شمع روشنند انباشته از موم نوب شده است. درب برقی باز به آرامی لمس کردن، اما بسته شدن هیچ وقت برای باز کردن. الکتریکی زنجیره ای دیدم کاهش با تاریک ریشه نفرت پر جنب و جوش. برق در دود روشن پاک حافظه، آشفتگی الکترومغناطیسی در ذهن

بی نهایت آشفته .گسترش به عنوان تولید **electromagnetismos** پرتکاپو ، الکتریسیته در اشعه که فلج ذهن ، یک نور، برق سیاه و سفید از چشمک می زند ، چراغ چشمک زن به ستوه آورده به من گذشت زنجیره ناگسستنی .چراغ مات روشن موجودات عجیب و غریب در نور کم .سیم از طریق من اجرا بدن پر جنب و جوش و پر از انرژی وجود دارد ، فساد **ENERGIA** و پیشرفت به مدار 10 و یک " شکست **Subo** است. حتی در تاریکی است از دست دادن قدرت وجود دارد و تراموا در سخنان وجد و احساسات روشن ، نور درخشان گرفتن شکستن صدا، **SHARP** سقوط کرد. برش و روشن پژواک چشمک می زند رعد و برق که در آن تاریکی مبهم موجودات سیار با گرایش چشم. یک "فلورسانس و که هیچ شکوفه و سقوط رعد و برق در همه جهات و معانی وجود دارد و این رعد و برق پر سر و صدا تحت الشعاع قرار دیگری احساس " **ofusculência** لذت و به نظر می رسد است. رشته و از وسط قطع کمان عمیق در روح خود را که نگه داشتن شوک اتم ، پویا و رشته ای .به عنوان یک اشاره چکش به من عدم تجانس از احساسات است که برای یک نور قوی و مصمم تماس در گرگ و میش نبود من که حلقه تا آرام ، در چراغ بالا بودن من، و به آرامی به عنوان رعد و برق لذت. استنور شوم ، تهدید این چراغ نفاخت که ما را عذاب و اجازه دهید پیش بینی خطر وجود دارد ؟ است یک لامپ **intimidadas** وجود دارد ، نور است که شما همراه در روستایی و قادر به مقابله با لحظات شما در پنهان کاری .استنور قرمز شدید و مسدود کردن اعصاب شتاب دهنده وجود و آلاینده های ذهن بدون انگیزه های پهن کردن، شرکت نور، **Zarpares** دارد. شوک روشن آنچه داده نشده و شرکت نور احساس نمی کنند. تندر سخت کار کردن و خرد سر و صدا گرسنه از لذت .چراغ قدرتمند دیگر زندگی به آموزش و پرورش توسط صدای محکوم اشعه که قطع روابط غیر ممکن برای مساوی **lacerating** می کنیم. چگونه قدرتمند و کردن نور کم است که در آن تحت الشعاع قرار آگاهی که نفوذ بسته نرم افزاری بزرگ. به شدت روشن مه از نور سیاه و سفید در کیهانی روشن، نافذ و کیهان عمیق است که فراموشی از روح را تسکین می دهد .گرم رعد و برق و تیره و می شود حرکت و ساکت و آرام، اما دامنه و سر و صدا در هنگام آن اتفاق می افتد نفس و قریب به اتفاق این است که خشم آلوده به زندگی می کنند و در میان دیگر چراغ و لوازم و تجهیزات چراغانی و یا حتی ساده ولی قابل توجه تاریکی زودگذر از آه و حضور داشته باشدمی شکند سکوت برق است. این رعد و برق پاک می وجدان مشخص شده با صدور ناله سخنور و رسوب عمل حس نادیده گرفته اموال فرصت در زمان رعد و برق دیگر در این جهان سقوط کرد. من به یاد داشته باشید که عکس گرفته شده با برادر من (در حال حاضر در اتاق من حلق آویز) و من در جایی که در که بعد مراجعه حال هستم .پس از خاکستری روشن ، این **Infernal** من میزبان خاکستر که شما علامت حرارت آهن وحشی و قوی فقط یک کتک توسط نور خاکستر از گذشته و آینده همه جا را فراموش نکنید آلوده .قطع کردنخار از لحظه ای و انتشار به آرامی گفتن شما شما را کنترل ، و شما می اندازد بهخوبی از نور است **effusively** غم انگیز و که در حافظه از کلمات بی اختیاری و ریختن تشنگی خود را برای نور غرق می شود. در داد و بیداد اون سوی خاکستر سوخته سوختن از بدن مغناطیسی است که سوت و چشمک می

زند در قلب شما سوزاندن با میل به چیزی، مردانه و مردانه یا زنانه و نفسانی پس از آن ، این شخصیت بی حرمتی دوگانه که حتی به یک طرف و یا دیگر عملکرد نیست. این حرارت خاکستری روشن در تاریکی و بیهوده و بیمعنی و در حفاظت از حرارت خود را از باران و بلعیدم ، که گسترش در سراسر قاره ها و فضای بی انتها با ما حمله و به ما ارائه بینش لوکس و به ما می دهد بسیاری از لذت و افسرده . شیمی اضطراب لذت بی تحرک ، اما ترد نیست، اما چاپ در چهره ساده و بی تکلف . بی اعتنا به هیجان احساس و بودن ، احساس خیره کننده و درخشان و انقباضات احساس های افراط را تسکین می دهد ، افراط به طوری که ما را به یکی دیگر از ابعاد تغییر مسیر ، توسعه، تغذیه اعتیاد می کند عقب نشینی نمی در **groping** کند نوسان نشده است و یا درگیری در مو دیوانهانکار . نور هیپنوتیزم و احساسات تجربه احساس در صورت که وعده داده شده به عملکرد به میل ، ما را به ساده و باور وجود دارد این است که ، برای آن که ما تمایل بدون اعتبار بدون بدهی ، راکد به عنوان زندگی خواب آور موجودات متعالی که در گرفتار منابع خشک شده ، دیوانه متهم ابرو وقاحت و اوقات فراغت . که ما را به چالش های جدید در فکر مشابه در واکنش های مختلف ، این واکنش گاهی اوقات غیر منطقی که در آن ما با میل خالص مواجه به ، را می توان با او تغذیه و قطعات به عنوان شل از خاک رس است که با هم هنگامی که حرارت داده می آیند انجام نیست .

حافظه دوم من است دقیقا عکس لباس در یک دست کت و شلوار جایی که من در همان لباس بر یک **Açoreira** از اولین تصویر است که در حال حاضر در اتاق من هستم ، من در ماشین من به یاد داشته باشید در حال سقوط از پله ها پایین از مادر بزرگ من که در آن بودند نوار وجود دارد در ورود به مگس استفاده می شود. من به یاد داشته باشید به سرزمین مادر بزرگ من تماس بگیری سرزمین مگس خر اضطراب زیاد یا اسب به طور مداوم اجرا بود. پدر من ، که صاحب یک ماشین آبی که فراخوان دوم من متولد شد ، داتسون بود. من " قدیمی " استفاده می شود به یک داستان ، تاریخ بگوئید به گفته وی، بین مادر بزرگ و من خر که او را اطاعت نیست، زن قدیمی بیت گوش او . امروز بعد از داستان که به عنوان خوانده شده شما را هر دندان سقوط نیست. من سینه مادر بزرگ من یک بار دیدم و در آینه بود زیر تخت از پدر و مادر من بود شوخی که دوران کودکی تا زمانی که بدترین کابوس حال بهتر بود ، کابوس من استفاده می شود به یک وحشتناک پایین جریان و به گلدان، فکر می کنمایم می تواند بدترین کاری که می توانید از کودک و مرگ در پایان به مرگ و فقط به عنوان قبل از مرگ و جاودانه که نور است که بین حرکت بدن خود بیگانه بین دو راه آسان تقسیم و نوسان به روشن ، اما نه زندگی رویا قائم در غم و اندوه و ترس از هیپنوتیزم سیستمیک است که تغذیه و توسعه . آگاهانه است تا شدید است که خاموش و حتی وجود دارد پاک شود. یکی صلیب روانگردان روابط دیگر در سر و صدا از رعد و برق شجاع که حمایت و بالا بردن ناهنجاری که از این واقعیت است که ما در سراسر این رعد و برق روانگردان تحت پوشش می آید . خوب در اینجا همه چیز بدون قدرت یا مقیاس سازگار باقی می ماند ، انتقال تنها بهانه ای برای ناهنجاری ، رعد و برق سیاه و سفید، در قفس است و عمیق از دلیل جذب دلیل آن را خاموش می رود ، دامنه **grunts** ارسال عجیب و غریب،

و حرکت بدون حداقل مخفی ، به ظاهر یک جهان از چراغ روانگردان است که کسانی که آن را فرار از اگر شما می خواهید و یا لذت بردن از لذت مبهوت رنگ تعصب های رنگ مایل را ، تمایلی به ایجاد و یا زیاده روی صرف پریشان . آغشته با روح فکر قطعاتی از واقع تکه تکه کسانی که جهان دیگری تصور کنید، به دور از اختلالات که ما را تحریک به عنوان زمانی که ما خراش چشم ، و یا به سادگی چشمک زدن می باشد. این جنبش بیگانه جنبش های دیگر می درخشد و اسپری ذهن دور و بی اعتنا به این واقعیت ساده بودن شلوغ و یا گیج کننده . تندر روانگردان است و در دور ارواح بدون آنها به آشکار و به همین دلیل نمی باشد. یک واقعیت موازی شایعات و ناسازگاری به عنوان جن وجود دارد ، و هیچ کس در اینجا می خورد شخصیت های عجیب و غریب و نام مستعار از قبل موجود است اگر چه در واقع وجود دارد. از این رو همه این است که غیر واقعی است داستان بی انتها است، اما و خطی اخراج ، **polígonas** هر چیزی، می ترسم ، می ترسم که در یک افق 5 ابعاد ، اما به احتمال زیاد و یا حتی موضوع را به هر صفت ، این صفت است که نیمکره ستایش اغراق امیز متعالی فکر می کردم. بدون گل و یا در رشته های از ایده های انتزاعی رشد می کند چرا ، بلکه انگیزه های متولد شده از شخصیت های که تا به حال دیده می شود، تزئین ، جنبش تقلید و مناسب برای لحظه ای ، اما همه چیز ساخته شده آگاه و حداقل محاسبه می شود. بدون محاسبات واقعی و غیر قابل پیش بینی است که خودانگیختگی واقعی است که پوچ به هر چیزی فکر می کنم وجود دارد. سخت کار کردن و خرد کردن سران زمانی بسیار دور که هیچ **bibliófagos** در برگ زرد و خورده شده توسط **desvanecestes** است و پشتکار ارباب حافظه منسوخ و ساخته شده تقلبی و برای اندازه گیری آن است. احاطه شده استقبال و بخندی و **rotulantes Abyssinians** توسط اندازه گیری دستگاه آنها بخندی در رعد و برق از اهل حبشه . خواست به کسانی که در نور از گذشته زندگی می کنند، کسانی که در حال مرگ از فراتر از حمله به بدن برجسته آسمانی در واقع اتفاق می افتد ، فوری . اما همه فنی، بیشتر یا کمتر شدید هستند، اما تابش انرژی است که سازگار نیست با گذشته ، حتی لحظه ای قبلی می باشد. خاطرات نتیجه منتشر می کنند اشعه مضر اما تحت الشعاع قرار نمی هر گونه فکر می کردم که اگر شما می خواهید به نور تا در هر لحظه ، حرکت و یا لحظه ای . برای گذشته تقاطع با حال حاضر، در حال حاضر ، حرکت ، دوم یا کسر ، اما نه تحت تاثیر بنابراین همیشه زمان قدرتمند نور جریان خالص وجد که کاهش مثل باد در صورت، چیزی که تا آن تکمیل نشده از قصد استو جنبش در سراسر لذت را به انجام و یا می شود، به دلیل آنچه وجود دارد و حساب وجود ماکلیک است که به سادگی به دنبال به جلو به نور از گذشته خود ، بیشتر یا کمتر شدید نور، عرق زندگی گذشته ، اما اصل حرکت باعث باقی مانده انگیزه های بدون ماسک هدایت نیست، دوم در حال حاضر نمی مانند که به سادگی خزیدن در اطراف چراغ از گذشته و چسبیدن به چیزی زندگی می کردند. خوب است که مترادف با آلودگی ، تابش بدون لطف ! از این رو هیچ چیز قوی تر از نور در آن زمان ، و در همه زمان ها با تمام قدرت خود است ، اما هیچ کس بهتر از هر کس است ، این ماده از مبارزه است ، و نه به من با این چراغ ذاتی آمده زیرا هر یک از ، خسته از اراده و تخیل و توسعه انرژی پاک و ایجاد، رنگ جادویی در خورشید زرد منعکس شده است. در واقع وجود ندارد نور زیاد است، باقی می ماند وجود تنها راه باقی مانده از شیوع بیماری ها و

راه متعادل به عینیت ، که شما می توانید ببینید وجود دارد. بنابراین واقعی وجود ندارد ، در نتیجه چیزی است که کمک می کند تا ما بالا بردن سطح آگاهی است . اما اشعه چه آگاهی است ؟ آنچه واقعا آگاهانه یا ناخودآگاه ؟ در اینجا یک مانع که برای بسیاری از حس به ایجاد و به درک تحقق نیست ، همه ما برای لحظه ای راند. این برای قرار دادن موانع پیش انگاشته و می گویند جریان غیر قابل عبور هستند ، که در واقع هیچ موانع در واقعی وجود دارد! همه چیز خیلی خیالی تمام در جریان همان توهمات زندگی می کنند است ، مقر ارواح دیگر که حقیقت تاثیر نمی گذارد ، زیرا وجود دارد، یا در واقع هیچ مانع بین میل ناخودآگاه وجود دارد همیشه حاضر در خودآگاه و که ما به خودمان رزرو، تنها پوچی ، بله موجودات آسمانی خیالی که زندگی می کنند به عنوان آن را می گوید در نور از گذشته ، با اکثریت که تصمیم گرفت که آن را به حال به وزن یا اندازه گیری ، اما بعد از آن دوباره که آنها به تداخل وجود دارد. مشاهده شده است و به نگاه به آلوده کردن تا زمانی که آن را تنها طبیعی است که این نور روشن است که آن را به زودی ما مطابقت بود. تطابق ، سختی ، جنگ ، به عنوان صرف باتری نگرش و مشکلات آگاهانه اما نه چندان indulgences خدمت عمیق به طوری که آنها طبیعی است. هوا، شادی که ما را احاطه کرده ، که ضربه زدن و فرار و به خصوص لمس کردن ، لمس ملایم به : بین طبیعی و متعالی است حداقل تاثیر وجود دارد از حالت طبیعی وجود دارد ما پوشاند و باعث می شود ما در سهولت و آرام احساس ، همه چیز طبیعی استکسانی که دوست پاف سبکی . انرژی در هسته مدیریت ، منبع قوی تابش در تبدیل با ما ، تغییر روانی ، اجازه دهید ما در نظر و سپس این انرژی هسته ای کرد. این نور پر جنب و جوش رشد می کند در انتظار است که در واقعیت می کند رنج می برند نیست بلکه به عنوان یک طاووس که ارتشاح ضربه کشف و ضبط و ما را به عمل به عمل یا عمل نیست، ضربه، این انفجار پویا و روشن است. از این رو ما را به استفاده از حداکثر توان در قدرت خود ، عوامل عادی که اصلاح ، ستون فرو ریختن غیر ممکن به عدم تعادل آن قدرت تحول است . و هیچ چیز قوی تر از تبدیل شود ، این تغییر در چیزی است که افزایش و ما را از آلودگی محافظت می کند. من به یاد داشته باشید گریه و عدم تمایل به رفتن به قبل از مدرسه در روز اول اما به خصوص پس از لذت دوستی ، بازی با دوستان من . طبیعی در بچه بیمار است که باعث تب بالا کابوس سفارشی ، که به زنجیره ای و پایین به دیگ سوزش اما با فکر دیوانه من رفتن به جهنم شد متصل شد اما به طور ناگهانی از خواب بیدار و در تعداد نهایی که ریشه ذخیره شد. من می دانم که از من هم یاد گرفته به تشخیص گرم از سرد ، با توجه به برادرم که دست در بخاری به گفته او در سردترین قسمت قرار داده و او را در داغترین بخشی ، نتیجه : فقط سوخته‌مچ دست راست که مرا به یاد 666 یا علامت وحش از روی کنجکاو و زمان آخرین گوشی من در 666. به پایان رسید - چیزی ما را متوقف خواهد کرد اگر ما می خواهیم به ادامه ، اما چرا متوقف اگر آن عمل است که آشکار و تولید احساسات، احساسات و محرک زمانی که به کسی پاسخ و واکنش نشان می دهد در است ، عمل مندوستان ، صبر و هوش را درک دیگر مقابله است. چرا ترک انرژی منفی به ما فلج ، اگر ما به عنوان کودکان بدون جواب بودند ، شجاعت عزیز من، کلمه نظم است که به قضاوت شود و خواهد شد که قاضی از دلیل، که می تواند طبیعی یا را که مورد نگرانی از اراده و fezada غیر طبیعی ، هر کسی است ! همه ما ایمان و من

انتقال برای تلفن های **eludes** عالم مطلق و این میل ، اما به عنوان یک چنگ که اشاره و موبایل پری دریایی با انعکاس و هم .هیچ چیز بیشتر از آرامش بخش گوش گوش دو بار تا آنجا که ما صحبت و سکوت عمل و ساده و بی تکلف نیست و یا کنترل نشده است ، چند مقاومت در برابر سکوت و وجود دارد به را امتحان کنید.حتی می توانید شکنجه می شود، اما بسیاری از سوالات ذهنی و عینی پاسخ ، سکوت رفاقت ساکت است اما می تواند به عنوان سلاح کامل غیر قابل کنترل ، آرزومند تکانشگری و تشنه ، کسانی که نمی توانند . کنترل عملکرد آرام و گوش دادن ، گوش دادن به سکوت در شما

من یک بار گرفتار یک پرنده او یک سیم گره خورده است به آهن هیئت مدیره اتو کردنی دارم او را غذا، آب را ... و درگذشت آن روز اسباب بازی زندگی من است.اولین بازی من برای گرفتن بازی نتیجه بد به برادر من پشت سر من باعث من به رسوب یک " گوشه " که در آن ترک خورده سر خود را تا زمانی که بافت سفید در مورد بود.من راه می رفت حدود 4 کیلومتر به بالا برود به کوه و سیگار کشیدن کنتاکیه \$ 12.50 این جلسات دوست من خوردند لامپ ، فنجان، که به نظر می رسد ، سیرک به تازگی در روستای گذرانده بودند .سال اول من از ابراز دوچرخه سواری تر برادر من بود ، دو شکست خورده به صرف چند آجر و فقط با بیمارستان طرفدار او گرفته شده است.تقریباً فاحشه باردار و پس از آن سرقت تیله ساخته شده **ferradela** در همان زمان در زمان که بعد خواهد بود دوست من و **ladrãozito** است که من درگیر برادر من انتقام مرا از من تا به حال احمقانه ترین برادر از زمین است.این دوستان بود به تولد من دعوت نشده است اما مطمئن ساخته شده به من برای اولین بار از لگو من ارائه و در زندگی منحصر به فرد.روز قبل از صمیمیت و همدلی 1 با یک دوست به مرکز جامعه محلی رفت و سرقت پنهان و این که چگونه من **ACE** ویفر گناه.این تنها آغاز است.سپس شروع کردم به بازی مخفی بهترین دوست مادرم می روم او به تنهایی در خانه بعد متوجه شدند که او وحشت زده بود ، و خواستار برای ما وجود دارد ما درب باز شود.دوستان با دوچرخه ، اتومبیل، تیله بازی، و دوست ماجراجویی ... به پایان رسید تا اتفاق خواهد افتاد در روز آواز خواندن در پادشاهان و گرفتن مقداری پول با صرف آن پس از آن فقط به یاد داشته **janeiras** باشید ارائه سوسیس و دیگر دودیمما در کلاس 3 تعجب و هر چند معلم جایگزین شد ، زمین بازی مدرسهدر با تپه ها و حفره های شن و ماسه آثار بود، اما من جرأت ، زمانی که من به آمد و جرأتمن در " **reguada** اتاق و برای اولین بار برای چنین جسارت می " منجر مقابل دانش آموزان در زمان از سوی قبل از معلم به من رسید ، دوم و ببخشند وانمود .در سال 4 من مجموعه پدر همکاران را پوشش می دهد ، به عنوان این مکمل که از امروز در مقالات آمده به فروش می رسد .من به یاد داشته باشید جادوگر برای اولین بار است که در آن برای قرار دادن مادر من به من و پدر من و برادرم در زمان و من جادوگر به دست زدن به آنها را در ناحیه تناسلی به من او جرات نکرد دیدم و انداخت نفرت او اولین بود که انزجار درطول عمر.من پس از وضع حمل به علاوه پسر عموی من و برادرم هستم و او سرد.به یاد داشته باشید و **primaço** فلویید صورتی - دیوار ، LP می شود یکی از اولین همدلی 1 تا ماه مه سال 1986 در کلیسای خاکستر شمشیر بند ،پیاده روی شدید با کفش های

تنگ بود در حال حاضر. این زمان برای شهرداری استارژا ترک است ، پشت دوستان و آشنایان به سمت چپ، کردم برای مخفی کردن خروج من همه با بهره مندی از ترک درست قبل از سال تحصیلی سال 4 توسط نامه پس از آن از معلم جبران که توسط سکوت من نقل مکان کرد ، من Pardiho تحسین نشان داد . وقتی که من به شهرستان استارژا من به بوده ام چند ماه ، آغاز شده در اینجا من روز به روز، من در آن زمان چیزی است که ما در من قربانی بود و می ترسید دانه ، حتی در هنگام سفر از خانه bulling حال حاضر تماس می ترسید اتوبوس مدرسه ، یکی که خوشحال بود وجود دارد " مرطوب سوپ ! " کار 1 که من به یاد داشته باشید شد شستن ماشین به پدرم و با تصویب لایحه در حال حاضر ماشین تحریر و او به من پرداخت می شود. من سال 5 با اجازه مخصوص وارد یعنی چشم پوشی S + مسئولیت امضا شده توسط والدین یا قیم من برای ورود به سال 5 در مدرسه ج چون هنوز حداقل سن نداشته است. رسیده تنها رول کاغذ توالی و رسیده Brodick می خواهید جهان برای متوقف کردن در زمان برای من را به استفاده از یک -fumava دزدی بانک ، و غیره ... اما در این سال من درجه اول من که در آن اشاره می کند که دانش ، هیچ چیز بد lugar آموز در کشور متقابل شرکت 1988-1989 مدرسه گرفتن در 15 برای کسی است که هنوز رشد نکرده ، بنابراین بیش از حد کرده اند به جست و خیز شبکه و به خرید سیگار رشد احساس . او بدون ترمز دوچرخه راه می رفت و کف کفش ورزشی غول همسایه بهترین SG در سیگار کشیدن اوایل من صرف به طور جدی من مدیون میخانه اوایل استارژا ترجیح بوفه و به در کافه تریا غذا خوردن نیست . من به یاد داشته باشید این مراسم تشییع جنازه 1 من حضور ترحم طوطی کوچک دراز دم من بود این حال زمانی که من به زمین loquat بال قطع شده است ... او رفت و به بازی در حیاط و صعود شروع به پریدن کرد ، شکست غاز ! در اینجا دنباله من آغاز می شود؛ من خوابش برد حتی گریه برای داشتن که حیوانات را از دست داده ، من به پایان رسید تا پیوستن به یک موزاییک و انجام دفن او وجود دارد. همه به خوبی نمی تواند یک گربه روز بعد به جستجو آن ! نتیجه شده از این داستان با یک سگ که برای هدیه ی کریسمس خواسته بود اما به ولگرد در خانه من پیدا شد به پایان می رسد ، استقبال می کنیم این " تکو " و به پایان می رسد تا در حال آموزش برای حمله به گربه هدف ، فقط تکو من برای کشتن گربه . من حتی با یک سنگ در بالای یک سبک تر از روی کنجکاوای ضربه و آن را شکست

در روزهای اولیه من از کار ، من در شیرینی سرگرم جایی که او کار می کرد، که چوبکاری ... او حتی روزنامه را به حمام به خواندن و یک یا دو سیگار با این حال در آن زمان نمی شود برادر و من گرفتار دودی منخواهر با ترس وارد به پرتاب بسته از پنجره به بیرون در ماشین . من تا به حال تجربه با سایه گرگ : از دست داده بود اما در بر داشت . حفاظت ، اما تنها با انتخاب . تغذیه مواد جامد شیمیایی مهارت و چابکی خود را و Caricuaو آب ضروری است. خلوص خود را " سایه " لایه برای ماجراجویی و فرود ، بود. به عنوان گرگ محافظت شد ، اما توسط نگرش به تنهایی، غوطه ور در تنهایی آشکار ، من جهان را به خود روبرو هستند و تفسیر آن Caricuaو . امروز که من ارسال گرگ دوستان بدون طبیعت وحشی خود را مستقل زندگی می کنند ، اما یک زندگی خیریه مبتدی

جایی که من فارغ التحصیل دارای خون جوان وفادار ، به Caricuaو واقعی ، جنین در خصوص صادق طبیعت بی باک ، در اصل شدید اما عادلانه و احترام از دوستان خود همراه و دوست . بنابراین سفر وفادار و همدستی همیشه با گرمی و سکوت تفسیر شده است . من زندگی خیابان " و شرکت . اما " Caricuaو می کردندبه اندازه کافی کوچک برای دیدار با سایه من گرگ شجاعترا دیدم و او گنگ و قانونی لینک محرم دوستان برای آزادی خود تاسیس شده است . اگر وجود دارد یک چیز گرگ به حال آزادی بود ، به تنهایی ، تنها بود ، او درخشان انرژی در راه خود را از بودن . با پارس extrahuman رایگان ! سایه گرگ کردن خود در استقلال وحشی خود از ژن طبیعت تحمیل کرده است . تصمیم گرفت برای به معنوی خود را به تنهایی در شب کریسمس با گرگ ، و یا به جای COD اشتراک گذاشتن در حالی که توسط یک ظرف رایگان در صدا متصل Caricuaو سایه گرگ همچنین به اشتراک گذاری نوشیدنی خود را . ما به تنهایی با انتخاب هستند fraternally ؟ البته ! اما آزاد به عنوان اشکال در طبیعت فکر می کنم . این یک هدیه است که من این بود ، اما او برای محیط زیست ژنتیکی ذاتی وحشی توسط Caricuaو کریسمس ، گرگ کروموزوم خود را به احساس ایالت آزاد خلوص از طبیعت خود کشیده . مبهم به عنوان راه زندگی اما پر شده با شهوت برای زندگی و لذت بردن از سوی تنهایی اما آزاد خود را به هر گونه محدودیت و یا تحمیل . من و گرگ سایه دوست هستند ، ی نامتعارف در راه خود را از اجبار از دیگران است ، ما رایگان در دست مادر طبیعت unconventionally اقدام است . و بنابراین ما رشد و آنچه ما ناشی ما نفوذ

نگاه عاشق پدر من و فکر کردم ، فکر می کردم که especado من به بیش از 10 دقیقه . حداقل او ساخته شده سر و صدا بود به برخی از مشکلات

من همیشه برادر من دوست اما او یک بار به من با مشت خود را ضرب و ، Pardiho شتم و زده هویت پدر من وقتی که من در لباس خواب های شهرستان خیابان استارژا فرار کرد و تا در حیاط خلوت در نزدیکی خاردار به پایان رسید . تا زمانی که من به حال برای قرار دادن در آرایش خروج معمول یکشنبه به علت علائم در چهره اش . او بدون ترمز راه می رفت و کفش ورزشی صرف گرفتن ، من به فروش می رسد دوچرخه شما را بدون لاستیک تنها با لبه سوار ارائه پدر بزرگ من و آن را به وزن فروخته جایی که من 300 دلار برای آن ساخته شده است . در این مدرسه من با دو منفی ، یکدیگر صنایع دستی ریاضیات پایان ، من هرگز متوجه آن را در کار دستی خیلی بد بود . به طور طبیعی توسط جامعه درگیر و آداب و رسوم خود را آغاز در سال 1989 بازی فوتبال تا پایان این حرفه در سال 1998 به عنوان ورزشی باشگاه ورزشی استارژا مانند تمرین فوتبال آغاز شده به عنوان مرکز رونق رسیدن به یک هدف 3 در زندگی حرفه ای طولانی من ، اما یک بازی بود . سپس آنها به عنوان بزرگ در مرکز موقعیت رو به جلو Ovarense آموزش برابر

عقب نشینی شد ، من به دور چپ سفر ، و سپس به وسط سمت راست و سپس مرکز به طور متوسط به دریافت حفاظت در مرکزی و مواضع را آزاد کند. آن را در پایان زندگی حرفه ای من به عنوان یک ورزشکار یک بازی ضد عادلانه بدنام هنوز ثبت نام به هدف 2 گل در روز من از مربی تیم به کاپیتان تیم و بازی هافبک مرکزی، یک هدف در آن بازی گذشته " شناخته شده بود ، ساخته شده تفاوت و فاصله از عمق به هدف مخالف با ساخت یک دروازه بان سوار . فکر گرفتن پین برای بازی های فوتبال به منظور " cuequinha " ایجاد نمایشنامه در این زمینه

در دبیرستان استارژا ، ضعیف با این مدرسه oano در 1990-1997 شد برای سرکش بودن حضور و سرانجام داستان که یک روز من در کلاس درس ، که توسط استاد تاریخ به عنوان داشتن موشک پاتریوت دوبله - که در masturbated آن زمان جنگ عراق ، به ناچار از سال 4 منفی رد . پرتغالی چه من صدمه دیده بود به این که Brodick دلیل که اولین و تنها در دوران مدرسه من بود. تصمیم به بازگشت به مدرسه سال اولسال تحصیلی 1991-1992 7 مدرسه ج Brodick در آن به حال سال 5 . پس از + به نام مستعار شود " ایدز " در میان همکاران ، در آینده به شهرت بد رفتاری ، با این حال موفقیت های مدرسه بود من اجازه می دهد عبور درجه ، در حال حاضر در ارتفاع هنگام آمده گفته شده از مدرسه استارژا اخراج شده Brodick مواجه چرا شما از استارژا به اند. سوراخ کم تراکم فلاپی دیسک به دو برابر ظرفیت از همان او را با مته دست ساخته بر روی " دوچرخه " به عمد به بعد تا Brodick شده، آمد به رفتن درس استارژا به زمانی که تخمدان ، سرقت آدامس و آب نبات به هاپیر مارکت . بهترین بازی من در زندگی حرفه ای من ساخته شده پس از مستقیم بود و در برابر باشگاه ساحلی بود تا و ن آمد به من MINETE " واکنشی خانه . من یک مگس در ساندویچ کره به یک دوست به نام قرار داده فیلم های پورنو برای اولین بار من تو را دیدم من شگفت زده ، یک زن دیک و جوانان " ، در زمان چیزی همان است که او را به یاد داشتند، یکی دیگر از مارها و مارماهی بود ، سفر به حال ترخیص کالا از گمرک Brodick صحنه های پدر من... در میان استارژا و را اما به عنوان اعتیاد به دخانیات بود شروع به تشدید به جای خرید پاس ... من CP توسط در حال حاضر در مرحله تنها به سرجاده ایستادن و باژست جهت خود را نشان دادن به تغییر کوچک برای توتون و تنباکو به ناوایی رفت خوردن نیمی از قرص نوشیدن یک آبجو جوراب با همکاران . در خانه پدر بزرگ من از راهنمای کار به ضرب گلوله Litrada و تقریباً به من رسید و شنیده وزوز از پرتابه . من یک بار ricocheted کشته و سرب به جشن تولد رفت، در حال حاضر شور و شوق از مواد مخدر سوزانده یکی لته و پس از انجام این باور در حزب خود را که حشیش بود سیاه و سفید تبدیل شده است. قبل از اینکه شما بروید قطار به نام خانه من دوستان و بطری شامپاین به سرقت برده به پدر و قبل از آموزش های آینده را چند بار به اخراج شود نوشید . یک روز یکی از دوستان خود چنین مستی که تا به حال به در بیمارستان بستری شود در زمان . پدر او آمد تا شکایت گیری من تماس در Aveiro بگیرد. در باشگاه فوتبال آموزش ویژه به حال ، این انتخاب تیم حریف ما از

جستجوی استعداد های جدید بود. انجام تمرین توانمند و این زمانی که آنها من را برای فدراسیون Aveiro 91/92 کردم و حتی قرار دادن فصل Aveiro آموزش در انتخاب به سمت چپ ، یک جایگزین برای یک descaindo فوتبال به عنوان یک مهاجم بازی، در پورتو 11-07-1992 در انتخاب زیر 13 می برخورد که در FC بازیکن که بعدها به با انتخاب لیریا پایان دادن به فصل 91-92 مواجه شده اند ، در اینجا Aveiro آن انتخاب در این بازی من تا به حال شانس من بود و به نیمه دوم به عنوان رفتگزارش شده توسط لیریا ، 1 " بازی در - 2 ، Aveiro - ، سه شنبه ، 14 جولای، Aveiro 1992 مجله زمینه با Aveiro در عوض حمام ، تیم " Jacinto مجموعه ورزشی میدان است. به Aveiro تحت سلطه ، leirienses عزم زمان دیگری . بر خلاف بخش اول که در آن اقدام را به حساب بازی و بهتر بهره برداری دفاع حریف ، به " دربارہ چهره" به نتیجه مور که به پس زمینه چراغ راهنما " Filipe . رسیدم گل تساوی بخش ، از طریق بازی، شناور در . من نمی دانم آنچه که من انجام شد در این بازی، من به یاد داشته باشید که رفته تا آنجا که به قادر به گرفتن توپ ، و یا بیش از حد کند بود و یا بسیار سریع بود ، ولی در نهایت می شود وجود دارد گل 3 از من فوتبال حرفه ای ، در این سال بود هیچ مسابقات بین تیم های ملی به دلایل مالی وجود دارد ، شما می توانید بیشتر تکامل یافته؟ شما هیچ وقت S Brodick + نمی دانید . بیا در سال تحصیلی 1992-1993 که کلاس 8 در مدرسه ج حضور و در حال حاضر دودی تمام فواصل ، آن را یک شورشی با رفتار منحرف بود. او گفت یکی از دوستان که در مدرسه نظامی بود ، من به در پشتیبانی از فرانسه با صندلی توالی بر روی سر گفت آن را به شما توالی بود آمده ، تا به حال هیچ شجاعت به چهره چشم پدر من تا بستری برای اولین بار ، گیاهان قبل از رفتن به خانه بعد از آموزش فوتبال برای اولین بار و آخرین بار من در زمان ضرب و شتم جویده ، بازی در آموزش ، آغاز شده " در زمان " و او را مورد ضرب و شتم و به او گفت برای من صبر وجود دارد که هنوز هم " در زمان بیشتر، و او منتظر ... تا سر من در برابر تار بود او تا به حال نام مستعار من اولین دیسکو در اتاق زیر شیروانی من به آن نام کو * . توسط یک . " Pardilhó نورگیر در بالای ساختمان رز و آمد به پتو بر روی پشت بام در میان چیزهای دیگر ، با دوستان من دودی پشم چندین بار ، با نونو یکی از دوستان من به من به لبه محدودیت در نزدیکی شومینه کردم ، جغد سمت چپ کهمن تعادل و باعث من تقریبا در حال سقوط از پشت بام بود خاموش . آبی اشعه آبی ری خشمگین حمله به من می شود فروزان انرژی است که در تعصبات و عدم تحمل که این رعد و برق آبی اعتصاب خواهد منافذ کثیف جریان می یابد. نور تولید شده توسط همه موجودات رول در دستگاه بدون شرم دشوار بودن پیچیده نمی ساختگی بی ضرر از . این نور لیزر است نافذ و نامرئی به غیب و توجه قرار گیرند ولی نفوذ . این یک نور روانی و کارشناسی ارشد در مفروضات نامربوط به چهار راه خود روانی است . علل کم رنگ و بی ضرر از طریق مکش پرتو آن از افکار مسموم و ایده های قبلی را به سم خود و پادزهر آن است. نور سقف ، دود که برس نور از ژنده پوش ذهن پنهان خاطرات در سر بدون جهت و عمل ، عمل بازگشت ، این موتور که سرد گام اندیشه کوره پر سر و صدامشاق در مورد . massificadora در رفته از آهسته و ناهماهنگ ذهن

زمان غیر فعال است و توزیع مغز و چراغ هیجان انگیز تحریک الکتریکی تشدید در توده بدن مسحور و فلج ، به عنوان یک قافیه. **Deambulante** در عجیب. این چراغ سقف در دو سر مهندسی پایان رسیده است. "**desencadeio** برخی از افراد میمون ، دیگران تنها زیر شیروانی!" دیگر چراغ که پنهان ورودی اصلی ، کاش زیر شیروانی نفوذ با خاطرات ، افکار ، زندگی کوتاه بدون علل عمده اما با بسیاری از خاطرات زندگی می کردند. خاطرات که به روشنگری ذهن برای همیشه باز یا در سینه بسته ، و نداشتن پول به پرداخت اجاره تا گسترش در زمان و **VHS** در به دنبال نوار **Ia ...** به تقسیم به ندرت افزایش خواب فکر کردن در مورد آنچه بود. من حتی نوار کاست ماه به جمع می یابد. در سال 1993 من شروع به خواهید را به پول من و بعد از یک تماس تصمیم گرفت تا برای یک اتاق بازی کار می کنند. در آن زمان او 15 ساله بود و بسیاری از مقامات که منظور از فضا و منع کسانی که زیر 16 از ورود نگه داشته دیده بود. اولین تماس با حشیش آمد و آن را بیش از 17 سال زیر معلوم شد مصرف بعد. در این محیط با واقعیت های دیگر تماس بگیرم اما تا کنون را تکذیب کرد و من حاضر استفاده از هرئین و کوکائین ، به عنوان بگویم که من در طول زندگی من بود به منظور یا هدف یعنی من ممکن است " استخراج " نیست، بلکه هرگز مصرف. نگرش نادرست نسبت به مصرف و در حال حاضر یک " هنرمند " معروف که مجری از پایان حزب سال تحصیلی از فینالیست درجه 9 در 1993/1994 بود.

ژنراتور ، ژنراتور و یا عشق ژنراتور دوست دارم چه سوخت این میل مجازی نفسانی ، و این لاینک احساسی شفاف بوسه و تشنه چیزی برای توسعه انرژی عاطفی و روابط برق حیاتی است. این ژنراتور تامین غرور و شخصیت های با چهره های پنهان در نمایندگی روزانه به عنوان در نظر گرفتن صبحانه، یا شام، و یا آب که تغذیه انرژی از روز روز به در واقع انرژی از عشق **enquadramo** ، ما **lacerating** بدون ماسک و یا افکار یا عشق به تولید الکتریسیته از انرژی و پر سر و صدا تیز و نماینده به نظر می رسد عشق و تنهایی که زندگی توسط یک کابل که هرگز خاموش ، قدرت فساد تغذیه ، مادرست است، برای همیشه! همیشه تمایل تشنه برق به نگاه و به صبر و حوصله اختراع یکنواختی از روز و مایل چهره است که نشان دهنده چیزی در محیط های الکتریکی سیم شل. مبادرت به تخیل از موتور ذاتی و واقعیت های پیشگام اما با تماس با لحظه های تخصصی تلفن. تماس با به عمر موتور ، موتور ضروری است، که واقعیت اجماع از زندگی و نه در حال حاضر ، اما غافل از دیگر واقعیت تقریباً غیر محسوس به میل آگاهانه باشد، اما از آن است که وجود دارد! همیشه به معنای فرصت فوری حاضر وجود دارد ، به طوری که رسانه را نمی توان آبی ، نمی اسلاید در افکار ژنراتور عشق یعنی و منابع در دسترس است. در مورد عشق ژنراتور است که همیشه در کمین نشسته است و هر محیط غیر مجازی دیگر و کنترل این بسیار بودن از غرقه شدن ، و سپس می توانید خود را از لذت آن را تولید محروم نیست، و در این چهره همیشه حاضر از قطعه روحشما همیشه می خواستم برای **proliferates** خفه کردن. از آنجا که شما نمی توانید از هر قطعه دور ، به عنوان انرژی یک و چند فرهنگی در حس خود را از رضایت ، رضایت است که توسعه واقعیت های مختلف ، برای

ما مجازی و خیالی هستند ، تنها در حضور دیگران و یا خود را در آینه قدرت نظارتی جدید در ذهن مخفی استنوترون ، که این حیوانات واقعی نور هستند . اژدها روشن می تواند مشتعل **MIME gleaming** و جریان را از طریق ما و ما زنده روزانه به ما می دهد قدرت و موجودات و سیار ، بله !واکر ، زیرا ممکن است نیروی نور و یا ظلم و ستم بیمار و نقاقت که به واقعیت دوگانه و سرکوبگر توهین .در مورد این قطب منفی فعلی نفوذ ناخودآگاه و نه ، تغذیه شما ترجیح واقعیت **abatas** کاهش درد عمیق از شخصیت مهم مخالف شما متعالی و مثبت از مواد شیمیایی و فیدر شیمیایی مدارهای ضد روح نوآوری و دستاورد ، دستاورد که اینقابل انتقال نیست به عنوان فیدر نژاد کوره در رفته به سوی هیچ لذتی ، اما ذهن کشیدن به امواج فکر و انتقال این .انتقال افکار واقعی است و توسعه مدارات و هیچ کس نمی تواند انکار این مدار دارای اسپرد فعلی در هوا بی انتها از احساس و لذت مظلوم چون ما همه شروع به محرک های خارج از بتا بلاکرها اما که موجب افزایش تشنگی ما برای زندگی است .بنابراین این انگیزه تفکر ما تاثیر می گذارد و گاهی اوقات درگیری رخ می دهد و یا در فکر توسعه ، اما که می تواند شادی را ، که هیجان پروتون خواهد به واقعیت خارجی منجر شود .نور آبی باعث احساسات قوی نور آبی که اجرا می شود از طریق پل ها و پله ها و ارتشاح قدرت احساسات که تغذیه شوخ در حال توسعه این پتانسیل که استقبال فوق العاده حساس زیبایی تیرهای خود را از شفافیت دوستی سخنور که به دنبال یک کمی " آبی " ، قوی تر ، شدید، و توسعه در ایالات متحده صور فلکی با انشعابات عمیق این قدرت را تحت تاثیر قرار ذهن . **Hertzian** احساس می شود و بیگانه است که موج مایل ببیهره از احساس زندگی ، فیروزه ای موثر بر دوستی عمیق و پایدار ، آن خود حمل پرتوهای جادویی از جنون و لذت دوستداران زیبایی نادر و نیرو .موضوعات شدت گرگ و میش او توسعه و انرژی و محافظ گرم از شر انتقال و دلخوشیها با درد شدید و سکوت ، نه، و ما را به تفکر انتزاعی آن اشاره شد، آن است و نه یک **eludes** نه یک ماسک که ما نور قوی و تشدید لذتتحقیقی و موهومی ، اما آن را تحت تاثیر و که همیشه او را تحت تاثیر قرار به حرکت و اجرا محدودیت برای دوستی ذاتی و پایدار .او در عشق سقوط و چگونه است که ببیهره از دلیل اما سرو غذا برای احساسات ، می آید و لذت به ارمغان می آورد و شهوت دلخوشیها ، که لذت کالری است و حمله همه در شور و شوق این رنگ اولیه نهفته تجمعانرژی که با گذشت زمان خالی است اما این بدان **abrocha** است که به پایین و رول در این آینده ناپدید می شوند نیست ، یعنی همیشه حاضر ، محافظ، اجازه نمی ما سطح از لذت روشن غیرقابل کنترل تکامل.

در سال 1994 شروع کردم به برق یادگیری و ناشی یک نام مستعار به این به این دلیل من یک شوک در " **Faíska** " عنوان من هنوز از سوی برخی از عنوان یک موضوع شل گرفت و در پایان هیچ جریان الکتریکی وجود دارد شناخته شده وجود دارد .من شروع به حضور در شب و سپس در اولین بازدید در سال 1994 به تحت الشعاع قرار دادن دیسکو، من " گرفتن - فنجان " من هنوز هم به یاد داشته باشید که روز پس از ساخته شده یک آزمایش تنفسی و در نتیجه قبل از عامل آن بالاتر از 2.0 بود .امشب فوق العاده بود ، من فقط برداشت بطری همه دیسکو و به توسط یکی از مدیران خانه با سر خود

را انجام ، و من در خانه سمت چپ وجود دارد ، آن را به یک جای تعجب است که در سال گذشته از تابستان تحت الشعاع قرار دادمن به پایان به عنوان دریافت شدمتصدی بار انجام عکس و بار من به جای وسط شب که دیگر نمی تواند ایستاده اند. من پیشرفت به سمت چپ و من تخمدان ، در سال تحصیلی 1994-1995 در 10 سال پیوست مدرسه منطقه ورزشی بود. فیزیکی و ED ، همیشه بدترین از نظر fragateiro از Macedo جوزف ورزشی این نیز به دلیل رفتار بد من بود، من حتی یک گواهی پزشکی در عمل شنا از ارتفاع با اشاره یک واکنش آلرژیک به کلر ، اما آنچه که من نمی دانم شنا بود ! یک تیم فوتبال است که برای آنها برای جذب سرمایه در منطقه تجاری استارژا بود به نام " لس عبور در PJ و آمد داشت. با مستی به من از طریق peidolas یا " bufons با دوست دیگری ، مراحل قبل از شواهد جهانی در ثانویه انجام که در آن " Aveiro زیردریایی " آجو و مخلوط کیک در شوخی شد.

در سفر از فینالیست در شاخه فرعی رودخانه سوپر مارکت دامن با محبت به دنیا از آجو است که ما او را به آپارتمان که در آن ملاقات - ما پایین صفحه از بطری های خالی آپارتمان من مست furadouro گفت: در زمان به مناسبت سالگرد دوست دختر من در زمان کردم به طوری که من به پایان رسید تا به خواب رفتن در جدول هنوز هم تنها آمده سوپ بود و وقتی که من انداخت تا جدول بعد از شام به من سوار خانه بیدار و من می خواستم به یک حزبو نه در خانه به من هجده دیدم فیلم رگیابی همیشه شوخی بسیار زیاد به دلیل مرد شیرجه رفتن و اغلب صحبت با مادر بزرگ من turds به یک توالی و به دریایی از من ETA دوست داشت با آنچه از من می آید صحبت این است که گه این است که مزخرف ثانویه ساخته شده است که قلدری حتی بالاتر از آنها حتی تهدید آمیز شد در مراسم عروسی برادر من با 3 بطری نوشیدنی و بسیاری از عکس و پرده صبح امروز پرتاب کردن برداشت . من قهرمان برای تیم لقب " چچن " در مسابقات فوتبال پیشرفت من و در حال ادامه 1995- Fragateiro از Macedo خوزه th حاضر در مدرسه کلاس 11 درجه اما با ریاضیات و شیمی فیزیک بازگشت دریافت 1996th می تواند انتقال به 12 شد ، هرگز آنها را بهبود می یابند. من از یک کلاس از پنجره شروع به پریدن کرد و راه می رفت را از طریق درب می گویند که او به معلم حمام بود که مدیر گروه گفت که پدر و مادر من بگویند و من استناد است که مشکلات در خانه به حال رفته بود. با این حال سوار در حال اجرا و بیش از حد از عضلات شکایت و بعدها در مورد فتنق در سال 1996-1997 عمل شود ، پس از شکست خورده یک سال است بلندی خدمات نظامی که بازرسی نظامی در نظر من نا مناسب، شکایت به من که نمی تواند اجرا به دلیل آن صدمه دیده پاهای من . این bulling یعنی مفاصل از 3 فیلتر . شرایط turbos ساخته شده است که دوستان سه بودند. ترویج جلسات به 4 و 5 ETA ناشی موثر بر گروه " پشت " مدرسه هستند که لقب نفر در شهرستان از ناهار تخمدان ، حملات واقعی در آزادی بیان و مهمانان که با بهترین اعلامیه سالن شهر استارژا ، . coagíamos نونو متحد من جمع گروه جنسیتی معمول من رونویسی : او به عنوان یک مانیتور در برنامه شغلی برای کودکان از چرخه 1 از آموزش و پرورش ابتدایی " تعطیلات فعال" در طول ماه ژوئیه ، اوت و سپتامبر 1997.

در خدمت "من تایید می کنند که خدمات ارائه شده به طور گسترده ای شناخته شده است و هر یا شایستگی از کار را ستود. در سانتارم پس از گفت **demostrados** دو علاقه و تعهد او از رفتن به نمایشگاه شد رفت خانه برخی از دوستان از آمدن به را گوز و به تمام من جایی **th**محو داشتن پرتاب کردن بوکسورهای پنجره تکرار در سال 1997/1998 سال 12 که من برای گسل فداکاری سرزنش می کنمانجمن دانش آموزان که در آن سال آغاز شده رانندگی. صبر کنید و او سوار خوبی که مایل ، که مایل پریدن، پرش و سیگار کشیدن در راه بود بدون اسکرول اضطراب مقصد با سن متفاوت است اگر چه همیشه در حالت زندگی در انتظار چیزی، ما همیشه می خواهیم چیزی، همه چیز **ansiosíssimo** را در ما به عنوان اعلام می دارد غیر ارادی خود را. این سال من پیشنهاد رای زیر آماده : در این انتخابات انجمن **candidatamos** آن با عزم راسخ و احساس مسئولیت است که هدف ما ترویج فعالیت . **Fragateiro** از **Macedo** دانش آموزان دبیرستانی خوزه های فرهنگی و تفریحی به شان و مقام این مدرسه ، بد از آن نیاز به اعمال داخلی و **PROM finalistas** خارجی. برای رسیدن به این هدف ما پیشنهاد می کنیم : - تحقق ترویج روز فرهنگی و ورزشی اختصاص داده شده به کل جمعیت دانشجویی ، از جمله در هفته جوانان، مسابقات فوتبال، بسکتبال و والیبال (مردان / زنان ..) . آماده ماهانه ، به مشکلات اطلاع تشویق ایجاد یک بحث - **society** منظور تشکیل و دانش آموزان از کسبفوتبال میز بلیارد - هفته جوانان روز با **associados** روزنامه مدرسه - آموزش فعالیت های مختلف - ایجاد ارتباط با " متوسط " به منظور ترویج فعالیت های مدرسه ما ، و به ویژه طرح های انجمن دانشجویان است. فهرست " ما در رای خود را به حساب " - این توزیع کاندوم توسط **vocês.na** لیست انجمن شما است - به مرد برای مبارزات انتخاباتی دانش آموزان و تماس با مرکز بهداشت برای بحث آینده که نمی آیند برای تحقق بخشیدن به همین دلیل است که نگه داشته مرکز بهداشت خواست دانش آموزان ماندن کلاس های خصوصی برای حضور در . تحت شعار مبارزات انتخاباتی، " به مرد برای شما! " را دنبال مراحل ما " و حتی " پخش موسیقی ما، " با پوستر حزب سوسیالیست که این کمپین با ارائه ستاد خواست کمک ، و یا به شبه نظامی پشتیبان حزب، ورق های شبه نظامی توزیع شد اما نه یک شبه نظامی به دست آورده است این نیروی سیاسی از انجمن ما . همانطور که برای پروژه های دیگر هیئت اجرایی خرید فوتبال میز بلیارد و می شود نیمی از 20 پوستر که هزینه هر مسابقه . در روز افتتاح و من نقل قول : پس از انتخابات در آخرین 1998 ژانویه 14 بین 10 و 20 ساعت گذشت . شرکت در دو فهرست ، و ب که نمایندگان ها در روند درخواست تعیین می کنند، با ثبت نام که قانون محل در محدوده طبیعی صورت گرفت. پس از بسته شدن پای صندوق های رای ، که 740 دانش آموز رای دادند ، ما اقدام **A- 507** رای لیست **nuilos-** به شمارش آرا . دادن نتایج زیر : ده رای سفید پانزده رای با توجه به رای لیست برنده کلی در اولین میدان رو در اختیار **B** رای لیست 208 دور توسط اعطا شدن انجمن رای دادند در سال گذشته که زیر فراهم می کند یک ارزیابی از انجمن در رابطه با سال تحصیلی 1900 و نود و هفت . پس از این سخنرانی هیچ تعادل مثبت به نظر می رسد نیست. همچنین باید توجه داشت که ارتباط قبلی است در میراث خود یک

میز ، کابینت فلزی، صندلی ، نیمکت و دو بازی شطرنج (ناقص) ویبولیتین هیچ چیز دیگری برای اضافه کردن جلسه که این دقیقه تا کشیده شد به پایان رسیده که پس از خواندن و تایید خواهد شد اعضای حاضر را امضا کردند. روز پس از مبارزات انتخاباتی شکایت ناشناس در گردش مدرسه ای که من کاپون شیر شاه و آل ملقب شده بود به دلیل گاهی اوقات به من از طریق شخصیت های مانند در کلاس رفتن است ، چیزی که پیچیده به سمت من است آن را نیز توسط هیئت اجرایی دیده شده عنوان یک مصرف کننده حشیش و با توجه به تخمدان تحقیق و هیچ PSP یک مدرسه ، روانشناسر دسته .در پایان سال 1998 به تحقیق پلیس شکایت ناشناس من پسر رئیس جمهور از اتاق استارژا بود و سر از یک شبکه قاچاق بود باز می شود .حال فقط سیگار کشیدن مشترک زمانی که من وارد تسهیلات پلیس ، مصرف را تکذیب کرد و سعی کرده بود و دوست نداشتم ، از سال وجود دارد دیگر تماس و یا اطلاعات در مورد بازجویی من در آن تخمدان تیم ملی بود. این سال در پارگی کیسه آب تحت سوء ظن و اتهام عدم پرداخت که شام، غیر اخلاقی دلیل آن را در روز بعد با کار 1 بهترین دوست من در زمان پرداخت شد ، لیست که اعمال سال بعد نگران بود که ما نمیما شام ، که ساخته شده بود، شایعات پرداخت می شود. ژانویه 98 من در هفته آموزش و Sampaio خود به ارمغان آورد .خورخه EXA پرورش دعوت می کنم ، خاطرات Aveiro رئیس جمهوری که اختصاص داده یک عکس با از خود گذشتگی " به گروهی از از ، با آغوش دوستانه" Macedo خوزه fragateiro ، به خصوص به و از مدرسه هفته آموزش 1998 ژانویه 24 - رئیس جمهوری ، ناهار ایستاده بود در موزه برق که در آن استقبال رئیس جمهور. در همان سال می آید فرصتی برای کار در دیسکو در ، وجود دارد به عنوان یک متصدی بار سرگرم مهمانان با furadouro pildrinha بطری و ترفندهای دستکاری که را به ذهن متبادر فیلم " کوکتل " یک شب بود که همه به بود باور این حتی پس از بیدار flamed من بلات و من تا به حال این حس که دیسکوتا وقتی که من همه پرتاب تاری هستمشورت بیرون از پنجره ، برچتر کافه سقوط ، روز بعد مادر یکی از دوستان من برای بازگشت به لباس زیر در حال حاضر شسته و گفت که استنشاید از بالا افتاده بود. این مشترک به نوشیدن 2 بطری از طلایی اعتصاب یکی از ابلهنت همراه با شریک زندگی من بود. تا در یک مهمانی من خدمت مشتری در مقابل رئیس و شروع به پر کردن عینک گسترش مایع در سراسر ضد و بلافاصله اخراج شد. به طور خلاصه یکی از مدیر با مشتری بود و من در خدمت آنها دو عکس از گسترش همه چیز او فقط گفت : دریافت از اینجا !و به این روز نه بیشتر به این مرد صحبت کرد. من با حضور عروسی بهترین دوست از برادر من، من علف هرز در حمام دودی و من مست کردم به طوری که من بر روی میز قرار داده کفش و ساخته شده تلفن همراه. شب همیشه عینک و مصرف حشیش استفاده می شود به ارسال فرمول انیشتین در مدرسه همراه را پوشش می متصدی بار چند ماه به خدمت فنجان در اینجا بود - monho دهد نوار 1998-1999 نهایی حزب ، به طور معمول ققنوس دیسکو همزمان او 900 نفر periodo. متوجه 2 اولین دوش زده 700 نفر در برابر نزدیک به 200 نفر دیگر در حزب monho در رقیب زده شد یک موفقیت است. پس از حزب و جو در زمان تمام انجمن ناهار خوری از

این دادن نیست ، پول بیشتری برای حزب . این monho عناصر از پرداخت صاحب شام ، کارگر کارخانه که در آن من دو ماه به PHILIPS سال من تخفیف کارمند من به عنوان Uniteca / نزدیک به دو هفته از غیبت کار آغاز شده است. در آن زمان در کار کردم .متصدی بار / سرگرم کننده با ترفندهای دستکاری من در Quimigal dacasca دیسکو رفت اینجا بود که مصرف اول " قرص " من در دو شکست و در روز های مختلف نیمه به نظر می رسید که هیچ چیز من به سرعت بدن، به عنوان مثال بود در زمانی برگ یک مجله و هر چیزی به عنوان خوانده شده یا به خانه و قرار دادن موسیقی و از روابط عمومی dacasca گرفتن همگام . این اولین و تنها تجربه از آنها بود. در دیسکو و امنیت زمانی که من رفتم برای یک روز دیگر از کار نگاه من که من دیروز با بطری گفت و دستکاری من سر یک مشتری که ترک ها را به بیمارستان رفته بود برخورد کرده بود در روزنامه ، بعد از آن همه همه دروغ بود و من بر این باور بود . برای تاخیر از سه ساعت من با دوست دختر گرفتن وجود دارد بود و من با چیدن عینک جایگزین هستم و اخراج در نقطه . باز یک نوار جدید در استارژا من در سال 1998-1999 به عنوان یک قهرمان متصدی بار / دربان از نوار بوده است ، یکی از آن شب به من قرض بدهید یک کتاب در مورد "درب " و مرگ "آمریکایی" توسط او و کتاب من آموزش جمع آوری شد. من آمد به سپرده 100 دلار قادر به بالا بردن \$ 1000 ... به مدت دو سال به عنوان یک سرایدار و حتی سوخته درب با موتور سیکلت بنزین ، اما هرگز به طعنه و یا درگیر با هر کسی. سازماندهی یک شب سال نو 1998/1999 در قهرمانان نوار و دوستان تمام کاربران نوار ترک قبل از نیمه Mando . سازمان تماس تمام دوستان برای سال نو شب در نهایت ترک نوار و سال نو . من به نوار سنگ تخمدان جایی که من توسط تبلیغات در استقرار به رویداد دیگر حمله می کنم ، شکایت با پلیس مراجعه و آنها را به یک نوار که در آن به آنها گفته شود که از ضد آدامس تنباکو در داخل ، کذب محض راه می رفت بروید. من برای رفتن به دادستان اما من دنبال نشده است تا در مورد عدم شهود. در شب سال استارژا و ایکانت یک برنامه است که در آن AV . Salreu نو 98/99 - قهرمانان نوار سوار : 12 سازیموسیقی زنگی در یک شب [و روز] ... دی جی در اقامت کنترل دی جی مهمان سرگیوسویکی و نا شناس . در وسط این حزب و به منظور لباس من به خانه به حزب و دوستان من نشان می دهد تا ، قرار دادن همه مشتریان از نوار که در آن او است که پورتر شب پایان سال بود. در فکر به سوال منظور از الفبای قرار داده و به فکر می کنم که و یا آبا بسیار پیش رو بود من فکر می کنم ایجاد یک سیستم امنیتی در میان مردان نوع AB حرکت و یا لمس و احساس یکدیگر و راه رفتن در تمام سرعت برای دیدن که شر و یا رنج می برند و کمک بود. سازمان دیده بان تلویزیون و من فکر می کنم شامل پیام ها به ذهن کانال را مشاهده کنید و من فکر می کنم آن روز خواهد شد جایزه نوبل را دریافت FTV من . من یک بار فکر می کردم می شود خوردن اعضای بدن انسان و یک فروشگاه مواد غذایی به کیلو آن روز فکر می کردند که شیشه های شکسته در خیابان الماس بود ، به تماشای فیلم زمانی که من فکر می کنم بازیگر فیلم Aveiro قاپ زنی / خوک و الماس در فیلم در است ، شروع به حذف کفش و گرفتن در داخل و خارج از سینما، آن فیلم من بود. در استارژا

فرار در آزادی نهایی به نزدیکی رودخانه عمل و از صعود به درختان فکر می‌کنم ، نیمی در رودخانه و من فکر می‌کنم من یک نابغه و آقای هستم . رئیس جمهور metho بدن جمهوری است من مشاهده ، من با گاو چرا شد و سعی کنید به ارتباط برقرار به شما افکار من . من فکر می‌کنم آنها به من سرقت ایده و من می‌خواهم به انجام آسیب ، من شروع به احساس چیز عجیب و غریب، به من منزوی ، چیزهایی مانند گردان کل اتاق ، خواندن کتاب روانشناسی به تلاش برای درک آنچه اتفاق می‌افتد به من شد ، من به شروع عهدیان ، توهم از آزار و اذیت ، و یا که او در حال تماشا شد و یا با تلویزیون یا در روزنامه ها از روز کنترل ، آمده به فکر می‌کنم که پدر من به من خرید یک نوار ، و آن را بزرگترین در جهان بود ، تنها ساخته شده چیز عجیب و غریب که منجر پدر و مادر من به طور جدی در این داد و آتش نشان هنوز هم من را به بیمارستان که فرار GNR و بیداد به طور کلی کسی تماس که به من بگویند یافت GNR ساعت بدون هدف راه رفتن تا زمانی که من توسط ارتش از Aveiro هستم ، " ما فقط به دنبال برای شما " حمل و نقل نگرانمن را به بیمارستان در پس از آن به اورژانس روانپزشکی کویمبرا گرفته ام. گرفته شده توسط آتش نشانان بسته به پس از مکالمه من فکر من تزریق با دختران پس از مشورت با رئیس gurney روانپزشکی را و من خواهد شد، اما تنها در زمان تزریق ... وقتی از خواب بیدار شدم من در یک اتاق از بخش روانه‌ستم ! فرار ، من در زمان تاکسی و به کویمبرا رفت که در آن استارژا گفت راننده تاکسی به صبر و رفت و به مادر من هشدار می‌دهند ... روز بعد من تمایل به قرص های ارسال شده توسط روانپزشکان نمی‌دانستند آن هدفمند به احساس بد بود هستم ، درخواستمرا به بیمارستان منجر شود، بیش از 20 روز تحت سیستم خویشنداری به intermarche فیزیکی است که با یک تسمه به تخت بسته ماند ادر استارژا استقبال نظر می‌رسید به من یک دعوت نامه برای ورود به یک خانه همسایه ، من آمد برای ورود گفت که GNR به باغ فکر آنها را که من یک دزد بود و حتی موفق به شکایت اما پس از . او حتی به دنبال من و من در زمانه بیمارستان

این خروج وجود دارد مقایسه به زلزله در زندگی اجتماعی ، گرفتن تضعیف در سال های آینده ، من آمد به ترس از قبیل : رفتن به کافی نت ها، بیم آن دارند که جام افتاد و مردم در . نام من نظر

در سال 1999 بود توزیع الکترونیکی و ثبت **escriturário** چگونه 3 ، توزیع ماشین ایمیلحتی بدون نیاز نامه، در **descolorei** نام از مجوز در مو زمان سفر بود ، می‌خواستم به احساس اولین بار یک **KM / H** محیط کارخانه که در آن در 30 . ماشینگرفتن به تصادف کرد و تونست سپر و حتی تا به حال به توجیه

من خواب نیست، زیرا نمی‌خواهند به خواب من می‌خواهم به اینجا زندگی . می‌کنند و نه یک مانع نگه می‌دارد که من بیدار من آن را با بی‌خوابی مواجه هستند

من در مدرسه شبانه روزی لوئیس دکاموئش ثبت نام، پرتغالی دستورارزی Ipz از 11 ارزش ها و مسیر های واحد اعتباری از آموزش متوسطه اصلاحی آغاز. بیانیه، توابع انیماتور اطلاعات اعمال مانند بورس های تحصیلی، از 1999 مارس 1 به 2000 فوریه 5 به مدارس رفت و به تبلیغ رفتارهای سالم برای جوانان. من شروع به دیدن پورنوگرافی آنلاین و به تماس با چت. " در انجام وظایف خود علاقه مند و پویا بازی به طور کامل وظایف خود، به ویژه بود، کاربران خدمات، انتشار اطلاعات مورد علاقه "جوانان، به روز رسانی از پشتیبانی از اطلاعات و تماس با موسسه پرتغالی جوانان، مارس 09، 2000. من به تتریف رفت به تنهایی در روز گذشته شروع به در Aveiro - Mamede مورد زن از زندگی من فکر می کنم و می نویسم 3 کارت با نام راکوئل پرتغال و آخرین روز من یک تماس تلفنی در شاخه فرعی رودخانه او را Bombarral دریافت شبیه سازی بددر دسترس همراه با دوست دختر در آن زمان من به آپارتمان با راکوئل داشته باشد و صرف چند ساعت من خودم با سابق پیدا کنید. دوست دختر برای قرار دادن یک عاشق ثابت در زنگ و ببینید یکی از دوستان من پریدن از یک بالکن به دیگر من هشدار از سابق. از آنجا که لحظات گذشته او شروع به پریدن کرد بیش از حد و به من آمد من به اتاق از آپارتمان فرار و در زمان من تحت ورق از بهترین دوست من مخفی و او آپارتمان she'm: بود و منورق اینجا را ترک کرد و گفت Filipe پرسید که در آن بازی، من را از طریق خیابان آمدن به شما منتقل ترفند برای رسیدن به او را آرام تعقیب فرار کرد. من می توانم دبیرستان دیپلم 1999/2000 متقاضی با درجه نهایی 16 امتیاز - تخمدان 2000 دسامبر 11، حال اسکن در منطقه میان رشته ای نیمه چپ و سپس به بیرون رفت در اینجا نتیجه گیری ارائه معلم دیگر، صرف دو روز برای رفتن خود رادفتر عذرخواهی برای عدم صداقت باعث می شود بررسی بیشتر و توجه داشته باشید 20 اختصاص نمره حداکثر برای معلم معمول 16 امتیاز بود. من یادداشت از 11 به پرتغالی، انگلیسی به 15، 15 به فرانسوی، 17 منطقه میان رشته ای 18-18 فلسفه و علوم کامپیوتر، کپی کردن در امتحانات تا گرفتن تصویب البته کردم. در حالی که تحصیل در نیمه ماه کار کرده هتل رسمی با رده حرفه ای از " کارآموز پذیرش سال 2 " از روز 2000 فوریه 8 تا 2000 مه 31 " دانش به دست آورد در این هتل در پذیرش بخش / دربان رفتو نوار. در سراسر این ظرفیت بزرگ دوره برای یادگیری، از خود گذشتگی غیر معمول و احساس مسئولیت نشان داده است. ما ستایش در دسترس بودن شما و ارتباط خود را با همه ما. اوار در اتاقهای هتلخواب احزاب در نوار حال و در شرایطی که کسانی که 00 / 28/07.aqui مسئول به استخر رفت. حال رسیدگی انتظامی برای حمله به نوار همکار به دلیل این به من احساس کاهش زیرا او می دانست که او در روانپزشکی بستری شده بودند. سپس من به imavizلیسبون رفت و یک کار ضد کارمند در یک کافه در مرکز خرید کردم بود عادت حضور در یک کلپ شبانه در مرکز خرید که در آن او تا ساعت اندکی 2000 رقصید تصور خودم بهترین رقصنده در زمان با من یک بطری به حال به حال که استنشاق قبل از ورود به کار مانند بو و به آسمان نگاه در مقابل هتل popper'so شرایتون، این بطری تجربه 2 من با مواد شیمیایی بود، اما رفت و برگشت به آن را انجام

دهد نه بیشتر من این در زندگی من سعی شرکت در کارکنان استارژا کارناوال 2001 - سه روز قبل از چهارشنبه توبه و یا هیچ چیز! سه روز قبل از چهارشنبه توبه و یا هیچ چیز! سه روز قبل از چهارشنبه توبه و یا هیچ چیز! سه روز قبل از چهارشنبه توبه و یا هیچ چیز! سه روز قبل از چهارشنبه توبه و یا هیچ چیز!

اعلامیه سالن شهر تخمدان - بخش فرهنگ ، کتابخانه و میراث تاریخی است. این است اعلام مه 30 در خدمات خدمات 2002 to کرد که او برای یک دوره ثابت 2001 اوت 6 برگزار موضع معاون Dinis مشتری به کتابخانه شهرداری از تخمدان و موزه خولیو ساخته شده است که حس مسئولیت و تعهد "Ovarense اداری ، بر اساس قرارداد - خانه " اسناد کتابخانه به حال ساخته شده و ناپدید می شوند ثبت نام از " موارد نا امید " 2001 - بین لیریا لیریا و نبرد است شکایت های رادیویی از یک راننده کامیون GNR بیمارستان ماشینبه صحنه rebocarem پس از BT وجود دارد که قرار بود به هم زندحمل و نقل، به نام می گویند هیچ پنالتی ، تشویقها تماس وجود دارد و من به بیمارستان در لیریا دستبند دا ملکه فکر تک تیر اندازها و افرادی که از پنجره به 7/12 در Caldas منجر شود. در تماشا 26/11 را ببینید. پدر و 2001 - من هیچ نامه ای D سال 2000 در نوزاد بیمارستان با وسیله نقلیه اما هیچ حرف و هرگز به بازگشت به منجر دریافت DGV بازگشت به خانه نامه ای از دادگاه مجازات من با جریمه نقض بسیار جدی (بدون حداقل) دوره لغو 30 روز است که با او و می گوید به دیگر به دلیل است که قانون به رسانا به کمتر DGV ، رانامه از 2 سال است. من حتی اتاق و فکر من که تا به حال دوربین فیلمبرداری من و او که توسط جاسوسان را تماشا شد رول. در لیریا فکر می کنم اینترپل سوار به کار با من ، از آنجایی که من قرار داده 5.01 درصد. بنزین و پرداخت €5 پیدا کردن که او فرمول را به نفع خود و تبدیل به یک میلیونر را کشف کرده بود. در آن روزها من فکر کردم من تا به حال جاسوس روسیه تحت خودرو. من فکر می کنم من جادویی و من کنترل ماشین با ذهن و مغز چسب به دستگاه خودرو بهچرخش همیشه ثابت است که باعث می شود من سرمایه گذار توسط جاده در لباس زیر با یک توپ قوی برای سرمایه گذاری در این میدان بود در راه حل های آزمون فرمان GNR ملکه راه اندازی و زمین در مقابل دادگاه ضربه و تا سقف خود رفت. من شروع به پیگیری ایده Aveiro در نظر گرفته مناطق کوئیمبرا و B5 تیپ متوقف ویتامین لیریا یدک کشیده. بیانیه BT ها و روزنامه ها دامان در ماشین در حال به دستور اپراتورهای کاننیر با رده پزشکی کار می کنند. در طول زمان من در Liscont - دروغ ، من دو ماه بدون کشیدن حشیش به حال و وقتی برگشتم آن Liscont توالی در عشق عمیق آغاز شده ، Liscont صدمه دیده است سر من مشکلات با خروج زود هنگام عشق رنج می برد نیز احساس شد فراموش نیمه پایین توبه را از دست داده و زندگی. سفر تحت ابرها زیر آسمان در سیاره مریخ و مشتری در مریخ بوده است پرواز کرد، تصمیم گرفتم به شما دوست و مشتری آیا شما در اینجا وجود من است ، پرواز را از سیاره به سیاره قلم قدرت داشتند، انرژی حال ، شادی بود چیزی است که عشق در شکل گل منتقل. حال قدرت خورشید ، مثل آفتابگردان نقل مکان کرد، میل و علاقه در تعقیب بی امان از چیزی سوزاندن به حال یک رویا ، یک دستاورد ، یک هدف ، همه چیز را با شور و شوق بود ، بدون بعد بزرگ، شگفت انگیز کوتاه بسیار دوست داشتنی بود. من نگاه از پنجره به بیرون من در افق متوجه صرف اسکن زیادی نگاه پیش رو من ستاره خود را دیدم ، بود

سوسو زننده درخشان نگاه کردن من تو را دیدم ماه مال من و مال شما بود ، چشم انداز بود ، سفر ، از طریق شما به روی زمین و زیر سفر دریا، به دنبال شما تسخیر ما بیش از زمین و زیر دریا سفر فقط زیر نور مهتاب بود. بود که اشتیاق، مایل ، تمایل ، با محبت، تفکر ، احساس .من به شما از دست رفته است و مایل به شما در اینجا ، آرزو نشست ، تو را دوست دارم ، همیشه به تو فکر می و احساس حضور خود را ، که در آن احساس غربت و زندگی بدون تو ، فکر می کنم ، می خواهم ، احساس می کنید و شما را دوست دارم بدونی ببینید، شما می خواهید با 5 حواس : بینایی شما از دیدن بدون درب، بدون بوی بوی ، اعمال شما را بدون سر و صدا گوش ، طعم من بدون اثبات شما و لمس شما بدون دست زدن لذت. یک یادآوری است که برای شما رنج می برد ، احساس ، دوست ، زندگی می کردند، هرگز دوست دیگری که در تو بوسید ، من تو را دیدم ، من عشق است که همیشه به یاد داشته ژوئن 2 Filipe مه 30 ، عشق ازدواج دریا مور بازی، 2003. went're باشید لیسبون -... هاوانا مادرید مادرید ژوئن 9 2003 ژوئن 10 لیسبون به کوبا و هاوانا خرید \$ 100 از ماری جوانا است که خیلی افتضاحه. من چهار ماه بدون سیگار کشیدن مفاصل قبل از پیوستن بود ، سپس دودی و صدمه دیده سر من آغاز توطئه با رئیس بود و به پایان رسید تا دریافت کم و برای یک کار نگاه کنید. دانشکده ادبیات در کلاس های درس خواب و مفاصل من دودی. لیسبون تالار شهر کتابخانه اورلاندو بروک وحشت زده از طریق تماس با جدیدترین ایجاد ترس از انجام فعالیت های با آنها ، کار یک ماه مرخصی از من پس از می خواهم برای روشن برخی از شک و تردید با روش برتر، می گویند من را ترک با تبعیض از Isel و در حال حاضر مرخصی استعلاجی - نامه ای به رئیس جمهور از پنیر، ترک .. من *tosteira* حقایق خاص فرستاده می تواند در حمام بروید و اجازه دهید نوشت و خودم فرستاده شده به CTT نارضایتی زندگی با رضایت در یک کارت پستال از آن را دریافت .ارسال نامه ای به رئیس جمهور از جمهوری دادن حساب از من 8 سال گذشته است. نرخ بیکاری ، با امنیت اجتماعی در لیسبون فروشگاه شهروند که به من می گوید من هیچ حق بیمه بیکاری زمانی که در واقعیت به حال به استدلال می کنند با مادر و همسر و من با این ایده به بینی آموزش خواهد برای رفتن به گرفتن یک هواپیما بهلوکز امبورگ به صحبت باروسو در اتحادیه اروپا به منظور من این کار را .اوج فقط یک لحظه ، یک لحظه از فکر خود را که احتمالاً همه وجود داشته باشد نه تنها تصویر به عنوان فضیلت اما با توجه به ظاهر و یا وضعیت ذهن می کند در زمان ختم تمام وجود فیزیکی .میرند و ناگهان همه چیز خاموش می رود ، و یاممکن است منجر شود

من شنیده ام صدای که گفت دستور خودم را بکشم ، لحظات قبل از همسرم گفته بود آن را " هکر " که حرفه ای بود ، نوشت مقاله و گفت که من همیشه عاشق سوپر مارکت برای خرید دو بطری بادام تلخ و با هم نوشید همپا قرص های مختلف .همسر من مدت INEM وقتی که وارد و بر داشت خود را بغل کردن با وضعیت به نام آتش نشان کوتاهی پس از وارد و روغن را به من داد که بیدار می شوم من پوشک در بیمارستان هستم .روز بعد همسایه من که تعامل با مواد مخدر بوده است گفت به من آمد می گویند یک کافه

نزدیک این امر می تواند کافی نت ها که در زمان 02/2007 1 اقدام به خودکشی نیست

اگر اگر روح من من تبخیر ، هیچ چیز را باقی مانده به علاوه مخفی باقی می ماند ، بی اعتنا به فانتزی. ظهور از براندازی شناور بطالت از لحظه ای دیگر ، خاص است. فقدان اگر او را لمس و جهان را به خود دیدم ، خواهد بود نجس ، بدون حساسیت لمسی لال، حداقل بر این باورند که کسی پیشی واقعیت من . غم و اندوه من ساده به عنوان تمام شادی قابل دسترسی را به عنوان دست نیافتنی است . با سحر و جادو ، بدون طنز در روز به شما می گویند ، لمس و احساس می کنم که چگونه شما به من نگاه کنید و ببینید که من هستم و نه آنچه من احساس درد و رنج هرگز تا این حد ، تمایل چیزی بیشتر ، در حال مرگ را برای شما از طریق من برای شما برای به طوری که نوشتن رنج می برد و هرگز مرده و شما هرگز از دست خواهد رفت فقط احساس در کنار شما در یک مسابقه سوزش سوزش درد در من که به پایان می رسد زمانی که همه سوزاند. هرگز شما در زمان ، توسط راه در شما خواهند گفت که شما رنج می برند چرا که شما هرگز به سمت چپ و می دانم که شما را دوست داشت و همیشه شما را دوست دارم . این است که در بیمارستان و کاری کابری که در " کما " بود و می آید بیدار و می بیند تنها پوشک درمان ، انجام گفتگو با روانپزشک که با این حال به من می دهد منظور آزاد پس از امضای چشم پوشی مسئولیتیه یاد داشته باشید .- فکر می کردم به ساقه حیوانات از پنجره های طبقه و ایده های برای از بین بردن و یا کشتن مردم اختلالات زیادی در کاهش بدن و پارگی احساس بیان روح بسیار نگران کننده بود و عاطفی هم زده میل ، من تو را دعا به من یک بوسه مانند آنهایی که شما می دانید به من یکدیگر را زمانی که میل *surripiámos* بدهید؟ من یک بوسه پنهان ، مانند کسانی که رشد می دهد به من یک بوسه ، نرم، از آن ، شما می دانید . شیرین ، شیرین به شما می دانید . من به شما یک بوسه از من به من بدهید. با تمام احترامی که ، به شما اجازه من و تو ! چه سپاسگزار برای داشتن من را - *estou* چیزی شما را از من فکر می کنم و من از شما؟ من خواننده، درک شاید! عبور از ملاحظات در حال حاضر به عنوان خواننده شده من در حال خود حداقل هدیه بدون پوشش سخنور به ساعت قانونی در زمان در *elations* حاضر حال حاضر توده نیمه شب و یا بازی خروس سوال وحشتناک است که !؟ بازتاب به وجد ارتباطی معقول را به حداقل و سکوت صرف اگو که جدا ما عمل می کند کلمات درد حتی در رد ساده از سوختن هستند . مانع غیر قابل عبور جسمی اما نه با شیمی هورمونی و معنوی روشن باشد. اجرام آسمانی ما برای شکوفایی بنفشه حمله به در جستجوی عشق شبدر، چون ثروت شامل در فهم انسان چند وجهی و همیشه با چیزی برای اضافه کردن به این دیدگاه . علاوه بر این یکی دیگر از افزایش بیشتر ، این میل به شفقت و حساسیت به لمس که ما را به نماینده عزت نفس در رسانه های اجتماعی تبعید . مشاهده چشم انداز از یک خود و تفکیک ، هر آرزو برای خواسته های بیشتری که در دایره وجود می آیند بیگانه نیست. این دایره طلا ، تیم از حسن نیت و وفاداری و احترام ، به طور عمده به علت وجود ندارد. ما خالص و وحشی در عمل چنین است، و هیچ چیز خودخواه تر از من که فقط می شود تا همیشه حمله دیگر با نقطه نظر آنها هستند . ملتهد ذهن قادر به تبادل ساده از ایده ها، آن درخواست تجدید نظر فوری به حس مشترک است . هنگامی که ما را و یا آوردن خود با

دیگر. هیچ چیز بی اهمیت تر رد آنچه ما نمی خواهیم، آن را آسان. عشق و عشق است و نه احساس دیگر و نه من. نگرش سازنده از ارتباط بین ما بودن. چاپ شده در رفتار غریزی تنها از من فکر می کنم، سپس به من، و در حال حاضر من دوباره داشته باشد. جنگ به خاطر یکی است من به "من" تبدیل شده و شما هیچ وقت نمی دانید که چگونه به خوبی "خود" ما باید برای پشتیبانی به یکدیگر. این نوع به ما آمده است که همیشه باز است. توجه به خود با تو خود ماسک و خودخواهی که سطح است. خب زره من همیشه می شود S " " من را با شکسته " توو است " که وجود دارد و که بیشتر " اتحادیه اروپا " که زره -there پاپ " اتحادیه اروپا ". عشق: عشق را فتح تمام. اوت 2007 طلاق ... نور جوشان - می افتد و صدای قل قل، رفیق و گسترش می یابد، به شاخه هایمیل شکست ناپذیر، آن توهم که همه چشم که پس از آن فرو ریختن زمانی که با واقعیت خارجی مواجه است. عطا با کینه توزی و تقلبی جنون پراکنده تمایل جوشان به عنوان گسترش عشق و آلودگی، اشغال تمام افکار و اجازه تسلط و سلطه گر است، آن تبادل احیای انرژی است، محتوای نورانی است وجود دارد. آسمان روشن، هیچ چیز قوی تر از تمایل به دستیابی به تعادل کامل از آسمان روشن، به عنوان آنها ستاره است که آنها را زندگی را و حرکت ایده و یا حقایق افکار، **constelares** تمایل به بتن، هیچ چیز زیبا تر از آسمان روشن شده توسط انرژی که هستند تماس برای تعامل بین ستاره، و قدرت ستاره منحصر به فرد است. آن را به من می ترساند چگونه انرژی در دود محو بدون شعله، یعنی عدم تمایل به تفسیر واقعیت کیهانی. من نا امید زمانی که انرژی و زنده دلی است که توسط محل اقامت سرکوب و تبلور روح شما تبدیل به یک O. احساسات است که بدون شک یک ماسک از صحت سیاسی سحر و جادو و مگس ذهن که هیچ فعلی ضربه از حقایق و تغییر واقعی در حال تغییر مراحل و چرخه که همه عبور و توسعه، اما هرگز در راه ترس و درد و رنج احساسات. آزاد خود و گسترش می یابد، شما رنج می برند و به خصوص جهش از زندگی، این تغییر که ما را می راند. نور زندگی، مستغرق جنون عشق. چگونه آمده است؟ به طور غریزی را دوست دارم و می خواهم به دوست شود، احساسات و نا امیدی باز کردن چند توهمات. فریب خورده و عشق من تمرکز و تمرکز در سراسر روش از عشق به حقیقت، که برس هر باطل. برهنه در ستایش شدن، بازی درست ما در برخورد با هویت واقعی بودن، عاشق می شود نیاز به ما آگاهی عمیق از چرا که دوست و در عین حال یک دوگانگی لازم از شهوت و میل خوب وجود دارد جبران و عشق بیش از حد، این دیالکتیک فرض است $1 + 1 = 2$ ، هنگامی که منطقی می توان هر چیزی لذت ببرید. بنابراین منطقی $1 + 1 = 2$ ، درست است، اما رفتار نخواهد بود تولیدی اگر نتیجه است نه فنی کراوات نگرش و ارزش ها و رفتار به طور کلی، به طوری که پس از آن است موقعیت متحده در وسط عشق ورزی وجود دارد. فردی و یا دیگر اقدامات درک و این تنها منبع واقعی لذت است، و یا به معنای عمل به عنوان آزادی واقعی. خوب، من زندگی می کردند به اندازه کافی برای غلبه بر مراحل زیر، منطقی یا غیر منطقی خواهد بود که معیار برای بسیاری از شما نیست، من می خواهم به کاملاً مطمئن شوید، بنابراین من من تصور الاغ از زمان به زمان، و امروز به سختی الاغ وجود دارد به عنوان مثل، هستند و نه وجود دارد الاغ مصنوعی، فریب دهد که به واقع گاهی اوقات می ایستد این نقش، را نتیجه گیری خود را. من اینجا نیست که، اتفاقاً

در مورد حماقت دارند ترس ، و نگرش هایی که از دیوانه را ندارد تنها در شرایط خاص و هنگامی که توسط دیگران مورد قضاوت قرار ، یعنی در اغلب موارد در " زیستگاه " بستگی دارد. انحراف برخی از که استدلال سپس من می خواهم بگویم من دیوانه هستم، من فرض کنیم که بسیاری از مردم را دوست داشت و از این رو، ما هرگز راضی ، ما می خواهیم عشق بیشتر و بیشتر و بیشتر به همین دلیل جاه طلبی تا عشق که من سوال قرار داده است. عقب نشینی کرد و گفت به شرح زیر است ، همه آزاد به ارتکاب حماقت در عشق هستند ، ما آسیب پذیر و اغلب دستکاری هستند . ما می خواهیم به این باور است که این درست است که عشق ، به همین دلیل است ، زیرا ما دوست شده است ، که این حس که باعث بروز محبت و باعث حکمت زندگی

اقدام به خودکشی با قرص ، تشدید در بیمارستان کاری و کابریال به سختی 2 11/2007 به بخش راه رفتن من از پرستاران با نزدیک شدن هستم " سپس تلاش می کند برای کشتن این بار با بنزودیازپین ها ؟ ! " ، پس از تجزیه و تحلیل من شات داخل وریدی سوزن هستم . واحساساتی خون

زندگی در حال مرگ بین مرگ و زندگی ؟ اوچ ! عفو و بخشش ، آن را قرار داده است ؟ آشکار است، که هرگز کشته ؟ هر کس را ترک کرده است به زندگی یک لحظه بدون استثنا تمام مرگبار به محض فکر می کنم ما به زودی و پس از آن زندگی می کنیم خواهد مرد است به طوری متناقض از تمسخر . پس از تولد من من سعی می کنم به " فراتر از " مورد 20 ساعت پس از به طور کامل بی ریخت و تسکین یافته است ، جان سالم به در بار دیگر باز برای موج تکنسین های اداری توسط یک تیم پزشکی 'm procedure شرکت در گرفتن مقام دوم در **valore** سوم مورد بررسی قرار دارد توجه داشته باشید 17.41 مسابقه و ، شب قبل از خواب نمی بود و بیش از 10 مفاصل دودی بود ، مصاحبهدر صبح بود. این دانشکده پزشکی از پورت. از کجا روز بعد من به رفتن کردم چرا که او با افکار خودکشی بود و جایی که من حتی آشنا نیست، من صبر کردم ، اما من تا به حال به اندازه کافی از انتظار . نور من در جهت وجد فعلی از زندگی روزمره فرستاده ، من مریض آینده و بی دلیل روشن برای پس بله ، رعد و برق تا کشتار من و چشمک می زند به عنوان ساده دینامیت لذت کشنده است. بله شفا چپ روده کالری از دقت و صحت . من نمی دانم اگر من روشن گذشته چون من از ترس است که او به هیچ قدرت . از این رو ، دو قطب ، دو افراط وجود دارد و من از مثبت و شفا و نه سیاه و فراموش نشدنی زده شده است. این نور از وضوح احساسات و عقلانیت از غروب فوری و ضربه بدون انتقال و مات حواس ، احساسات جاسازی شده نیست و یا میخ به هیجان، لذت بردن از زندگی و لذت بردن از حداکثر نیرویی است که ما بر روی زمین حرکت می کند و به ما می دهد قدرت می آینده، گرگرفتگی را **ventilaste** گرفتن استعداد شما و قدرت به عنوان یک اشعه آبی تیز و تجربه و افکار مخرب نیست و فراگیر است که ما را قربانی مانند سایه ، همه چیز را تا جنبش ، اما در حال حاضر است و چگونه آن را نشان داد ارتشاحواس بینایی و به ما نشان روشنی فکر از طریق سکوت از بار ، و ساکت است به عنوان به سخت دیدگاه و با بهره گیری از معلولیت با ذلت است که دیگران از طریق انرژی های منفی یا مثبت منتقل می

کند. در سرعت فکر، فوری، دوم، کسری از زمان، و زمان لحظه است از این رو وجود خواهد داشت بدون کاهش در چارچوب یا رفتار مسخره ترین دلیل هر کس حقوق، چه اثر در قطب خنثی از سلامت عقل و Faíska سیاه lacerating مثبت یا منفی دارای اثر جنون اتفاق می افتد را حمل بر روی انرژی پر جنب و جوش و گرسنه برای لذت و جرم نورافکن آسمانی، بنابراین من به شما توصیه می انرژی خود استفاده به رسیده توسط نور و لبخند سوختن به عنوان خاکستر، محروم از گرما، اما کوره در رفته زمانی که esbaterá به هم زده. از ربع دیگری آبی ری با فکر دست نخورده از کریسمس و تاکید چراغ های درخت که ما را به حواس پرتی می شود. این انتقال با آن مواجه پرحرارت است اما انرژی عملی که ما را از زندگی عکس فوری جلوگیری از انسداد نیست، رعد و برق حرکت و برجسته بر موج صوتی که تولید سرعت های مافوق صوت، اما به عنوان قدرتمند نیز هست. چه چیزی واقعی است و غیر واقعی به نظر می رسد. زندگی در ابدی نگه داشتن آن پایین می رود وجود دارد و پس از آن هیچ راهی وجود دارد که آن را مبارزه با، در اطراف آن و یا دستکاری آن ترور قل قل مخالف است و نقطه اوج در یک نقطه اعتصاب ذهن ایجاد، تخیل و یا فقط رنگ ردیابیشکوفایی رنگ سبز و زندگی چنگ زدن به در که لحن شکوفا زندگی، در اینجا نمره شما همیشه می خواستم به این نکته اشاره شده است، زندگی می کند به شدت.

را خال کوبی با حروف 01/2008

پس از آن خال luz'08 و یک جرقه در تیغه شانه قدرت گفت Darklightning در برابر زندگی intentei کوبی هرگز

سریع تجاری بهترین رئیس از مشتری اقدام phone'm - 2008-01 / 2007-11 به خرید 5 تلفن همراه برای این شرکت، موفق به نظر می رسد در محل کار. در استارژا در به اعتراض من allusive کتابخانه در فضای به پارکینگ معلول نشسته و بر روی محل در مورد راه درازمختلف به این معنی نیست مختلف آن است که فقط در اندازه کتاب شکایت و آن آغاز شده بود و به اتمام بودن بودن یک کتاب در مورد آن در ورود به ویتترینکه صرف یک روز کامل از آموزش و پرورش خوب و قوانین و مقررات را با بیش از 20 جلد بر روی بنر بود " متفاوت بودن " را کش میرفت پر شده است. در استارژا 02/2008 کتابخانه پیاده روی با آثار کلاه آبی و به عنوان یک کارمند از آثار عمومی، ارسال موارد زیر بر روی درب: در من حاکم سکوت رنج می برند. تهدید برادر مرگ است و من مقامات تحت این اتهام برای ارزیابی روانی منجر می کنم. من در ابتکار عمل خود را به وایکاننت جایی که من به عنوان یک بیمار بستری هستم، تولید یک بحث که در Salreu بیمارستان آن و در مورد بیمار هستند یا نه، این است که سیستم های کامپیوتری تنها بستری ورودی به عنوان بیمار؟! پیشنهاد می کنم برای رفتن به بیمارستان روانی در کونیمبرا رسیدن با ارتش آنها به من سوار خانه روز بعد آمده است. من اعتصاب کلمات و من لال بیش از GNR از تقویت سی 10watts ساعت هستم. من دستگاه نور خریداری و صدا با بلندگوهای 100 دی با بیانییه ضد دانناس در حداکثر حجم از پنجره اتاق خواب من قرار داده شد، در خوزه د

بیمارستان - Huc. مربوط به آینده و همه چیز 'D از برده ، شاعر ارفنوس Almada دانشگاه بولتن بیمارستان کوئیمبرا - مردان خدمات روانپزشکی - بیماری عادی ، تغییر پوشک در هم اتاقی ، جنجال دیگری با - بیمار به این بیمارستان در 2008/02/02 حتی توسط روانپزشک دیده نمی مجبور به 'm and دستبند 'm hospital مقامات به پایبندی به درمان در برابر اراده من، گره خورده به برانکار و مصرف تزریق. من در زمان کتاب او قرص گرفته بود و آنها را در سالن شهر دریاچه انداخت ژاکت آن روز ، من نشان داد پیش از توده خارج خال کوبی من که تا به حال از قدرت طراحی نور در زمان ، من آمد به ترک € 15 در صفوف. من آمد به توسط استارژا شورای فرهنگ که کتاب گرفته خش و روز از CD شده از کتابخانه نمی دهد می تواند انجام شود پرونده کیفری بدترین آیا . صفوف کتاب برای منبع نور از میدان شهر انداخته شد احضار

وقتی که من لال بود به دلیل بیماری یک برنامه تصور ، با یک راز چند میلیون دلاری من فکر کردم من نمی خواهد می گویند چون من نیست، من گنگ ، پسر من باکتاب عربی دستنویس های من خواهد بزرگترین گنج در جهان می چسبد.

در نقش بخش کوئیمبرا من جنون مبتلا به اسکیزوفرنی تشخیص داده شد شاید تنها فکر می کنم من اسکیزوفرنی هستم ... به مکالمات در نشست پرستاران گوش ، کمکی دقیق متوجه شدم گوش دادن به همکاران شد می گویند که نوبت به من بود... او رکورد " فرار خطر " " ننگه لباس خواب " آن مسخره کردن من نوشته بود ، تا به حال به بازداشت اجباری مورد نیاز به ثبت نام یک AM اجرای لباس خواب ؟ ! برای خروج از این گفت که او Aveiro سند دادگاه که من دنبال درمان در مصاحبه ورودی در بیمارستان در می خواست تا با نام مستعار من " پروردگار نور " ، که تنها خوردن افتاده درختان میوه و دوست نداشتند کره و مربا توت فرنگی درمان می شود. وعده های غذایی معمول چه بود . او ... در مورد اشکال خودکشی فکر کردم، مثل پرتاب من الگوی اکتشاف ها، نوآوری و

زندگی می کنند، احساس می کنم درد و رنج که من از دیدن مانع ، مانند غمگین بودن ، 'm clown واقعی با رفتار همیشه وفادار اما به عنوان یک لبخند جعلی شادی از کشور، به خارج مطابقت ندارد. من احساس می کنم شناور که باعث می شود من از محل طبیعی ، مسافرت و اقامت در یک نقطه که در آن دور از چشم بسیار است. من احساس می کنم گام بی پایان ، پدیده غیر طبیعی است، اما به عنوان یک وحشیانه حیوانات احساس شدت و سرعت ، خفه در دسر و کشتن به عنوان یک مقدر نیروی ذاتی به شکست در زمان. در سفر بدون ردیابی تصویر از شورش ، نفرت و واقعا گناه است ، ببین سوگند در آسمان ارتفاع دما، گل و رشد می کند افزایش خشونت آمیز این است که فقط یک بار بد - ITN تمام شدت به اوج خود رسید و بهبود من به عنوان یک دلک لباس وبا یک کلاه از به نامه ای از دادگاه بالا بردن ، کارمند که به دلیل CTT. اطلاع پرتغال در قهوه ونزوئلا بیماری من نمی توانم امضا ، انجام اثر انگشت من، یعنی من نوشتن نیست بگویند. در کوئیمبرا، بیمارستان مانند یک هتل در برابر کاغذ کارت توسط دسته از درب و گفت:

زحمت نیست! آیا زحمت و با او بر روی مچ دست های بیمارستان راه می رفت محیط من خودم چیدن برگ در درخت ، برگ و گرده را سیگار با مقالات دستور داد به توماس نام . " مستعار " چتر باز

من ترک بیمارستان تاریخ و زمان آخرین یک هفته من را به بیمارستان با از تخمدان گرفته ام دوباره - در کوئمبرا قرار GNR سابقه ارزیابی روانی تحت فرمان نمایشگاهی از صندلی کنترل با قانون اساسی ارائه شده توسط پارلمانو باز کردن دفاع از در شرایطی که اقتدار . من نور و تبدیل نور گفت: قدرت نور پاک کردن بیمارستان سوئیچ از کوئمبرا، خرید فوق العاده جالب و در مورد ریشه های شیطان یک موضوع بزرگ با شکل . " به عنوان بخش روانپزشکی مخلوط است رو / hashashin " نزدیک شدن به به دهان هم رابطه جنسی با یک بیمار در حمام مردان و اتاق خواب . در بیمارستان از بود و از طریق 5 سانتی متر پنجره باز می شود. و فقط می خواستم به نفس Aveiro دمیدن هوا و دیدم باغ و مردم در حال اجرا و لذت ببرید و فقط می خواستم به نفس ... احساس آزادی

ادامه داد: شیوه زندگی

حساب های واقعی از

بند نلسون پیرا

کسی که اعلام شده است ، که از طریق آن به معنای ... راه زندگی است که تمام است که از اجداد ما به ارث برده ، و سپس ما باید مأموریت را به تولید مثل زمانی که ما بزرگسالی ، یک رسیده است که توسط قوانین جامعه ، که در آن اعلام کردما در یک .دموکراسی زندگی می کنند

این همه که ما می توانیم دانش ، آن است که به دست آوردن است ، همه چیز ما برای زمانی . که ما می دانیم آنچه که ما ساخت

چگونه آمده است؟

از آنجا که خرید و فروش در جامعه که در آن ما را به زور از عقل، عمل ، ما همیشه باید به منظور زندگی می کنند قابل قبول برای ما به جامعه خود را به عنوان یک استاد دیده می شود ، نمی تواند شر است فقط شایسته تر است که ما می تواند . این چیزی است که ما زندگی می کنند ، ما همچنین می دانیم است که بین کمک وجود دارد

چگونه آمده است؟

از آنجا که ما انسان را در هر یک از دیگر خدمت می کنند ، به همین دلیل مشکل وجود دارد به دست آورد ، به حقیقت صحبت می کنند زمانی که شر من بالاتر هستند

چگونه آمده است؟

از آنجا که ما می‌تواند یک موجود اجتماعی است، اما ما می‌توانیم یک وحشی بودن زندگی می‌کنند.

.هنگامی که رانده نمی‌موجودات برابر است

اما همیشه وجود دارد وجود دارد و شک، بی‌اعتمادی است که همیشه ما را ثابت ، که از طریق آن ما در حال تدریس ، که از طریق آن ما در حال تدریس و جایی است که ما راه رفتن در حالی که ما مطمئن هستیم که شما واقعا اعتماد، پس از آن ما به ما خدمت می‌کنند .به خوبی از آنجا که ما عمل خوب است

ما می‌خواهیم به همه خوانندگان که می‌تواند خواندن کتاب لطفا ، این کتاب من ، شما می‌توانید در هر کتابفروشی که در آن آنها می‌توانند موضوعات آنها می‌خواهند شنید و خواندن در رختخواب خود مجذوب پیدا کنید

از آن خواهد شد یک شرکت خوب هرگز به عنوان خواننده شده و این داستان ها به عنوان واقعی را ببینید

از آنجا که آنها احساس می‌کنند که به تجربه واقعی از کسانی که اشتباه کرده اند ، اما می‌دانستم که من از همه شر است که من خالی از سکنه زخم التیام یابد

چه خواهد بود موضوع این نسخه ؟

گزارش پرواز ، ممکن است مسئله ای است که نمی‌خواهد بیش از حد تکان دهنده ، نمی‌خواهم به شوک خواننده ، اما گزارش ها درست هستند و در راه است که در راه قانونی .زندگی می‌کردند بود گزارش شده است

برای من یک تجربه در چارچوب قانون ، به این باور بود ، تصور کنید یک هزار چیز ، . احساس پوست احساس واقعی از غریزه حیوانی

.ما می‌خواهیم به زور را به نفع خود ، و ما احساس می‌کنیم به این ترتیب

یاغی ، که در حال که همه ما آموخته است که ما می‌توانیم در پیدا کردن و وزن است که می‌آید راه که ما استفاده می‌شود به زندگی می‌کنند، چرا که با وجود تمام بد که ما انجام . می‌دهیم ، می‌توان آن را هرگز به عنوان بد در نظر گرفته شود

. من فکر می‌کنم وجود خواهد داشت تناسخ در جسم تازه در هر

بلند پروازی به زندگی می‌کنند، ما می‌خواهیم این است که در راه است که ما پیدا آسان زندگی می‌کنند ، اما از آن است که آسان نیست و آن را دشوار است ، زمانی که ما در نوار

. قانون افتاد و هنگامی که ما هیچ پولی برای وکلا خوب پرداخت ، ما قیمت بالاتر پرداخت

چگونه آمده است؟

. اگر ما در فضل نمی افتد، ما نمی تواند خنده دار

چگونه آمده است؟

چگونه آمده است؟

چگونه آمده است؟

چرا همیشه با میراث پیشرفت در زندگی دنیا ، ما همچنین می توانیم به آموزش و انتقال
! تجربه زندگی تلخ، و من هنوز برای آن پرداخت

من در آفریقا متولد شد ، به حال سه خواهر :الویرا ، کاندیدا و هستند.آره وجود دارد یک
شروع خوب ، یک داستان است که می تواند یک داستان درخشان است، اما آن رخ داده
.است بهداشتان زندگی کمتر خوب است

من مرد بسیار بد که انجام این عمل ، به اصطلاح نگهبانان زندان ، همیشه آنها را دشمنان
برای عدم تمایل به شرایط که واقعا می تواند به من خاموش قلاب در آن قضاوت داشته
.قضاوت احساس نمی کنند

.چند جنایات در طول مسیر من به عنوان من در زندگی راه می رفت

او با استفاده از این مدت در زبان عامیانه بود ، که ما با آنها سر و کار داشتن ، یک شکل از
. زبان عامیانه بود ، و یا ما همچنین می توانیم راه می رفت مدت

مکان ما به دنبال و راه زندگی است که همیشه به ارمغان آورد و اسکله، که در آن بود خشونت وجود دارد و یا شد خشونت یافت نشد و سوسه انگیز یا بحث انگیزی است، چرا که ما واقعا احساس خوبی در آنچه که ما انجام شد. آن را به خوبی در چشم جامعه در نظر گرفته است، زیرا هیچ جامعه می تواند بپذیرد که دیگران ممکن است به جرم زندگی می کنند، اگر آن را احساس نمی شود مصرف لازم از مواد که ممکن است وحشتناکی بد به نظر می رسد ، اما آنها وجود داشته باشد .

و به عنوان مثل همه ما باید ردیلت ، اما به عنوان مثل همیشه بد را در زمانی که ما چیزی است که ما همیشه غیر قابل مشاهده به عنوان بد بود دوست ندارد ، اما آن را به یک چشم انداز بزرگ که در آن ما همه ایجاد شده، به معنای ما و همزیستی می سازد آموزشی ما می . خواهیم و از جاه طلبی به خوبی زندگی می کنند و بهتر از دیگر باشد .

چگونه عصبانی کردن ایجاد من ، اما در **Picardias** خواهد بود وجود دارد بسیاری از وسط این حرامزاده بود یک دختر وجود دارد ، من همیشه او را دوست داشت از آنجایی که . من او را ملاقات نمود، به عنوان من همین کارو تولد .

مثل همیشه او را دوست داشت از روز من او را ملاقات نمود، من همیشه او را دوست داشت، او با من زندگی می کردند و بسیار با خواهر من زندگی می کردند، به حال یک رابطه بیش از حد از آن، آن را در نگاه اول بود دوست ندارد ، باور و اعتقاد دارند که وجود دارد هرگز زن خواهد بود به عنوان دوست که ، اولین بار من به شما بوسید ، من احساس شیر درست است، همه ما دوست داریم به خودمان را در ساوانا .

او که حق یک زندگی به تمام مردان برابر است یک همسر و خانواده .

حتی پذیرش آن راه زندگی من زندگی کرده اند و این عشق تنها یک بار در زندگی وجود دارد ، احساس اقلانه نیست ، و نه هرگز خودم را به عنوان چنین در نظر گرفته ، اما من همه آنها را ملاقات نمود، در یک راه یا دیگری ادغام شد ، همهما باید به نوبه خود ، . پرداخت صورتحساب های بزرگ اما همه به خاطر من می خواستم به یک زندگی خوب .

او به خوبی در آنچه که او انجام داد، من شروع به انجام دزدی بود ، دزدی در ساده ترین من با مصرف بیش از حد **degradei** آغاز شد، برخی از زور اسلحه انجام داد. اما پس از . کوکائین ، من احساس خوبی در مورد سیگار کشیدن و نمی خواست به ترک .

او به من هدیان می کنند ، اما هرگز کسی در دور من حمله ، اگر هیچ واکنش وجود دارد ، نمی خواهد نیاز به استفاده از خشونت ، که در آن می میله دادگاه را کاهش دهد .

من می دانم که راه می رود در باران خیس می شود ، فقط می خواستم برای دریافت پول و . یا ارزش هایی که به ارمغان آورد .

سایت های متنوع ، من بزرگ شده در نوک ، لیسبون همیشه سرگرم کننده برای من بوده

است ، در نظر گرفته این شهرستان به عنوان من در حال حاضر کتاب های تاریخ ، در شهرستان شهر از ارزش تاریخی و فرهنگی به عنوان خواننده شده .

من تو را دیدم پیشرفت داشتن یک زندگی خوب ، قادر به زندگی می کنند زندگی به عنوان مثل، یعنی فقط می خواستم پول ، من می دانستم که *encordeirada* من خوب است، من فقط می خواستم پول و احساس بد این اعمال ، تنها می خواست برای رضیاعتیاد به من و احساس اجتماعی، محیط اجتماعی ، به خوبی با مردم و احساس طبیعی .، طبیعی در وسط زندگی در ارتباط با مردم است

من احساس سلطه گر ، او به من شیر یال در دستیابی به قلمرو خود و زندگی در منطقه در نظر گرفته بنابراین من از زندگی داشتن یک زن مواجه !خب ... من در این راه از زندگی در راه مثبت است که در آن شر می تواند به مردم انجام گرفت، هرگز کسی را در راه به تباهی هر یک از دیگر در راه بی رحمانه و آنها را با هیچ چیز را ترک آسیب می بینند

تنها از شرایط حال حاضر بهره گرفت و فقط آن را برای پول انجام داد، برای ارائه به چه اجتناب ناپذیر بود ، که آنچه که *prolonguei* سرعت به دود کوکائین ، اما همیشه یک مرد به دنیا نیست، و یا حتی شاید ما می توانیم علت به مطالعه به ارث می برندبه عنوان مردی که الکل می نوشد و سیگار به مواد مخدر واکنش نشان می دهد در تولید مثل . ژن در وراثت است که توسط نتیجه لقاح سمت چپ است

من به منظور کشف این همه و قادر به انتقال به خواننده این مثل ، نوع به بحث در مورد آن چرا که من تا به حال به بحث در مورد آن "متخصص " در این زمینه نیست، راه زندگی هستند . آنها گاهی اوقات دیده می شود و همچنین از سوی دیگر دیده می شود بد

چگونه آمده است؟

دارید، می *referencie* از آنجا که راه زندگی است که ما آموخته همانطور که در بالا ! توانید همیشه با کینه توزی عمل می کنند، باید آن را بخشیده شدن ، به خوبی تحسین

چگونه آمده است؟

از آنجا که ما آن زندگی می کنند ، استاندارد ، احساس زنده و احساس زندگی دستور ، یک . شکل از جاه طلبی قادر به یک زندگی خوب

رابطه آغاز شده ، من 22 بود ، در ارتش ملحق شد ، اما نمی خواست برود ، اما قانون گفته شد تا .و این زمانی که من تا به حال رابطه واقعی ، شور است که من هرگز کریستینا همان خواهد شد که ، و در اینجا رابطه که همه ما آرزوی ، همه ما می خواهیم به پیدا کردن جفت .روح واقعی ما آغاز شد

او به شدت زندگی می کردند، احساس کردم که او از من دور بود احساس خوب نیست، و در

. آنجا بود که شاید او در زمان به کمی قدرت بیشتر بر من

او عاشق دختر حسادت بود ، اما این تلویزیون حسادت نیست، حسادت سالم و حسادت بود که هیچ شر واقعی بیمار است که می تواند من را به زور کسی به با من بودنت برای اعمال من وجود دارد بود.

چگونه آمده است؟

من من فکر کردم و تنها در صورتی از دست داده به زن از زندگی من دست بدهد، اما این آلتو و او را به یک دیسکو در زمینه Bairro اتفاق افتاد. من می خواستم برای رفتن به کوچک بروید، ما بحث و که در آن ما به پایان رسید تا ، شاید آن بود اراده او نیست، برادر بزرگتر رابطه پذیرفته هرگز نیز هست. من مبارزه با او داشتند، اما قیل از شروع به عشق تینا بود، اما صرف یک لحظه از شرایط بود، اما من او را دوست داشت، اما او راه من از زندگی را قبول نمی کند ، هرگز به من گفت چنین است، اما هرگز نشان داد آن بودمن ، دانستن اینکه من به خوبی بود.

آسیب بسیار نیست، اما او ارتباط من با خواهر خود را قبول نمی کند . او با من فقط از این واقعیت از زمینه زندگی می کردند ، ما در همان محله زندگی می کردند بنابراین ما که رابطه نگه داشته ، که از ایجاد کنیم.

مادر او در آینده شد از آنها ، مفهوم زن خانه دار ، پدر نمی دانم ، اما پروردگار خوبرائول بود.

آموخته به تنها زندگی می کنند در هزینه از زنان ، ما از ارتفاع در محله کردم به اعلام آن . مالیات محله یک کودک بود، اما حس زمان حال ، در حال حاضر مشغول به تحصیل

و این زمان به سرعت دیدم ، با وجود سن کوچک او تا به حال ، او تا به حال به مبارزه برای زندگی و برای آنچه که او به حال : پدر، مادر، خانه، غذا من شکست خورده نیست و هرگز به من شکست خورده است. از آنجا که با وجود حقوق و دستمزد کم است که مادر من دریافت ، 11 داستان است که درآمد پرداخت شده است و پدر من تنها پرداخت اجاره بها وجود دارد ، وجود دارد ، اما هرگز فاقد مواد غذایی است.

پس از آن آغاز پایان بود ، که شده است، حذف می تواند به فراموشی منجر شود، من فکر می کنم آن است که من در یادگیری باقی مانده بود، به از دست دادن پدر من تا به حال به واکنش نشان می دهند در همان راه به عنوان او بود.

من به او به عنوان یک قهرمان ، یک مرد پسر مبارزه مردم فروتن ، مادر بزرگ ، الویرا ، نگاه با آنها من تا سن 6 زندگی می کردند، تا زمانی که به مدرسه رفت ، چه اتفاقی می افتد ... من به عادت شد مادر بزرگ من بود من تشکیل ، صرف نظر از نظارت مستقیم از پدر من، اما در آن زمان هنوز به حال چشمان خود را کاملاً باز است، اما حس زمان حال

. حال مفهوم زمان

آیا خالص ترین گزارش ها که ممکن است در جهان وجود دارد چگونه آمده است؟

امروزه هر کسی می تواند به جلو توسط راه خود را از زندگی بدون در نظر گرفتن موقعیت او نقش یا سلسله مراتب اجتماعی آمده است

بنابراین بخشی از این ، این تصور که واقعا هیچ کس را نمی توان از هر چیزی بدون مدرک بتن متهم ، یعنی مشخص

چگونه آمده است؟

بنابراین قوانین اداره و همه ما دسترسی دارند ، ما باید کشتن نیست، سرعت و تجاوز به عنف .

اما ما می توانیم به طلوع بشریت و از جمله حوادث موفق عقب ، چرا که داستان در آن است .

. ما تداوم ، که تداوم است که همیشه مستمر خواهد بود ، که است که در نظر گرفته شده

و آن را کاملا مشخص است که ما برای یک علت زندگی می کنند، ما در حال ادامه نمی . باقی می ماند و وجود بر روی زمین

من نمی دانم ، می تواند موضوع متفاوت است، اما آن را می تواند خواندن خواننده همزاحم ، می تواند توجه را از داستان درست است که اتفاق افتاده منحرف

اما این مثلها که در طول تمام کتاب همیشه وجود خواهد داشت چرا که ما بهتر خواهد شد .مشخص و انجام درک موقعیت هایی که تجربه شده است

چگونه آمده است؟

به منظور دیدن که آن همه در درون یک جامعه که در آن وجود دارد همیشه زندگی و درک درستی از جامعه سالم است چرا که چشم دیگران حتی می توانید یهودا بود ، اما یک چیز بسیار مهم در زندگی وجود دارد ، آنچه که ما ایجاد میوه است که ما درو خواهد کرد

اما در مقابل ، باید درست رفتار شود ، به نمونه ، پدر من همیشه من را دید و می خواستم ببینم که چگونه یک پادشاه ، اما من پادشاه ، جنگجو که همیشه نمی تواند برنده و آغاز بسیار جوان هستم

وقتی که من به ذکر است که آسان است آسان نیست، اما سخت، که زمانی که من لقب داده اند شکار .

پس از حمله با سیلی که من احساس این بود که او از دست داده بود ، من احساس حتی در

چشم ، او بعد سعی برای از سرگیری با من ، اما من کاهش یافته و در آنجا بود که داستان واقعی از جرم و جنایت آغاز شد ، اما تاریخ به حال، در حال حاضر از هم جدا شد هنگام انجام شش ماه در زندان نظامی در سانتارم ، زندان نظامی بود .

در آن زمان آنالدو محکوم شد ، که داستان آن فرد متناسب در راه من در زندان ، در کتاب پسوند خواننده محیط اجتماعی واقعی درک ، در این مورد زندان ، چوب شش ماه بخشش های پاپ داده شد .

این همه من می تواند سرمایه گذاری به یک زندگی خوب بود ، من از وان جدا شده بود .
 . چه کار کنم؟ من سعی کردم شانس خود را

هنوز هم به کار بر روی نوک زیرزمینی به عنوان بنده یک نجار است . سیاه پوستان من می ترسید ، با کابل - سبز سیاه و سفید، مردم خوب که می خواست یک زندگی بهتر است که آنها در خانه به حال کار کرده است .

پرتغال به دنبال یک زندگی بهتر در کشور خود می تواند تا جستجو است که آنها را منجر به مهاجرت از کشور خود را ندارد .

. آن را آسان تر به نگاه پرتغال نزدیکی بود

، با آنها زندگی می کنند، کیپ ورد بد نام Verdeans من شروع به احساس نزدیکی کیپ مستعار چرا که آنها تا به حال به مبارزه با نابرابری و زمانی که در اینجا به پرتغال آمد موجودات که به خوبی پذیرفته نمی شد ، آن را به عنوان جنگ به سر برده بود در خارج از بود ، بیدار شد و چه کسی می Chavalito کشور و در آن زمان هنوز عصبانی شد ، شد ، vadiador خواهد یک کودک آغاز شده بود ، من شروع به سرگردان، من هرگز بود vagueador من یکی .

من تا به حال از قلمرو تجربه است که در گذشته به حال ، جدایی پدر و مادر من در سن 8 را دیدم، به عنوان مطالعه بود ، و به عنوان مثل قبل می دانستند آن را نمی خواهد من را به خوبی به ارمغان بیاورد ، من احساس حذف مردی که یک قهرمان به حال

با دیدن این از دست داده و حتی در سنین جوانی متوجه شدم من تا به حال برای کمک به . مادر من ، اما من واقعا عاشق پدر من

هر تابستان از طریق با آن تا 17 سال بعد هنوز هم ادامه زمانی که او در ارتش بود ، اما پس از آن آغاز شده فاصله که است که طبیعی است

در آن زمان او در درخت انجیر دهان در عمل خدمات حمل و نقل مدرسه ای که من در تعطیلات با او صرف بود

com14 پدر من یک مرد سخت بود دوران کودکی سخت، پدر خود را از دست داده سال

بود آرزوی مادر بزرگ من رشد در زندگی ، پشتیبانی بیشتر و پول بیشتر

پدر من گزارش داد که اخراج او شد دوست ، بخاطر آن بود که او دوست داشت وداع شتابزده از حزب بود ، هرگز پدرش را ببینید ، اما سخت بزرگ شد برای کمک به مادرش ، بود پسر دیگر در خانه زندگی می کردند مادر

من شش سال با مادر بزرگ من زندگی می کردند ، اما چقدر سخت بود از زیر بزرگ . سخت، هرگز اجازه کودکان از گرسنگی مردن

در آن زمان او یک معدنچی بود. در حال جستجو برای کسب و کار سنگ معدن، اما وجود دارد کار نمی کند، دوچرخه سوار نیز در زمان او به ارتش پیوست و کار خود را ادامه داد . وجود دارد

تبدیل به یک انسان عادی ، او وجود دارد ضرورت زندگی پیوست ، آن را به عنوان تضمین . که همه ما باید برای اطمینان از خودکفایی

این اتفاق افتاد ، به عنوان او یک مرد سخت ، دوست دوست ، دوست از کودکان ، اما نه از . بسیاری از واژه ها بود، اما احترام و صادقانه بود

این چیزی است که او همیشه می خواست من را ترک کند، اما آن بود، وجود دارد ، جدایی بود، من کمی ، با نظارت بیشتر از راه بودن و روش زندگی اقدام نمی عقب نشینی ، مشکلات برای غلبه بر مانع و زندگی مطمئن کار برای اطمینان از آینده به منظور تولید مثل ، همه کودکان خوب است ، ما شایسته به فرزندان او هستند ، اما همچنین عدم درک و . وفاداری در بخشی از من وجود دارد، من شد شاید به عنوان او گفت

شلاق زدن روانی حس آمد تنها بدتر چون هرگز برای دیدن که خوب است که باید انجام شود . ، اما تنها به عنوان شر تنها جدا دریافت به حال من فکر بد

و این که چگونه از آن همه رفت به محکومیت از عمل شروع که در آن ؟

این جدایی بوده است ، زمانی بود که من شروع به ملحق توسط تنهایی ، اما شد راه من از زندگی گذشته به حال و در آنجا من احساس از نگرانی از ناامیدی که او احساس کرده بود . اما سوگند یاد امن ، تو به من ترک ، هرگز من بیشتر به من بدهید

من ادامه راه من از زندگی نوشیدن شد و سرقت و این زمانی بود که هنوز هم جستجو و جستجو را چندین بار و در آن زمان او تبدیل به می خواهم به من شرایط ، نمی دانم شما مرا رنج می برند ، من نمی خواهم به بازگشت به آن احساس دردناک بود ، اما همیشه به حال به . زندگی می کنند و هنوز هم آن را داشته باشد

من هنوز هم آن را در ذهن من بود که چرا من زندگی می کردند تا چند سال در زندان همیشه فکر می کردم آن را همیشه به حال حضور در من تا من قدردانی بسیار برای این

شور و شوق ، زندگی می کردند دیگر از برابر است.

محکوم ، داستان من شروع Linhó ، پس از سه ماه از پیشگیرانه پیوست زنجیره Linhó می شود در اطراف شجاعتمحدودیت های شجاعت ، به طوری که که در آن ما باید برای مقابله با جهان فرد دیگری ، چه اتفاقی می افتد این است ، به عنوان من می دانستم کهکه راه می تواند بیش از حد طولانی در انزوا ، تبدیل به جنگل اجرا ، این ساده ترین راه برای مقابله با کسانی که مرتکب جنایات و در زنجیره جهانی که در آن حاکم است قانون حماقت است ، و هنگامی که ما به عنوان خوانده شده بودبا الاغ به مقابله با آنها ، اما اگر ما بیش از حد هوشمند می تواند سقوط ، به طوری زندگی وجود دارد زندگی باید خیلی مبتنی نه آنقدر دریا گرفته نشده ، که بود نجات من ، این روش که من به من انتخاب شدبرنده ، اما شروع من بلند خواهد شد و آغاز مشکل بود چون من خودم بدون یک زن بدون آزادی یافت من پیدا کردم خودم گیر ، از دست داده و جدید بود، من از همه که ممکن است در سال می تواند وجود تصویب فکر می کردم.پس چه کار کنم؟من شروع به کسب احترام ، آن است که آسان نیست ، حتی عدم تمایل به به درگیری خشونت ، آنها اتفاق می افتد زیرا آنها از طریق معمول به که پس از آن به این نتیجه رسیده ، روال است که پس از دیدن به زندگی منجر بود ، هرگز فکر نمی کردم موجوداتانسان می تواند آسیب بسیار به یکدیگر انجام زیرا هر دارو فروش ، دیگران مصرف کنندگان به دلیل زندگی در زنجیره است که در اطراف انحصار گردش دارو است زیرا که چگونه شروع کردم به سیگار کشیدن هروئین ، به عنوان در حال حاضر وارد زنجیره بودبا مصرف بیش از حد کوکائین ، هروئین تصمیم به شروع ، اما زمانی که من پیدا کردم خودم بود look'll اما یک شکل از شروع بازی، هروئین دود چسبیده نمی تواند هر کاری بکند ، اما من یاد گرفتم به انجام است، اما از آن خواهد شد بعد گزارش ، پس از آن شروع این بود که زندگی در زنجیره وجود واقعیت فرار به لذت ، فقط به هروئین استعفا داد به می دانم که من می انتزاعی ایده داشتن رابطه جنسی ، توسط یک ماده شیمیایی که به من اجازه نمی در مورد این فکر می کنم پیگیری شد.من عشق افلاطونی به عنوان مشروع حال کردم و دوست دارد بزرگ است، اما یک چیز است که تضمین شده است ، اما کافی نیست را امتحان کنید، شما نه تنها می خواهم به دود ، همیشه وجود دارد جنبه ما می خواهیم به رهبران دیدن دیگران در یک سلسله مراتب به دستور چشمها می دانید که شما می توانید نیست، آن را دردناک است، آن سخت است به کرک ، تصمیم گرفتم برای هر کسی که احساس تاسف نیست، چرا که من هم آنجا بود ، پرداخت شد بدهی عدالت ، اما مسیر من بسیار بد بود ، این درس زودتر آموخته بود کهمورد ضرب و شتم و به دلیل از دست داده است بیرون می آیند در وسط جمله ، اما تصویر من سوخته بود، کاملاً اشاره شده است ، یک حساب کاربری عبور من را از طریق این سال در زندان وجود دارد ، از آغاز تا پایان یک اصل سخت، که از طریق آن من نمی توانم تاسف بودمن برای سال دودی به مانند مواد مخدر به من کمک کرد یک نیاز بزرگ همه ما احساس می کنیم آزاد ، آن شرایط منطقی لذت است ، از لحاظ آزادی به راه رفتن به سلیقه زیبا، از این همه سال من هم دوست دارم که من وجود دارد ساخته شده است ، اما اینبرای بعد است ، در حال حاضر من در مورد سفر این است که بیش از صحبت ، نمی دانم چگونه با ورود شروع هنگامی که مجرم

است که به دنبال یک رفاه ، حتی در زندگی در انزوا ، اما این تمام ذهنی ، چرا که در ما رفاه نمی تواند به هر کسی که به ما به نظر می رسد ، ممکن است در نقاط مختلف دلگیر درخواست تجدید نظر ، برای اولین بار می تواند به سرقت رفته ، دوم می برده ، کار ، عشق و یا شخص ثالث می تواند خانه دار به روز به نوبه خود به نوبه خود ، بسیاری از انواع مردان در زنجیره است که همیشه نمی توان وجود دارمی دانید که چه می رود در داخل روح یا که هر کس را دوست دارد ، بسیاری از را انتخاب کنید حق آسیب شود ، اما علاوه بر این که هنوز یک نقطه مهم تر وجود دارد ، تا کنون ، همیشه ، شما می توانید یک دوستی خرید ، حتی اگر آن را در زنجیره ای پرداخت می شود ، رویارویی بسیار سخت است در زنجیره ای ، هستند کسانی که هیچ چیز ، رویارویی در زنجیره شل است ، شل از یک سو و قوی به عنوان یک کل وجود دارد ، که می یارید و یا او تا به حال به پس دادن ، به دور با مناما می خواستم به راه رفتن تا می خواستم به راه رفتن راه سخت ، آن بود راه من همیشه به من طولانی به درک ، راه ، در کنار من همیشه روانی بود .

این بود از وجود راه خوبی در زنجیره یافت هرگز ، آیا در خوب را باور ندارد ، تنها چیزی که دیدم بد چگونه آمده است؟ از آنجا که من احساس منجر با خودم ، چرا که چشم دیگران فقط یک عوضی بود ، عوضی اصطلاح عامیانه است که ما استفاده می کنیم ، که به معنی طفره زن ، کسی است که نمی خواهند به اختصاص به هر علت دیگر از چیزی است که به استعفا است انجام ، همیشه می رود راه کسی است که همیشه می دهد الهی ، قدرت وجود دارد ، این باور از امید و ایمان ، و همیشه من در درون من انجام ، من قتل در آن وجود دارد را دیدم .

برای این بود ، و به من اجازه زندگی می کنند ، هرگز marimbar اما من به عنوان سعی کردم به من آسیب برساند ، حقیقت گفته شود ، و آن را دقیقاً چگونه این همه آغاز شده بود ، من بسیار ناپایدار ، غیر قابل پیش بینی بود ، و مدیر مدرسه من را تشویق می کند برای ادامه تحصیلات خود را ، اما کامل ، نه فقط همه مطالعه ، به حال حمایت از خانواده ، حمایت تضمین شده است .

این همیشه وجود دارد وقتی که با راه مناسبی را برای زندگی می کنند و قادر به ادعا چه بد است مطمئن ، به همین دلیل است آن را به نام حمایت تضمین شده ، در چارچوب قانون کسانی که به ما بد را هنگامی که ما تحت فشار قرار دادند و توسط سیستم را شکست داد ، چرا که توسط داشتن پول ما به یک سیستم است که در آن پول وجود دارد تحت فشار قرار دادند نه همه به خوبی می رود ، آثار عدالت ، زیرا اگر در حال حاضر وجود ندارد .

از آنجا که در شما باور ، آنها می توانند چیزی را تغییر زیرا آنها کارکنان هستند انجام دهید ، و آنها فقط باید برای برقراری ارتباط را نمی توان بدون نیاز هستند که از عدالت تعیین می کنند ، با شکایت یک نظرسنجی از باز بودن عمل می کنند ، اما اگر آنها برای باز کردن یک بررسی من همیشه خاموش قلاب بود ، زیرا او می دانست که راه رفتن در حرکت در زنجیره ای ، می دانست که نگهبانان فاسد ، کسانی که حمل مواد مخدر به زندان ، برخی

دیگر دور کردم ، تا در زندان به پایان رسید

برخی از این پلیس از قبل می دانستند زندانیان ، سرآمد و یک قسمت با یکی از آفردو به حال یک مرد از شب، پادشاه شب ، سوئیچ خانه اکسپلورر است که پادشاه واقعی مافیا بود ، این سزاوار یک زندگی بهترین پلیس سابق تنها رویداد اکسایش بزرگ، که به جرم راه من چون من برخی از چیزهایی که با او آموخته خوشحال به ذکر آن در کتاب من است را آغاز کرده بود ، حتی اگر او پلیس بوده است و قسمت کمتر مثبت در زندگی من با او داشته اند ، آنها سعی کردم به من در کتان زندان کشتن ، تنها در زمان در حال حاضر یک جانباز ، بود پنج وجود دارد ملاقات کرد. او می دانست که هر عامل، و همه به من می دانستند و این قسمت بیمار کل زنجیره ای، مربوط به زندانیان ، چرا که من یک انگیزه ای برای همه آنها به عنوان مثال آنها در من بود ، تضمین تداوم در محوطه چون ما به حال وجود داشته باشد ، و هنگامی که من در بالا که کیپ ورد ذکر خواهد بود ازدواج من، اشتباه نیست ، شد ، در واقع، آنها می خواستند برای گرفتن انتقام که قسمت ، سعی کردم به من کشتن ، من به مرد به سر دعوت شد ، اما نه منمی خواستم برای به اجرا درآوردن اتحاد یکی فقط شما می بینید . که اگر من می خواستم او خواهد بود مرده است

اتفاق افتاده تنها ، او را کشته نه - **agrediram** اما طنز این است که هیچ یک از که در او خود را باز خرید و سعی کردم به تقویت دوستی من با او ، اما او در داخل او را می دانستند هرگز این قسمت را فراموش کرده ام ، فقط او را بخشید چرا که او دارای فروتنی توسط آنچه که ما در مورد من صحبت کرد، نه با زندانیان فریب ، اما برای خدمت نگهبانان زندان ، و جهت زیرا او می دانست که او می تواند به من شکست نیست، که قیمت از مرگ زودرس در پرداخت ، و سپس پس از آن بود که من به او اجازه دهید راه رفتن هنگامی که من متوجه شدم او فروتن بود آموخته به آن احترام گذاشته و به شرایط چرا که او نمی خواهد زنده بود اگر من او را می خواهم نه ، اما هیچ نقطه وجود دارد ، فقط یک قیمت بالا بود به پرداخت ، من با زندانیان عادی که پلیس متنفرد مورد انتقاد قرار گرفت ، من **achincalhado** .

نلسون به شما به عنوان این پسر شرایط ؟ -

من آن را پذیرفته چرا که او بیش از همه او را به عنوان حرفه ای بود ، دشمنان قدرتمند در محیط زندگی می کردند ، پلیس بودن به دست آورد ، بسیار آگاه بود ، می دانست که بالای ما و می دانستم که مردم قدرتمند است که می تواند کمک کند ، مرا تهدید به جلوگیری از صحبت بلکه فرد یا اجازه می دهد به احترام ما و آنها ما ، اما من به او اجازه دهید زندگی من ذکر نلسون و کارلوس بودند ، **Verdeans** می کنند ، آن را یکی از مال ما بود ، کیپ دقیقاً در منطقه که در آن بزرگ شدم زندگی می کردند بود آنها شانه به من انتقام و طغیان پس از آمد ، و آنها می خواستم ببینم کشته اینچنین فردی، اما من ترک من به او اجازه دهید برود، من می خواهم چیزی از فرد ، هر چند من چیزی در مقابل او ، و داستان از این به ضرب گلوله کشته شد ، او به آن اشاره شد ، **PSP** برادران کارلوس ، توسط یک افسر

بسیار مورد ضرب و شتم قرار گرفت ، با من شطرنج بازی ، او بود "متخصص " در این زمینه، فقط می دانستم چگونه به بازی پول ، من همیشه به شما گفته ، ارزش آن ، بازی و romão نمیبیرای عشق ، اما در آن زمان بود به خوبی ، او که توسط مانوئل و برگزار شده بود ، ما به عنوان برادران سر و کار داشتن ، کمک های متقابل به badona در هر دوم به میلی ثانیه به lurks حال ، همه ما در وسط که در آن جرم و جنایت نحوه حال بسیار وجود دارد و گاهی اوقات ما ممکن است در وسط گرفتار و هنگامی که ما این را انجام داده اند ، تصمیم گرفتم برای ادامه راه من، من بسیاری از اسکورت در زنجیره ساخته شده ، به عنوان مثال، مطمئن رفاه برخی ، و به نفع خود من، که است، یک دست شستشو دیگر .

در یک وضعیت وجود metermos شعار ، شعار کمک متقابل بود، اما همیشه خطر دارد اگر ما به این نام بود ، یک قتل در کتانی وجود دارد ، هرگز آن را در سوال قرار داده خوب و شاد روز چون من راه می رفت تا این تصمیم ، من نمی توانستم انجام دهید، همیشه از خودم فکر کردم، من هرگز در دیگران فکر می کردم

این همه بسیار سریع به انتقال من به دره یهودیان پس از هشت سال در کتانی تکمیل شد ، آنها هرگز از من خواست و من قبول خوب، آنها می خواستند به من آسیب برساند ، اما من احترام ، همیشه برای بی دقتی من منتظر، چیزی است که آنها را هرگز به بود زنی که یک مقام در صنعت قانونی بود وجود دارد ، او مرا دوست داشت و درگذشت او ، اما این با طعم درگذشت ، در روز او به من سوار تله دقیقا در آن زمان من قوی تر از همیشه بود ، هرگز از حد صحبتبا آنها با پلیس ، خطر بود، من آماده برای هر چیزی راه می رفت

صرف نظر از شر ، شر است که می تواند بیاید و به من منتقل دلیل ، داشتن یک در آموزش و پرورش مبتنی بر آینده گرفته و با آن به زندگی می کنند، یک عامل قوی می شود تا است ، و ما به استفاده و ما را به آموزش که زندگی است، زندگی به مرگ ما فقط ، اما زمانی که من به دره از یهودیان منتقل شد ، اما همه این است پشت سر ما شروع چرخه جدید این راه من از زندگی و طرز تفکر هیچ نوع سوء استفاده اجازه نمی دهد بود ، شخصیت من به حال ، پختند در کمی آب ، و هنگامی که من دره یهودیان کردم ، تصمیم به گرفتن یک جهت جدید ، او می خواست می توانید از کابوس از گذشته رها شویم ، اگر چه من تا به حال ، گذشته، واقعا به حال آنها را یک راه ساده گفتن بود ، چهرفتن وجود دارد وجود دارد ، اما نه کاملا ، چه وجود دارد می رود وجود دارد می رود ، تنها اجازه رفتن، به خودتان اجازه بسته در فانتزی که ما واقعاتر این بازی صرف می شود و صاحب کل کهکشان ، که شده است، همه ناکارآمد و همه چیز را برای آن آماده است، زیرا آنها کارفرمایان و کارکنان را کنترل نمی خودماجرای به سرقت و می گویند که قانونی است ، یک شکل از تقلب ، یکی از لحظات که بیشتر من جلال در کتانی دستاورد من و همچنین بود تضمین نام من در کسب و کار است . حال یک چیز بیشتر، از آن زمان همه یا هیچ ، بدون آگروز پیروزی بود ، و یا می میرند ، شعار که در درون من قدرت برای زندگی و لذت بردن از قدرت است که من تا به حال در حالی که من محصور شد بود ، هرگز خشونت بلاعوض به استفادهجفت من تقریبا گریه

اشک ، شر است که من تو را دیدم که توسط دیگر اصحاب که با خشونت میانه‌ی میدان بود و شاید مجبور به انجام هر کاری قاچاقچیان می خواستم انجام است، اما من با یک مسیر نیست، اگر چه بود که به من هرئین قلاب ، من به خودم که *enveredei* سخت تر سوگند یاد کرد که در زنجیره زندگی مایل به کشتن و به شیوه ای محترمانه که من را خسته نکنید به پایان زندگی می کنند، کابل همه سختی از لحظه کسانی که با آن همه به هستندمعامله ، اگر چه در آن بود آرزوی من نیست، ایجاد دشمنان که در آن وجود دارد به سختی راه رفتن و خودم بودند ، کسانی که سعی کردم به من آسیب برساند وجود دارد ، جهت به من را دوست ندارد، پس از آن که آنچه را که آنها انجام داد، فرستاده خبرچینان از آنها در تمام اوقات در حال حاضر که به صورتی که می توانید بهترین از همه چیز که من همیشه می تواند انجام دهد، آنها عذاب وجدان به حال اطلاع باز بود ، اما یک چیز توجه من زیادی در معلمان من تا به حال ، من *basieie* را به خود جلب و به من تغییر ، من احساس عشق افلاطونی برای برخی ، و پس از آن بود که به خوبی بود ، اما قایق پس از آن تبدیل ، منو گرفت و من را در دره یهودیان پس از هشت سال حبس در کتانی دشوار بود ، به سمت چپ سابقه قریب به اتفاق سطحزندان ، چرا که او همه می دانستند و آنها به من می دانستند و به همین دلیل من می خواستم هرگز به من صد در صد مجازات ، من اغلب با مجازات انضباطی مجازات شد ، یکی برای حمله و ضرب و دیگر سوء استفاده زبانی توسط سپاه و این که چگونه منمن متوجه شدم که واقعا برخورد بامافیای قوی تر از من ، اما در واقعیت بود نه بیشتر من فقط به حال کتاب ها و دیپلم ساخته شده است که متفاوت از من بودن ، چرا که پس از در حال حاضر بسیار بازی شدبه جای توپ ، به تفریحی من ، اتفاقا بازی همه بود به بازی وجود دارد ، من بازی بالاترین نسبت ناروا آنچه تا کنون شما می توانید بازی ، تک خال از پیک ، برخی از مردم به من گفت من می توانم ببینم که بد شانس با این من که می تواند بد شانس با این نامه ، بار تغییر و این زمانی که من *diziam* نامه ، و شروع به درک که زندگی است که در داخل زنجیره ای نیست، اما در خارج ، اما می خواستم هرگز به درونی ، اما من می دانستم که نقطه قوت من بود . شروع یک داستان دراماتیک در قتل پایان دادن به شد ، سه برادر بودند و همه آنها مصرف هرئین و هرئین برای آنها نیاز به لحظه ای بود ، که شده است، وابسته به معتادان به مواد مخدر چه بودند

اما در عمق ، مردم فروتن بود ، تا به حال یک قلب خوب است، چرا که آنها نیاز به کمک شود چرا که آنها در زندگی در زمان و من هم در زمان ، آن را به یک زندگی سخت بود، ما حتی می توان گفت آن است که یک برده داری بود ، زندگی راه ساخته شده بود، هر روز . ما تا به حال به دود اما ما می دوباره ترسیم

اما این همه نتیجه یک روش زندگی ، یکی که حرکت می کند علت چون من حتی انجام شعر در رابطه با تجربه و زمینه وضعیت است، همه آنها از من خواست شعر بود، به ارسال به دوست دختر خود را ، همانطور که آنها بودند همیشه خواسته شعر ، اما من خودم را از دست داده و در زمان مصرف که این روش زندگی اتخاذ کرده اند بود ، من می دانم آنچه من می دانم و من مایل به آموزش هر کسی هستم چون او تجربه به آن از گذشته به حال نیست، من

. ساخته شده کسی قهرماندر سطل زباله به حال و میتواند مطرح شود

همه چیز را به این آب پز شد ، از طریق تجربه ، روش زندگی ما ، راه ما تا به حال به دست آوردن مواد مخدر به مصرف سیگار ، به عنوان اگر او پیشنهاد کرده بود و با توجه نمی خرید ، شدم صرفا صحبت کردنفروشندگان مواد مخدر مؤسسه های روسپی گری به فروش ، تا به حال به من گشت و گذار روزانه من اطمینان با پودر من دود ، آن زمان بود که من دلال محبت از قاچاقچیان شد ، لقب گرفت تا همه آنها می خواستند به من کمک کند، من مواد مخدر به فروش می دهد و من خوردم ، من تا به حالبزرگترین اوقات فراغت که هر . معتاد می تواند داشته باشد، به مواد مخدر و سیگار کشیدن معتاد

اما من برای ورزشکاری من، شناخته شده بود برای عمل من در آموزش زیرا هر روز آموزش دیده و آن را حوصلگی افرادی که من را دید و به من نگاه کرد آنها همیشهپارانویا حال ، پارانویا که من در این بی اعتمادی کتاب ذکر شده و تردید است ، هنگامی که آیا شر ما . همیشه مبتلا ، خواهد بود که شر خواهد به من اتفاق می افتد

habituai- این است که همیشه پیش بینی غیر منتظره صمیمانه من به این روش زندگی و دشوار بود به ادغام پس از دستگیری در محیط اجتماعی ، به دلیل آن یک رسانه است که ما می دانیم این است ، یک فضای بسیار کوچک که در آن زندگی روزانه منجر به استهمه . خودمان می دانیم به یکدیگر است، اما از لحاظ فیزیکی

ما می خواهیم همه دستور چون ما می خواهیم را به نفع خود حق را در یک فضای که به ما می دهد امنیت خود را برای بودن در یک محیط که در آن ما همیشه با ترس مقابله درج شده است، اما از آن است که ترس نیست، به سادگی مطمئن باشید که ما ، ما می توانیم وضعیت غلبه بر دانستن

گاهی در زندگی اتفاق می افتد، می شود ناشی از خطا ، کشنده ، یکی است که به درستی نوشته شده است، به دلیل آن را توسط تجربه و راه قوانینی که زندگی می کردند و بزرگ نوشته شده است.

چگونه آمده است؟

نیروی عقل همیشه برنده ، و تمام قضاوت که ممکن است زندگی را گاهی اوقات می تواند نمی شود درست ترین تمام وزن یک عامل : افترا،خنده دار نیست و سقوط به فضل نیست، یکی که تمامی خواهم به خوار شمردن ، به تحقیر .احساس خوب و بنابراین، هنگامی که فقدان قدرت اقتصادی همیشه محدود به بازی وجود دارد چرا که بخشی - این یک بازی است ، که شده است، برخی می گویند که یکی به می دانم که چگونه به بازی می سخنان محبوب برای شانس درمی توانید با ما شاید ضرب و شتم چیز خوبی است، و شانس می تواند ما را

به آنچه که ما خواهان ، رفاه را ، خوب در مورد خود ، برای کمک به این دلیل باشد که ما هم به آن آموزش داده شد ، به اشتراک گذاشتن یک زندگی مشترک با مایدر و مادر ، برادران ما ، خواهران ، مادر بزرگ و پدر بزرگ ، برای وجود دارد ، این نسل ما است ، چرا که ما در نتیجه گسترش خود را برای دیدن موجودات تولید دانه خود را ، که شده است ، می دانم که ما باید توانایی به شناختن یکدیگر ، می دانم که ما هستند و همیشه ما را در کنار ما است ، اما هرگز مایل به نگاه ، به یک عضو در یک خانواده است که می تواند آنها را خوشنود نیست ، آنها یک تصویر برای حفظ زندگی به این ترتیب ساخته شده بود پیشرفت اتحادیه ، رفاه ، هیچ کس را دوست داشته باشد ، و یا برای دیدن کسی است که از خانواده ما یا کسی که نزدیک به ما به دلیل در پایان ، در پایان ما همه انسان ، ما باید برای مقابله با هر یک از دیگر و جو خانواده ، گاهی اوقات بر روی میزبان بیش از حد ، احساس صاحبان آنچه تولید و آن را یک روش زندگی است که در تمام قرائت دینی است که می تواند به عنوان خواننده شده نوشته شده است ، به عنوان مثال مطالعه ادیان .

همه ما با درس اخلاقی ، آن را مناسب این است که کسانی که احساس نزدیکی به طوری وفادار ، که همه چیز را انجام اطراف دیدن خوب است ، آنهایی که ما را دوست داشت ما آنها ، و هرگز نمی خوام به آنها آسیب برساند قبل از DER در DER را به خوبی ببینید ، تصویر که حفظ و که آنها آموخته اند ، ارزش هایی که آنها حکم داد اجازه نمی دهد آنها را به نگاه خوب ، به یک وضعیت که شاید می تواند حل شود شد گاهی اوقات اشتباه نیست . این همه بسیار خوب و رسانه ها نیز انتقال در نتیجه به نما برابر یک تصویر زیبا ، نیز با یک قدرت است که همه ما حکومت ، موضوع بسیار سخت شرایط تحت فشار نمایش است ، اما آن است که با این همه که وجود خواهد گزارش شود ، ما وجود داشته باشد ، ما به وجود داشته باشد ، آموزش و پرورش نیز به کسانی که ادعا می شود صاحبان عقل و گاهی اوقات آنها انتقال و می خواهید تفرقه ، همه آنها در یک چیز مشترک دارند برای حفظ داده شده ادامه خواهد داد : سلامتی ، رفاه که آنها می توانند یک دامنه از همه که می تواند آرزوی ارائه و مایل رفاه برای جامعه است ، اما همه آنها زندگی می کردند و بزرگ با پدر و مادر ، آنها شرایط مناسب برای داده شد قادر به پیشرفت در حرفه ای که هدف ، بلکه شکست ، اما همیشه فراموش می شوند و توسط تصویر اداره . من حفظ این سخنرانی به دلیل وسعت من در این زندگی بزرگ است ، بسیاری آموخته ، من توسعه یافته چیزی است که من تا به حال به به **ambicionei** توسعه هر چند او در دسته سه تایی بود هرگز پایان فکر کردم ، همیشه تماس مستقیم با کارکنان موسسات که در آن من بود ، زندگی حرفه ای من زندان می توانید آن را دوبله آن خواهد شد بهترین از لحاظ کلمه تفسیر نیز ، اما باید ، به عنوان صادقانه و صمیمانه است که در زندگی وجود دارد تفسیر شده است . مرتبط است روابط دو جانبه ، روابط که مسائل مربوط به منافع جامعه حکومت تمام سازمان ملل ، به حراست از دارایی ، به طوری که آنها می توانند سلامتی را به طوری که در جهان تاسیس شد وجود دارد ، آزادی از سخت ترین موضوع به صحبت می کنید ، ما می توانیم تمام آزادی ما ، چیزی که زیبا ترین در جهان را ، بزرگترین لذت می توان در زندگی است ، این است که آزاد ، ما باید بدانیم این است که غلبه بر تمام موانع است که ما در طول زندگی داشته و می تواند پیدا

کنید. است انواع بسیار متنوعی از آنها وجود دارد ، من می توانم با اصلی شروع : خوب اجتماعی ، همه ما در یک چیز مشترک، مانند خودمان ، ما می تواند زشت، زیبا، مهم نیست، عادت کرده اند به زندگی تبدیل ، به نظر می رسد همه چیز نیست .گاهی اوقات پشت خوب به دنبال می تواند یک سمت کمتر خوب پیدا کنید، اما از سوی آپولو ، در کنار زیبایی، شرح داده شده توسط نیچه من به دنبال زندگینامه خود بود ، هیچ دلیلی برای بیشتر وجود دارد ، در کنار زیبایی است که باعث می شود ما خواب، که باعث می شود ما را دوست دارم، به ارمغان می آورد همه خوب است، اما به خوبی وجود دارد می رود دست به دست ، که شده است، مجسم خوب و Dionysian با شر ، به عنوان نیچه توصیف وجود سمت بد در غریزه بودن انسان ، زمانی که ما در مورد تمام موجودات که وجود دارد به زمین بالا هر کس آنها ، چه سیاسی ، چه قضات شهرداران ، رؤسای جمهور از انجمن ها همه را می توان هستند صحبت می کنید، تلویزیونی به کاریزما و داشتن یک قدر دانایما هیچ کس را می توان ببخشند ، خود کلمه ، بخشش تمام دلیل و زمانی که ما در حال قرار دادن مسائل باید همه چیز ما از طرف انجام از قوانین حاکم بر جامعه گفت: را و که ممکن است قانون کلمه ادعا می کنند . آنجا بود که حق مجازات شوند و توسط قانون تعریف شده به دلیل آن همه متناسب ، سوء استفاده وجود دارد ، وجود داشته است و وجود خواهد داشت مقدمه است کردم .

و مقدمه می آید از تعالی ، یادگیری فراتر از آن، همه ما زندگی می کنند ، زیرا ما می دانیم که تعالی بیشتر از خوبی است ، ممکن است ، ممکن است ، این است که آموزش ، همه چیز به ، اما یک کلمه کلیدی تعیین همه وجود دارد این : فلسفه، روش زندگی ، لذت بردن از زندگی است که چه چیزی باعث شده تا یکی از عوامل تعالی، ما باقی می ماند و همچنان به زندگی می کنند به همان شیوه ، تکامل داشته باشد تولید شده است، در حال رها نمیکنند شیطان پر برکت خوب است که ما می توانیم عمل الهی است ، که ما یاد بگیرند ، سرنوشت ما آموخته که همه چیز ما را ترکاژ ارزش بزرگ، به طوری که آنها ستودن کلمات آنها ارسال ، اما این همه تجلیل از حفظ قدرت و استدر تجلیل ، برای همه این می تواند زیبا اگر . ما واقعا تمام انجام شد و نوشته شده است بسیار خوب بود

چگونه آمده است؟

ما می شود از ورود به وسیع ترین راه پوسیدگی انسان هستند، بردگان از دموکراسی قانونی ، استفاده از وضعیت به محصور شود و به قوانین سختگیرانه تر اسیر .گاهی اوقات به همان شیوه راه دنباله واکنش نشان می دهند نه به صورت عادی است ، تعالی وجود نامیده می شود، تحول به سمت بی رحمانه ترین بودن ، این چیزی است که من احساس ، من از تجربه آموخته است که خشمیشنیانی زنده استبرای زندگی و زنده ماندن دیده می شود و توسط ارزش علم است که به عنوان یک راه امن زندگی در زمانی که این امر به سلطه ثابت ، ما می توانیم به این سوال فرار نیست، ویژگی ما که ما را متفاوت هستند ، اما so're همه از می آیند همان ، رازواری ، هیچ انسان کامل تر از هر کسی ، هر کس می داند برای این نیاز به پشتیبانی امن و معتبر به تمام انسان زندگی می کنند، همکاری ، ما با تخفیف به

طوری که دیگران می توانند یک زندگی بهتر ، بیکاری ، علت فقط باید این یک تجربه است . که شما تمام سهم با من ، من این داستان ادامه به نام است ، گسترش این موضوع است

همه این آغاز شد پس از جدایی از پدر و مادر من ، من به یک مدرسه صومعه از هیل نام کالج پذیرفته شد ، در تعطیلات با پدر من در نزدیکی آنجا بود ، اما پس از جدایی یک رابطه خوب با پدرم روبرو نیست، و بود از آنجا که در آن آغاز شده ، مادر من در بعد از جدایی به نوک نقل مکان کرده بود ، من تا به حال حدود 10 سال ، زمانی که من وارد و من به آن **apanharam-** اشارت رفت ، مدرسه فرار ، بود که راه زندگی را قبول نمی کند ، اما منبی گناه بود ، می دانست که نیروی قانون وجود داشته است، پدر من در نظامی بود راه داستان که پدرم به من گفت ، به یک مرد که در نظامی یکپارچه به من جرأت ، خدمت به ملت ، یک مرد سخته عنوان اشاره کردم ، اما اجازه دهید خود را به دور توسط علاقه خود را انجام به عشق زن دیگری ، یک مرد از لحاظ جسمی قوی خوب ، فکری بیش از حد ، گرمی داشتن که ژن خود به ارث برده اند ، او را به عنوان یک قهرمان به حال ، که تمام یادگیری که بعد بود آمده است

چگونه آمده است؟

دامنه من می دانستم که من می توانم انجام دهید، از زمان جدایی ، به عنوان من بود با مادرم مستقل تبدیل شد ، مادر من یک عاشق، یک مرد کار ، کار در اداره پست و آثار ، یک مرد ارزش است ، نیز آغاز شد بنابراین ، من نیاز به کمک مادرم و علت غالب همه به خوبی به کار گرفته شد ، من توبه ، گریه ، اما من به دست آورد ، من فکر می کنم این موضوع مناسب ترین است ، آنها را به عنوان هر کسی را دوست داشت، خوشبختانه آنها به خوبی هستند، یک زندگی ، طبیعی بود که بحث ، اما آنها همیشه به حال دلیل آن این است که من در خواب توسط تعالی از مایل بود ، می خواستم برای انجام هیچ چیز، فکر می کردم که آن را آسان بود

شروع کردم به کار برای کمک به مادرم ، اما به زودی متوجه شدم که من نه غرق می شود یعنی تودوزی کمکی ، این چیزی است که **Casqueiro** ، شروع کردم به کار به عنوان باعث می شود ساختار به شکل می شود و خالی ، کار می کرد، حتی بودم حله من در نوک ، از نسل من کار می کرد، چند برادر داشت، اما من **toninho** وجود دارد قبل از پسر علاقه بود

ساختار به منظور پرده زدن مبل وجود دارد ، **Casqueiro** فردی که کار کرده بود مرد ظاهر قوی بود ، و من دیگر می خواستم به رو بیشتر، شکل تهاجمی بیان که در حال حاضر از طریق این با پدر من رفته بود ، بنابراین من تصمیم گرفتند با معکوس کردن این وضعیت، من نگه داشتن نام پیشرفت زندگی، من وزن نیست، اما می تواند به من در آن روز خوار ، به عنوان یک ماده که مایل به صدمه دیده است و یا آسیب ، اما من حفاظت از خودم انداخت . سنگبه اندازه یک دست ، اما من منحرف شات می خواست به هشدار

با این حال من قبول وجود دارد، من به کار ادامه داد پس از من با انتخاب سمت چپ ، بلکه مالک بیماری اچ آی وی ، یک وضعیت شد که دوست ندارد من او را دیدم این بیماری رنج می برند مصرف درگذشت، اما همیشه او را مورد احترام ، من کار من از دست داده، من در دارایی های آغاز شده ،است که، در اصطلاحات مخصوص یک صنف به عنوان هدایت شود استفاده می شود، قرار داده نشده تا با کارفرمایان ، می خواهم استقلال ، من پسر شیر بود ، و به عنوان مثل عمل کرده است .

در ماه مارس سال 1996 من در مترو خیابان پیدا شد، یک سری از حملات در مترو داشت PSP ، بودند اتهامات جنایات که رفتن وجود دارد وجود دارد و اتفاق افتاده مناسبت صرف که آمد برای شناسایی بپرسید ، و این به دلیل سابقه ، یک هفته قبل از در بنفیکا متهم به سرقت یک خواننده بوده است ، اما این پسر را که با من بود **superesquadra** ، ریکاردو، بود محتاط ، بی تجربه ، او را از تخمدان آمده بود را در شهرستان نمی دانم، اما آن شناخته شده بود راهنمای حالمعتاد به مواد مخدر بود ، و در آن زمان که من مصرف کوکائین ، آن را خوب به چوب زیر بغل ایمنی، است که، من و حفاظت برای آینده ، که این است که یک نیروی ، یک اتحادیه برای پیشرفت .

اما در حال حاضر در اینجا می آید ساختار ، یکی از عوامل اصلی ظرفیت وفاداری هر ، شروع می شود سرگردان ، که چگونه من کشف آنچه که من از قبل می دانستند که شما نمی توانید اعتماد اگر شما نمی دانم، اما تجربه من گسترده بود، بزرگ، او مطمئن از خودم بود ، خوب در آنچه که او انجام داد، چندین فقره سرقت مسلحانه انجام داده بود بود، من راهی . برای صدمه نمی زند هر کسی ، فقط دریافت پول تصمیم گرفتند

برای چی؟

برای زندگی، من این راه زندگی و در ماه مارس 1996 ، به طور خاص 28 حکم بازداشت گفته تنها خاتمه اضافه گم معرفی این موضوع گفته شد ، یک هفته قبل از در از بنفیکا دستگیر شده بود ، من بودبه خواب در یک ماشین ، **superesquadra** صاحب آنسرهنگ دوم نیروی هوایی ، یک مرد که در حال حاضر از طریق خارج از شد وجود دارد ، اما هنوز هم به حال خانه در نوک **dozing** کشور بوده است ، من عادت ، در واقع آن شب بودریکاردو، و به سرقت برده خواننده و در ماشین خوابش برد ، ما از بنفیکا تعلق داشت ، **superesquadra** به PSP شگفت زده شدند و توافق افسران نیست و ریکاردو گفت برای ترساندن نمی خواهد که به قوی **amedrontei** اما من من باشد و نه گفتن بهپایان ، هیچ شواهد بر خلاف وجود دارد، اما او به من هشدار داد که پلیس می تواند به نظر می رسد ، اما اطمینان او ، به او گفت آن را خوب ، ویسکی بیش از حد نوشید و می خواستم به خواب و فانتزی مرا به خانه رفتن نیست ودر نزدیکی زندگی می کردند. این اتفاق افتاده ، آن را بدترین شک بود که یک مرد می تواند احساس زمانی که او می آموزد و آموزش وضعیت فعلی است که می تواند در آن روز اتفاق می افتد دور با من کردم . او می تواند حکومت من از داشتن هر چیزی که می گویند اطاعت ، اما آنها قانع نشده

نزدیک به ببینید که آیا آنها از هر گونه حمله ، ushers و رفت برای گرفتن تمام ماشین دستگاه پخش سی دی آبی می دانستند ، اما ما در حال حاضر متعهد چندین جنایت قبل از بودو همه در سرقت و آدم ربایی درگیر شد ، رفت و به بررسی مترو خیابان ، اسکادران در انبار مارکی ، ایستگاه شهری لیسبون ایستاده بود، مورد مصاحبه قرار گرفتند ، گفت: من هیچ چیز، نمی ریکاردو گفتگونی دانم، اما او به عنوان سابقه حالداشتن از طریق یک هفته پیش از آن در یک وضعیت مشابه رفته ، من اعتماد کرد

در آن روز ، ما را ترک ایستگاه ، چیزی برای گفتن به حال ، من در شهادت او به من اعتماد می تواند دور ، در زمان مجوز کار شد مصرف شد ، اما خودم را پیدا کرده اند برای دریافت صندوق بیکاری، ادامه داد به نامهمن به کد رفت ، من در حال حاضر در رانندگی بود ، من احساس خوب ، من تا به حال سرگرم کننده بزرگ و آن را در زمان من با یک قضایی خدمت شد حکم بازداشت در زمان، بود من به خانه، از ورزشگاه آمده بود، بیش آموزش دیده از یک ماه ، زمانی که من وارد قضایی متوجه شدم، وقتی که من تیم ملی چیزی نگفتم پرسید ، اما Pombal مارکی پرسید زمانی که من در ایستگاه مارکی ریکاردو همه صحبت کرد ، ادامه داد این بیانیه، در مرحله تحقیق بودبررسی قضایی ، هیچ چیز برای گفتن به آنها را به حال ، هیچ چیز های عامل آشکار ثابت شده است چرا می تواند چنین تصمیم را قبول نمی کند ، آن را مانند توزیع من ، شاید بهتر بود به نگرش های مختلف ، صداقت، همکاری شود ، توبه کرده اند به حال است ، اما من فکر توسط عقل من، به بازی با عدالت می خواست ،قاضی که محکوم به من یک مرد که مشکلات در زندگی بود ، یکی از دختران از مصرف بیش از حد درگذشت و دیگر کودکان باقی مانده نیز راه می رفت چسبیده به مواد مخدر، من از وکیل گفته شد ، یا گفتن حقیقت و یا این امر می تواند سخت به کرک ، اما من اعتمادمن

او از من دفاع که چگونه به دفاع شود ، شناخته شده نیست که در مشروعیت وظایف است که باید برآورده شود عامل ، به عنوان یک نماینده از قانون در زمان حال هیچ وکیل شخصی و هرگز به من داده شده است ، من تا به حال پس از دستگیری به استخدام ، پس از پس از محکوم استخدام این وکیل محکوم ، شد همه من می خواستم به تجمع انرژی ، می دانست که او در شهادت چهار راه بود می خواستم به گرفتن ، پرداخت قیمت بالا ، عدم همکاری و خلاصه تا همه چیز را به بزرگ منمحکومیت حتی فکر حتی بکشند

این یک روز غم انگیز برای من به خودم سوگند یاد من همشرایط نامطلوب است که می تواند به من به نظر می رسد زنده ماندن بود ، آغاز پایان من برای همه چیز بود، من آزادی من در حال حاضر برای برخی از زمان از دست رفته ، در زمان زنجیره سنگین و موفق به زنده ماندن

این زمان را به نفع خود من یاد گرفتم هنر دفاع از خود می توانید از طریق من افزایش بود ، هر کس به من حتی قدرت های اداری است که انجام توابع از زندان به عنوان آن را با این زمانی است که ما چیزی است که ما باید برای برخورد احترام هستند،صاحبان قطعه ، که

شده است، خود را در قلمرو که تسلط ، فکر می کنم خود را به طوری که آنها فرمان به انجام آنچه که باید انجام شود به ادامه مسیر در وفاداری، بدون در نظر گرفتن راه آن ممکن است به نظر می رسد ، می تواند و هم خواهد بود اما یک انقیاد است که رد صلاحیت وجود دارد ، زمانی که ورزش این موقعیت فکر می کنم که می تواند استادان از این شرایط، استعفا داد نمی شود ساده تر و که به زندگی می کنند ، پیش آگهی از آنچه مورد مطالعه و بلایای استمعهده ، بود یکی ، نه دو ، نه چهار نه ، بسیاری از ، به طور گسترده ای متفاوت آنها لقب مصلوب شدن از اسفبار ترین ، اما من روحیه من مطرح چون همیشه در حال افزایش کردمکتان یکی تند و زنده، IP است ، تمام آن را در ورود من آغاز شده وقتی که من به بسیار سخت، من پر از خشم و میل به پیروزی ، حتی در مورد فرار اگر او فرصت به انجام این کار به حال تصور می شد ، من موفق به من نگه داشتن ، همه به خاطر من می تواند بودند احترام ، و آنها بودندستون برای من درست به یادگیری زندگی IP برای جانبازان که ، تلاش ، من می توانم، اگر آن را نمی شد تا من فراموش خواهد guerreeri در انزوا ، شد ، همه به یاد من ، هر کس را دوست دارد به من یادآوری، من تصویر قابلیت یک رهبر تاریک و سرد شدعشق نمی دانم و این که چگونه من شکوه در زنجیره برنده شد، اعمال سرد که تا به حال به یاد بگیرند که زندگی می کنند و در زمین بالا را به نفع خود باقی می ماند بودند. سرعت مربیان ، کارگران ، نگهبانان و مستقیم به من کمکبارزه سخت برنده ، من احساس حمایت فقط در زمان و شرایط کمک نگاه وحشیانه بود نشان داد، چه اتفاقی افتاده است نمی تواند رخ داده است ، من شیطان در تبدیلخودم ، اما به دنبال مشکل فقط می خواستم به زندگی و زنده ماندن نیست، زمان وضعیت بود.

ایزابل بود نام اصلی مدرسه که در آن من احترام سالم و لذت بخش نگه داشته من همراه همیشه به من کمک کرد همیشه ، اما بعدها تبدیل شدن به یک خشم در من ، اما همیشه احترام و این همه به دلیل فشار قوی است که توسط سیستم اداری که نام مدیر جان گرم بود وارد شد. مردی که از خارج از کشور آمده بود ، رو دور زمانی که تلاش برای کشتن ، داستان خود را شناخته شده است، چند سال مسئول در اداره کتان تا پس از انتقال من، من آن را می دانستند تا زمانی که بود یک مرد که می تواند صحبتارتباط بود علاقه مند به موضوع شد ، با بازی من صدمه دیده شاید تقصیر از نمایندگان ، من به خوبی در نظر گرفته شد در چرخه حرفه ای، سطح همراهی همه من احترام و این مدیر می خواستم اوج زندگی حرفه ای، است که، من اینجا هستماستاد ، من اینجا هستم به نفع خود در همه هزینه ها ، من خوب است چرا که هدف خود را در میان چیزهای دیگر می تواند بیشتر می گویند یکی از علل او دفاع شد قاچاق مواد مخدر بیشتر، او لذت می برد کمک به معتادان ، اما نیاز به یک نرخ ارز ، بازی با قانون ، قدرت بارافزون به شنیدن و تعیین استفاده از خروجی مخاطره آمیز و مشروط به حال ورژیم باز ، نه پسر بد ، که فقط به غیر فاسد آن می رود بود و من راه سخت را انتخاب راهی است که هیچ کس را دوست دارد به دنبال، اما من تصمیم به دنبال ، راه که من مقدر شده بود به دنبال، در هنگام صحبت کردن در مقصد توسطبار ما ضربه ، راه رفتن نیست ، بسیار دور از واقعیت ، بسیاری از رویاهای به عنوان یک بچه به حال و رویاهای یک کابوس ساخته شده بودند، گذشت در بیابان پیش بینی کرده بود ، آینده من دیده

بود ، اما همه من در خواب به تصویر کشیده شد ، من آمد به نظارت توسط جادوگران که چنین نام مستعار شد ، به تصویب رسید من آرزو چرا که آنها تا به حال به عبور ، قدرت زنان بزرگ بود ، به من کمک کرد ، اما کنجاوی بیدار زیر دستگیری من ، من اختلاف عمده با برادرم به حال و خواسته‌تر از او ، یک رقابت سالم و او می خواست به درست مثل من . در آن زمان، ما با استفاده از آمدن به شکار در برابر مارها آب را به هدف ، ما را بازی اسنوکر گاهی اوقات مخالفان دشوار مواجه است، اما ما موفق به کسب همیشه ، من می دانستم که او خوب بود . امروز ستوان ارتش است . پدر من موفق حمایت مستقیم تر که من می توانم را ، آنها را داد، او را در آموزش کمک کرد، این همه چرا که در آن در وسط کتان ورود من، شجاع بود ، فقط در داخل نگهبانان *separação.estamos* من می دانم پس زمینه، یک ورودی نرمال بود اگر ما به محیط زیست آنها - *quiseram* زندگی می کردند بود یک محیط تقاضا وجود دارد ، هر دو نگهبانان و زندانیان می خواستند به نفع خود صحبت می کنید، وجود داشته یک مدیر خوب ، مانوئل ، اما فاسد بود ، اما هر کسی صدمه نمی زند به برنده و انجام شغل خود را محدود بود و همچنین به مدت سه سال تحت صلاحیت این مدیر 1996-1999 بوده است کمک کرد ، او از پست از مدیر حذف شد ، اما رئیس جمهور شورای اهل محله به سر برد، اما هرگز دوباره می تواند از سر آنچه او را از کتانی گرفته بود دریافت ، یک مرد خوب بود ، رفاه همه خواست و در همان زمان کسی صدمه نمی زند به حال نیاز به کار در ب بال بال قاتل در نظر گرفته ، بال قاتل با نام مستعار شد برای تمام زیرساخت و دریافت یک دیدار در آب در حال سقوط سالن در نتیجه عدم مقیاس زیرساخت بود تا به حال به چتر باز ، چرا که ما در یک وسیله فاسد به نقطه ای از زندگی مدیر شرایط پیشنهاد مبتنی برای پول است که می تواند جهت کلی از خدمات زندان اکتشاف، کردم دور خوب، پیشنهاد بر روی زمین آموزش آرایش استوار بود ، که شده است، سنگینچالش فساد نام مستعار آن را نیز می *bué* زمین فوتبال مسیر خاک گل آلود بود ، با شما تماس بود، اما آن را خوب بیش از حد می تواند راه رفتن بود ، او *esguicha* تواند می دانست که چگونه به دستکاری سیستم ، آورده بود ، استفاده از زمان باقی مانده برای وسط ضربه ی پناستی از یک جمله از 16 سال ، هشت رعایت اعتماد به نفسمخی ، اما این را در بهترین راه پایان دادن نه به خاطر بودند کسانی که به عنوان خوبی آسیب دیده اند را باید بخشی از سیستم ، سیستم راه اندازی بنابراین باید توجیه وجود داشته باشد ، و با آن بالا بود آمد معضل *Linhó* رفته است یک سال دیگر وجود دارد ، بود سال سوم که من در واقعی مواد مخدر فروش فساد مجاز توسط مدیریت ارشد ، تمام مانور با استفاده از اهل بیت اعتماد خود ، قدرتمند بود یک قاچاقچی مواد مخدر که در زندگی با فروش مواد مخدر به نام پهن می بود آن برج لوئیس ، حتی یک کودک در زنجیره ساخته شده بود، یک پیشنهاد را به شرکت جست و خیز و پر کردن کیسه های پرداخت معما وجود دارد ، من آمد به دعوت به کار وجود دارد ، آیا این واقعیت است که مردان بودند که برای انجام این عمل را قبول نمی کند اجازه پرداخت در قاچاق مواد مخدر و آنها را با پول است که به زودی از طریق مدیر تا آن زمان بود . *T* کامپیوتر منتقل شد ، که زمانی که مشکل واقعی رخ داده مانوئل زیادی برای انجام وجود دارد نیست، وجود دارد یک نظرسنجی از قضایی ، بود معنای هدفمند حمل و نقل ، ما پاک خواهد شد تا تصویر ما وجود دارد ، اما موفق به روشن شدن

تمام به دربار دروازه به بیرون رفت ، بررسی قضایی متهم شده بود ، و مقدار زیادی از شواهد ، اما من شاهد نیست ، حتی برای آن را به نام نیست ، همچنین نمی گویند زیاد است ، علت ، می تواند manear تنها نوزاد محافظت ، من احساس می کنم به ارزش بیش چیزی از آن به دست آورید به من سکوت بود ، شر من می دانستم که من قیمت سخت به کرک پرداخت .

گارد اسپارو کردم از خدمات زندان ، رئیس آموریم تا به حال به بازنشستگی پیش از موعد ، هنوز هم موفق به رسیدن به ریاست جمهوری اهل محله T مانوئل .

اوجاه طلبی EP بود تغییر مسیر ، جان گرم وجود دارد. این نام بعدی که به دنبال در اداره بیش از حد بزرگ حتی برای متن ، چگونه کار میکند در بخش به ب بازسازی شرایط آنها آغاز شده بود ، نیمی از بخش آثار را برای تعمیر بسته شد ، من در سلول با کارلوس بودیسر از مادر یک استاد دانشگاه بود ، دبیر مدیر مدرسه بود ، اما آن را به یک معتاد به مواد مخدر بود ، از زمان به زمان ، کیسه معلم به منظور پول به مصرف به سرعت برده ، معتاد به مواد مخدر مزمن من احساس شفقت وجود او بود ، چون برای دیدن شما از دست دادن نگه دارید ، نمی تواند تکامل به مصرف کننده استعفا داد شد ، اما آن را هوشمندانه بود ، یک فرد زیرک بود تنها در قاچاق بازار سیاه است که آنها فرستاده می شود ، به حال مشکلات با آنها آمد به درخواست برای حفاظت از زمانی که من با او در سلول بود ، اما آن را خنده دار هیچ کس به من گفت یا خواستار پول ، بدهی مجبور به پرداخت حتی از او حمایت میکرد ، اما خیانت به من بدهی هروئین از چپ به مرد است که نوع مورد ضرب و شتم توسط بدهی شد ، من پذیرفته بود ووظیفه ، می ترسید نمی کند چرا که هروئین من ساخته شده است وحشی ، سلطه مجموع ، آن را از آنجا بود که من تا به حال به یک زندگی سخت به کرک ، اوج خشم من به دیدن کسی که رنج می برند چرا که همه آنها را به من داد به این دلیل بود ، من تا به حالوغا مختلف مبارزه می کند ، نمی تواند من را ، من علت به دست آورد ، و همه آنها پس از من نیاز به کار و فروش و خوب در مورد خود ، به حالهروئین رایگان من برآورده چون من تا به حال چهره های دیدنی و جذاب ، همسر بود ، دوستان و دفاع علت ، اما تا به حال یک چیز بسیار شجاع است که هیچ کس در تناقض من حتی بودن در مصرف هروئین . همه آنها آموخته به من احترام بچه ها در زندگی از جرم و جنایت بود ، همه می دانستند که در آن ما در وسط قرار داده شد ، خود من متنفر بودم احترام بودند ، ارائه به من هروئین به رفتن مطالعه ، تنها راهی است که آنها فکر من تا به حال بودبه یک شغل سالم و یادگیری ، بود ادامه چرخه مصرفش احساس خوب ، مورد استفاده قرار گرفت و به من در زمان اراده به من غذا و داشتن رابطه جنسی ، آن راه ایده آل برای گذراندن وقت در انزوا بدون من بودچت با مشکل داشتن رابطه جنسی و خوراک .

من در سال 1998 به یهودیان دره منتقل شد ، من مصرف یک نجار البته ، نه به این نتیجه رسیدم پس از ده ماه به کتانی بازگشت .

من به طور مستقیم رفت به رژیم مجازات 111 رژیم های سخت ، که در آن ما انتظار داریم

یک تحقیق که ممکن است در تحریم و یا عواقب انضباطی را نامیده می شد ، پرداخت ، پرداخت قیمت به ادعای حق که من تا به حال این بود که تلویزیون، رادیو اما به من به من در زمان این همه ، و همه می دانستند به نام او به تلویزیون من به نام ، سوزانا توسط مادر من به من پیشنهاد شده بود ، آن را بسیار جذاب بود چرا که تلویزیون همیشه همراه من بود.گاهی اوقات اختراع ، به آن کوشید و جو در زمان ، اجاره آن را به مصرف برق در روز وقتی که من احساس ضعیف است، اما عشق بی نهایت او، خواهد بود مایل به کشتن اگر کسی به من خراب حال ، من این کار را کرد چند بار من احساس نمیهمچنین

من وارد 111 توسط رئیس زنجیره ای، از نسل آموریم رئیس موزامبیک ، اما پرتغالی، قد بلند ، باریک شنیده بود اما پسر بد نیست فقط می خواستم به قلمرو تحت سلطه ، می خواست آن را ساکت و آرام، که چگونه او به من گفت که متوقف می شود صحبت که راه یا ما خسته ، من گفتم بله می تواند شاش برای آن بود، در آن زمان من در رئیس دفتر را ترک ، و یا از روی میز بود ، در حال حاضر چندین سال پیش سرویس شد ، گارد بابتیست ، نوشید زیادی است، اما صادقانه ، آیا شر هیچ کس قصد ندارد مانند رئیس بود، می خواستم به سلامت ، من این گارد شگفت زده شد ، تلاش برای حمله به من شکست خورده، بیشتر به حال برخی -rodearam سردرگمی ، PBX از نگهبانان که وجود دارد در نقطه بودند ، و دید و سعی من به من رسید دوباره، آنها شکست خورده، چند دقیقه به طول انجامید ، اما اصرار آنها شد قدرت من پس از آن در حال حاضر در خانه از 50 سال خود ، گارد آهن آمد یک نگهبان ، صحبت کرد با من ، به من گفت برای متوقف کردن و هیچ کس به من آسیب برساند ، اما من در حال حاضر مورد ضرب و شتم بود گارد بابتیست و سر از زنجیره ای، رئیس آموریم ، آنها را دندان بزرگ ایجاد نمی کند، من می دانستم که من که قرار بود به از دست دادن ، به طوری که او به من گفت ، به شما خواهد شد دستبند به پرچم امنیتی ، با حضور رئیس دستبند شد ، او دستور ، دستور داد نگهبان آهن و من به پرچم امنیتی سوار ، رئیس به من گفت را به دستبند و به من گفت که به سلول کنید، به عنوان خواهد بود طرح امن تا زمانی که تحقیقات به اتمام است .

راستش، من در مورد انسان به دست آورده بود، مرد رئیس بود، به عنوان مثال تعیین می کنند، به عنوان موسسات است که نشان دهنده نیروهای سرکوب ، باید به خوبی به تمام کنترل ، به طوری که هر کس احساس خوب است. برای من آن سر انسان ترین آشنا شدم ، چوب مجازات به عنوان امر می تواند منطقی ، باید برای عمل خود را پرداخت بود، اما همچنین موفق به کسب احترام خود ، به سمت چپ تا مزاحم در زندگی مستقیم ، نیاز به زنده ماندن حتی در زنجیرها زندگی می کنند ، آن محل به نام نامهربان ، که عبارت یکسان خود را ، به جایی که هیچ چیز ، ما زنده تنها به زندگی می کنند وجود دارد ، اما ما باید به این ، اینکلمه عامیانه برای استفاده در جرم *mareações* باور، قتل شنیده بود ، به دنبال چند و جنایت ، که است که می گویند دقیقاً قتل، بنابراین من برخی شرایط که به سختی می تواند با *Rasta* هوگو ، نام مستعار به *Rasta* در زندان سقوط متعهد شده بود ، همراه با به 16 سال در زنجیره وارد، زندگی می کردند در محله مجارستانی، من او را در یک زمان ملاقات کرد زمانی که مجازات در پرچم امنیتی برآورده ، من تو را دیدم یک مرد جوان در

حال حاضر به حال چند سال کتانی، و گرفتار یک تماس آن را به من می دهد سیگار است، شرایط **muitashorasfechados** اما آن را به سمت چپبیینید چون ما شد شد یک زمان ، به خوبی او وجود دارد دیده بود ، او **foiumconhecimentode** وجود دارد در ب بال بود ، یک قتل بال در نظر گرفته ، او در بخش ، بال ساکت و آرام، زندانیان قرار دارد که کار می کرد و می خواست بودآرام می شود در زندان ، اما مصرف کنندگان ، فروشندگان وجود دارد و یکی است که هنوز هم به عنوان نام عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه گیر وجود دارد، من توضیح داستان زندگی او را ، او به من آمد ، به سرعت خوب است، اما او **chavalo** دیدم که اولین بار من او را ملاقات نمود ، زیرک بود، دوران کودکی وحشی با راه پدر و مادر انجام گرفته بود نیز ، ، قدمت آن به کیپ سیز ، به دنبال من یک زندگی بهتر ،روابط تاریخی که در دانش وجود داشته باشد و به عنوان مثل دیده سختی از داشتن زندگی به حالیک زندگی که بسیار آسان بود منجر نشده است ، تا به حال به در محله مجارستانی زندگی می کنند، یک محله با مردم بیشتر که از کیپ سیز ، ساخت و ساز از خانه بود خیلی خوب نیست ، اما آنها حداقل شرایط در خیابان خواب نمی ارائه ، بایدسقف، برای بدبختی بیشتر به آموزش و پرورش به حال شود ، خانه تمیز نگه داشته شد و خدمتکار خود که آموزش و پرورش واقعی بود ، اما وجود دارد ، بود نابرابری های اجتماعی وجود دارد ، تا به حال به کار سخت و این افراد مردم خوب هستند ، دوستمتمتع کودکان ، اما هیچ وقت برای آنها به حال ، آنها تا به حال به کار بهزندگی صادقانه ، سلامتی، مناسب است و گاهی اوقات حذف می تواند یک شوک شود، کودکان شروع به رشد ، زمان صرف دور از پدر و مادر خود ،

اما آمد به آخرین برای طولانی مدت ، همچنان به این روز است، اما او پس از آن نیز در حال حاضر مصرف هروئین ، و این زمانی که من به یاد من او را در دار دیده بود ، اگر تیره کسب و کار وجود دارد ، در بازار سیاهمه چیز همه حق است، چرا هیچ کس هر کسی آسیب برساند ، یک زمان از جا در رفته متوجه در نگاه اول که پسر هوشمند بود. روح بود بزرگ، وحشی اما به خوبی درمان ، که تصویر بوداولین بار **Rasta** ، ظاهر آن بودبه وقتی که من او را دیدم ، و متوجه یک پسر در چشم جامعه بود ، به این ترتیب، یاغی ، مردی که در حاشیه جامعه زندگی می کند دیده می شد ، اما همه ما دوست داریم به یک رفاه تضمین برابری ما می توانیم اطمینان حاصل ، برای ما می توانیم رفاه ما محافظت ، برابری انسان است که ارزش و گفت که همه ما با این همه ما ایجاد زندگی می کنند ، اما ما همچنین می دانیم که به خوبی می رود دست به دست با شر ، اقداماتی که ممکن است بوجود می آیند را راه سخت به زندگی می کنند ، او از جناحین همراه ب بال منتقل شده بود، در سلول کنار من بود ، او با کمی در سلول بود ، از سوی دیگر کیپ وردان ، عصبانی بیش از حد در حال حاضر در سلول بودبرخی از زمان پس از ملاقات ، می دانست که او در سلول برای یک مدت طولانی در حال حاضر ، بود که داستان های مختلف بعد از تاریخ کمی پس از شب ذره انتقال به بخش بازگشت بازشماری که آن روز صبح ،توافق با جهت ساخته شده بود، همکاری وارد شدن به دیگر سر از گاو است، بیان دیگری نیز در زبان عامیانه استفاده

می شود که به معنی ترک حلق آویز دیگر، برای او برای نجات، هیچ آسیبی دیده می شد در اما هوگو در ب بال بود، آن شب ما برای-dávamo وسط بود و ما به خوبی ما پنجره تماس با صحبت بنابراین ما بسیار نزدیک بودند، و من سر و صدای Pudemo زیادی در سلول شنیده می شود، لحظه توجه من، در زنجیره باید به درک خطر است کهکه باعث می شود ما زندگی می کنند و کمک می کند که ما برنده، ما به ارمغان می آورد روح می خواهید وجود، روح است که همه ما دوست داریم به تجسم روح قوی پر از شجاعت و مهارت و حيله گری .

در آن شب قبل از صبح روز بعد ما را از طریق پنجره صحبت کردیم، که من شنیده سر و صدا پرسید:

کی اونجاست؟ -

: او شنیده بود سر و صدا اتفاق افتاد، او به من گفت

. هوگو، من ذره بیشتر در اینجا هستم 'm-

منتقل شدند B این راه از تحریم بود، این واقعیت است که آنها در آن روز که به بخش مرتکب شده بود، پس از آن معمول بود که او به من گفت زمانی که آنها درهای باز در این مورد سلول با من به بخش آمده، اما گفتمن برای حفظ ساکت و آرام، اما من فکر کردم، این هوگو بود، ستاره بود، مرد از لحظه بود، به قاچاقچیان هروئین مورد نیاز برای آن را فراهم بدون پول مواد مخدر معتاد شد، که باید بود، او آن را خواستار، یکپسر سرکش از راه بزرگ، که زمانی که حمله اتفاق افتاد، من درب باز گذاشته بود بیرون رفتن نیست، اما من می دانستم که او خواهد آمد، من می دانستم که او برخی از زغال سنگ در سمت داشت، کلمه عامیانه نیز زغال سنگ، که می تواند به عنوان درکدر اصطلاحات مخصوص یک صنف از جرم و جنایت یک رویداد معمول از قدم زدن در باران خیس می شود .

پس از خروج از سلول، انجام روال عادی من از مصرف صبحانه، سپس قطار، رفتن به مدرسه، رفتن به مدرسه صبحانه که صبح امروز، عجیب و غریب به آنها نمی بینم چرا که معمول من بود این را برای جستجو بودبیش از حد، معتاد شد اما واقعا معتاد نیست، اما در حال حاضر ساخته شده یک سرقت کرده و در طول روز صبح مقداری پول اخاذی کرده نامیده می شدند نیز بود، به piranhas بود به من بگویید، پسران که مصرف کنندگان دنبال زندگی در راهصادقانه تر، اما همیشه گمراه کننده چون اعتیاد نیز آنها را به این منجر ظاهر شد، آنگولا در Zé شد، هوگو برای پرچم ایمنی با کمی بود، اما یکی دیگر از توپ با آن دلیل این که شما زندگی می کردند هرگز به حال خوب "احساس" شلوار chelas، Emílio داده اند و او می خواست به سرقت که Emílio، محله بالا که tracksuit او می دانست که شلوار خود را من به من باعث شده بود شدند چندین بار، اما من هرگز بالا در محله Emílio نامیده می شود، هرگز اهمیت داد آنها تا به حال مبارزه بزرگ محله که بالا حتی در آنجا بزرگ شد پست تر از استاندارد یا میزان متداول بود، ایجاد همان بود و او

می خواست به دفاع از آن یا مال من بود ، می خواست به دفاع از افتخار شرایط محدود از یک اتصال دوران کودکی ، و سپس توسط چندین نفر دیگر ، پیامبر (ص) ، نیز از دنبالمحله بود قوی در حدود 90 کیلوگرم وزن ، که Zé .: و آنجا بود که به بزرگ توپ مبارزه یک مرد خشک، بود آفریقایی معمولی به عنوان نازک تر بود دفاع افتخار ، Emílio فرستادن طبقه 3 بود که در آن ما به بحث داد -wanted توپ ZE وضعیت مواجهه است، ، آن آسان نبود ، اما او می دانست که اوجیله گری برای زندگی و باید برای زنده ماندن شلوار گرفته اند و با آنها در دست، مورد بحث tracksuit توپ Zé سوال بود. پس از می برد، اما من هرگز فکر نمی کردم این امر می تا پایان Emílio . من می دانستم که که آنچه Emílio مانند توپ بیلی می خواستم به او در طبقه 3 ارسال ، برداشت پاهای او ، که شما آموخته اند، در مورد دوم ، من که منذخیره کنید، برداشت گردن او را مجبور به شکستن ، است که، در حال حاضر شما گرفتن گردن بزرگ نیست، آن را به حال نرده مخصوص دستگیره چهره یا وارد سلول ، هر آنچه در آن است و به امنیتی بزرگ ارائه نمی دهد، در این موردشده غیر قابل پیش بینی ، از لحظه اول من فکر کردم که قرار بود به سقوط ، که پیش بینی شده است به پیش بینی عمل ، اما پس از آن من فکر کردم و هنوز هم به حال چند ثانیه پس از دیدن و برنامه ریزی شده و فکر آن را نمی خواهد اتفاق می افتد ، اما آن اتفاق برداشت گردن او و نه اجازه رفتن بیشتر، و نیروی توپ جو انجام داد، Emílio افتاد ، که او در ترکیب دو نیروهای به یاد ماندنی ، اجرا کنید دور زمانی که آن را درست است، که همیشه آموزش و پرورش ما بوده است ، از طبقه 3 به فکر افتاد آسیب بیشتر بود ، حتی فکر برخی از آنها می تواند در آن وضعیت می میرند ، اما خوشبختانه ، ذخیره شد به این دلیل از نیروی همیشه برنده من فکر می کنم که زندگی ، من در حال حاضر فرار کمی به موضوع ، به منظور توضیح تمام راه آن را انجام داده بوددر این زمینه است که ما همیشه مردم ملاقات خواهد کرد، اجازه دهیداطلاعات تماس حفظ زیرا آنها چه به ما کمک صحبت به بحث در مورد شرایط خوب است همه اگر دیده می شود و انجام این ترتیب، ما حتی می تواند یک زندگی مربوط به اعتیاد به مواد مخدر داشته باشند، اما ما احساس می کنیم، چون ما وابسته به مواد مخدر هستند ، اما ما از مردم که موضوعات تم به طور گسترده ای متفاوت مورد بحث ، از موضوع پیش پا افتاده ترین ، از ساده ترین مانند فوتبال به علمی تر ، ما به اندازه کافی به عنوان خوانده شده هستند بنابراین ما بعدا می توانید بحث ، همواره قوی ما به عنوان خوانده شده بود، در حال حاضر و در سمت چپ قبل اطلاعات بیشتر اینجا فقط می خواستم نشان دهم که چرا من می گویم من هرگز خوب "احساس " به حال با توپ بیلی ، اتفاق نمی افتاد ، آسیبی نرساند بود، اما که Emílio ، هر چیزی که ZE توپ دست چپ هنوز هم حدود 3 هفته در بیمارستان Zé خواب روز بودبه بیمارستان برای پیشگیری . توپ زندان بود ، آنها او را در پلاتین بازو قرار داده ، بیشتر بیماری او بود ، من صادقانه خوشحالم که کردم دور بود ، من به شما بخشید عمل ، اما من می دانم که من همیشه کینه من ، اما آماده ، من وضعیت درک ، به او اجازه دهید به راه رفتن

به پرچم امنیتی رفته بود ، من Zé این روز در صبح بود ، شاید خواهد بود 11 هستم توپ می دانستم که هوگو با او بود ، او را چند بار دیده بود ، در غرفه های امنیتی به تحریم

منجرزندان سخت به معنی است لنگ نامیده می شود، انزوا است ، لازم نیست که هر چیزی از سلول مگر اینکه چیزهای اولیه ، ترس یک حوله ، ورق ترس ، ترس یک کتاب برای خواندن ، شما می توانید فندق سلول ندارد و شما بسته است 23 ساعت در روز ، آن را همیشه سخت برای غلبه بر اما فقط برای ما عادت کرده اند به این تحریم ها به خاطر ما این قبل از تصویب ، زندگی در مجازات ، مجازات در زندگی که وضعیت است، اما دوست نداشت به مانند که زندگی می کنند، ما می دانستیم که کسانی که در باران راه رفتن و . مرطوب می شود .

همه شر این بود و پس از اتمام مجازات و همه چیز را که در راه در حمله هوگو دو بار در معدهعنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه چاقو باقی بماند، اما نه ، درمان مرد بد، به کمی ، برخی گرم هروئین سرقتو حدود 30 داستان ، در مورد 10 گرم ، یک مرد که می خواهند قیمت نام مستعار عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه خود ، پنجه ، پنجه های پرداخت چرا که او برای حمله به قطار دستگیر شد باشد، ساخته شده مرده ، بسیار صحبت شده بود و شناخته شده در آن زمان ، حملهبالا ، به دلیل آن درگیر مقدار زیادی از پول ، آن مقدار گزاف در در لیسبون بود شد. حمله در خارج از لیسبون Sintra زمانکاروان حمل پول از بانک بین در حتی در آنجا اتفاق افتاده بود و یک مرد مرده وجود دارد ، اما آنها Sintra قطار هرگز نمی تواند ثابت کند که هم او بود که مرتکب قتل از جرم و جنایت، هرگز قادر به ثابت کند که او رهبر واقعی از قتل بود اما به اعدام محکوم شده و بیش از سفر زندان خود را در زمان چند حملات که شما با آن آمد و گرفتار مواد مخدر، او به مواد مخدر به هر کسی آنها می توانند نمی دهد ، که شده است، او به فروش می رسد ، chibadela برنده تنها با او نگه داشته مواد مخدر خود را ، او سفس داخل سلول مرتب، وجود داردآمده ، اما این در . حال حاضر .

همانطور که او بود نام مستعار خرچنگ داده شد که نام مستعار توسط هر چیزی را به هر کسی نمی چرخد ، هر کسی نمی دهد ، او می داند که دست می تواند دیگر شستن ، که شده است، آن را می تواند پیروزی می تواند زمانی که کمک رامردم او را برای کمک خواست و هوگو بود یک پسر دشوار بود چسبیده به دنبال دنباله پس از این وقایع وجود دارد ، عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه به کوئیمبرا، ارزش کمی از یهودیان منتقل شد ، با این حال من بیش از حد در سال 1998 شد به درستی تر 27 ژوئن مرا از هوگو جدا کرده بود او بودند عواملی که منجر به piranhas در سلول دیگری بود ، اصحاب خود که در پی انجام این کار، دیگران وجود دارد ، زیرا هر روز سرقت از حدود 3040 گرم سیگار کشیدن و مصرف ، جذب جمعیت زیرا آنها همیشه گرا است، دنباله ای از اعتیاد به مواد مخدر به نام و سپس زمانی بود که او را ترک لنگ ، ما تصمیم گرفت که ما را در همان همیشه از من بد صحبت کردچون من به آنها، بیشتر piranhas سلول باقی بماند، اما این از یک دست اندازی در جاده بود ، آنها اتاق تکان دادن گرفته شده بود چرا که آنها می دانستم که منعوضی واقعی بود ، دوستان خود جلب کرد زیرا او می دانست که به من زندگی را .

می دهد و آن این افراد که چنین **conviviality** او می دانست که من به بافت وضعیت شرایط با من در لحظه زندگی می کردند ، گفتند شر من ، از من به منظور رسیدن به بهره مندی از چه بچه مرتب بد صحبت کرد ، همه، توجه به خواستو آنها می خواستند به کانون توجه بر روی آنها به طوری که آنها می تواند آنها خوب هستند ، است که، همیشه گرفته گشت و گذار ، من را خسته نکنید با آن را می دانستند که زندگی بود مثل هر کس می خواهد به خوبی می شود و سپاسگزار برای درآمد خود را برای سود مند باشدخود ، اما همیشه آن چیزی که من همیشه نیاز بود ، آنها نیز به من نیاز ، ما تبدیل شدن به یک نیروی متحد ، است که، بیمه اگر آنها می خواستند برخی می حمله به کمک ما ، اما آن را نیز مجبور به پرداخت و آن را آن زمان بودمن را به یک دوره در دره یهودی منتقل شد ، در حال حاضر هوگو به دره از یهودیان منتقل شد وارد **Rasta** به حال دو یا سه ماه از عمل زمانی که به من او را به عنوان یک برادر دریافت ، برای دوستی که در حال حاضر با او به حال ، من خودم را در دریافت ، در **A، B، C، D** چهار بال در آن وجود داردبال یهودی دره بخش با عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه بود در حال حاضر شده است از کوئیمبرا به دره یهودیان منتقل شد و که زمانی که من به هوگو گفت: اگر می خواستم به در همراه من باقی بماند، او می خواست ، اما موضوع دیگری که او می ترسم چرا که او در حال حاضر در تلاش بود برای کشتن عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه در کتانی بود وجود دارد ، علاوه بر می خواهد به مرد از طبقه 3 را در اینجا و پسر عمومی خود را ، **stabs** داشتن او داده دو بنتو ، مانعبرای انجام این کار ، اما او نمی خواهد با من در سلول من باقی بماند ، نه به خاطر او نمی خواست ، اما او می ترسیدانتقام از عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه ، در حال حاضر چند چیز در زندان انجام داده بود ، احترام به حال ، مردی که به راحتی انتقام شد شناخته شده به عنوان مثل بود، اما به من گفته او را فراموش کرده ام که مرد شما را موفق نیست، هیچ کس انتقام بگیرد ، تا به حال یک رابطه خوب با عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه به او گفت چند بار که من دوست ندارم آنچه را به او کرد و او به من گفته بود او در حال حاضر فراموش کرده بود .

هوگو **Rasta** به **Linhó** من مصرف این دوره، و این نقل و انتقالات آمد از قایقرانی در اتفاق افتاده است و دانشجویان در یک مورد قتل که در پارچه اتفاق افتاده متهم شده اند. ما بسیار جوان ما آمده بود کتان می تواند نام همه آنها را ذکر بودند ، اما من نه تنها نام برخی ذکر است، کمی ، جانسون ، بازیکن فوتبال واقعی ، به نمایندگی از تمام زنجیره ای انتخاب جایی که او بود و یا به تصویب رسید تونی بودمرغ دریایی ، توسط چند ضرب و جرح نیز شد تا ، این من به اندازه **ZE** منتقل شده بود قاچاقچیان ، همچنین **Linhó** با ساخته شده در کافی با او زندگی کرده بود ، دستگیر نمی شد ، با او زیر یک سقف زندگی می کردند، با من تا به حالمن او بود **umasraparigas ، chavalas** .

اما کنجکاو از این داستان برای من عوض شد ، با یک دختر که خوردند اسب راه می رفت و او خودش روسپی تا که برای ماده دو روسپی بودند ، دوست نداشتند زندگی وابسته به یک زن ، اما من آن را دوست داشت تا آنجا که با آن زندگی می کنند . من فقط کوکائین

در زمان مصرف ، آیا به خوبی او هروئین و کوکائین را ندارد، اما نگه داشته رابطه ، او و به دوست و اردوی ملی افغانستان نیز معتادان به مواد مخدر بودند و کنجکاو از این Zé برای او به ترکاسب ، همیشه می گفت او Zé داستان این است که من همیشه می گفت به به را هروئین استفاده نمی کند، بعد من آمد به افراط در زنجیره ای و در آن زمان من در دره وجود دارد، کمی زندگی می کردند تا زمان خوب ، بود مقدار Rasta یهودی بود ، بودند به زیادی از مقدار زیادی از مواد وجود دارد در بازار، که شده است، وجود دارد بسیاری از داروها و یهودیان دره زنجیره ای احترام ، که از طریق آن بسیاری از مردان به حداکثر احکام محکوم و همیشه به حال شهرت بودن زنجیره ای خطرناک است ، همواره وجود داشته است و وجود دارد قتل اتفاق افتاده است ، پس از آن یک زنجیره با بود شهرت سنگین

به عنوان شد بسیاری از مواد در بازار وجود دارد تمام می خواست برای فروش به با مواد و پینوکیو واقعی در dauphin بیشتر فراهم شود ، آغاز می شود وجود دارد اختلاف بین بر داشت خود را برای قاچاق بین المللی مواد مخدر را دستگیر کردند ، سر دسته بود و به عنوان مرد در حال حاضر یک رکورد در زنجیره های شمال جنوب پرتغال، و این زمانی است که آغاز شده دوباره نمی خواست به دیدن و یا می دانم . پینوکیو پرداخت به هوگو بسیاری از داروها به ضرب و شتم عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه ، او وارد آن به شدت مورد ضرب و شتم مرد در اتاق پانسمان ، همه به خاطر حسادت . عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه به فروش می رسد بسته بزرگتر و خود را ضعیف تر بود ، به همین دلیل پینوکیو . پرداخت به ضرب و شتم عنوان پسر ارشد پادشاه فرانسه

این رویداد بود که بسیار لذت بخش بود ، اما زمان آن رسیده است ، بلکه به حالت نام داخلی و در حال حاضر در خدمت چند مجازات بود ، من شروع به مشکلات ، من شروع به تعقیب شود ، او در بر داشت خود به دام افتاده برای marcão توسط یک فرد نام مستعار قتل برادرش ، و چگونه من نیاز به دود هر روز آغاز ساخت مجموعه و یکی از آن ظاهر شد ، نمی خواست به من اجازه پول را ، متوجه شد که سمت marcão مجموعه که راست وجود دارد بیشتر از سال بود من سوار نوار است که می خواست به من اجتناب را به پول نیست از مجموعه چرا که او بود نیز وجود دارد برای دریافت پول است . ما تبادل پول من OM کلمات که در آن او قدرت فیزیکی نشان داد ، اما هیچ چیز اتفاق افتاده من با رفتم ، درست است که آن آغاز به دشمن بود ، من آمد به انجام یک بازی فوتبال که در آن حجم از درگیر شدتوتون و تنباکو برای تیم که برنده شد، او در تیم مقابل بود من پیدا کردم خودم را با گروهی که از کتان آمده بود بازی ، معدن توسط گل تونی ، خورخه ، لوئیس جو و ورزشکاران ساخته شده بود و ما می دانستیم و بازی ما بود، ما می خواستیم را به نفع خود حتی اگر آن را تا به حال به دست کم گرفتن حریف و این چیزی است که اتفاق افتاده است ، ما از دست داده ، ما بازی را از دست داده چون من سر از شرط بندی بود ، تلویزیون من در حرص و آز درگیر کرده بود را به یک حجم ، او در رامون متعهد می خواهم ، کولی ، به حال پرونده های طولانی یک مرد ضربه در وسط بود ، به عنوان نمی

است همه به من **chatearam** خواست به از دست دادن گفت به پرداخت نمی کنند، آنها به **marcão** و خواستار حجم توتون و تنباکو اما سکوت افتاد ، این بود که این پسر ادامهمی خواستم بگم که حجم و پذیرفته چرا که آنها به حال هیچ دلیلی در بازی ترکیب شده است ، یک ورزشکار ، همیشه برای حق جنگیدند و برای جلوگیری از مشکلات زمانی که تا به حال برای جلوگیری از بود. ادامه داد، اما این پسر همیشه با تلاش برای من تحریک ادامه داد. یک روز که من برای رفتن به این دوره از نجاری، بود که چرا من وجود دارد به یهودیان دره ، در آن روز اجتناب ناپذیر اتفاق افتاده رفته بود ، گارد بود من سلول باز ، آن نادر من سلول بود وجود دارد ، اما آن روز ، نا امید شد دودی نمی مواد مخدر به اندازه کافی **marcão** بود به ترک دانه بندی به فرود به دوره و پوشش خواهد به نظر می رسد به من ، به من عجله به دلیل به عنوان نا امید بود و به عنوان یک تاریخ، موضوع تحریک آمیز به پانچ دریغ نکنید و او واکنش نشان داد ، اما تا به حال **desferi** وجود داشته استمن ، من هیچ شانس در حال حاضر مطالعه کرده بود ، یک مبارز بود ، اما از جان گذشته به تحریک چه اتفاقی افتاده است ، پر شور بود ، یعنی هر مجازات عمل نمی کند چرا که او وجود دارد که روز بودرئیس بخش ، ادواردو ، نام او بود، یک مرد حدود شش فوت قد ، از لحاظ جسمی قوی، یک مرد صادق بود، او مرد عادل بود و آن را در آن باقی مانده است. من در دوره همیشه به هر حمله به نوبه خود توجه ادامه داد ، چرا که من آگاه بود او مدتی به ، چیزی است که همه ما باید غریزه **precavi** من و به عنوان مثل تحریک شده بود ، من ، حس ششم زنان حس مشترک دوبله ، اما همچنین مردان داشته باشد. حس ششم غیر منتظره است، دانستن اینکه چگونه به بازی و دانستن بودن و احترام ، هیچ چیز بعد از آن اتفاق افتاد، من سعی کردم به دنبال برتری داشت ولی نمی تواند به دلیل قلب من قوی بود ، توسط هوگو مطمئن بود ، یکی از مردان محترم ترین در زمانی که من در انزوا **Rasta** به زندگی می کردند، نه تنها به عنوان اولین دلیلاول، من همه چیز او آموخته ، شجاعت او نمایش داده شده، که من شجاعت داشت و در حال حاضر من ، گذشته بود جذب ، جذب شجاعت به دانستن این بود که یک مبارز ، یک مرد وفادار، شاعر ، مردی که شعر را دوست داشت وجود دارد اما حتی که من بهتر از او بود. من می خواهم برای شنیدن ، من تشکیل شده بسیاری از آیات ، آنها را اختصاص داده شده به او ، من بهترین شکل کاریزماتیک از بار است که در آن او فرار بود ، شد ، زیرک بود ، قوی بود، آن را خالی از سکنه بود ، انتقام در وسط ، جایی که او با بقیه زندگی می کردند کردم جمعیت زندان ، گرفتار بسیاری است، اما آن همه مردم صلح آمیز ، افرادی که مشغول به کار بود ، اما نه من. وقتی که من کار را متوقف و البته در زمان ، من شد چه ما نمی خواهیم برای تبدیل شدن به شیر از تاریکی ، من به کتانی بازگشت، که زمانی که همه چیز را برای من پیشرفت چون من به خانه که در آن من بوده است و تسلط بود آمده بود ، بود تایید بودن من، تولد دوباره از منطقه من همیشه در آن خانه داشت وجود دارد ، چرا که او احترام نگه داشته بود ، آن سخت بود برای کرک ، بنابراین من تصمیم گرفتم برای ساده ترین راه برای زنده ماندن ، دشوار است که من پیدا کردم نگاه کنید.

این یک زنجیره مرکزی لیسبون است ، قرار دارد انواع ، عوضی ها که در زندگی وجود

دارد، برخی از آنها بر حسب تصادف به جرم و جنایت تبدیل شده است، دیگران پوشیده اند جرم توسط آگاهی، همیشه وجود دارد عامل خوب و به خوبی، آیا چیزی جز من نمی ترسند همان آن را به عنوان در حال حاضر همه چیز را انجام داده بود از بودن خوب، دوست، محافظ، میانجی را، که تمام شرایط درک، آنها تلخ بود، که توسط کسانی که به من، برای من احساس شفقت بزرگ گفته شد، به حال گرفته شده احساس **desabafavam** وحدت و در ناامیدی نمی رفت. من در راه رفت و به دریافته مشروط، اما هنوز هم برخی از زمان را به استفاده از مشروط، من یک تصمیم من نمی خواهد هر چیزی را که به من صدمه بزند انجام داد، اما من برای آزادی کار خواهد کرد، پیچیده شد چرا که تمام فرمان خوب مواجه ساختار های جهت، اما من می توانم همه چیز را با این جهت داشته اند به دست آورد. در آن زمان را قبول نمی کند که این دلیل است که این مسیر در نظر گرفته شد خیلی سخت بود، یک رژیم اقتدارگرا بود، برای آن بود تا شرایط این طرح، در نظر گرفته شده برای خلاص شدن سریعتر زنجیره نیست، اما تبدیل شده است حتی سخت تر است، اما من ترکیب خوانندگان بعد به طوری که آنها می توانند کل مسیر که می کند تایر نمی تکرار، بود. مدیر که من پیدا کرده بود، **T** سخت به کرک درک، و همچنین زمان انتقال مانوئل توسط جان گرم جایگزین شد. مردی که از ماکائو، یک بازرس سابق قضایی، مردی که از یک حمله توسط مافیای که در ماکائو تاسیس شد زندگی کرده بود آمده بود، لقب 24 عیار، برخی از نگهبانان مرده وجود دارد در کار به دلیل آن متعلق دولت پرتغالی، پس چرا ارسال تقویت عمومی برای خدمت به ملت است.

او دچار حمله، فرار، اما محافظ خود کشته شد، افزایش یافت، به دولت کتانی آمد، انسان راست قامت، او به من دوست هنگامی که او به من دیدم، او فرستاده من می دانم که او اعتماد به نفس در من بود، اما من اهمیتی نمی کند چرا که او تا به حال مفهوم تحول در حال خودم عقرب شاه، یکی است که سم در خون، در نظر گرفته او را به نام و برای تماس نیست، من از دست داد.

شروع مجازات حداقل در سلول مسکن، مجازات بود، آن را نه سخت است، مجازات بسیار عادی در سرعت اجتماعی در زنجیره در نظر گرفته شد، اما برای من یک کابوس تبدیل شد، این مجازات را قبول نمی کند. مدیر جان گرم. او به همراه من رفت و به صحبت به من، به من کمک کند، چنین کمک را قبول نمی کند، بی اعتماد اعتقاد به این که او تا به حال، به عنوان حق بود، او در بازگشت خواستار همکاری مستقیم از آنچه او می خواست بداند، من مایل به انجام این کار نمیچرا که آن را هرگز بود من در این خدمات همکاری، اما آن بیانیه خود از چگونه او یک مرد خوب بود. این مجازات، بدترین، دو روان گردان شده و پیرانا، شکارچی که من رو به این دو **Chibanga** بودند، به پنجره من: شکارچی، دارو های روان گردان مردی که به من بود، فارغ التحصیل خدمات صرف، شد گرفته شده نام او بود. از آنجا که اثر روان گردان هنوز در من **sampaio** در سلول مجازات باشد، را در مقابل سلول من، من به ترک تمام سلول، آتش رو **sampaio** بود، خشم من پاس به تشک، من را ترک کرد، زمانی که نگهبانان من کمک می کردند، من فرار، من به

حیاط رفت، گرفتارچوب و دو سنگ و در دست راست، انتقام، تمایل بی رحمانه خود را نوشته بود. آن روز که مایل به کشتن نگهبانان، و یا هر کس آن بود که در راه من بود، اما آنها هوشمند مثل همیشه بود، آمده صحبت به من، آنها تا به حال هیچ راه دیگری است، چرا که آنها می دانستند که من خشمگین شد و کلبه کنار به حالدفاع از خودم اگر من تا اعلام، اما من بود در حساب من نیست، چگونه می تواند بدون دلیل مبارزه، پس از چند ساعت من رستگاری پذیرفته، که شده است، دوره که مذاکرات به پایان رسید و من واقعا انجام نشده است، پذیرفته شده است که آنها به من 20 روز در سلول انضباطی داد، که لنگ است، زیرا، از رویداد اکسایش بزرگ سابق، شاید PSP، در آنجا بود که من آلفردو متر ملاقات کرد محدود بود، در زمان دولت برای برگزاری دفتر به عنوان مثل، شروع به تابع در مافیای، یک مرد سخت بود چرا که او در حال حاضر وزن شده است به طور متوسط قهرمان بوکس، آن را به خوبی می دانست، و این زمانی بود که، زمانی که من در سلول انضباطی سقوط کرد، یک قسمت که نمی خواست به حال و است که شما می تواند زندگی خود گرفته، به عنوان تاریخ با سیاهان که برای دیدار با تحریم های انضباطی آمده بود، یک زمان وحشی بود، من از قبل می دانستند آنچه که قرار بود در مورد موفقیت آمیز و با صدای بلند گفته بود نمی که توسط او مورد ضرب و شتم، چون جهت تردید Papar که من می مانند تعداد تیم بود، مافیا از سیاه بوستان همه که در مجازات سقوط کرد و متعهد بود و یا گرفته برخی از مجازات به علت بی احترامی به نگهبانان و یا خدمات، کارکنان و یا جهت، توسط آلفردو، سابق پلیس، بسیاری از آنها را psp-متر پرداخت ساخته شده است. آن سابق بوده است می دانستند و من او را به عنوان چنین می دانستند، اما اعلام با صدای بلند صحبت می کنند و به طور مستقیم به دریایی، به من عصا، من در مجازات سقوط کرد، من می دانستم که آلفردو متر آیا من داشته باشد، اما در آنجا بود که من اشتباه بود. آنها سعی کردند مرا بکشند وقتی که من به آبگرم برای حمام کردن به رهبری، شکست خورده، با او دو پلیس بیشتری برای محافظت از آن کردم هیچ چیز علیه من. این زمان من خواست دلیل من برای زندگی نشان داد، توسط یک ماده از محدود بودن القا شده بود، چرا که من در محله زندگی می کردند بود.

در اوایل از دست داده پدر من، من بزرگسالان زودتر تبدیل شد، آن آمد به در زندگی که سپس در زمان منعکس شود، است تجربه تعالی از آینده است وجود دارد، او در راه زندگی از ایجاد می افتد و زمانی که آن را دشوار است، ما مورد نیاز به یک آموزش و پرورش شدید، در اوایل پشت چه آشکارا هیچ کس می خواهد به آرزو

گذشته بود، که زمانی که من شروع به خواهید marcão این زمانی است که من مرحله دلیل بیشتر، تا به حال به یک تصمیم به سطح و جهت شریک، اما من می دانستم که در وسط نفوذ نظارت که تشکیل شده بود توسط ماموران و مدیران، آن را کردم، کردم به گرفتن و مزاحم بودن دیگر، اما این چیزی بیش از یک موجود مثل من بود، گاهی اوقات آن را یک ماده از فرصت است، من سعی کردم، من سعی می کنم و سعی کنید به روح پرتغالی، من پایین هستم مسابقه پرتغالی نژاد شجاع، تا به جهان فرمان، است وراثت آشکار است وجود دارد. گاهی اوقات زیر سوال، چرا ما وجود داشته باشد، آنچه که ما هستند، که

در آن زندگی می‌کنیم ، مسائلی که شک به زندگی به ارمغان بیاورد ما را ، اما ما می‌دانیم ما باید برای برنده شدن ، بود تمام مجموعه به چنین است، من در زندان راه من رفت، بعد از مبارزه با ظهور گروه متشکل خدمات نظارت به نام نگهبانان زندان به **marcão** دنبال داشت ، من مردم خوب ، من همه چیز ، اما صادقانه آنها نیز فقط می‌خواستیم به زندگی می‌کنند، می‌خواستیم هرگز به من صدمه دیده و من می‌خواستیم به چشم پوشی است ، در اوایل وجود دارآمخته نیست که شما همیشه می‌توانید برنده ، محل نامهربان ، جایی که در آن زندگی بی‌ارزش بود ، هیچ علاقه ای به ارزش نهادن به معنای واقعی انسان است .که نمی‌خدمت بود

خدمت ، خدمت همه او تا به حال به خدمت من مطیع بود من در قدرت سیاسی ، قدرت اجتماعی می‌دانستند ، قدرت سرکوبگر است ، وجود دارد، همیشه یک چیز ما باید بدانید که چگونه برای ببخشند. من می‌توانستم یک قهرمان تحسین شده توسط آنها ، بازگشت به ارزش یهودیان از دوره اخراج شود ، بازگشت یهودیان دره ، کتان یافت رهبری همان زیرا آنها بودند چه من نمی‌خواهم برای پیدا کردن، من در برابر همه شانس شورشبرای همه است که ، گذشته بود آن را انجام داده بود ، من با همه که من ممکن است مجبور به انجام به زندگی می‌کردند برای زنده ماندن همه چیز او می‌تواند مواجهه زیرا دشمنان قدرتمند بودند مصرف ، یعنی دوبله شد، به حال برای زنده ماندن همه، **piranhas**کنندگان از همه ماشین آلات ، بود قسمت دیپلماتیک ، استقرار روابط وجود دارد ، است که، ما یک معلم، یک دستیار ، یک روانشناس ، یک دکتر و یک وکیل است که به ما وجود دارد که اگر واقعا چیزی برای گفتن فقط لحظه ای از شرایط حال حاضر زندگی می‌کنند انسان ساده که محتوای در اراده هستند و من دوست دارم ، عشق افلاطونی که در وسط بودن مزاحم ، در این مورد یک مرد ، در حال حاضر به حال تمام لذت های زندگی بود ، دوستزن هنوز در ذهن من در روح من در زندگی من باقی مانده است، شور و شوق شدید، روابط پایدار است که ممکن است وجود داشته باشد، که تمديد شد. دوست داشتی ، سرگرم کننده ، عشق که نیاز به عشق بودن در خواهد برای زنده ماندن است .گزارش سمت راست به آخرین وضعیت موجود است ، به عنوان هر کس به من می‌دانستند، آنها می‌خواستند به من دادن به آزمون، من همه چیز را که تا به حال به چهره از بدترین کابوس مواجه است، ما قبل از داستان قبل از خواب گفت هستند پدر و مادر آموخته ، بنابراین ما می‌توانیم در هماهنگی و رفاه به منظور زندگی غالب رفاه و قدرت ما هدیه وراثت از روزهای اولیه از بودن حفظ ، اگر چه آن را همه جذب شده توسط اندازه، وسعت بسیار زیاد است اگر ما از ازدواج صحبت می‌کنید، برابر حقوق است. همه ما شده است در یک ماموریت به اتهام ، آن همچنان ادامه دارد ، ادامه خواهد داد به رشد ، همچنان به تماشای آن رشد می‌کنند، با پنجه ، دقت لحظات اکشن ، برای که من باید دقت داشته باشد. آن را با بخشش است ، زندگی ادامه آن را به عنوان به حال به ادامه کردم و مردم صادقانه ، درست است، همه چیز عالی بود ، من از مردم قادر به هر چیزی، به همه چیز مشخص شد چرا که من به زندگی می‌کنند که آنها به حال بود ، اما آنها می‌خواستند به دقیق، آنها پیشی گرفت و در همه، من قادر به ترکیب هوش و ذکاوت خود را به من عقل من بود ، زیرک بود ، اما همیشه می‌خواستیم به بیش از من ، اما من هوش و

، آموخته به بازی، همچنین با آگاهی از آنها را با بازی conjuguei ذکاوت خود ، من. ادامه زندگی در انزوا ، محصور ، یک زمان سخت بود ، هیچ زیبایی که من می توانم ببینم ، هیچ شفقت که من تا به حال به ، شما می دانید که مسیر مرخصی است. من می خواستم هرگز به صدمه زدن به هر کسی ، فقط می خواستم به من اجازه زندگی می کنند ، پس من را به نبرد که ثابت بود، از همه آنها قوی بود ، آنها همه موجودات بود ، اما من می خواستم به آن را می دانم ، و نه چیزی برای انجام با بقیه داستان به حال که خواهد شد منتقل می کند. سخت را برای اصحاب من بود ، همه آنها ، کسی را انتخاب کنید نه فقط می خواستم برای حفظ سلسله مراتب زندان نگه داشته و تمام من اطاعت من می خواستم ، اما من هم اجازه دهید آنها را زنده در راه خود من بود، من دارو برای سیگار کشیدن و آنها می تواند به خوبی راه رفتن ، برخی از مردم گریه من برای متوقف کردن چون جاده شجاع بود ، راه سخت به داخل زندان را انجام دهید، تا به حال هیچ انتخاب دیگری ، آن هیچ راه فراری بود ، برنده و یا می میرند . همه این توسط این اعتقاد که من در زمان انجام شد ، من می توانم با وجود این همه ، پیدا کردن راه سخت ، من می دانستم که من می توانم در وسط جمله ترک ، را می دانیم که آن را نیز می توانید در پایان این حکم را ترک ، تمام معکوس ، یا اهمیتی نمی ، به دلیل آن خوب بود ، زنجیره ای تحت فرمان من بود ، همه هم تیمی های من، که زمانی که من به من بیشتر حس بودن خشم ، می دانست که او از متحدان بود. من در مسیر شر رفت ، به عنوان مثل تفسیر شد ، من من فکر شیر ، اما به هر دوین ، یک چیز سخت به انجام معتاد شد ، به مصرف . من را به مبارزه رفت، مبارزه است که هیچ برابر وجود دارد، من مواجه : قضات و معلمان و دستیاران، نگهبانان سر، گاهی اوقات با آنها بهره مند است، اما بسیاری از ، اما نه به اندازه کافی برای گفتن حق با او بود ، برای سوال پیگیری وجود ندارد من به ارمغان آورد یک مشکل ، بزرگترین مشکل از تمام وجود ، من هستم یا نیستم ، می خواهم یا نمی خواهید ، است که، هر آنچه را که ما می توانیم آرزوی ، ادامه از همه، او ، یاد گرفته بود حتی بهتر بود ، زندگی می کردند بود

من تبدیل شد آنچه که من هستم ، یک بودن فروتن، زمینه های مشترک است که می داند که چگونه به زندگی می کنند ، من به عنوان یک نوع ، کسی است که راه می رود و به تغذیه هستم ، من وحش درست شد ، هرگز زنجیره ای در به همان شیوه مواجه است، من شدقاتل کامل در هر وضعیت آن گونه که بود به زندگی می کنند، و آنها می دانستند من مایل به کشتن برای زندگی بود ، مثل همیشه انتخاب نوع واقعی ، که غالب تمام شرایط ، من به خودم سوگند یاد من آنها را آسیب نمی اگر این کار را به من میانجام بد. برو در ، خشم ، همیشه توجه به تمام حرکات ، و یا واکنش ، لازم است آنها که بودند، شرکای جهانی ، به سوی سطح همه جانبه تمام وجود در جهان عدالت ، برای همه است که من پرداخت می شود قیمت سخت به پرداخت هزینه برای تمام این همه در رویداد من قرار داده شد ، هر کس به من می دانستند و من هم می دانستم که همه، بود کمال بازی، اتحاد ، اتحاد از کسانی که زندگی می کنند و در تماس روزانه با مردم ، بدون در نظر گرفتن وضعیت بود . بپر آن گونه که بود نمی تواند ببخشد ، آنها می ترسیدند من در واقع به من احترام بود ، آن بود هر چیزی را

انجام دهید، ما در حال صحبت کردن در مورد یک زندان ، ما در حال صحبت کردن در مورد زیادی نیست، شامل یک ارزش است که مشکل را به نفع خود ، آزادی‌مگر اینکه ما است که *habituations* زندگی، *viciações* مجبور به از طریق شرایط دشوار ترین مصرف به *somo* می تواند اغراق را هنگامی که ما از مصرف صحبت بروید، موجودات ، جانوران برابر *autointitulei* عنوان چنین شد وحش شکست ناپذیر شیر من . مبارز هم با عقل و حتی بیشتر سخت است، اما من نمی توانستم ببخشند

او می دانست که بسیاری از کودکان از مادر و تجربه زندگی متفاوت بوده است وجود دارد ، برخی از کودکان از مردم خوب بود و دیگران کودکان از مردم فقیر بودند ، در حالی که همه این من تایید حضور همه که جامعه را ارائه کرده است ، اجازه راه رفتن موارد مشابه انجام هیچ چیز، هر یک نیاز رفاه ، ما در یک جامعه که در آن هر کس می خواهد خوب زندگی می کنند، در عین حال آن زیبایی از دیدن آینده ، نزدیکی است ، اگر شما راست می آیند ، من شما را به خوبی دریافت ، اگر شما توسط شر آمده، بد دریافت می کنید و شما با همه چیز از همه شر من به را ، اما من هم می دانم که من به راه رفتن ، من نمی توانم آنقدر سخت ، آنها بیش از بازدید کنندگان می مادران ، من هم تا به حال به احترام ، یک قانون برای همه است مستقر همچنین دانستن اینکه جرم همچنان ادامه دارد و نیاز بزرگ است ، من به حوادث سقوط کرد ، من به اصطلاح معتاد به مواد مخدر ، که نفرت تمام شد ، اما ارزش داشت و به رسمیت شناخته شد ، هیچ کس ، هیچ کس از دست من به طور مستقل احترامضعف او در آن زمان احساس می شود. همه آنها را تشویق و به من احترام ، می خواستم بیشتر از من ، باید به عنوان مثال، باید به کودک ، آرام تر و مهربان

من پرداخت می شود قیمت آنها را نشان نمی آنچه آنها می خواستند برای دیدن من ، من سخت بود ، من بی ادب بود، من همه به نفع تصمیم من بود ، می تواند افزایش بیشتری داشته باشد، می تواند حتی از بیش بهره مند در همه چیز ، مثل من ، به من شمارش به رویاهای خود، اما من یک جانور شد و می خواستم به آن را *chegavam-* تحت شرایط که زندگی می کردند، محوطه، انزوا بود زنان نیز با تمام عشق افلاطونی غرق بود ، آنها را دوست داشت، آنها را دوست دارم

این بود همه چیز در مورد زندگی در لحظه ، من تا به حال عشق افلاطونی بزرگ و احساسات نیز به نقطه تماس ، اما من اجتناب همیشه خراب کردن زندگی کسی برای من لذت بردن زیبا، که من پیدا کردم نیاز ، من گیر کرده بود ، انجام نمیزندگی هر کسی را خراب اگر معدن خراب نکند .عشق ادامه داد ، من همچنان به عشق به عنوان تنها او می تواند ، تمام شد ، به عشق من تعلق داشت، زیرا آنها را دوست داشت من صمیمانه به من احترام ، من به خوبی زندگی نمی کنند، دستگیر شد ، او می دانست که او تا به حال به مبارزه را به نفع خود همه چیز من آزادی از دست داده بود ، اما این زمانی که من می دانستم که متوقف کند، جهت ، کارگران ، معلمان ، نگهبانان از من خواست تا اهلی ، که درک کرده اند ، اما من نیز تا به حال به متوقف کردن، متوقف همه چیز ،زدی،مصرف ،رسوا را بر زندگی اگر او تا *spanked* دیگران ، اما من همیشه خوب بود ، هرگز بد رفتاری ، هرگز کسی

به حال هیچ دلیلی برای انجام این کار و حتی اگر او تا به حال دشوار خواهد بود برای من انجام دهید، برای خود بشریت ، همیشه به حساب ارزش های اخلاقی و جو در زمان ، ارزش هر صحنه، چون من نیز باشد، اما آنها می دانستند که قرار بود به بزرگترین جانور که تا کنون یافت ، اما آن همه مجموعه برای من بود چون من آن را می خواستم ، من آنها را در پیش بینی به سمت چپ، ترس از آنها را به آمده به از دست دادن . این بود تمام مصلحت ، مصلحت به منظور بالا بردن ، مصرف و تسلط بود اوایل متوجه این حتی قبل از ورود به زندان ، ساعت دشوار ، روز که هرگز گذشت، سال که من تا به حال به دیدار بود ، چرا که او تسلط بود کنترل وضعیت آینده شد بعد، من آمد به بازی، اما شوخی بود من انجام چهره . از آنجا که میمون بازی ، بازی بود گربه میمون به مادر او، من در حال مرگ بود یک شوخی است، زیرا من می دانستم که استاد این روز ورزش بود ، می خواستم به آموزش کمی و من او را پیشنهاد برای آمدن قطار با من ، یکی از چهره های ضعیف بود ، فقط برای تفریح بود ، فشرده گردن او ، او را از دست داده آگاهی ، اما در آن لحظه من تنگی در من احساس نمی خواستم برای انجام ، به عنوان نشان داده شود ، بازی، به او نگاه کرد بلند شد و او با من راه می رفت، من به او گفتم اگر خوب بود ، هیچ پاسخ در تضاد وجود دارد ، اما زمانی که من نگاه من این حس که واقعا حال کردم چیزی گذشته، او از دست داده آگاهی . اینیش از اعتماد به نفس بود، قدرت من نمی دانم و شروع به جهنم که داشت وجود دارد ، من بلند شدم : و به او نگاه کرد و به او گفت

- حالت خوبه؟ شما مرا ترک نگران است -

همیشه او شفقت برای لحظه ای نشان داد ، به معنای صدمه دیده است، من نگاه می خواست آن را به دلجویی از همه شر ، او اشتباه گرفته بود آموزش در بخشی از من اغراق آمیز بود . ، او به پایان رسید تا به قتل خود ، همه در امید یک روز بودرده یهودیان

من امیدوار بودم که یهودیان در دره زندگی می کنند ، سرگرم کننده ساده برای من بود ، که شده است، آن را یک عمل که من آماده نیست ، قدرت من در ارتفاع آن بود ، تحت سلطه بود، چرا که او می دانست که استاد ، اما همانطور که در زندگی استقیمت آن ، من قیمت بالا برای مرد دیگر در زنجیره پرداخت می شود، چوب به 5/6 از جمله، که شده است، هر . زندانی از جمله بیش از شش سال می تواند استفاده از 5/6 را ، یک قانون است

اما ما باید وسط ضربه ی پناستی 2/3 و زیر شرح زیر 5/6 . من در 05/06 رفت شد تمام برنامه انجام شده برای بیوگرافی من در زندگی از انزوا ، محصور ، از برخورد با مردم خوب ، مردم با آنها من برخورد ، بخشی از رهبری بود ، مردم تا زمانی که من می تواند در صورتی که به خواست عشق ، پس از آنتوتون و تنباکو و نه صرف وجود دارد احساس نفرت بسیار زیاد برای این افراد . آنها کسانی هستند که تنها نقش متمایز رهبری آن بازی به من گفت هیچ چیز، بودند یک معاون من عزیز بود وجود دارد ، اولین زن به چالش من، من وفادار بود ، اما پس از آن من فکر کردم که اشتباه بود این بود که او به من مشروط برای اولین بار از 10 سال در زندان خودداری کرد. او به من درک نمی کرد و خواستار مصرف من تست مواد مخدر، اما خیلی دقیق به درک که آن را که راه ماندن بود، مشروط

من بعد از یک درخواست اعطا شد من ساخته شده به قاضی دکتر. او به من چهار روز از آزادی مشروط به شرط به سر شنیده می شود ، و آنها دستور داد تا ، قاضی فیلم کارگردان تهیه کننده به او عطا چهار روز از مخاطره آمیز ، تحویل گسترش ارائه شده به آزمون غربالگری مواد مخدر ، یعنیمانور ، آنها همیشه و من هم دست کم گرفت چند بار ، اما همیشه او را مورد احترام چرا که او سزاوار احترام من . آنها موجودات که بهترین نقش خود بازی می کردند ، اما آن اتفاق افتاد ، آزمون به مواد مخدر ، به عنوان مثال هروئین ، حشیش ، مصرف حشیش مثبت داده شد ، اما من به نفع من بازی زمانی که من درخواست من گیر ، من همه که تا به حال به درخواست استدلال به دلیل آن بود مصرف کنندمواد مخدر به دکتر درخواست کرده بود . ، به دلیل آن را تحت بود ، یا در بالای یک بحث F من اردوی ملی داغ که به دنبال کمک خود ، برای همه چیز در آنچه او به من کمک کرده بود ، من او رابه خواسته‌زمانی که من احساس من تا به حال یک متحد دکتر Tramal مواد مخدر ، به نام مواد مخدر در شرایط روزمره متهم ، این وضعیت این Tramal بود. و یا F اردوی ملی امر می تواند تمیز بود . بود مواد مخدر در آزمون غربالگری مواد مخدر متهم ، که زمانی ، یعنی غربالگری مواد مخدر از طریق دکتر من پاک ، او به conjuguei 2 + 2 که من کمک کرد ، سند ادعای به این سوال ، غربالگری از مواد مخدر به عنوان صرفمن در برابر تصمیم گیری است که ساخته شده بود به دادگاه تجدید نظر ، حق من بود به توسل ، من هم تبدیل شده و من برای حداکثر دکتر به عنوان مثال قاضی دادگاه حکم اعمال است ، بالاترین سطح است که برای زندانیان آزاد فرستاده می شود ، با بهره مندی از استفاد هوسط قلم 2/3 ، وجود دارد ایجاد شد یک نبرد ، حمله فیزیکی قرار دادند یک نگهبان زندان بود ، چون من می خواستم به ، او به دنبال شهرت بزرگ مناحساس پری در یک محیط زندان بود ، احترام ، بلکه ساخته شده است این رابطه ، احترام نمی ، با احترام می دانست که او نمی تواند علیه نظام بازی کند. سیستم غالب را در خود به دلیل باید اجتماعی وجود دارد ، همه چیز ما ممکن است بخواهید ، رفاه ، تصمیم گیری متفاوت بود ، من همه چیز ، همه چیز در قدرت من برای به دست آوردن سود از وسط قلم 02/03 حال ، به عنوان شهرت من گسترده ای در میان نگهبانان بود و در میان اصحاب ، بودند نگهبانان که من هم می خواستم برای به چالش کشیدن و تمام سطح روانی ، فیزیکی و هر چیز دیگری شما می توانید از فکر می کنم وجود دارد ، چرا که من می دانستم که چه می تواند در موسسات که تا به حال به دنبال اتفاق می افتد ، به نام امتحانات ابتدائی برای وسط قلم 2/3 و 5/6 نیز ، برنامه بر نظافت گزارش من پرداختن به موضوع غربالگری شاهدانه استوار بود . این نرم افزار گفت قاضی که دکتر یا حشیش ، اما من یک موجود اجتماعی هستم ، Chamon متهم بود تجزیه و تحلیل هرگز در حمایت در زنجیره زندگی می کردند ، یعنی به حال من به بقیه جمعیت زندان مربوط و گفت قاضی که دکتر من چیزی در زمان غذا خوردن نیست ، تنها منجر به هش ، در یک فضای MOS - پس از آن منطقی بود اگر من با افرادی که خوردند و زندگی محدود ، از آن معمول به متهم حشیش بود از آنجایی که من در هوا نفس به دنبال . من به تعویق افتاد تصمیم مشروط ، برای آن را در زمان کریسمس بود ، و دکتر قاضی به بیرون بروید دو هفته ، که شده است ، تعطیلات کریسمس ، اما او به من عقل و مخاطره آمیز تقریباً دو ماه به من داد ونیم ، آن مدت زمان طولانی از مشکل بود ، چرا که جاه طلبی از

، چرا که من در سال بسیاری از بود ، ده سال . اما بیش از رفت و قرار *precariously* داده تا با من به خوبی تا روز ترک فقیر، به من چهار روز از خروجی ضعیف طولانی مدت ، که او با موفقیت انجام . اما این امر می تواند یک مسئله سخت تر به من، آن را باید احترام بیشتر و دچار مشکل می کنید ، اما به زودی به عنوان من وارد شد، پس از دو ماه پس از او متزلزل طبق آمار، خواهد بود کسی که من می خواهم به زندگی و آن اتفاق افتاد وجود دارد. من درگیر در مبارزه که در آن پسر رو کمی بد درمان شد ، اما او خوش شانس به یک فرد، یک فرد با یک رپرتوار بشر بود، در سلول بسته شد ، منظور از این بررسی این است که ما شنیده می شود، من فرستاده‌هاو یک مقاله به عذر خواهی برای آن را به من نیست، نیازی وجود دارد. شده است شنیده می شود، رئیس که ما را شنیده بود *entalasse* که چوپان آلمانی، او را با نام مستعار ، در ابتدا او نمی خواست به گوش پسر چرا که او گفت که نمی تواند ، نمی تواند یک شوخی بوده است ، چرا که او سعی کرده بود به من با راجاقو . سپس می تواند نسخه از پسر وجود دارد شرایط و من زنگ زد و من او را نسخه های مشابه که تمرین ، یک بازی است که می تواند به شدت به پایان رسید بود گفت ، او به خوبی شرایط نسخه نمی کنم من به او گفته بود، به عنوان مثال، او به عنوان یک نگهبان ، به عنوان " *casdatrolas* " ضرب و شتم بود سال ها بسیاری از خدمات و مقابله با مثال، نام داده شده به کسانی که در حال حاضر بسیاری از سال را در زندان است ، هیچ . چیز اتفاق افتاده است به من، نه من ، نه بهیچ ، ما را از عذاب و جو در زمان

برو در یک زندگی عادی ، من شروع به جلوگیری از مشکلات بیشتر، من می توانم چهار خروجی ابهام بیشتری با موفقیت لذت ببرید، و به وجود آمد دوباره وجود دارد ، مارس 2007، از دست رفته من 11 روز قادر به لذت بردن از مشروط شدن دیگر، ماه ورود آوریل من یک فرد با مواد مخدر، یعنی اشتباه بود ، به او شن و ماسه به جای چیزهای واقعی ، او به بار آمد، من نمی توانست اما آسیب خواهد تحریم این زمان، در حال حاضر هشدار ، داده شده است ، من خودم را محدود به دفاع و چیزهایی وجود دارد .

اما یک مشکل هرگز به تنهایی می آید ، من آن را از دست رفته ، آن را در می آید به همین دلیل، آن برگزار شد که آن را نمی تواند آشکار کرده اند ، دوباره ریگا، اتفاق افتاده ، اما این زمان وجود دارد که من دور ، من می فقرا قطع و بودچی شد. من به نام یک پسر به سلول من را به اطلاعات به دلیل این پسر هم راه من از بودن را دوست ندارد، و مردی که به من اطلاعات سوگند خورده بود ، عدن دیوانه، یک جنگجوی واقعی ، او نیز فقیر مثل من لذت می برد ، شما تا به حال قسم خورده توسط برادرزاده من، من نمی هر چیزی، که فقط می خواستم به دانستن نام انجام دهید، اصرار داشت برای یک روز تمام در وعده که هیچ چیز را انجام دهید، تقریباً به زمان بسته شدن سلول بودند ، به نام آن مرد به سلول من او را به خواسته دلیل او صحبت از چیزی راه رفتن او را ندیده بود ، او را تکذیب کرد من می دانستم که نونو دیوانه هرگز من در این وضعیت دروغ ، یکی از مردانی که همیشه احترام چرا که او یک مبارز واقعی بود ، احساس خشم خود را به منانکار و رد نونو . اعتصاب و آن را در *desferi* زمان گارد به سلول من می آید و می بیند مرد مرده بر روی زمین ، پانچ که او بود، اما گارد دیدم هیچ چیز، تنها چیزی که دیدم مرد کاهش یافته است نمی تواند بدون دیده

می گویند هر چیزی ، اما اینفردیکش رفتن بود ، این چیزی است که می وضعیت من پیچیده است، اما حتی پس از آن من می دانستم که قرار بود دور با من وجود دارد به خوبی به هرگز ، و آنها به من ، جهت ، رهبری مایل به من **chibado** خاطر من بود هر کسی مجازات های بودند همه به خاطر من هرگز خفه شو ادعا می کند که زندانیان بودند به ادعای هر آنچه در آن بود. من همیشه به عنوان یک مشوق برای این علل یا اشکال مبارزه دیده می شد و این زمانی که آنها به من داد پنج روز از مجازات ، آنها را انجام دهد در سلول ، مجازات سبک تر بود ، دفاع خودم و گفت که فرد بیمار احساس بود و کاهش یافته است و او گفت: نسخه خود را از آنچه بود واقعا مورد ضرب و شتم قرار گرفته است و این اتفاق می افتد در زمانی که آن تقریبا به $2/3$ من لذت می برد . آياشانس عالی به خارج وجود دارد که چیزی که من آسیب ، است که، بدون اقدام انضباطی در وسط داشته باشد. اما این بار آن را مجبور به ادعا ، زمانی که بی گناهی به $2/3$ شنیده شد ، گفت: دکتر بانویکه بی گناه بود که هر گونه تجاوز را انجام نداده بود ، به این را به حساب نمی ، من احساس وضعیت صدمه دیده است، اما برای تصمیم گیری منتظر و تصمیم احتمال قطع شد من ترک به راست $02/03$ تنها می تواند از نظر بیشتر در ارزیابی من $5/6$ از جمله بهره مند شوند، که شده است، خواهد بود از تعهد در $5/6$ آمده چون قانون به نفع ، به نفع این مورد، به بیرون به هر حال در $5/6$ آمده ، اما تقریبا 3 سال در زندان هزینه ، به جای رفتن به اصرار آوردن یک عمل را به کناری بگذاریم تصمیم قاضی به دکتر بازنگری قبل از $5/6$ ، برای آن را مجبور به راه رفتن حداقل شش ماه صلح آمیز است. مجازات مارس داده شد ، در ماه مه همان سال برای در نظر گرفتن آزادی مشروط شنیده شد ، هنوز تصمیم قطع نشده است از $2/3$ ، که زمانی که زندگی من می تواند حتی پیچیده تر شده است ، او احساس من مضطرب ، غمگین، اما می دانستم که من در حال حاضر صرف بخش عمده ای از اعتقاد من بود . این بود که آن اتفاق افتاد بیش از یک وضعیت، این بار با یک نگهبان ، می تواند یک وضعیت است که می تواند اگر نه برای این واقعیت است که گارد من از خشن و سخت صحبت رفته ، شما پانچ در صورت، او به تنهایی با من بود ، **desferi** نیست، **acatei** منظور خود را اما نگهبان دیگر به نظر می رسد ، او خیلی سریع به همکار پیوست و پیوست من به من شما را بیشتر پانچ هیچ ، آنها نیز به سرعت با تلاش به من حمله **desferi** حمله ، دیگر متوقف شد، فقط از من خواسته شد برای رفتن به اتاق انتظار از روسای بخش آمد به من نگاه کنید ، به درخواست چه اتفاقی افتاده است ، من به آنها گفتم که هیچ چیز اتفاق افتاده است ، تنها که آن را به حال با نظم چون به عنوان نگهبان هنوز از دهان خونریزی شد پیروی نیست، می دانستم این بود که حمله این بود که چگونه آن بود، حمله ساده و یا وضعیت تصادفی و این چیزی است که من به آنها گفتم ، تا به حال هیچ دلیلی برای حمله گارد تا به خوبی با او صحبت کرد ، همچنین به آنها گفت که او تا به حال یک تصادف بود و آن را برای . که مهم نیست که من همیشه گفته بود

آنها قرار داده من انتظار بسته برای تحقیقات، بخش امنیت یهودیان دره نامیده می شود، پذیرش تماس بگیرد. اما او مایل به رفتن به همراه پایان نامه من که واقعا یک تصادف بود، نمی توانست اعتراف می کند که این عمل غیر ارادی بود ، می از دست داده اند بود. بنابراین

من تا به حال به خودم پایه به این معنا که آنها می خواستند به جلو این پایان نامه به حال ، به یک تضاد بین نگهبانان وجود دارد. نگهبان شیر حمله قرار گرفت ، اما او نیز هرگز نوشت که من واقعا به شما حمله ، که ساخته شده مشارکت نگهبان دیگر بود ، که وجود دارد گرفته شده بود یک پسر که در حفاظت بود، او به بهداری رفته بود نیز معمول است ، بودن حفاظت دنج ، باید توسط ماموران همراه ، در واقع من می دانم که او را دیدم آنچه من انجام داد ، چرا که او همه چیز را شاهد ، پس از آن او بود که به من ساخته شده مشارکت به تحریم های انضباطی که به من در زمان به دادگاه نیز

اما در روز او در وزارت عمومی شنیده شد ، من اطلاع داده شد که او برای حمله به اتهام در شیر گارد تحت پیگرد قانونی قرار شده بود ، اما که آن روز من همراه بود گارد زیتون ، تاریخ این من محافظت ، دوستی بود که ایجاد در زنجیره ای، یک دوره در برنامه های دفتر حضور داشتند، به حال یک مانیتور به نام لینا ، من در عشق با آن سقوط کرد IT در کنار ناخواسته و این گارد ، زیتون ، نیز او را دوست داشت و برش آن را در زمان . او می دانست که من او را دوست داشت و او به من را دوست داشت، پس از آن وجود دارد آغاز شده کراوات ، موفق به کسب من دوستی ، می توانست بد از من به منظور خواهید صحبت به چوب با آن، شروع به صحبت به من دیگر، و او را به گوش دادناظهارات من در وزارت عمومی، و او نوشته همه چیز من گفته بود ، نگه داشته پایان نامه است که آن را یک تصادف بود، چون من هرگز فکر این به من کمک گارد، کردم برای من مثل بعد از آن توقف مونسانتو بود، زنجیره ای که یک زندان مشترک برای یک زندان امنیتی حداکثر بازسازی شد ، در ماه مه 2007 در زنجیره افتتاح شد ، با این حال با داشتن برای رسیدگی به صبر کنید تا مونسانتو رفت، زنجیره ای پیچیده به تروریست ها خانه ساخته شده بود، جرم و جنایت خشن تر ، سازمان های جنایی ، ما همیشه تماشا به طور مداوم از آنجا که ما در یک رژیم سختگیرانه تر زندگی می کنند ، یعنی زندانیان اصل تمام دستبند به سلول را ترک می شد فقط یک پخش داره یک روز . اما من فقط در ماه مه سال 2008 رسید ، همچنین با این طرح در زمان به مدت طولانی در سلول بسته ، اما من دیگر برداشت دستبند در حال حاضر برداشت رژیم این است که باز نمی شود ، اما ما دیگر مشاغل حال ، ما فوتبال بود ، هندبال و سالن بدنسازی، ما می تواند کتابخانه و همچنین مراجعه ، اما بافته شد، . در همان روز نه همه

من پاسخ و رفت و برگشت به دفاع از پایان نامه همان است، اما زمانی که من از وان به من رانندگی به دادگاه کردم ، من می بینم که شیر نگهبان ، قربانی توسط گارد زیتون همراه بود و به دور از تصور که تعجب دوست داشتنی دارند زمانی که من شروع شد شنیدن شیر گارد شهادت ، شنیدن پایان نامه که من دفاع کرده بود زمانی که من دادستان پرسید و این زمانی بود که من احساس گارد زیتون من کمک کرده بود . دادگاه همچنین ادعا کرد که آنها متقاعد شده است که آن را واقعا یک تصادف بود نه ، اما آنچه در آن به نیاز بود ، و هیچ مدرکی برای برعکس، هیچ کس را نمی توان محکوم کرد. من تبرئه شد و وکیل من عالی بود بیش از حد ، به عنوان انتظار محاکمه در امنیت بالا مونسانتو زندان بوده است ، من ساخته شده ، وجود دارد Alcoentre منتقل از IP یک بررسی ، من فاقد دقیقا دو ماه به آزاد و من به

گذشته در این زنجیره به حال ، به حامل و نقل که شد پس از چند ادعا می کند که من در زنجیره انجام داده بود است زنجیره ای از سیستم های باز نامیده می شود مستعمره زندان های من از دست رفته دو ماه من را به فرستاده بازگشت وجود دارد ، به بیرون رفتن به خیابان ، من را ترک کرد

به عنوان اراده من بزرگ در زنجیره باز زندان بود ، چرا که آن را در زمان من یک سال و نیم مونسانتو و مشاغل بیشتر است که ما باید یک سیستم بسیار بسته وجود دارد

مشکل برای غلبه بر ، حتی من که تجربه گسترده در این زندان خانه داشته و آن را پس از آن من در هر وئین مونسانتو کاهش یافته بود ، آن را غیر ممکن برای رفتن وجود دارد بود چرا که دارو را تامین مواد غذایی یا هر چیزی که خارج توسط سایت بازدید بود یک لیوان که نمی وارد کنی اجازه تماس فیزیکی ، اما همیشه به من از همه بد که برای من اتفاق افتاده . گفت به حال به نفع ترک مصرف هر وئین

بسته *** **

پینک فلوید - ما و آنها

ما و آنها "

و بعد از همه ما مردان تنها معمولی است

من و تو

فقط خدا می داند

این چیزی است که ما را انتخاب کنید که به جلو او از عقب گریه و رتبه مقابل نمرده

و به طور کلی نشست و خطوط بر روی نقشه منتقل از یک سمت به سمت سیاه و سفید و آبی

و که می داند کدام کدام است و چه کسی است که

بالا و پایین

دور شما نمی شنید این یک جنگ از کلمات پوستر حاملگریه N ' و در پایان آن را تنها دور است

گوش دادن پسر ، مرد گفت: با تفنگ

این اتاق را برای شما وجود دارد در داخل

منظور من ، یعنی نیستی تو کشتن ، بنابراین اگر شما اونا سریع کوتاه ، تیز ، شوک بدهد ، " آنها آن را دوباره انجام دهید. حفاری آن؟ منظورم او پیاده به آرامی ، چون من او را با توجه

به امخرمن کوبی - من فقط او را ضربه یک بار! این تنها تفاوت بود

از نظر است، اما واقعا ... یعنی هزینه رفتار خوب نه هیچ چیز انجام می دهند ، سوگند
" ملایمی؟

پایین و از

این را نمی توان کمک کرد فونز یک مقدار زیادی از آن در مورد وجود دارد

با ، بدون

و چه کسی را انکار آن چیزی است که جنگ همه چیز در مورد؟

از راه

این یک روز پر مشغله است

من همه چیز در ذهن من برای می خواهید از قیمت جای و یک تکه " کردم

پیر مرد مرده

کپی راییت © پینک فلوید

قطعات

قطعات من

محصور و در معرض در شمال یخ زدهورق قدیمی انتظار به حلقه سوخته تن نور نارنجی
رنگ یک پتو گرم به عنوان روح فراموش شده که خواسته ها و تحمل سرما تولید
الکتریسیته در یک حافظه سست، نه در داستانی و وجودی ، منتشر صدا داغ خودتان شل
ریتم زمان من حمله و اکتشاف بدون گرم جهان خنک کننده گرم، جو بود که توپ رو از
همان نیست رول به گوشه یک نقطه نقطه در زیر سطح اقیانوس ، در داخل ماگما سوزان به
جنگلاز کاوش و تحت تاثیر قرار دادن اوقات فراغت خیره کننده و هیچ راه دیگری برای
گفتن آن است کلمات ، کلمات گرم و یا خیلی سرد ، مانند جسد غم انگیز واقعا سرد، تا ابد
سرد یک رویا گرم از بهار و دره ، رودخانه بدون خنده ، امید استمثلة انتظار برای پیدا
و اشاره به ایجاد آرامی و نشان می دهد که تنها و بدون eludes کردن و نشان دادن آنچه
فاصله و با معادله مناسب تصور بحث تمام موضوع داغ داغ ، حتی سوزان صدای گیتار که
ارتعاش صدلیفرهنگ است که میوه آن و کم و بیش حیل گر بدون در حال لغو متولد حل و
فصل اوضاع در حال حاضر اگزستانسیالیسم متوقف شد، تحت تاثیر عوارض از کلمات
است که انتقال ناشنوایی سکوت ، گفت: مراقبت بیشتر به مراقبت است که بالا بردن سوء
ظن از ناگفته امابه طور موثر جهت و نوشتن منتقل می شود. تمام حقیقت این است که حقیقت
بین فکر و راه عمل به طریق رفتارهای که تولید ترفندها و مانور راننده خود را پیدا کنید، و
ببینید که تسلیم به توهم کلمه بی معنی اما به درستی گفت وجود دارد، اما آن را غیر قابل

باور همفهرم دارای یک قانون اساسی به بدبختی خالص نا مناسب برای رشد و بدانید که چه باید یک وضعیت است که فاقد هر گونه حس توضیحات خود ، چشم انداز و یا حس خود ، ما غالباً می گویند که ما فکر نمی کنیم و ببینید چه چیزی دانش است و یادگیری از و نشانه های دیگری از یکسان یا مشابه و یا در قالب علاوه بر اینجا این است نمونه ای از ماموریت هر حس انتزاعی از فرم بود واقع بینانه در آن نمی حقیقت در حال حاضر به عنوان یک واحد اما طبیعت پراکنده متحد از جهان است که مشابه و مثل همیشه ما شباهتاًما نه او برابر ممکن است یک پس زمینه عقل و از دست رفته در بیگانگی خود او وجود دارد، در اینجا یک شخصیت از طریق بودن و احساس گرگرفتگی که از همان داخل آمده ممکن است مانند یک نقاش از شکل قاب نگاه به عنوان مستقیم به عنوان استعمار ، نه دلیل نهایی مطلق که بر روی هر انقیاد یا براندازی از تخیل از یک واقعیت ساده است که بیرون آمد به طور طبیعی بی اهمیت ، انجام شده توسط آینده که همه چیز برای تمیز incisiveness شوخ طبعی و کردن، و واقعیت گذشته سخت ناخودآگاهو تا حد زیادی در شدت آن اعمال تجربه از یک کلمه که همیشه تصور یک تصویر متروک در اینجا است لحظه ای که توجه ارائه قطعاتناگهان می پیوندد آگاهانه به این حمله به من توان نوشتن ، قادر مطلق است به عنوان مستقیم به عنوان روشن نیستخطوط افق جایی که خورشید پایین می رود و پنهان لایه خواب و داشت خود را مورد ضرب و شتم ، اما هرگز برای وجود دارد به دوباره متولد می شود و به عنوان روشن آن را به عنوان تنها بود با عرض پوزش، خورشید روشن ما و تجربه پر انرژی پس اگر حفظ خواهد کردمجموعه در حال حرکت که در آن تمام جزئیات به حداقل حساسیت در سکوت صبر خود را ، روشن بینی تاریک، شرح داده شده تنها به اتفاق می افتد و حفظ هر کلمه با معنا و نگهداری می بینی نیست، اما نه کاهش هر غریزه منطقی، مگر نه من خود ساخته شده است و حفظ ستون به عنوان آشیل ، همیشه invades'm اینکه من در جهان داستانی که در آن می ایستد حال حاضر، بدون هر کسی توجه کنند این جاسوس به من میاد من از بد نامی ، واقعیت های خشن از تنها گراموتورهای که انجام این سفر بسیار دیوانه و به عمق تونل ، شما ممکن است هرگز داخل خود را به طوری تاریک را ببینید با خروجی تصویر و پایان روشن، انتظار فقط برای پایان آنچه ما و انگیزهما و یک نیروی به عنوان چیزی قابل اعتماد ، می دانم سخت fascináveis چیزی نشکن هل به عنوان است و هرگز متوجه شد که وب است که شکسته است ، اما بازگشت به فرم وب ، بسیار دشوار بود و به عنوان یک حادثه در داستان ، یک شات عمیق وجود داردکه او در سال های اولیه کشته ، نفرت زمینه اما هرگز بی تفاوت نسبت به کسی یا ذهن خود را و یا هر نفر ، در یک روش هوشمند هر کس که ما همه جمع ما گفت ، می آید و مردم برابر متفاوت تر و مشابه، به شخصیت اصلی آن ، در واقع دست نشانده هر عمل و بخش است که نشان دهنده یک سفر از دست داده در فضای حروف هنر ایجاد فضای خواهد مرگ از هر نقطه پایان خود ، نقطه اوج هرگز پایان بود ، از جان برای وجود داردا هرگز اتفاق می افتد اتفاقی می افتد به کسانی که به ما اطلاع هنگامی که ما می میرند و هیچ وقت نمی دانید آن کلمه ای که تا به حال هیچ پایان اما ساده و مبتکرانه کمی روی حیل و تزویر به عنوان روباه است که می خواهد برای تغذیه ازگرسنگی زیادی از یادگیری بود ، و همیشه می خواهم به دانستن بیشتر در ، سپس این منبع طول عمر ، هیچ وقت نمی دانید چه اتفاقی می افتد ، و هر چند

تاریخ و زمان آخرین کوهنورد حفظ شد و ایمان کوه خود نقل مکان کرد، و محدودیت تنها آغاز یک صخره نگرش جوانان، اهمیت بیشتری نسبت به هر ارتفاع و هنگامی که ما رفتو ما می بینیم که چقدر ما در حال حاضر در برنده شدن تنها می دانم کمی بیشتر به دست آورد و هرگز خواهید به از دست دادن و همه ما می توانیم به هر نقطه در هر زمان دیگری پرواز سقوط زیرا آنها یاد بگیرند به پرواز و همه چیز را تصور کنید، اما همه قطعات کلمات ، ایده ها، و افکار . آب عمیق تا عمق هنرهای فریب اشاره به یک موضوع مطمئن نیست هوا دریا و به نظر می رسد که اگر توسط انرژی سحر و جادو از سبکی و کمی بیشتر علاوه بر آمدن از یک لحظه **ternurento** احساساتی و **embebecido** بی تردید و هرگز به خاطر شکست ناپذیرپروزی او همیشه شکست او بود و به عنوان تر آموخته فقط به یک بازنده یک نبرد تر که در آن هیچ چیز می گوید و احساس طعم و مزه کشویی از او که به پیروزی ، برای آن کافی است برای یادگیری و یادگیری با تمام است که ما را رد زندگی می کنند.

دوم قطعات

لایه ، غرق در فاصله یک راه پله ها بهم سائیدن در فلز مراحلپوش تمیز کردن ، یک سطل در طبقه ، سنگ مرمر مربع، دیوار با هم در چهار ، یک قطره - های - قطره می افتد و عمیق، کمی ، کسی به جنبش در آوردنطبقه نور کم ، درمانده ، یک مسدود سطح یک شعاع از شیشه ای چهره ، نگاهی به متلاشی ، یکی غواصی ، -**reflecti** از نور با اثر سایه ، خراب ، در حال ظهور شناور که من از خفگی ، دیوانه نجات داد ، فرار و بین ستاره ها و پرتگاه خالی از فضیلت از نظر نگرش ، از دست رفته در پری از درد و رنج و باشد، قبل از ترس ، و سپس خاموش پیانو در تبار جاده مگس تار پیانو در طبقه و سپس دست زدن به صدای اول ، تصویر اولین صدای عمیق اکو پوچی از شنا باله در آب ، در نهایت پریدن کشیده ، در **desvaneceste** جنبش مو باند و تمام است که تنفس و برای یک توهم برای یک لحظه متفاوت بود ، مایع و نمک نوشتن بدون مداد **profundez** اقیانوسی از رنگ، بود یک بازیگر در نمایش نقطه اوج حزبهديه ای است که باعث می شود من خوشحال ، لباس خواب در رختخواب ، تخت ریخت های گازدار و مختلف، آن را یک تصویر بدون مناظر ، همه چیز استنشاق ، تغییر بودادراک ، و تغییر مشهود بود ، بدون اشک ، بدون خط ، هیچ قانون بدون چیزی گم شده همه در همه، یک داستان است که رشد نمیکند ظاهر نمی شود ، به سختی می گوید و موظف ، حقیقت ، زنجیر و قفل در همه طرفتیرکمان بچه گانه ، یک هدف است و به عنوان یک فلش بدون دامنه شگفت زده ، کراوات گرهنوشته شده ریخته ، بی اختیاری ، نوشتن تاری ، هرگز خاموش، همه او را دیدم می خواستم و که همیشه می خواستم به ، و در پس زمینه را نیاز یک موجود ، برش و نورد ریش خشن، یک سبیل ، مو، یک به علاوه یک از هر صورت، لمس هر یک از ورشکستگی گناه خود ، بی زمانی خود را به روز و تنها و تنها یک پارچه ناگهان بالغ

پس از آن در شن و ماسه ، اره زمین گسترش و زندگی می کردند، از زمانی که زمان شیرجه ، تمام غرور و افتخار می درخشد و فرود به پایین از جهان شاهد یک آهنگ ساده، آن را در رضایت از ضربه ناگهانی ، یک چشم انداز، همه ما زندگی می کنند واقعیت یکی از دیگری چیزی اخطار قبلی اتفاق می افتد و موفق اسپاسم را آزاد و بیدار به احساس شود و نامه ای از یک غزل هرگز کامل از قافیه جدا، فرار یک جمله که فاز ، بنابراینکه در آن ما نخواهد بیرون بروید و در آن ما بدون وارد کردن ، در خط با ناپدید شدن مرموز پودر در خاک یک نقطه واقعی در تمام توهم تخیل بود و سپس منفجر شدن ستاره دنباله دار ، و این سیاره زندگی می کنند همیشه مزخرف با پایگاه فتنه مشکوک سوار شده بود و نه طرح کند سقط نه پس از آن جذب شنیدن یک صدا ، و فریاد زدن از نامه گرگ تاریخ است ، تخریب کمال در یک ساحلی ستاره موشک تا عجیب و غریب موجود بود چه گفت شده بود و شروع به پایین پله ها بر روی برویدخالی یک قطره از یک گام ، سپس نرده فلزی اتوماتیک و تنها یک پا بر روی رودخانه، پابرهنه و سرد بود ، همه که به نظر نمی رسد به همه چیز از بین می رود و ناپدید . همه جهانی است به عنوان آن است، پس از آن فقط یک زبان ، دهان باز شده لذت تشنه به ناگهان بوسه می بوسه و تمایل ، نیش از نگاه خود را هنگامی که در سفر از قایق خود را نگه دار و با واقع یک چیزی که نمیغیر واقعی است، اما حدس می زنی ، بینی احساس داغ و مگس و تسخیر پلوتون ، قلب او سنگ در برکه زندگی petiz خود را جداگانه پرتره همیشه بنگر جنون عکس نمیسلامت عقل را به نقطه ای که بودهمه ایجاد شده و یک بوسه شل در حال انتظار برای نگه دارید، با یک نیروی تنها با اعتقاد راسخ ، همیشه به قلب او گره خورده است وجود داشته باشد، تمایل به پمپ و یک جریان تصور در حال حاضر در جعبه چهار دیوار بود ویک نگاه از یک رشته بدون دلیل انتظار برای روشن کردن نیروی است که نمی ترسند ، نه برنده و یا از دست می دهد ، است میل به ایجاد و دریا مبهم با یک قلم مو به رنگ تمام الفبای با هر رنگ ، هجا و قدرت ، منجر به خلق و خوی برای رفتن و رفتن و به خودتان اجازه رفتن ، به ویژه برای ساخت یک قلعه در سنگ تحت آبشار و رودخانه در زنجیره را همه چیز در مقابل ، بالا چیزی در ذهن، بسیار متفاوت از برابر و داستان ساده از سفر به حال، صدای مهارت است که دیده نمی شود اما گسترش می یابد و سپس صعود دیگری پله نردبان هنوز پشت در پیش از گام و معلق راه می رفت و تنها یک تلاش برای صعود هر مرحله به شرکت شما و هوا متقاعد تصور پیانو کهسمت چپ بر روی کف باند تنها یک کلید به حال ، و آن را ترحم و نه متهم بود که ایمان به یکی همیشه باور زندگی را فاش کنید و فقط یک لحظه از چشم انداز داغ معطر در درخشش دریا را ببینید شما به عشق در شیرجه من،شناور من بوده است قایق من غرق شدن در پارچه شسته که پاک پیانو نصب شده بر روی یک اتاق نشیمن که در آن هیچ کس می خواست به و من فقط وجود دارد می خواستم سپس وارد درب از همه چیز خارج شده بود و هرگز تصور تعمیق ، میل بودتا شما را در یک حلقه قلب و زن و شوهر خود، آن را پمپاژ و سپس آشفته ، کمتر محسوس و در بمب گذاری از قانون در حال حاضر صورت جنگ برای صلح همه چیز با هم با احساس های مختلف یکی از برو بود و گسترش آنچه تبدیل شده و پس از آواز پرندهو دلخوشیها فقط امروز موسیقی خود را در اشعار آموخته ، همه بدون هماهنگ کار بود را و پایان دادن به ترس باور نمی طبقه بندی شده اند و در نهایت این سفر تمام راه را

قطره عمیق بر روی سقف بود در حال حاضر ، پنجره بر نمی گرداندنیمه بسته نگهداشته شده و سرد، در تاریکی از یک عملواق، هرگز اتفاق افتاده است اما گزارش و قرار است به اختراع است تصور شود که ظهور تنها بیرون ریختن بود که آب تنها صندلی از بوسه خود را میل تنها به شما بود و بازی بخش پیانو بودیک طرح به لمس شما توجه داشته باشید که شما احساس دست آوردن برای اشاره تیغه بلانت بودنوشتن قوی است که به اعتصاب نیست در حال حاضر احساس یک کراوات در شل شب ستاره سفر در آینده که نمی خواهد آمد ، متفاوت از گذشته و حالبود از کودتا، آن را فقط یک داستان است که همه تخریب و پایان آنچه از پلوتون به تنها ارسال عشق یک قلب بین دو دیوار غیر ممکن به پرش ، که در آن در مورد هیچ چیز دور در دایره باز، یک مربع سمت چپ بودیک مستطیل است که سفت گره ، لرزش کردن گرد و غبار و دیدن پیانو تنها ترحم خود را و اتاق تاریک از یک تصویر عکس، فیلم، تصاویر کوچک در سایه قطعات را لمس می بینیم که منعکس تو در یک قطعه که در آن همه چیز پیوند چون من می خواهید ، منعکس شده در تصویر من، شما به تنهایی قاب آینه

مشترک

چگونه از این درد که غرق و تیز درد و رنج از یک دردناک و تنها دریافت کنید. این به اندازه کافی برای یک نگاه بدون کشتار بود ، مورد بحث و هر قطره اشک کشف یک قلب لایه لایه است و پس از آن تخریب ناشی در ایوهای فعلی من دیوانه و مچ دست و زنجیر من در اطراف ضربه به روح بیمار و گرد و غبار تیره محکوم شود که ماباب میشکند توسط حواس و بخار بیشتری از لحاظ جسمی در همه جا از این روح ریشه بیگانگی آشفته در یک پیچ و خم داشت، خود شما توسط بی تفاوتی مستغرق در حال حاضر از یک روز دیگر کشیده میشوند ، شکست های زنجیره ای که من با آزاد متصل می شود در حال حاضر تقریباً فوری ، همه انتظار تمثیل زندگی ، لحظات روستایی منتقل می شود

، در اینجا تب و تاب بودن و چراغ شعله که می سوزاند fulminará سوزاندن مشعل ، برای شما قلب ضعیف من، اسب شل در حال انتظار برای اهلی لذت بردن از تمام آنچه که من احساس می کنم، چرا که شما احساس می کنید مثل شما احساس ، در این زمان بی نهایت که تقاطع با گذشته اطراف و که نشانه هر زندگی را به زندگی می شود

خرمن کوبی مراسم ما در سحر و جادو است که فقط نگاه شما و چهره مادر خود را ، احساس گرما را ببینید و حساسیت تمام تلخی فقط نیاز تنها به من افزایش به زندگی می کنند و همیشه برای دیدن شما یک جنبش سوزان از لب مردنفس اماره ،شادی شفاف به عنوان یک اتحادیه قوی به خصوص به IT- یک معنای آغوش در حال انتظار برای زندگی شود یک ریشه کاشته petiz خوبی به شما می خواهید، آرزوی می شود تا به عنوان یک خوشحال ، پرورش و تقویت دوستی نجیب از عشق استباعت می شود قلب من ضرب و شتم سرعت خود را

پدر پدر است لحظه ای سحر و جادو از یادگیری بیشتر از همیشه به عشق بیشتر امیدواریم

که عشق فرزند بزرگتر فقط عشق مادر به فرزند پدر همیشه توجه و هوشمند غول پیکر و پسر پسر من با احساس شادی من منفجر است ، احساسات ، محبت ، عشق و محبت ، نیرویی است که ما اشاره برای شادی ابدی، اراده از محبت ، به اشتراک گذاری ، آموزش درس و چون از هر دو پر از شادی به آن که ما آرزوی به شاگرد برای همیشه جوان در پدر تازه کار است. آیا منظور شما را به شما را دوست دارم، من به شما احساس ، به عنوان هر لحظه روشنایی شما یک تصویر نشئه در . fascinas اضطراب یک سوال و فقط کمی چون من ، اما شما همیشه زیبا ترین است برای من همیشه . آمد cabemos یک قاب که در آن دو دور از طلوع آفتاب ساده برای تنها فکر می کنم شما را پر کنید مثل من غنی سازی ، شما حساسیت واقعی دیوانه هستند

اشک

تر chorares یک روز او به حال یک قطره اشک را در صورت خود را بدون هیچ واریز

رویای شیرجه به شدت می خواستم تا در وسط دریا بیدار از خواب است که سال گذشته سیم خیال باف ، یک شب از روح که در هوای گرگ و میش این رقم از sleepwalker ، حمله سایه و بیدار تاریکی توهم خالص و خام، پس ابدی ترو ببینید چه چیزی آن خواب عمیق یک روز وجود دارد - از خواب بیدار و باور در اسطوره از همیشه رویای رسیدن به ... و رسیدن به فقط قطعه دیگری ، لازم است یک خط بی نهایت با خط تیره خود را

جفت

برای بیش شاید نه numbs می خواستم یک بوسه یک خواب مسالمت آمیز که ما و آرزو میخوام بدونم شیرین در شما و به شما می گویند کلمات خوب و تازه کردن ضرب و شتم یک لرزش از قلب شما فکر می کنم شما تنگ، در هم تنیده و هرگز پذیریم در حال حاضر در یک نفس هوای با سبکی و شفافیت هرگز منظم رنج یا pumps'm رگ ها که قلب شما ، یکی که نمی جدا نمی sand'm شر مانند آب باران و سنگ در شما beating'm شما بدون تو هستم اثبات در اینجا من نیم در جستجوی جیب خودبوت savoring آسانی و لایه پذیری انتظار به کراوات و یک کراوات که هرگز خنثی سازی هستم چرا که شما کفش جفت من مثل عشق داشته باشد .

طول عمر

در ابدی نگه داشتن آن پایین می رود وجود دارد و پس از آن هیچ راهی وجود دارد که آن را مبارزه با ، در اطراف آن و یا دستکاری آن ترور قل قل مخالف ذهن ایجاد، تخیل است و نقطه اوج در یک نقطه اعتصاب و یا فقط رنگ ردیابی شکوفایی سبزتن و زندگی چنگ زدن به تن به زندگی می کنند و شکوفا ، در اینجا نمره شما همیشه می خواستم به این نکته اشاره شده است ، زندگی می کند به شدت

عشق

بنگر به سرعت می یابد میل به برنده آن رفتن و توفنده در سنگ دریا شور و اندود عمق و لایه لایه می ایستد ببین

سرما که وارد شنا صلح آمیز و خلاصه من پیدا کردم درگیر با منبع آب گرفتن به تصویب غربیه هیچ چیز طرف دیگر دشوار است فقط هرگز قدم همان آج و پیش باعث می شود قلب خود را بازی موسیقی است که خواستار به شما باد، دریا و زمین را به نفع خود به اندازه کافی برای دوست داشتن.

دیوار

اگر آن را به اتفاق می افتد که ضربات نمی دانند سرد بود ، شامپانی سرد تخریب ذهن ، و به فروش می رسد روح ، سلاح خالص بدون راه احساسات ، گره خورده است به بدن است که گرفتار اوهام و خیالات خواهد شد و در حال آمدن هرگز ، چرا که روح نا امید نمی کند ، علاقه‌ها از آن است که خالص پس از آن که برجسته در معرض یک superioriza دایره بسته ، به معنای نیمه بسته نگهداشته شده که با انقیاد و توهم از رعد و برق عظمتناشی میشود و همه چیز متوقف می شود زمانی که روشنایی از اثر اما این بیماری از روح این نیازهای بدن و آگاهانه ما فرو به ورطه بودن و لاوی خود را ، و به عنوان یک ضمیمه که اختلال خلق و خو و بیماری از روح باقی می ماند یک تومور درد و چگونه غفلت است که اثر و تاثیر بر که متر دور و پیاده روی استجلسه روح ، روح ، بدن را در زندگی که در آن همه چیز عوامل بی ثباتی و یا چون بدن نمی تواند تحمل به زخم سن و یا بیماری های بیماری و سپس این روح خود و خودخواهی به اراده ما اما اختلال آمده گروه بندیروح و در این اوج اعمال فکر در روح خراب و تاخت و تاز کردن خالص، سخت قوی به عنوان یک دیوار قادر به پرش.

فکر کردن

مابع ریخته تخیل، سکنه مغزی از شیفتگی یک جنون غوطه ور و عمیق آن را پشتیبانی دوستانه از طریق پرتوهای هماهنگی و سحر و جادو بدن حمله و نفوذ آگاهانه ناخودآگاه از جهان ظاهر ببین زندگی زیبایی از یک نفس خالص می شود وبی نهایت مرز قابل مشاهده بین کلمات می شود و گسترش می یابد، احساس و عمل بدون فکر اصلاح علت خود را به بودن ، تفکر و اقدام به تغییر superiorize فکر می کنم و تصور تا کنون فکر

دوستی

گرگ و میش در هنگام غروب دیدن همه اتفاق می افتد در پناهگاه به دور از دشمن خیالی ، نبرد یک آتش بس با آرامش خاطر عبور ، تبدیل آرامش ، شب شد در حال سقوط، و من شروع به احساس می کنید که لمس است که احساس پوست نرم خواهد شد دوستی خالص انرژی نا محدود قوی تر حرکت از محبت از هر شور و یا عشق و هر لانه فقط لمس یک

انگشت شست و فقط تصور کنید آنچه در آن مانند احساس و صرف زنجیره ای از تمام انرژی است.

بیشتر بدانید

اما نشسته **affronted** خیره شدن و مجذوب با آب ریخته ، اتفاقا در واقع غم انگیز و یا در حالت آماده باش ، بدون حداقل حس بنگر چرخ مینیمالیسم ، کل شهرستان، خیلی گیج و یا اشتباه نمی دانم اگر آن تصمیم گرفته شد اما همه را حس می کند در زمانی که لذت ساده به ارسال شما درخواست مورد نیاز نیست که آن اتفاق می افتد باقی مانده است ناپدید و همه چیز احساس و دیدم ، اما فقط نگاه کنید، خواندن و نوشتن تفسیر ، جذب آموزش حمل و نقل و آموزش ، ناگهان نفس با باد رشد می کند، و پس از آن ناپدید ، پرواز 7 دریاها سعید بنگر فرو برد، عمیق تر شد گفت ، هر دوست دوستان که دوست و **poisando** تفکیک اما قابل رویت نیست یک هشدار ، یک فکر از استعداد است که اجرا می شود ، اجرا می شود مگس بود و تصور وجود دارد که نمیاما همیشه شاهد آن هستیم، دوباره متولدیک روز در هر یک تنها فکر می کند ، زیرا در حال حاضر امروز ، در حال حاضر به آینده و نوشتن سخت از بهره گیری از یک گرم ساده و بالاتر از همه ایجاد و تصور و دوباره و بازگشت از نو خلق را به محل است که توسط آن هرگز آن را ترک کرده بود، اما هنگامی که وجود دارد ، در حال حاضر در حالی که ساعت ترجیحا حاضر حقایق به موقع و شاهد ، در حال سرویس و یک حس منحصر به فرد از لذت است که همراه با مذاب و تیره تا نرمال تا پا افتاده نگاه کنید، و تنهاتا اوایل و بیداری و تاریکی و شب نور سحر و جادو و عملی شد معلق و قایقرانی قایق با شمال، یک دوره تیز و سوسو زننده او بود ، که یک نقطه، با بازگشت و دریا تا سخت است تصور کنید بسیار زیاد بودو خشم فوق العاده ای از اقیانوس ها به طوری که این آدرس سفر غیر قانونی و بدون میزبان شد یک توپ مربع یک مثلث معکوس به عنوان یک هرم از یک تابوت از ذهن روح غیر قابل نفوذ ... مانند یک زندگی فراموش کرده اید، در سایت رفتن یک عکس از یک برگ که خشک نمی، عرضه آن به قلم و نوشتن سیاره ما هر آنتن ، ماهواره ای و یا موضوع واحد که حفظ ارتباط با این سیاره دیگر و به عنوان درختان آنها به دنیا می آیند شاخه و گل باغبان درخشان در تمام طول روز سفر مانند تب و تاب بودن در میمهتاب بود رخ دهد و سپس پرش دیگری ، به علاوه یک جهش برای دیدن یک بچه به دنیا و به خصوص تماشای رشد او را و یاد بگیرند و همه چیز را می بینید و عمل تبدیل را یاد بگیرند، که زبان کودک برتری پوست نرم کودکان در ارتباط استیپر و مادر و آموزش به دلیل چشم پوشی ناظر دو آموزش و یادگیری و می دانم به عنوان یک دوقلو که یک جفت که در آن یادگیری متقابل معدن بسیار است و چالش خود را رشد خواهد کرد و شما همیشه یاد بگیرند و بدانند بسیار زندگی می کنند

من احساس می کنم درد و رنج که من مانع به مانند واقعی با رفتار خوب بودن را ببینید اما غم، در داخل شادی می کند به خارج **clown'm** همیشه به عنوان یک لبخند جعلی مطابقت ندارد احساس شناور که باعث می شود من از محل طبیعی خواهد بود سفر و اقامت نظر خود از گام بی پایان ، پدیده غیر طبیعی احساس اما به **dista** در یک نقطه که در آن

عنوان یک حیوان احساسشده و حشیانه و سرعت ، شروع می شود گلودرد و زکام و کشته شدن مانند یک نیروی ذاتیقدر به شکست در زمان و در پیشبرد و در سفر بدون ردیابی استتصویر شورش ، نفرت و گناه در واقع بین سوگند در ارتفاع دمای آسمان، می آید گل همیشه بهار تازه شاد و بی سر و صدا که می گوید را متوقف ، شکوفا و رشد می کند، این افزایش خشونت آمیز است که فقط یک بار بد تمام شدت به اوج خود رسید و بهبودناگهان هر چیزی اجازه دهید یا چیزی ادیت و خالص ترین حرکت شما می گوید که می سازد سر و صدا هوا قرار داده و شما را به فکر می کنم من آن را تمام و بدون ترس پیروز خواهد شد ، تا کنون که بدون یادگیری نیست که با دام که نفرت شما ندارند زندگی می کنندشما ، در خود انسان خود را شما می بینید که اعمال خوب شما را بر روی زمین ستاره به رها کردن پاک کردن برسید که لمس پیانو چون من یک طرح ما هرگز به شروع خواهد شد مانع انجام تو و تخت مگس و مگس بر ابر صاعقه استوضعیت چند عاملی است که ما را می سازد در باران مناقصه دلخراش و زمین مرطوب خواندن صورت بی سر و صدا به نظر می رسد به یک حدس بدونمهندسی معماری در قدرت خود ، اشاره به فوق العاده ، دست نیافتنی واقعی ، چرا که تمام قدرت که به اعتقاد ما ، و بالاتر از همه به حالیک لیوان تیره اطراف اما تن دودی کاملاً شفاف ارزش مانند گل ها باید به آنها آب به طور مداوم و آنچه دانه در ذهن رشد می کند متفاوت باشد از همان همه ما باید غرایز و شدت روح بسیار انسان علاوه بر معجون مناسبسحر و جادو تونل شیب دار که در آن یک ورودی نور را می بیند و که پایان منحرف . از ته گودال همه ما باید خالص کشف و ضبط و اجرا شده است

بنگر ، هیچ کس برنده در جهان خود را از تونل عبور ورودی نور زندگی می کنند و روشن . راه خود را به دلیل آنچه که ما را خط زندگیاست و آن این است که انجام می شود

عشق عشق عمیق رنج می برد احساس شد نیز فراموش نیمه پایین توبه را از دست داده و .زندگی می کردند

ماسک زندگی در پایان چگونه برای پایان دادن به همه و پایان ، ناگهان، قطعا چیزی به عنوان مطمئن به عنوان داشتن چیزی وارد کردن یک خط کوچک و مستمر از مرز می کند که پیش بینی نمی بینهایت نامطمئن تر ، بنابراین به عنوان خطوط دو نقطهطلوع آفتاب و تنها بی نهایت تنها چهره مرگ در حال آمدن است به آرامی به عنوان یک همه چیز نفس احساس . ، فقط به خاطر اینکه آنها صورت دیگری اما به منظور پنهان تاریکی دیدم هرگز

حافظه

برای شما رنج می برد برای شما احساس تو را دوست داشت با شما زندگی هرگز دوست دیگری که بوسید در شما در شما دیدم به عشق که همواره به یاد داشته باشید هرگز احساس خواهد شد بسیار رنج می برند چیزی بیشتر مایل به برای مردن از طریق من برای شما برای تا نوشت که من رنج می برد و درگذشت و هرگز آمدهبرای شما تا به حال فقط از . دست داده احساس

عاشق در یک لحظه به نظر می رسد کنون تنها یک روز به دور از عشق کسی که قبلا از
عاشق .

بازتاب

در حال انتظار برای چیزی متولد در آینه است من و افکارم را منعکس چقدر خوب و نه تنها
تصویر خود را نیز از این انعکاس ساده بدون آینه منتقل شد.

شب پاک کردن در یک شب تاریک به عنوان به عنوان طلوع که در آن گوشه های جذابیت
خود را به عنوان پرنده درست سوت که مگس و همه خواهان آزادی تبدیل روشن است.

نوشته

من ... و خوب بیشتر است که می تواند نقش و قلم داشته غیر قابل مقاومت به خصوص تنها
آرزوی اندیشه

پس از گذشت

درگذشت !بله ، آن است که آغاز پایان آغاز چرخش بدون تلخی بود، اما بدون تندرns بود
سفر ساخته شده هیچ تصویر، و بدون شجاعت مخالفت با پایین ترین و بالاترین زمان برای
ترک و یا اقامت در این محل ، تصور همه چیز و هر چیزی بودگاهی اوقات او را ترک ، و
به انتهای شدید که می گوید آیا ترس نیست و نه لرزه سفر است بازگشت این جهان غرق در
عمق زیبایی که تمام من رفت، همه و همه، من می خواهم هیچ چیز، برای وقتی که هیچ
چیز را ترک خواهد کرد خواهد، این چیزی است که من فکر می کردم .

. پرتگاه که در آن شکاف پایان است Abyss'm

صبر و او به خوبی سوار ، که مایل و مایل پریدن، پرش و سیگار کشیدن در راه بود بدون
حالت *ansiosissimo* اسکرول اضطراب مقصد با سن متفاوت است اگر چه همیشه در
زندگی در انتظار چیزی، ما همیشه می خواهیم چیزی، همه چیز را در ما می ایستد به
. عنوان میل و علاقه غیر ارادی .

نردبان

نشسته، اما نتیجه به انتظار می رفت نزدیک نیست ، پایین پله ها و *equacionei* من
آسانسور بین نور و تاریکی و سفت بنگر او مانور میل و علاقه دوم وجود دارد که رفت و
. به آرامی فرود آمد هرگز سقوط .

دفتر مرکزی

اشک ،شهود و یا تخریب ، که فکر یک نوشیدنی از یخچال غذاخوری زیبا است و آن را به
. مقر محلی و همه چیز را می شود سیرچشم و وجود شکوه

تمایلی برای پایان دادن به ، پایان دادن به پس او است گوش دادن به کلمات فراتر دیدم این وحشتناک به عنوان برنده دوباره می خواهم برای رفتن و پس هستم و من کوتاه هستم

خورشید

چه اتفاقی می افتد احساس طلوع یک دست کت و شلوار که با شب هنگام آمد زندگی می کردند، زنده کرد و دوباره متولد خورشید قدرتمند هستم او غمگین .

دوباره متولد در پرده از بنگر دود، وجود دارد او را بدون رویداد پوست بنگر به دنیا آمد، آن لحظه بود و دال دور حرکت می کند و تنها به زندگی دیگری برای یک تصویر ساده است هر لحظه در تصویر را ببینید و دوباره متولد

به دنبال عطر، بوی جنون ، جنون شکنجه اندیشه بدون همه نسبی رها شده ،یتیم قلب ، درد ناشی از یک عشق های بسیاری دیگر که نگاه لطمه می زند و میل و اشتیاق برای تیش فقط یک لحظه می کشد این زمان از فکر خود را ، احتمالاً همه به ظاهر وجود دارد نه تنها به عنوان تصویر فضیلت اما به دلیل یا وضعیت ذهن می کند در زمان تمام وجود فیزیکی .میرند و ناگهان همه چیز خاموش می رود ، و یا ممکن است منجر شود

زندگی در حال مرگ

میان مرگ و زندگی ؟ اوچ ! عفو و بخشش ، آن را قرار داده است ؟ آشکار است، که هرگز کشته ؟ هر کس را ترک کرده است به زندگی یک لحظه همه بدون استثنا به عنوان به زودی منجر به مرگ فکر می کنم ما به زودی خواهد مرد و پس از آن زندگی می کنیم این کار، خصمانه مسخره

ترک

دوستان عزیز ... من ارسال بیش از حد ... شما ... دوست کوچک من ... امشب روح من گریه می کند برای شما رفته بودند ... اینگاهی به قلب من شانس ... لطفا مرا ببخش دوست return'sa من ... آزادی من دور ... از دست داده در آسمان ... شما گرفته شد ... لذت ... به فوت ... بخشیده شد ... حرف آخر way-تا آرام ... سکوت ، نیمه ...

شکسته

اگر روح من من تخییر ، هیچ چیز را مخفی به علاوه باقی مانده باقی می ماند ، بی اعتنا به فانتزی.ظهور از براندازی شناور بطالت از لحظه ای دیگر ، خاص است

بودن

صدا، قلب دهان، لمس ملایم، رنگ یک رویا است به لذت در یک لحظه ، از جان گذشته منحصر به فرد و بدون فاصله با الهام از وضوح و بدون محدودیت برش مبارزه ، فراتر از تخیل است که تصویر خون جوجه از قرمز و ملتهب از درد احساس ، آن را نشانی از پازل ،

اما یک واقعیت ، یک چشم انداز ندارد. وقتی که دیگر با هم و ما به عنوان یک تصویر و تشویق ظاهر یک وجود ، قلبی ، معکوس و آینه باور .

از همه صدمه دیده است من احساس می کنم که من به کسی تعلق بدون شفقت ترس ، روح و خالص بدون گره فعلی ، اما در هم تنیده ، و متحد ، یک راه ، **passionless** دیوانه ، ... یک اراده آخرین و ، و در پایان چیزی است

عدم

اگر لمس و جهان خود را ببینید ، خواهد بود نجس ، بدون حساسیت لمسی لال ، حداقل بر این باورند که کسی پیشی واقعیت من . غم و اندوه من ساده به عنوان تمام شادی قابل دسترسی را به عنوان دست نیافتنی است . با سحر و جادو ، بدون طنز در روز به شما می گویند ، لمس من احساس ، چگونه شما به من نگاه کنید و ببینید که من هستم و نه آنچه که من در کنار شما خواهد بود . درد سوزش بازی سوزش در من که به پایان می رسد زمانی که همه سوزاند. هرگز شما در زمان ، توسط راه در شما خواهند گفت که شما رنج می برند چرا که شما هرگز او را ترک کرد و می دانیم که شما را دوست داشت و همیشه شما را دوست دارم ...

شکل

... من شما را دوست دارم بیشتر از کسانی است که قلب من می تواند ضرب و شتم

نفس من | شما الهام بخش | هوا همان | به عشق

... من همه رنگ به رنگ جهان را به خود هستم

برای من ، برای شما و برای کسانی که مثل من

یک روز

ریشه در امروز قلب من کاشته ، این درخت

آن را به نام عشق برای زندگی همیشه می تواند پاره کند چرا که او در من زندگی می کند

ترانسفورماتور

.توازن قدرت است که تبدیل به واقعیت است **Gleaming**

.پانل برق کنترل موقعیت و مقصد از قدرت جهانی است

نور خورشید

روشن روده

. پنهان طبیعت زمینی

. منبع نور می افتد مانند قطره بر روی زمین است که منبع از زندگی و نور است

فانوس دریایی

. پیوسته به دنبال جنبش لولا از اختلال

کشتن یا مرگ در اثر برق

. اعصاب پر سر و صدا زدن با برق قلب

امواج الکترومغناطیسی

. آیند و می روند افکار شکل موج در اطراف دایره از امواج

برق

اجرا می شود از طریق بدن من این جریان که من به موج مدار به ارمغان می آورد

پالس برق

. من پیامهای الکتریکی حالت گردش متزلزل هستم

نور حقیقت

. به شدت می درخشد حقیقت زمانی که توسط ضربه را کشف کردند

خاموشی

. کالان استعذاب توسط صدای احساس روشن بودن

نور شمع

چراغ ها در درد

. انباشته موم ذوب شده است

درب برقی

. گسترش به آرامی لمس کردن ، اما بسته شدن هیچ وقت برای باز کردن

اره برقی موتور سیکلت

. برش با ریشه های نفرت پر جنب و جوش از انرژی تاریک

برق

.برق در دود روشن پاک حافظه است

تلاطم الکترومغناطیسی

. آشفته ذهن بی نهایت electromagnetism از دحام

ری برق

.به عنوان یک پرتو انرژی برق که فلج ذهن داشته باشند

چراغ شیطانی

. هر موجود دارای نور برق شیطانی چشمک می زند

سوسو زنی

چراغ چشمک زن من به ستوه آورده

. عبور از زنجیره ناگسستنی

نور کم

. چراغ مات روشن موجودات عجیب و غریب در نور کم

سیم برق

.سیم از طریق انرژی پر جنب و جوش من بدن اجرا شود

مدار الکتریکی 10

.و پیشرفت به مدار 10 و قطع برق فساد وجود دارد Subo

سقوط برق

.برق در سخنان وجد و احساسات سقوط کرد

برش نور

پژواک شارپ و روشن،

.درخشان نور گرفتن شکستن صدا

رعد و برق تاریک

.چشمک می زند پنهان کردن این موجودات سیار با گرایش چشم

فلورسنس

. بلوم و سقوط نه رعد و برق در همه جهات و معانی

" Ofusculência "

.پر سر و صدا رعد و برق تحت الشعاع قرار دیگری احساس لذت و به نظر می رسد است

افروختگی

. متقاطع کمان عمیق در روح خود را که نگه الکتروود - شوک پویا و رشته ای

Electrocutáveis

به عنوان یک اشاره من چکش تناقضات از احساسات است که برای یک نور قوی و مصمم
.تماس بگیرد

عدم وجود گرگ و میش

.من قرار دادن به آرامی در بالا چراغ وجود من به آرامی با رعد و برق لذت

خاطره

جذب مورد در یک روز روشن، من آماده هستم تا از تاریکی و قدرت نور آمده ، قدرت و
. توزیع constelar انرژی برای کل جامعه

نور تهدید

. تهدید این چراغ نقاهت که ما را عذاب و اجازه دهید پیش بینی خطر

نور شب

این نور است که شما همراه در لحظات روستایی و قادر به مقابله با شما در پنهان کاری
intimidates .

چراغ قرمز

. نور شدید قرمز و مسدود کردن اعصاب شتاب دهنده

تکان

. و آلاینده های ذهن بدون انگیزه تا گسترده Zarpares شوک

شرکت نور

.روشن چه اتفاق نمی افتد و نه شرکت احساس می کند نور است

رعد

. تندر سخت کار کردن و خرد سر و صدا گرسنه از لذت

نور قدرتمند

چراغ قدرتمند دیگر زندگی به آموزش و پرورش توسط صدای محکوم

اشعه

. اشعه که قطع روابط غیر ممکن به کراوات lacerating چگونه قدرتمند و

نور کم

.آگاهی را تحت الشعاع قرار است که نفوذ پرتوهای نور بزرگ

نور

به شدت روشن مه از نور سیاه و سفید

نور کیهانی

. به عنوان یک نافذ و کیهان عمیق است که فراموشی از روح را تسکین می دهد

قدرت نور

قدرت شفا از نور من رشته دلیل در پوست ختنه گاه از ناامیدی روشن، من سپاسگزار هستم. این نور به من در جهت وجد فعلی از زندگی روزمره هدایت ، من مریض آینده و بی دلیل به پس از آن من بله رعد و برق تا کشتار و چشمک می زند به عنوان ساده دینامیت . لذت کشنده روشن

بله با نور و جنبش آن را به من درمان و روده کالری از دقت و صحت را ترک درمان می شود. من نمی دانم اگر این نور روشن من آخرین دلیل من می ترسم که او به هیچ انرژی اجرا نور است. از این رو ، دو قطب ، دو افراط و انرژی وجود دارد. و من با مثبت و شفا و نه سیاه و فراموش نشدنی زده شده است. این نور از وضوح احساسات و عقلانیت از گرگ و میش فوری و ضربه می آید ، بدون انتقال و مات حواس ، احساسات جاسازی شده نیست و یا میخ . نور قوی ، شدید است و رایت تمام اشعه آن بر کسی که آن را مخالف ، پیوستن به . نور، به حواس

خواهد شد وجود ندارد انرژی ضربه و قدرت ، با شتاب استعداد شما و قدرت به عنوان یک

گرگرفتگی را تجربه و مخرب نیست و افکار فراگیر است ventilaste اشعه تیز آبی و که ما را قربانی مانند سایه بدون نور است که تغذیه بنابراین من می خواهم بگویم این است که نور در شما وجود دارد و آتش که آتش که ما را عبور و ما تغذیه و گاهی اوقات ما می سوزاند ، بنابراین زندگی ساخته شده است رعد و برق ، طوفان ، انرژی و نور، اساسا نور روشن و خالص به صورت ابتدایی ترین آن وجود دارد چراغ انتقالی و مخالفان در برابر دلیل بسیار و یا احساس انرژی است که ما قدرت و نشاط را برای تحمل و قدرت شوک ضعف خود و بدون نیروی که سرزنش و پیدا کردن بهانه علل دخالت خود ، در نبود نور بدون انرژی وجود دارد و همه چیز انرژی است ، همه چیز را تا نور و حرکت و فعلی آن ، آن است که به خودی خود، ارباب و اغلب ما را با اتهامات عجیب و غریب که نمی فهمم چرا که آنها مبطل برخورد جرات نه با انرژی دیگر اما سعی کنید برای قرار دادن نور خود را ، اما اودر حال حاضر است و چگونه آن را نشان داد ارتشاح حواس بینایی و به ما نشان روشنی فکر از طریق سکوت از بار ، و سکوت به عنوان به سخت دیدگاه است و با بهره گیری از معلولیت با ذلت است که دیگران از طریق انرژی های منفی یا مثبت عبور. اما این یک واقعیت است که اشعه آبی نور تهدید آمیز است، اما انرژی که آن را اگر شما می خواهید برای حمل و قبول است که سرعت نور ، فوری ، دوم ، کسری از زمان، و زمان لحظه است از این رو وجود خواهد داشت بدون کاهش در چارچوب و نه رفتار مسخره ترین چرا که هر کس حق استفاده از انرژی ، که آیا اثر مثبت یا منفی است . دارای اثر در قطب خنثی از سلامت عقل و جنون اتفاق می افتد را Faíska سیاه lacerating حمل بر روی انرژی پر جنب و جوش و گرسنه برای لذت و جرم نورافکن آسمانی ، esbaterá بنابراین من به شما توصیه می انرژی خود استفاده به رسیده توسط نور و لایخند سوختن به عنوان خاکستر، محروم از گرما، اما کوره در رفته زمانی که به هم زده . از ربع دیگری آبی ری با فکر دست نخورده از کریسمس و تاکید چراغ های درخت که ما را به حواس پرتی می شود. آبی ری می داند راه ، جهت، هدایت او و قضاوت است به فریم انرژی و فوتون ، اتصال کوتاه ممکن است، اما اشعه پر جنب و جوش و ضربه همیشه در سرعت نور سفر اما آبی نیست. این انرژی انتقال مواجه شده انرژی عملگرایانه اما انسدادی پرحرارت نیست که ما را از زندگی عکس فوری ، هم بزنی رعد و برق جلوگیری و برجسته را تحت تاثیر قرار موج صوتیکه تولید سرعت های مافوق صوت ، اما به عنوان قدرتمند نمی باشد . به عنوان یک رویارویی مستقیم و غرق توسط مردم روشن ضخیم شدن چراغ مات که تحریف چه چیزی واقعی است و غیر واقعی به نظر می رسد ، اما وجود دارد چراغ . ساختگی نیز آن قدرت نور تخیل است .

آبی ری

خشمگین آبی ری حمله به من می شود فروزان انرژی است که در تعصبات و عدم تحمل که این رعد و برق آبی اعتصاب خواهد منافذ کثیف جریان می یابد .

نور لیزر

این نور لیزر است نافذ و نامرئی به غیب و توجه قرار گیرند ولی نفوذ . این یک نور روانی

و کارشناسی ارشد در مفروضات نامربوط به چهار راه خود روانی است. علل کم رنگ و بی ضرر از طریق مکش پرتو آن از افکار و ایده های قبلی را با سم به خود سم و پادزهر آن است.

نور سقف

این دود سایه افکنده نور از ژنده پوش ذهن پنهان خاطرات بازگشت در سر گشاد از جهت و آهسته و massificador عمل، اقدام به موتور که سرد گام اندیشه کوره در رفته از پر سر و صدا در اوقات فراگتمشتاق است و توزیع مغز و چراغ. ously ناهماهنگ . برق محرک Deambulante هیجان انگیز.

این خاطرات که روشن اتاق زیر شیروانی را برای همیشه و برخی از آنها همیشه باز یا در سینه بسته شده است.

برق

حرارت و تیره و بی حرکت و ساکت می شود، اما دامنه و سر و صدا در هنگام آن اتفاق می افتد نفس و قریب به اتفاق این است که خشم آلوده به زندگی می کنند و در میان دیگر چراغ و لوازم و تجهیزات چراغانی و یا حتی ساده ولی قابل توجه تاریکی زودگذر آه وجود داشته باشد و می شکندسکوت برق تر است. این رعد و برق پاک وجدان خود را مشخص اموال فرصت در negligenciador شده با صدور ناله سخنور و رسوب عمل حس زمان رعد و برق دیگر در این جهان سقوط کرد. خاکستر خاکستری روشن است که این علامت حرارت آهن وحشی و قوی تنها ضرب و شتم شما توسط آخرین خاکستری روشن و آینده در همه جا می کند که فراموش نکنید و آن شورش شما آلوده. قطع کردنخار از لحظه گفتن شما شما را کنترل، و شما می effusively ای و انتشار به آرامی غم انگیز و اندازد بهخوبی از نور است که در حافظه از کلمات بی اختیاری و ریختن تشنگی خود را برای نور غرق می شود. در داد و بیداد اون سوی خاکستر سوخته سوختن از بدن مغناطیسی است که سوت و چشمک می زند در قلب شما سوزاندن با میل به چیزی، مردانه و مردانه یا زنانه و نفسانی پس از آن، این بی حرمتی دو شما شخصیت به عنوان یک شخصیت دوگانه است که حتی به یک طرف عملکرد نیست و یارا به دیگری. این حرارت خاکستری روشن در تاریکی و بیهوده و بیمعنی و در حفاظت از حرارت خود را از باران و بلعیدم که گسترش در سراسر قاره ها و فضای بی انتها.

در پرتو لذت

این نور است که حمله و به ما می دهد بینش لوکس و ما را به لذت بی شماری شیمی افسرده و اضطراب لذت بی تحرک، اما ترد نیست، اما چاپ در ساده و بی تکلف چهره بیگانه از لذت که روشن بودن و یا احساسات. احساسات است که شما احساس لذت خیره

کننده و درخشان و انقباضات احساس توسط بیش از لذت را تسکین می دهد ، این بیش از حد که ما را به دیگر حواس و لذت تغییرمسیر . تولد لذت توسعه و تغذیه اعتیاد است که نمی . خواهد کوچک و حرکت نمی کند و برخورد در دیوانه مو انکار لذت

نور هیپنوتیزم

در برابر احساسات شاهد هیپنوتیزم نور که وعده میل اعتیاد که نور است که ما groping را به ساده و بر این باورند که نور وجود دارد احساس می شود. برای آن که ما تمایل بدون اعتبار و هیچ بدهی ، راکد به عنوان زندگی خواب آور موجودات متعالی که در منابع لذت خواب آور افراط هستند . ردیلت که این مو دیوانه و ابرو لود تواضع و بطالت . متعالی این نور است که ما را به چالش های جدید در فکر مشابه در واکنش های مختلف منجر می شود ، این واکنش دیوانه و خالص مواجهه میل خالص به نور در قدرت خود را به توسط آن تغذیه می شود و رانده شده توسط سنگ های سست که با هم مانند خاک رس در آمده گرمایش

نور

شدت نور است بین حرکت بدن خود بیگانه تقسیم و نوسان بین دو راه آسان برای روشن ، اما بدون هیچ منبع تغذیه ، آن خود شامل است و در غم و اندوه و ترس از هیپنوتیزم سیستمیک است که تغذیه و توسعه باقی مانده است . اما آگاهانه استنور شدید خاموش می رود . و خود را انتقال قدرت همان کردن

رعد و برق روانگردان

درهم آمیخته روانگردان در سر و صدا از رعد و برق شجاع که حمایت و بالا بردن روانگردان -trovoa ناهنجاری که از این واقعیت است که ما با این تحت پوشش می آید . خوب در اینجا آن تابش نور منسجم بدون قدرت و یا فلس ، که خواهد بود فقط بهانه ای برای در عجیب ترین و عمیق grunts و caging ناهنجاری از رعد و برق سیاه و سفید ، که حس دلیل جذب دلیل آن می رود خاموش ، دامنه و حرکت بدون حداقل مخفی ، به ظاهر جهان از چراغ روانگردان پریشان آنها را اگر می خواهید به گول زدن ، و یا لذت بردن از لذت مبهوت رنگ تعصب های رنگ مایل راکد ، تمایلی به ایجاد و یا زیاده روی صرف . آغشته با روح فکر قطعاتی از واقع تکه تکه کسانی که جهان دیگری تصور کنید ، به دور از اختلالات که ما را تحریک به عنوان زمانی که ما خراش چشم ، و یا به سادگی چشمک زدن می باشد . این جنبش دیگر جنبش ، درخششهای بیگانه و اسپری ذهن دور و بی اعتنا به این واقعیت ساده بودن شلوغ و یا گیج کننده . تندر روانگردان است و در دور ارواح بدون آنها به آشکار ، به عنوان وجود دارد ، یک واقعیت موازی شایعات و ناسازگاری به عنوان جن است ، و هیچ کس در اینجا می خورد شخصیت های عجیب و غریب و نام مستعار از قبل موجود است اگر چه در واقع وجود دارد . از این رو همه این است که غیر واقعی است ، داستان بی انتها است ، اما هر چیزی ، می ترسم ، می ترسم که در یک افق 5 ابعاد ، و خطی اخراج ، اما به احتمال زیاد و یا حتی موضوع را به هر صفت ، این polígonas

صفت است که نیمکره‌ها ستایش اغراق‌آمیز متعالی فکر می‌کردم. بدون گل و یا در رشته‌های از ایده‌های انتزاعی چرا، پالس‌بله شخصیت متولد می‌شوند تا به حال دیده، و تزیین شده، جنبش تقلید و مناسب برای لحظه‌ای رشد می‌کند، اما همه چیز ساخته شده آگاه و حداقل محاسبه می‌شود. بدون محاسبات رعد و برق واقعی و غیر قابل پیش‌بینی است که خودانگیختگی واقعی است که پوچ به هیچ منبع دیگری از روانگردان انرژی فکر می‌کنم وجود دارد. سخت کار کردن و خرد کردن سران زمانی بسیار دور است و ، و بدون **bibliófagos** در برگ زرد و خورده شده توسط **desvanecetes** پشتکار ارباب حافظه منسوخ و ساخته شده تقلبی و برای اندازه‌گیری آن است. احاطه شده استقبال و بخندی و **rotulantes Abyssinians** توسط اندازه‌گیری دستگاه آنها بخندی در رعد و برق از اهل حبشه. در پرتو گذشته تشویق و ترغیب به کسانی که در نور از گذشته زندگی می‌کنند، کسانی که در حال مرگ از فراتر از حمله به بدن برجسته آسمانی در واقع اتفاق می‌افتد، فوری. اما تمام سوالات روشن، چراغ کم و بیش روشن است، اما تابش انرژی است که سازگار با گذشته نیست، حتی درمان انحصارطلبی قبلی می‌باشد. چراغ گذشته در نتیجه اشعه مضر منتشر می‌کنند اما هر نور درخشان و تابشی است که می‌خواهد به آتش در هر لحظه، حرکت و یا لحظه‌ای تحت الشعاع قرار نمی‌دهد. برای گذشته تقاطع با حال حاضر، در حال حاضر، حرکت، دوم یا کسر، اما قدرت انرژی خود و یا درخشندگی آن را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد. بنابراین ما همیشه در زمان برای نور قدرتمند و روشن از جریان وجد که کاهش باد در لذت صورت تا آن زمان از چرخش نیت ساده در اطراف لذت بردن از انجام نور و یا در حال روشن است، زیرا آنچه مسلم است قدرت است و یاولتاژ شدید است که باعث ضربه الکتریکی که به سادگی به دنبال به جلو به نور از گذشته خود، نور با شدت کمتر، تابش از زندگی گذشته، اما این بدان اصل نور هدایت نمی‌کند. باعث جنبش پالس نور پرده برداشته بود، زندگی می‌کردند عکس فوری دوم، فقط با یک کلیک ساده و آماده تا در پرتو تلخ ساخته شده و نگاه نگاه خطرناک و سوزش از حسادت و نفرت است که به سادگی در اطراف خزیدن چراغ از گذشته و چسبیده به بدن آسمانی با اشعه خب تابش اشعه است و این آلودگی است، به طوری که هیچ چیز قوی‌تر از نور خود را در آن زمان، در تمام اوقات با تمام فعلی بدون پرتو، چرا که هیچ نور قوی‌تر از دیگری است، این ماده از تابش استو نه به من با این چراغ ذاتی آمده زیرا هر یک دارای نور خالص، اراده تشنه و تخیل و توسعه انرژی پاک و ایجاد سحر و جادو نور است که رنگ در نور آن، در سایه انرژی خورشید زرد منعکس شده است. در واقع وجود ندارد نور زیاد است، فقط وجود باقی مانده و متعادل کانون به عینیت چه مسئول به مشاهده وجود دارد. بنابراین واقعی وجود ندارد، میوه اشعه قدرتمند است که اشاره ما آگاه است. اما اشعه چه آگاهی است؟ آنچه واقعا آگاهانه یا ناخودآگاه در حقیقت یک مانع است که به احتمال زیاد به تحقق برای بسیاری از حس به انجام و به درک که همه برای لحظه‌ای به رهبری نیست. این فروپاشی تحقق مانع پیش‌انگاشته و می‌گویند که جریان غیر قابل عبور که در واقع هیچ موانع واقعی هستند. همه چیز خیلی خیالی و واقعی یا غیر واقعی همه در جریان همان توهومات، صندلی ارواح دیگر که ما را در حقیقت تاثیر نمی‌گذارد، زیرا وجود دارد، یا در واقع هیچ مانع بین میل و نور ناخودآگاه همیشه حاضر در خودآگاه و آنجا زندگی می‌

کنند استچه ما به خودمان رزرو چون ما در زنجیره باور دارند، اما در اینجا نیز هیچ جریان و یا انگیزه های وجود دارد ، اما خیالی هوافضا موجودات آسمانی که زندگی می کنند به عنوان آن را می گوید در نور از گذشته وجود دارد ، با اکثریت که تصمیم گرفت که نور تا به حال به قدر تو یا اندازه گیری ، اما بعد از آن دوباره که آنها به تداخل با نور ، نور می کند یادداشت به نور بازی نیست و به نگاهی به خاموش او

نور طبیعی

این طبیعی است که این نور روشن و طبیعی ، طبیعی به مطابقت است . تطابق ، سختی ، به عنوان صرف باتری نگرش و مشکلات آگاهانه اما نه indulgences جنگ ، خدمت به عنوان عمیق به عنوان آنها طبیعی است . بین نور طبیعی و حداقل شوک وجود دارد پس از آن کهطبیعی ما را احاطه کرده و باعث می شود ما در سهولت و آرام احساس ، چرا که همه چیز عادی و طبیعی است . هوا ، شادی طبیعی است که ما را احاطه کرده ، که ضربه زدن . و فرار و به خصوص لمس کردن ، لمس ملایم برای کسانی که دوست پاف سبکی

نور انرژی هسته ای

منبع قوی انرژی تابش ما تغییر ، تغییرات روانی ، که پس از آن در نظر ضربه های این انرژی هسته ای . این انرژی نور پر جنب و جوش تاثیر روشن بودن متعالی از جهش رشد می کند و در واقع نمی رنج می برند نیست بلکه به عنوان یک طاووس ما تراوش می کند انگیزه از کشف و ضبط و ما را به عمل می کنند . این تابش انفجاری پویا و روشن را افزایش دهند . از این رو ما باید به اوج در نیروی انرژی خود را ، خواهد بود عوامل هسته ای که اصلاح و سقوط نور غیر ممکن است به عدم تعادل به دلیل آن مظهر تحول نیروی است . و هیچ چیز قوی تر از به نوبه خود، این تغییر که ما را بالا می برد و در مورد تابش ما را بالا ببرد .

چراغ های روان گردان

همانطور که اگر توسط سحر و جادو و یا هماهنگی آنها زمین و شناور و ضرب و شتم این چراغ بال های روان گردان که ما را مجذوب و تبادل واقعیت به عنوان یک تمایل خوب است اما از آن است که برای فال بد امیدوار زمانی که ما این جهان ، که در آن به عنوان زمان ماشین ما طول می کشد دور بازگشت بعد واقعی و ما را به جهان از فانتزی ، غیر واقعی و یا لذت . از این رو است بعد سوم از فعالیت های حسی و انرژی تاریک وجود دارد که از منظر دیگر دیوانه شده توسط واقعیت شوم به اکسیژن بازدید و جریان چراغ های روان گردان به دست آوردن زمین در دیدگاه های مختلف و ابعاد خوش گذران و اکسل کسانی که در قسمت های پراکنده را حفظ کنید . مخالفان هیچ چیز بین واقعیت جهان و یا چراغ یا به دلیل . ماهیت چراغ هستند

رعد

رعد و برق که تغذیه زمین از بازماندگان *infuriates* به عنوان یک شکاف تلخ و براق، و نور شفاف است پناهندگان در اجرام آسمانی تلخی آنها به نوبه خود از خشم *amórfica* های این نور گدازه و قدرت برنز و تغذیه نور وجود که *potentiated* غیرقابل کنترل اجازه می دهد حمله توسط این خاموشی جانبی در تاریکی وجود ندارد از نور و قدرت اب برگ های رعد و برق انرژی ماگما و افزایش شادی از نور *acalorar* زیر گاه و است. شادی از پرتوهای نور از موجودات ی نامتعارف باشد.

ژنراتور

! عشق ژنراتور، ژنراتور و یا عشق

چه سوخت این میل مجازی نفسانی ، و این لینک احساسی شفاف بوسه و تشنه چیزی برای توسعه انرژی عاطفی و روابط برق حیاتی است. این ژنراتور تامین غرور و شخصیت های با چهره های پنهان در نمایندگی روزانه به عنوان در نظر گرفتن صبحانه، یا شام، و یا آب ، ما *lacerating* که تغذیه انرژی از روز روز به بدون ماسک و یا افکار در واقع انرژی از عشق یا عشق به تولید الکتریسیته از انرژی و پر *enquadramo* سر و صدا تیز و نماینده به نظر می رسد عشق و تنهایی که زندگی توسط یک کابل که هرگز خاموش ، قدرت فساد تغذیه ، امدارست است، برای همیشه! همیشه تولید الکتریسیته در میل به نگاه تشنه و به صبر و حوصله اختراع یکنواختی از روز و مایل چهره است که نشان دهنده چیزی در محیط های الکتریکی سیم شل. مبادرت به تخیل از موتور ذاتی و واقعیت های پیشگام اما با تماس با لحظه های تخصصی تلفن. تماس با عمر موتور ضروری ، موتور این واقعیت اتفاق نظر است و نه حاضر ، اما غافل از دیگر واقعیت تقریباً غیر محسوس به میل آگاهانه باشد، اما از آن است که وجود دارد! همیشه به معنای فرصت فوری حاضر ، به طوری که رسانه را نمی توان آبیکی اما اسلاید در عشق رسانه افکار ژنراتور و منابع در دسترس است. در مورد عشق ژنراتور است که همیشه در کمین نشسته است و هر محیط غیر مجازی دیگر و کنترل این بسیار بودن از غرقه شدن ، و سپس می توانید خود را در این چهره همیشه حاضر از قطعه *proliferates* از لذت آن را تولید محروم نیست، و روحشما همیشه می خواستم برای خفه کردن برای آن می تواند هر قطعه ای از انرژی فروش نیست، به عنوان انرژی یک و چند فرهنگی در حس خود را از رضایت ، رضایت است که توسعه واقعیت های مختلف ، برای ما مجازی و خیالی هستند ، تنها در حضور دیگران و یا در آینه مخفی انرژی نظارتی جدید است انرژی روح نوترون ، که این حیوانات ! واقعی نور هستند. اژدها نور می تواند روشن

برق

MIME جریان این جریان از طریق ما و شاداب روزانه به ما می دهد قدرت و موجودات سیار ، بله! واکر ، زیرا ممکن است نیروی نور و یا ظلم و ستم *gleaming* بیمار و نقاقت که به واقعیت دوگانه و سرکوبگر توهین. در مورد این قطب منفی فعلی نفوذ

نیست، شما abatas ناخودآگاه و کاهش درد عمیق از شخصیت انتقادی و مخالف شما تغذیه و نه واقعیت متعالی و مثبت از مواد شیمیایی و فیدر شیمیایی مدارهای ضد روح فیدر Ridas نوآوری و دستاورد ، دستاورد ایناست که نه قابل انتقال به عنوان متناظر کوره در رفته هیچ لذتی ، اما ذهن کشیدن به امواج مغناطیسی از فکر و انتقال این انتقال افکار واقعی و مغناطیسی است و توسعه مدارات و هیچ کس نمی تواند انکار این مدار دارای اسپرد فعلی در هوا بی انتها از احساس و لذت مظلوم چون ما همه شروع به بتا بلاکرها انرژی خارجی اما که موجب افزایش تشنگی ما برای زندگی است بنابراین این انگیزه تفکر ما تاثیر می گذارد و گاهی اوقات اتفاق می افتد و یا توسعه درگیری در اندیشه، اما که می تواند شادی برق را ، که هیجان دروازه خواهد به واقعیت خارجی منجر شود

نور آبی

باعث احساسات قوی نور آبی پل ها و پله ها عبور و ارتشاح قدرت احساسات که تغذیه و توسعه این شوخ بالقوه است. استقبال فوق العاده حساس زیبایی تیرهای خود را از شفافیت دوستی سخنور که به دنبال کمی آبی تر ، قوی تر ، شدید، و توسعه در ایالات متحده صور فلکی با انشعابات عمیق احساس و در این موج زمینی بیگانه. این قدرت را تحت تاثیر قرار ذهن مایل ببیهره از احساس زندگی در سایه آبی ، فیروزه ای موثر بر دوستی عمیق و پایدار ، آن خود حمل پرتوهای جادویی از جنون و دوستداران لذت از زیبایی نادر و پررنگ آبی. موضوعات شدت گرگ و میش او توسعه و انرژی و محافظ گرم از شر انتقال و دلخوشیها و ما اشاره به تفکر انتزاعی، آن را eludes با درد شدید و سکوت ، نه، نه یک ماسک که به جاینور قوی آبی و تشدیدکننده استلذت واقعی و خیالی ، اما آن را تحت تاثیر و که همیشه او را تحت تاثیر قرار به حرکت و اجرا محدودیت برای دوستی ذاتی و پایدار. او در عشق سقوط و چگونه است که ببیهره از دلیل اما سرو غذا برای احساسات ، می آید و لذت به ارمان می آورد و شهوت دلخوشیها ، که لذت کالری است و با حمله به همه چیز و شور و استتجمع انرژی که با زمان abrocha شوق با این نور آبی نهفته است که به پایین و رول تخلیه اما در این آینده ناپدید می شوند نیست ، یعنی همیشه این نور حفاظتی است که اجازه نمی دهد ما در سطح از لذت روشن غیرقابل کنترل تکامل ارائه

کابل برق

پنهانی پر جنب و جوش از اضطراب اجرا می شود از طریق بدن از طریق برق فیدر کابل امید و چیزی جدید و شگفت انگیز است که برگ های جنبش ایستا اما با تفکر سریع و واهی و پوچ. حرکت فلج ، تنش در فریم بالا می رود و در واقع کنترل و جنبش های پایین پله ها اندیشه که ما را به یکدیگر متصل می شود اندازه گیری شد. آیا این نردبان افکار که ما طبقه بندی رفتارها، چهره و حرکات و چارچوب ما در نزول و صعود از لحظه های زندگی ، ، XXI. نور تغذیه پله برقی بدون توقف شما را به جنون از واقعیت که غالب در ثانیه انرژی، سحر و جادو ، لباس ، همه با هارمونی آشکار ، اما مراقب باشید از پله ها ، هر کس نمی خواهد پله برقی از زندگی ، موجودات که صعود از پله ها که بالا می رود و به

خصوص کسی را پشتیبانی وجود دارد ، این است که به اندازه کافی و یا آن را یک ماده از تعادل می باشد. توازن قدرت به تعادل حرکت ضروری است و می افتد و بالا می رود به سطح هر ، اما نه همه سزاوار به پایین و یا از ما حمایت در صعود ، تلاش و پشتکار است کلید ، سپس خود را به روح فداکاری افزایش ، بدون آسیب و یا متوقف می شود و او به شما در نور وجود تفکر کنند. بدون تعادل نیروهای خارجی است که می تواند به من بدهید ، مراحل جامد و تغذیه توسط کابل از امید به مهم ترین کابل برق آمده چرخه زندگی، انرژی است که تغذیه زمین است.

نور جوشان

و صدای قل قل ، رقیق و گسترش می یابد، به نور شاخه تمایل غیر قابل تسخیر ، آن Cai است که جوشان توهم به نظر می رسد مثل همه نور است که پس از آن فرو ریختن زمانی که با واقعیت خارجی مواجه شده است. عطا با کینه تیزی و تقلبی جنون پراکنده تمایل جوشان به عنوان گسترش عشق و آلودگی ، اشغال تمام افکار و اجازه تسلط و سلطه گر است ، آن تبادل احیای انرژی ، گردن جنب و جوش است که می رود است، محتوای نورانی است وجود دارد.

آسمان روشن

هیچ چیز قوی تر از تمایل به دستیابی به تعادل کامل از آسمان روشن ، به عنوان آنها ستاره است که شما زندگی افکار و ایده یا در واقع میل به بتن می دهد و حرکت هستند . هیچ چیز انرژی است که به تعامل بین ستاره *constelares* زیبا تر از آسمان روشن شده توسط درخواست تجدید نظر ، و قدرت ستاره منحصر به فرد است ، به عنوان من می گویند هر چیزی قوی تر از یک روح با اراده آسمان روشن و میل به تغییر و تعامل و تماس ستاره آهن . ربا افکار .

تخلیه انرژی

آن را به من می ترساند چگونه انرژی در دود محو بدون شعله ، یعنی عدم تمایل به تفسیر واقعیت میکا . من نا امید زمانی که انرژی حیاتی توسط محل اقامت سرکوب و تبلور COS روح از انرژی خالص شما O . احساسات است که بدون شک یک ماسک از صحت سیاسی را تبدیل به سحر و جادو و مگس ذهن که هیچ فعلی ضربه از حقایق و تغییر واقعی در حال تغییر مراحل و چرخه که همه عبور و توسعه ، اما هرگز در راه ترس و احساسات آزاد خود و گسترش می یابد، شما رنج می برند و به خصوص جهش از *sofridão* . زندگی ، این تغییر که ما را می راند.

نور زندگی

مستغرق جنون عشق . چرا به طور غریزی را دوست دارم و می خواهم به احساسات دوست داشته شوند و نا امیدی باز کردن چند توهمات . فریب خورده و عشق من تمرکز و تمرکز در

سراسر روش از عشق به حقیقت، که برس هر باطل برهنه در زمین بازی از محبوب ما رو به هویت واقعی بودن، عاشق می شود نیاز به ما وجدان عمیق چرا که دوست و در عین حال یک دوگانگی لازم از شهوت و میل خوب جبران وجود دارد و عشق بیش از حد، این دیالکتیک فرض است $1 = 1 + 1$ ، هنگامی که منطقی می توان هر چیزی لذت ببرید. بنابراین منطقی $2 = 1 + 1$ ، درست است، اما رفتار نخواهد بود تولیدی اگر نتیجه است نه فنی کراوات نگرش و ارزش ها و رفتار به طور کلی، به طوری که پس از آن است موقعیت متحده در وسط عشق ورزی وجود دارد. فردی و یا دیگر اقدامات درک و این تنها منبع واقعی لذت است، و یا به معنای عمل به عنوان آزادی واقعی. خوب، من زندگی می کردند به اندازه کافی برای غلبه بر مراحل زیر، منطقی یا غیر منطقی خواهد بود که معیار برای بسیاری از شما نیست، من می خواهم به کاملاً مطمئن شوید، بنابراین من من تصور الاغ از زمان به زمان، و امروز به سختی الاغ وجود دارد به عنوان مثل، وجود دارد و نه الاغ مصنوعی، که تقلب، اما که به واقع ذهن گاهی اوقات پیش می آید در این نقش، را نتیجه گیری خود را. من اینجا نیست که، اتفاقاً در مورد حماقت دارند ترس، و نگرش هایی که از دیوانه را ندارد تنها در شرایط خاص و هنگامی که توسط دیگران مورد قضاوت قرار، یعنی در اغلب موارد در "زیستگاه" بستگی دارد. انحراف برخی از که استدلال سپس من می خواهم بگویم من دیوانه هستم، من فرض کنیم که بسیاری از مردم را دوست داشت و از این رو، ما هرگز راضی، ما می خواهیم عشق بیشتر و بیشتر و بیشتر... چرا جاه طلبی خیلی دوست که من سوال قرار داده است. عقب نشینی کرد و گفت به شرح زیر است، همه آزاد به ارتکاب حماقت در عشق هستند، ما آسیب پذیر و اغلب دستکاری هستند. ما می خواهیم به این باور است که این درست است که عشق، چرا، چرا که ما دوست شده است، که این حس که باعث بروز محبت و باعث حکمت زندگی، قانون عشق و انتقال آن عشق به وضوح است و خود به خود، من می خواهم بگویم چون من حق دوست شود چون عاشق یکدیگر و نور را به زندگی از طریق یک تلاش و جهت در مسیر بدون اشک و یا درد لذت بردن از یک موجود شگفت انگیز است که به شما ارائه حداکثر پدر و مادر انرژی است. نمایشنامه نور در تیرهای که روشن منظومه شمسی خود، من اعتقاد دارند. هرگز در افق دور قطاری از نور عشق، به دلیل آن را از طریق تماس گسترش، تجدید قوا تحریک این انرژی. و آیا رشد و معادله $1 + 1 + 1 + 1 + \dots =$ به علاوه بی نهایت است. خبر است توام با عشق برای نیروهای مغناطیسی، نیروی اغوا کننده و جذب میل به دانستن، و برآوردن میل و یا به سادگی لذت ببرید.

انجمن های انرژی

نور : حرارت : آفتاب : قدرت : تبعیض نژادی : بزاز : بوسه : به اشتراک گذاری : احساس : شادی : حزب : تاریخ تولد : تاریخ تولد : سن : سن : صبر : پشتکار : فتح : قربانی : درد : درمان : پزشکی : سلامتی : انرژی و زنده دلی : انرژی : قدرت : ناتوانی جنسی : سرخوردگی ، غم و اندوه : از دست دادن : سرگیجه : سرگیجه : دیوانه : دیوانه : بیمارستان : بیمارستان : محرومیت : میل : میل : می خواهم : برنده : برنده : نبرد : جنگ : مرگ ، ناپدید شدن از دست دادن : هیچ : تنهایی : تفکر : ایجاد : اختراع : دروغ : ظلم و ستم : غیر

اخلاقی : مجازات : مجازات : توبیخ ، جریمه : پلیس : حفاظت : ایمنی : ثبات : تعادل : عدم تعادل : غیر طبیعی : بیماری : روانپزشکی : کمک : درمان : بالینی : تزریق : پرستار : مورفین : مبارزه با مواد مخدر : توهم : ناامیدی : عصبانیت اضطراب : ولتاژ : مبارزه : مبارزه : جنگنده : برنده : مسابقه : مسابقه : آرنالین : ترس : ترس : شک : سوال : سوال : پاسخ : سوال : کنجکاوی ، علاقه ، رضایت ، لذت : ارگاسم : احساس : وجدان : پاسخگویی : گناه : گناه : بی گناه : رایگان : آزادی : عدالت : صداقت : حقیقت ، صداقت ، شفافیت : نامرئی : غیر واقعی : غیر موجود : تخیل : خلاقیت ، رویای : خواب : راحتی : صلح : آرام : ترک : توقف : نشانه : نماد : طراحی : مداد : لاستیک : لاستیک : جاده : سفر : حمل و نقل : قطار : خط : سوزن : پین : دوخت : عملیات : مداخله : تغییر : انتقال : گام : پوسته پوسته شدن : دسته بندی : صفحه اول : نظر : کلمات ، عبارات : گفت و گو : ارتباطات : بیان : تظاهرات : ارائه : مقدمه : مقدمه : کتاب : نت : درخت : طبیعت : باد : هوا : دریای : آتش : زمین ، منظومه شمسی : انرژی : نور : قدرت : اشعه : آبی

بازسازی انرژی

زندگی نارضایتی رضایت

رفاه نور

من همه رنگ هستم به رنگ جهان را به خود

نور فلج

چیزی ما را متوقف خواهد کرد اگر ما می خواهیم به ادامه ، اما چرا متوقف اگر آن عمل است که آشکار و تولید احساسات، احساسات و محرک ، چون زمانی که به کسی پاسخ به ایالات متحده و واکنش نشان می دهد عمل دوستان من، صبر و هوش را درک دیگر مواجه درد است . این سوال که چرا آزاد انرژی است که ما را فلج اگر ما به عنوان کودکان بدون جواب بوده است . شجاعت کلمه عزیزم منظور در نظر گرفته شود است و خواهد شد که قاضی از دلیل، که می تواند طبیعی و غیر طبیعی ... هر کسی! همه ما ایمان و من ایمان در کسانی که ایمان را که مورد نگرانی از اراده و عالم مطلق و این میل ، اما به عنوان یک انتقال برای تلفن های موبایل پری دریایی با انعکاس و هم . هیچ eludes چنگ که اشاره و چیز بیشتر از استراحت و گوش ما دو گوش داریم و یک دهان به گوش دادن دو بار تا آنجا که ما صحبت و سکوت عمل است و ساده و بی تکلف و یا کنترل نشده نیست، چند مقاومت در برابر شما باید سعی کنید سکوت حتی می توانید شکنجه می شود، اما پاسخ بسیاری از مسائل ذهنی سکوت رفاقت ساکت است اما می تواند به عنوان سلاح کامل آرزومند آبی و ! تمایل غیر قابل کنترل تا آرام و گوش دادن سکوت در شما عمل

اگر یک روز یک فاصله

اگر یک روز از راه دور، که ناوشکن ، ترسناک، پر سر و صدا ، یا بود روشن بی امان ، زیبا، درخشان و پر انرژی ... هر اشعه است به عنوان انسان ویژگی های مختلف، حالت

های مختلف اکشن، نور مختلف ، یعنی هر اشعه /منحصر به فرد و منحصر به فرد باشد.خب اگر یک روز یک فاصله حداقل در آن اصلی است .هر اشعه است به شکل عمل، به عنوان در هر زمان مردم که در زمان به اشتراک گذاری ناشی می شود بخش .آیا ما در پرتو عمل / باشد، ما می تواند جهت و مقصد را تغییر دهید.با توجه به مقصد و اولین بار من به نام خدا استناد ، یک روز به نظر می رسد به یک اعتقادات مکالمه و ایمان با یک دنبال قرآن که به من داستان زیر گفت که من توصیف می شود: شما بازی برای داده دست و شدید از خدا به شما حداکثر نمره را ترک و به شما یک لعنتی را ترک کرد. عزیز داستان من جوش پایین اما که در نهایت منتشر شد اطلاعات؟ اما جدا از این داستان من می خواهم به شما بگویم که ما . باید عمل و شعاع / اقدام با محیط زیست و هر رول تاس با انرژی / شکل / رفتار خود

تعالیم پدر فارغ التحصیل در پرتو زندگی

من تشکر می کنم پدر من این سهم به آموزه های من و همچنین ... کمی از همه چیز ... این است که چگونه ما ... ما تشکیل شده که ما توجه به زندگی هستند ... در اطراف ما ... با حساسیت به تمام

نور انعکاسی

فقط دیوانه reflect'm من

صبح روشن

چقدر خوب تا از خواب بیدار در دنیای من ، با قناری به آواز خواندن ، ماهی شنا و اکسیژن با آواز او enchants درخت .من به شما پیشنهاد همدستان من :پیمانه نیم لیتری قناری و اسلاید بیش از آب است.و بونسای آمازونها که تنفس و الهام بخش smartie .شنا ماهی .در این سه پر زرق و برق موجودات و الهام بخش از جهان من، من بیشتر جهان جهان در پنجره ای که جهان آن را به عنوان 20 سال پیش بود ، بالغ بر ، تنها یک نمونه از اتحادیه هنوز هم وجود هرزه نگه دارید.سوسیالیست شوروی .من هم دو گل رز صحرا، هر دو تشکیل شده توسط دانه زمان از شن و ماسه از کویر است که باعث می شود من یک جهان متحده پیش بینی کرده اند ، در جهان هستند این گل رز یکی در رنگ اصلی خود که به من به معنی پشتکار و دیگری در تن سبز قوی رنگ آمیزینما برای من امیدوارم .در نوشتن دنیای من ، من فکر می کنم ، و من به عنوان اگر دست نخورده احساس .در یک محیط گرم کامل و صبح روشن به ارسال برخی از روح عشق در اینجا که می خواهند به تصور رز از . یاران

" مور " مبتدل Filipe روز با بازی، 200

من در واقعیت متفاوت از حد معمول بیدار و دوره های نوشتن اس ام اس چشمک از طریق .این کتاب مورد بررسی قرار می بودن من گسترش دهد

من در مورد چگونگی انتقال اندیشه را منعکس و برابر آن را به نور و قدرت آن است .
همانطور که همه ما در مورد دیدگاه های چندگانه فکر می کنیم باید به دنبال زنجیره ای
روح است لحظات ناراحت کننده . راه ما به خود نگاه همیشه ساده و بی تکلف نیست
انرژی گسترش می یابد . ذهن ناراحتی با جنبه ها تداوم بخشیده است
صدای هماهنگ صدا بلندتر از صدای
کلمات بیان هنر است
از این نقطه وجود خواهد داشت الهام بخش . ضرب و شتم از قلب است ریتم آن است که
گسترش می یابد، رگهای
سرکوب توسط خفا انجام می شود
همه پرسش خود را . همه ما در مورد شر فکر می کنیم . گاهی اوقات آنها ما را خفه شو
همه ما فکر می کنیم . خاطرات همیشه حاضر نیست
نه نفرت دلیل آن بد است . همه زمان ها فرصت در زمان مناسب *pratiques*
گاهی اوقات فقط به خاطر اینکه ما رنج می برند . همه ما آزادی بیان
چیزی بیش از حقیقت صادقانه . من چندین شکل بیان داشته باشد
که به خوبی این است که تعادل می باشد
تعادل چرخه معمول است . در حال عصبی عدم تعادل است . مردم عشق برای ارسال نظر
همه ما خلوص . خورشید منبع انرژی است
عشق جهانی موجب زایش شفقت . غیر طبیعی است هیچ چیز اتفاق می افتد . همه را فراموش
کرده ام زمانی که ما می خواهیم . همیشه چند دیدگاه وجود دارد . ایده های چند بسیار اعتقادات
.
همه چیز جبران ناپذیر وجود دارد . همه در معرض بی عدالتی است
عشق یک منبع از لذت است
همیشه به تنهایی و محافظت می شود . افرادی که دوست ندارند به فکر می کنیم وجود دارد
آگاهی یک چراغ قوه که ما را روشن می باشد

همه ما رذیلت .گاهی اوقات ما باید ترس .همه ما می گویند کارهای احمقانه ای کردند .من برای هر کسی ارسال نمی شود .

همه ما چیزی است که ما نمی خواهیم به خاطر داشته باشید ، اما خوب است بدانید که . هنگامی که ما غمگین هستیم و همیشه اعتراف آن و هر چیزی را پنهان نمی کند .

.همه ما آسیب پذیری .همه ما احساس لذت بردن از چیزی

درب برای او باز می شود .احساس حسننسبت به یکدیگر lurks هنگامی که فرصت نحوه وجود دارد.هیچ کس هیچ کس است و به همین ترتیب تمام حقوق به درخشش

. دوستی همیشه یک اصل خوب از یک دوست خود دیگر است

.دنبال غریزه شما می بینید مثبت است

. ما همه می توانند دوست و عشق ما از عشق ژنراتور نور است

.هنگامی که ما در حال دوست ما باید که احساسات احترام بگذارند

.این عشق است و افزایش نرخ تولد .همیشه با کلمات در تقاطع بازی ها

! منعکس !ضبط یادگیری !درک درست است !انجام خود

! من ، شما ، او ، ما ، آنها هستند !ما همه به من

!و من آنها را می !و آنها به ما هستند

! و بعد از همه ما کی هستیم؟ما چرا هستیم

! ما وجود داشته باشد چرا که ما ایجاد شد

! ایجاد از طریق طراحی !نور زندگی

! طراحی نورتخیل و واقعیت

! دوگانگی بین آنچه ما می خواهیم و آنچه در واقع !حقایق تفسیر واقعیت

واقعیت اطراف ما !زیستگاه که در آن ما ایجاد شد !بدان معنی است که ما تبدیل !انتقال /

! جهش! نوآوری و تغییر! تغییر چرخه مراحل! مرحله گذار
! موانع انتقال
! غلبه بر چرخه و غلبه بر مشکلات
! مشکلات ایجاد شده و خیالی یا واقعیت
! مشکلات / تعامل مشکلات بین ناخودآگاه و خودآگاه
! آگاهانه و موفقیت! ناخودآگاه و طرح ریزی! طراحی از من
! وجود
! من وجود داشته باشد به زودی ما وجود داشته باشد! ما یک من
! جهان
! جهان، من تبدیل به ما! ما در این جهان عمل می کنند و آنها به ما
! من تحت بخشی از شما عمل می کنند
! شما در حال حاضر بر روی آنها
! آنها جهان هستند
! موجودات جهان
! موجودات که هستند یا نه! آیا زندگی یا بی جان! تولید نور جذب نور! انرژی نور
! قدرت انرژی! قدرت میل است! میل است که مایل! وعده واقعی است
! همه ما می توانیم رسیدن به واقعی! رئال حقایق و رفتارهای است! رفتارها عمل
! اکشن پاسخ به جهان است! جهان در عمل تحول است! انتقال است را تغییر دهید
! از یک آرزو است EnCalcE تغییر واقعی است! تغییر میل ثابت است! همیشه ما در
! خواسته را می توان تحت ستم! نه همه چیز ما در جهان می خواهید! نارضایتی
از آنچه که ما را و وجود ندارد! هیچ غیر واقعی! فکر واقعی نیست! بدون واقعی قابل
! دسترسی نیست! ناامیدی قابل دسترسی نیست! ناامیدی رنج می برند
! درد و رنج وجود دارد است!

! آنچه وجود دارد می کند میل جذب نیست

! اگر ما می خواهیم آنچه که وجود ندارد! اما شادی دست یابد! شادی آرزو تحقق

! از خواسته های دست نیافتنی Unfulfillment ناخشنودی

! در دسترس نیست

! تولید افسردگی

. افسردگی وضعیت روحی روانی است که انجام نداده است

! انجام می شود، واقعی نمی غیر واقعی

در جهان واقعیت وجود دارد غیر واقعی در خارج وجود دارد! نیروها و اتفاقات که به عنوان جهان فرض است که در دسترس نیست

دست یافتنی است روحانی است! روحانی راه به من احساس است! همه ما در روح زندگی می کنند! روح / زمینه

! انگیزه چیزی است که ما همواره

! ضربه به عمل

! اقدام به دیگران! قانون ، اقدام

! دیگر آنها را ، آنها می آیند! من در مقابل آنها (جهان)! جهان اجتماعی

رفتارهای یادگیری! تشنج دانش! آگاهی از حقایق واقعی! سلاح دانش دانش! انتقال دانش! در! میان آنها ما من جهان! میدانم جهان است که در آن می شود

! ما آنها جهان دانش هستند

! همه ما برخی از دانش

! به اشتراک گذاشتن دانش است به یاد بگیرند

! آموزش زنده است! زنده است برای برقراری ارتباط! گزارش مربوط به! رابطه به تعامل

! تعامل است در جهان عمل می کنند

! بازیگری در جهان تبدیل شده است! تبدیل جهان از طریق دانش در حال تکامل است

! تکامل است که به دانش

! دانش دانستن نوبه خود! عطف دانش را به جهان! عقل چند فرهنگی

! عقل بی نهایت

! بی نهایت قابل دسترسی

! در حال عاقلانه تخیلی است! تخیلی تمایل به دستیابی به است! خواهد شد

! اراده قدرت درونی است

! قدرت درونی من است! من تغییر جهان

! جهان توسط آنها تبدیل شده است. آنها در حال تغییر جهان

! که جهان را دگرگون ما! از طریق دلیل! دلیل عدالت

! حقوق برابر عدالت! حقوق تنها به خاطر ما من باشد! وظیفه آنها را

! ما باید منصفانه به جهان است

! قانون با آگاهی و اساس واقعی

! بازیگری با آگاهی با حقایق غیر واقعی

حقایق غیر واقعی تخیل

طراحی تخیلچه وجود ندارد ایجاد می شود! ایجاد قدرت تخیل! در حال قادر به ایجاد است به
! رایگان! آزادی است که می دانیم! برای دانستن است را به بازی

! برای تفسیر این است که! نگاهی به تعهد است! تعهد میثاق است! میثاق است قسم می خورم

! دوره زمین شناسی ژوراسیک وفاداری است

! وفاداری واقعی است

! حقیقت یکی است

! اونو به من است

! ما یکی جهان

. ما آنها را به شما می کنیم. موجودات

. رشد بودن است. بودن است وجود دارد

است یک واقعیت واقعی وجود دارد .

! این واقعیت است که ما وجود داشته باشد و ما جهان

! جهانی از زندگی و موجودات بی جان

. جهان برای من و برای شما و برای آنها می شود

! جهان در حال تحول است

! تکامل است که مطلع تر

! در حال آگاه است به دانش

! دانش دانستن

! دانش تجربه است ! سعی کنید آن را احساس می کند ! احساس است که می دانیم

! فقط احساس هنگامی که ما آن را تجربه

! تنها در صورتی که ما سعی

! آزادی گزینه به تجربه آنچه ما می خواهیم

! راست ، وظیفه محترم است

! ما نمی خواهیم ، نمی دانم

! ما نمی دانیم که ما را به تبدیل نیست ! دانش به دست آورد

! خود مختلف در جهان

! شما نمی دانم ، شما می خواهید به یک سؤال دیگر من را امتحان کنید

! از طراحی در تجربه خود و آنها را Elations

! همه چیز اشتباه خروج دیگران وجود دارد را تجربه کرده اند

! و این حس مشترک که خوب نیست ! عقل حس مشترک از زندگی ! حکمت زندگی

! تجربیات مشترک

! دانش به دست آورد ! از طریق تعامل ، تعامل تبدیل شده است

! جهان تعامل است

! ما جهان بعد از ظهر من جهان ، شما ، ما ، شما ، آنها را ! به اشتراک گذاری، دوستی

! همدستی دوستی

! ارزش های مشترک

! همان من در گره های متعدد. جامعه ما هستند. همه ما یک دوست ! بین ما ما می توانیم عمل

! با اقدام بین ما ما آن را تحت تاثیر قرار

! او جهان ! تخصیص جهان ! انتقال

. تحول جدید من ، ما ، آنها ، شما ! جهان جدید است. واقعیت جدید

میل

من یک بوسه بده ... درست مثل کسانی که شما می دانید ؟ ! من یک بوسه پنهان ، مانند یکدیگر هنگامی که میل بزرگ را می دهد به من یک بوسه -surripiá کسانی که که ما نرم آن شما می دانید ! شیرین شیرین به شما بدانید ! من به شما یک بوسه من را

بیخوابی

من خواب نیست، زیرا نمی خواهند به خواب ، من نمی خواهم به زندگی می کنند. در اینجا یک مانع که من بیدار نگه می دارد است. من آن را با بی خوابی مواجه

گرگ سایه از دست داده بود اما در بر داشت. حفاظت ، اما تنها با Caricuaو سایه گرگ شکافت پذیر H2O انتخاب. تغذیه مهارت و چابکی خود را مواد جامد شیمیایی و چاپ به عنوان گرگ . Caricuaو. خلوص سایه خود غواصی برای ماجراجویی و حال فرود ، محافظت شد ، اما توسط نگرش به تنهایی، غوطه ور در تنهایی آشکار. امروز من با گرگ ارسال مواجه جهان خود و تفسیر آن. دوست نمی مستقل بدون طبیعت وحشی Caricuaو جایی Caricuaو خود زندگی می کنند ، اما یک زندگی خیریه مبتدی واقعی ، جنین در که من فارغ التحصیل دارای خون جوان وفادار ، صادق به خصوص طبیعت بی باک، شدید در آن ضروری اما عادلانه و احترام از دوستان خود همراه و دوست. بنابراین سفر وفادار و همدستی همیشه با گرمی و سکوت تفسیر شده است. من به اندازه کافی کوچک زندگی می اما من گرگ شجاعتر دیدم و او . Caricuaو Ca کردند به دانستن سایه از خیابان ها و گنگ و قانونی لینک محرم دوستان برای آزادی خود تاسیس شده است. اگر وجود دارد یک چیز گرگ به حال آزادی بود، اما او ، به تنهایی تنها بود ! و رایگان! سایه گرگ درخشان انرژی در راه خود را از بودن. با پارس کردن خود تحمیل extrahuman خود COD استقلال بازی وحشی آن از ماهیت ژن. تصمیم گرفت برای به اشتراک گذاشتن

سایه گرگ در همان زمان Caricuaو و معنوی تنهایی شب کریسمس با گرگ یا به جای توسط یک بشقاب و نوشیدنی خود متصل می شود. ما به fraternally آزاد در صدا رایگان به مانند راه طبیعت فکر می کنم. این هدیه ای به Claros تنهایی با انتخاب هستند؟ بود، اما او وحشی برای محیط زیست ژنتیکی ذاتی Caricuaو من این کریسمس گرگ شما کشد کروموزوم خود را به دولت آزاد از خلوص احساس در طبیعت خود را دارند. مبهم به عنوان راه زندگی اما پر شده با شهوت برای زندگی و لذت بردن از سوی تنهایی اما آزاد . خود را به هر گونه محدودیت و یا تحمیل

من و گرگ سایه دوستان اما ی نامتعارف در راه خود را از کار در یک راه غیر متعارف از دیگر اجبار هستند، آزاد مادر طبیعت است و بنابراین ما رشد و آنچه ما ناشی ما نفوذ . باشگاه هاوانا تشنگی همان انقلاب است در قلب جنون و ما را به حساب وجود ما ، در اینجا . یک پیمان آزاد اما تنها با گزینه سگ برای همکاری است .

با تمام احترامی که ، به شما اجازه من و تو ! چه چیزی شما را از من فکر می کنم و من از ! شما؟ من از شما متشکرم برای داشتن من به عنوان خواننده شده ، شاید آگاهییم هستیم

elations عبور از ملاحظات در حال حاضر به عنوان خواننده شده من در حال حاضر خود حداقل هدیه بدون پوشش سخنور به ساعت قانونی در زمان در حال حاضر توده نیمه شب و یا بازی خروس سوال وحشتناک است که ! ؟

بازتاب به وجد ارتباطی معقول به سکوت حداقل و صرف اکو که ما را جدا می کند. اعمال درد از کلمات و حتی در رد ساده از سوزش است. مانع غیر قابل عبور جسمی اما نه با شیمی هورمونی و معنوی روشن باشد. اجرام آسمانی ما برای شکوفایی بنفشه حمله به در جستجوی عشق شبدر، چون ثروت شامل در فهم انسان چند وجهی و همیشه با چیزی برای اضافه کردن به این دیدگاه . علاوه بر این یکی دیگر از افزایش بیشتر این میل برای شفقت و حساسیت به لمس که ما را به نماینده عزت نفس در رسانه های اجتماعی تبعید . مشاهده چشم انداز از یک خود و تفکیک ، در هر اراده برای خواسته های بیشتری که در دایره بوجود نیست. این دایره طلا ، تیم از حسن نیت و وفاداری و احترام ، به طور عمده -alies می آیند به علت وجود ندارد. ما خالص و وحشی در عمل چنین است، و هیچ چیز خودخواه تر از من که فقط می شود تا همیشه حمله دیگر با نقطه نظر آنها هستند . ملتهب ذهن قادر به تبادل ساده از ایده ها، آن درخواست تجدید نظر فوری به حس مشترک است . هنگامی که ما را و یا آوردن خود با دیگر . هیچ چیز بی اهمیت تر رد آنچه ما نمی خواهیم ، آن را آسان . عشق و عشق است و نه احساس دیگر و نه من . نگرش سازنده از ارتباط بین ما موجودات ، از هماهنگی رنج می برد که با زندگی همراه با دیگر موجودات . چاپ شده در رفتار غریزی تنها از من فکر می کنم ، سپس به من ، و در حال حاضر من دوباره داشته باشد. جنگ به خاطر یکی به خود تبدیل و من هیچ وقت نمی دانید که چگونه بسیاری از خود و ما باید تحمل به عملکرد به دیگر . این نوع به ما آمده است که همیشه باز است. توجه اتحادیه اروپا به خود را با که بودن خود دکمه شما بچه ها و چه سطحی از خودخواهی هستند . خب زره

توسط توو که وجود دارد و که بیش **that-** من همیشه وجود دارد - بودن گریه می کند تا اتحادیه اروپا اتحادیه اروپا کلیک زره . و پس از آن چگونه در آینه به چهره می شود و گریه می کند جهان **that-** منعکس تنها خود که وجود دارد چرا که تمام اتحادیه اروپا بودند اتحادیه اروپا است برای ما به تنهایی، و پس از آن ، هنگامی که ما می خواستیم به **pele** درخواست شود محافظه کاران تنها به دلیل خودخواهی چند در اتحادیه اروپا علیه اتحادیه اروپا .تنهایی که کلمه بسیار عشق به خود است اما این بیشتر من شما را دوست دارم ایجاد . گوشی را تسخیر عشق امور همه **vincit** کنید.عشق: من و تو

اوه اگر شما می دانستید به شما می خواستم و وجود دارد که شما می دانید و چرا شما باید هرگز این اضطراب بی فایده به دلیل آن جدی است و اشتیاق از آن به بعد آمده من نمی بینم را **trouxesses** و یا به عنوان کامل خواهد بود یک شاهکار است که شما آمد و شما درد و نمی خواهید قدرت اما شما نمی توانید خواهید کاش این **O** حتی نشان می دهد تا به نشست یک نقطه است در نتیجه زندگی بسیار رنگارنگ به رنگ بسیاری است که من یک پیمانانه نیم لیتری نباید در کنار من نمی توانم ببینم گل رز باغ گل و سقوط گلبرگ سفید اشتیاق گذشت اینجا و تمایل هرگز به تنهایی، اما کمپرسی من اینجا هستم شما وجود دارد و من به شما می خواستم و چشم قهوه ای زیبا خود را مانند زیتون دریا آنها را تنها زمانی که من از شما فکر می کنم به یاد من بیدار شد ، من بیدار شد من بدون تاریک در سمت چپ من خودم پیدا اشتیاق و تمایل شور پیچیده شده در تمام که من تو را دیدم و به یاد بوسه قوی ، آغوش قوی همه شما داد و دریافت و پرسید: تولد دوباره بودن ظهور نشد، و بپرسید نیست که در عشق بدون درد دیده می شود ، من آرزو من همه چیز را به یاد کرده بود و چه به من شد همه آنها دیگر نمی توانستند اصرار داشت عشق ، مراقبت ، شفقت ، شور و شوق برای هر چیزی که کلمه هرگز به یک قلب رایگان می گوید داده شد و انتظار را به آنچه که خواسته یا اهدا شده است درست است وجود دارد را، بدون وجود درخواست و یا نیاز به اگر شما نمی شنوند غیر قطعات ، جستجو می دهد برای پیدا کردن بیل اکسیر و گنج است که هیچ برابر، تنها یک گنج است که نه طلا پایدار عشق و می دانست که چه من می خواستم اما من شما شما را دیدم نگوبود وجود دارد چیزی عمیق تر ، چیزی او را دیدم اما ترجمه نشده است به یک قدرت بدون متولد شد ، بدون دیدن در من رشد به من دوست دارم و شما نوشت ، و نمی ببینید که چه در حال رشد بود در درون من عشق بود ، آن بود چیزی که او می خواست اما حال نیست، اما آرزو در واقع دوست او به عنوان دوست برای دیدن آن را به هنگام غروب رشد همه اتفاق می افتد بدون ترس ، بدون لرزش و بدون ترس از به خواب رفتن به گرم تنهایی به عنوان یک دست زیر قلب های پنجره شما را نمی بینم وجود دارداما ملاقات ، من احساس عطر آن بوی چوب صندل بود و یاس گوش اما نمی شنوند اما متوجه نبود و من به رسمیت شناخته شده دیروز همان بود، اما امروز دیدم متفاوت بود ، بوی و شنیده صورت بود به صورت منحصر به فرد چیزی بودویژه صدمه دیده من و ضروری تنفس و استنشاق نفس برای شما بود ، آیا شما نمی بینید ، آیا احساس نمی شود و پایان نمی کند چرا که شما وجود دارد ، دور اما این یک راهب خواست تا نشان دهد رو به جلو ، در آینده و حدس زده است کهوجود دارد در پس زمینه بود ، در پنجره بدون دیدن شما نگاه کنید، بدون شما

خودتان را با هوا انجام به دریا درگیر می دادم تا بداند بوی دریا تنفس مرطوب و شادی چیزی بود که او را دیدم دریا، شن و ماسه، رطوبت، هوا اما تنفس خود را

من نور یک سیگار ملاحظه و لذت بردن از هماهنگی بین بودن و فکر موضوع باعث می شود من بین ردیف سرگردان و جریان در فکر ایده ها و اهداف تعامل بین نویسنده و خواننده هرگز به عنوان خواننده شده سیم به فیوز آنچه که من نوشته است ، که عجیب است، اما من می دانم که کسی به عنوان خواننده شده چرا آن را دوست دارم ، خواهد رسیدن به آنچه من می خواهم برای انتقال و یا سیگار مبهم به بیرون رفت و من برای من فکر می کنم خواهد بود ؟ !من نمی دانم ، اما من ارسال را به عنوان یک شکل از آزادی معنوی و فکری باعث می شود من به خوبی آرزو خوانندگان ها من است و به خوبی من برای نوع دیگری از نوشتن به تازگی بیش نور بسیار و انرژی اما با عشق و درک مقصد، ذهن **concrete'm** نوع برای کسی که دوست دارد به عنوان **vociferously** تصمیم گرفتند عشق واژه خواننده شده چیزی دوست داشتنی تر ، عاقلانه و من با آغوش باز به عشق ، اعتماد بدون جنگ و بدون قصد به دوسوگرا در کلمات من مستقیم تر و بتن هستم هستم می خواهید برای دریافت این حس که احساس که واحد بنابرین خواننده را به پیوندهای درونی نویسنده می خواهم به آنچه که من همیشه خود به خود اما جذاب به دوستان از کلمات مورد بین حروف است که گرد هم می آیند و جملات فرم همیشه اتصال ، و بسیار واقع گرایانه امید فکر کلمات، عبارات مراقبه متاسفم اگر من فکر می کنم بوده است، اما خوب است به فکر می کنماگر تنها در پوچ آن را به عنوان چیزی است که تنها وجود دارد که می گویند که در این راه ساده برای همه غیر معمول خواندن من آن است که بی تفاوتی تا مشترک به خواندن آنچه مور مشترک **Filipe** من ارسال و من اعتراف نمی وجود دارد و یا شکل از طریق بازی، است ، من به عنوان خواننده شده کمی اما زمانی که من آن را انجام دهید تا من نیز باعث می شود من فکر می کنم این چالش من به خواندن و ادامه به خواندن و به فکر می کنم من سپاسگزار و خوشحال تر از فکر می کنم که کسی دیگری فکر می کند افکار هستم !شاید احساس نمی کنم مثل باران احساس بر سنگ وارد سوراخ پیاده روتحت شن و ماسه و زمین سخت و خواستار اتصال هیچ جایی متحد ، هیچ فضا یا یکی دیگر از سنگ ناگهان سنگ ارتباط موثر ، زمین، شن و ماسه راه می رفت بر روی آنها ، بنابراین میتعامل روابط بین سنگ های سرد با یا بدون شن و ماسه و یا زمین اما متحد به دستمیسون که پیوست و عشق کامل بر همه زمین باید به عنوان سنگفرشهای میسون متحد مرد که متصل سنگ های به هر قطعه دیگر باید **moldable** مختلف و قلب را روشن نمی باشد. سنگ اما احساسات مجموعه ای از قطعات که با هم آن را به هر وزن و یا سایش زمان جرات تور ما راه رفتن به طوری که مردم رنج می برند بیشتر بار نابود ایستاده است اما اگر آنها ملحق تاثیر هیئت قطعه دیگر با عشق عشق خواهد بود که شن و ماسه و گرد و خاک **t**-مدیره کوچکتر است که ما را متحد می سازد بدون نقاط ضعف ، فقط لباس به حداقل برسد اگر تمام قطعات با هم و به خوبی انسان بنیاد سنگ خود را کامل و پیوندد دیگران با هم قوی هستند و راه دور است و جامد در سراسر جهان است چیزی است که ما را متحد نوع لگو ببین قلعه نشکن تمام متحده و بی عیب و نقص اگر هر سنگ رنج می برد پوشیدن چیزی جز شن و ماسه در محل

قرار داده سنگ به عنوان مردان طول عمر به عنوان سنگ مرد است جایگزین با توجه به لباس و طول عمر می سنگ های کوچک ، بزرگ و تا پس آنهایی که جا به طور طبیعی دیگران که گوهر شناس لازم است یک مرد بر روی زمین خواهد - تولیدات به جا به سایت صحیح وجود دارد مشاهده با پازل که در آن تمام قطعات با هم تناسب دارند تا هر کس یک محل و هیچ مهم کمتر از دیگران به یک پازل بدون تصویر قطعات تحریف همه در این سیاره جهان زمین مورد نیاز باید تمام مردان و زنان هیچ کس هیچ چیز است ، همه چیز را تا راه چگونه زندگی می شود و اتصال به یکدیگر در اینجا یک پازل زمین بزرگ ما ساکن و بدون دانستن به یکدیگر متصل است اما همه به پایان بازی به پازل حقوق بیشتر، دیگر کجما طبیعی است که همه متناسب بعد از همه که ما می خواهیم یک مسیر پیاده رو هماهنگی بین موجودات است که همه با هم کار کنند برای همان هدف عشق و ارتباط بین همسالان به عنوان ما می توانیم خودمان اگر دیگران احساس را نشان نمی دهد و حقیقت را نمی گوید تعریف احساس است وجود دارد چیزی برای به اشتراک گذاشتن و اگر آن لطمه می زند به زندگی می کنند نیز اشتراک هزینه اما به دلیل آن همه چیز را حل نمی کند هموار چرا که اگر ذهن و ما احساس لباسهای چهره ما چهره ما و هنگامی که شما مانند کسی که باید صورت چنین نشان می دهد آنچه در آن به عنوان اگر من متاسفم که من هستم اما من نشان دهد که چگونه من و نشان دادن چهره و صورت من است برای فروش نمی شود بیش از حد گران است چون پول هرگز به من خریداری نیست و یا من می خواهم به برای فروش باشد، چه رسد به خرید یک اما یک چیز مطمئن است در برابر یورو به نفع تاج که مرد نمی گوید خرید همه به خاطر من پادشاه و تاج نیستم نمی خواهم بچه ها با احساسات رنج چرا که رنج می برند وجود دارد و اگر شما به فروش می رسد خریداری شد خوشحال نمی باشد چون پول هرگز دیده می شود صورت را نشان می دهد همه چیز را و آن طول می کشد گستاخی می دانند که آنها را به من چیزی است که ما چون ما به خوبی هیچ کس به اندازه کافی خوب است چرا که یک روز تاج جایگزین گران قیمت و با آن روبرو شوند درد یکسان نیست همان تب و تاب بود شور و عشق تخیل ما تقدم و تاخر **uncrowned** خیالی ما از واقعی من به شور و وفادار هستم ، عشق سوختن و حتی درد که شکوه و جلال خود را وجود بود و من بازیگر هستم در جهان ما بازیگر فیلم صامت اما عبور ماتیراندازی فیلم عاشقانه که یک آهنگ می خواند است " این عشق سوختن ما بدون درد است " شما می تواند من شما سپس ما هر دو نگاه و منظر همان همان دوره آینده همان گوشه ما را طرح به ایده آل در نهایت کار به **all'm** ببینید همان فضای متناسب با تمام طول می کشد همان شیوه های همان مسیر و تنفس آه شما همیشه آه شما ترس از آینده سخت بود برای دیدن شما بدون صدمه رنج می برند زیرا شما زخم نمی شد زندگی می دانیم که بلهمن نمی دانم اگر بله چرا که من تصور و تخیل غیر قابل اعتماد است اما من می دانم که ما جدا هستند اما با هم حتی فقط بودن در اینجا من ارتباط برقرار شما پاسخ می دانید که در آن شما هرگز اگر من می دانم اما من خودم اینجا و آنجا پیدا من همیشه اونجا با تو هستم هنوز هم نمی دانم چرا که تنها تصور اما من تمام مرز خوب تصور کنید هیچ موانع من و شما که ما هر دو همیشه در اینجا با هم و یا جدا از هم متصل هستند ، من به شما نیاز دارند و شما به من شما عمل من واکنش نشان می دهند شما خنده من لبخند شما صحبت من به شما تایید شما نگاه من می

بینید میبینی من موافقت می کنم ما همیشه در هماهنگی که شما می خواهید به عنوان شما فقط من **aleijo** برای یک بوسه من سفر من را اجرا سکندری پرواز اما همیشه نمی افتد و یا شما درمان به وعده آرزوی من است من به ملاقات شما و آرزو همه چیز پیدا کنم و هیچ چیز نمی دانم چرا که من تصور کرده بود این امر می تواند مانند آینده شما را دیدم و احساس تو به من احساس نیز به شما به عنوان شما خواندن آنچه نوشتم و آنچه که من احساس بود من که می خواهید در نزدیکی همیشه با من من پیش افتادن از شورش اما نهنبرد است هیچ کس کلاغمقصر است چون شما می خواهید برای دیدن حتی بدون نگاه من **disculpa** می دانم که من تصور کنید که شما می بینید است فتح امپراتوری واقعی و تخیل نگاه بدون فریب بود.

بطلان یا صفر بنگر ، هیچ کس را ترک بازی زمانی که به کسی دست آنچه شما می خواهید به برگزار نشسته به طور موقت خوشحال به دلیل جاه طلبی است را به نفع خود و سپس برنده تر خیلی خوشحال برای رسیدن به نا امید چون آن رسیده و می خواهید همیشه بیشتر **following've** اگر شما لطفا و من در حال حاضر خوشحال هستم اما **coisita** تر هر فکر آرزو دیگری در حال حاضر پس از آن آقای نابغه سه آرزو نیست، بلکه خواسته و حتی در حال حاضر آقای من عطا کند. جن از بین می رود من مانند یک چیزی **arem** کمی بیشتر در پشت زیبایی احساس نمی شخصیت که نیروی است که ما را به درایوهای همیشه دنبال بنابراین آلمان گرایی شخصی و عملی دفاعی ال رفتاری و فردیت اجتماعی است ، عزیز من این تفاوت که نشانه نگرش بازیگریو تحقق به عنوان یک ایده ، یک فکر یک راه برای رعایت بنابراین به دنبال و یا رسیدن به غرور که نیروی طبیعت است که ما اجازه می دهد تا به کسی که هستیم موجودات منحصر به فرد و ژنراتور از دلیل خود را به آنچه هر یک از ما آرزوی به ویژه هوش مصنوعی فکر می کنید که نمی یک روز در حال حاضر اسکله شما تحمل قرار داده تا با اما هم دوست دارم و مبارزه ایستاده در سقوط ایمان **UPA** بدون که مایل به بدون چتر نجات به سقوط همه در گناه شکسته بدون عذر بهانه ای و سبز، قهوه ای جذابیت شاهزاده خانم خود را روح خود را خود را در من می خواهید ، به ! عنوان هر کسی زندگی، تنفس گل همیشه بهار شاد رنگ خود را التیام درد من روشنایی خود را شیفتگی من و مو زیبا زیبا شما است ضربه ایجاد ارتباط بین ریشه قلب وجود دارد برای کشتن تنهایی من قدردانی برای این اشتیاق است که دست که لمس استقبال ، که لبخند که به من طول می کشد تا بهشت

دیدم که تو نگاه کردن متوجه شدم من دوباره نگاه بازگشت به تعمیر دوست داشت دوست .عاشق یک ژست از عشق بود

شما بودند تا پس و گفت: تا به من من تو را دیدم آن بود دوست ندارد من به شما پرسید که من احساس غم و از شما خواسته بنابراین انجام نمی **choravas** چگونه شما و شما تقریباً شود مانند شما خواسته من خوشحالم است من شما را دوست ندارد اگر یک روز شما به خودتان پیدا کنید فکر می کنم از من از دست داده به عنوان یک نقطه شروع فکر می کنم که زندگی یک نقشه است و من به شما در پیدا کردن و به من گفته شما در اینجا استقبال سفر و

که هیچ چیز شما در حال حاضر حساب با من و من در خفا خود را جای من می دهد آغاز
و همه چیز را زیبا می باشد **beijito** می شودیک

تصور کنید بدون ایجاد و نوشتن بدون خواندن شنوایی بدون گوش دادن مطالعه بدون تزئین
بنگرشعار تا به یک موضوع دیدن و احساس و به خودتان اجازه در نامه به در واژگان در
جمله در اشعار با تمام من مسائل امروز احساس می کنم در حال حاضر با هیچ گذشته و
مدرن در حالی که به من یادآوری را فراموش کرده امو این کار را انجام همه را دوباره و
دوباره در این احساس درک حقیقت در چشم احساس چهره قدیمی در چشم و من شما را
خود به خود هستم امروز وقت شناس بوده **demagoguery'm** ببینید و بدون طنز و یا
و در حال حاضر واقعی تا فراموش شد آن است که اگر هیچ زمان قبلی وجود دارمی آید از
چشم درونی خارج من به یاد داشته باشید من وجود دارد و من خودم را در پیدا کن لحظه ای
شده بود در حال حاضر باقی می ماند برای من در این صورت نگاه لحظه لحظه این رویداد
نه یک بار اما در حال حاضر به نظر می رسد تقریباً پدید آمده است که کلمه از عملتها که
می خواهید از یک خواهد لذت آخرین فقط به ارسال هر چیزی گفت اما مطابقت دارد چشم
انداز آن روز و قدرت نوشتن لذت مردی که خود را شناور روز به روز زندگی می کند متولد
شد و تقریباً محو آبروشن و بی سر و صدا رفت و آمد صورت مناقصه اشک در حال اجرا
بر روی صورت زن خود را بانوی دختر که گاهی اوقات می شود را از دست داده و مطمئن
است آنچه او می خواهد نیست، بلکه قصد دارد تا به شیرینی گیلان هستند حروف گاهی
اوقات کلمات به عنوان احمقانه به عنوان دیگرانور که از داخل کشور، با تب و تاب بودن
نمی دانم اگر خشم اما احساس سوزش زخم از بازگشت از سفر به خودت تبدیل عبور در
جهان را به خود و من او را با نگاه عمیق دیدن می دانم که چگونه شما احساس می کنید من
می دانم آنچه ترسمن می دانم آنچه شما می دانید خواسته های خود را در این بعد از ظهر در
آن شب های تنهایی است شور و شوق است تمایل شما چشمانتان را ببندید احساس ترس
وجود دارد و من می خواهم به از شاد خود را فکر می کنم و دلیرانه ایستادگی کسی لبخند
انتظار را سرقت حمله اما خود این است که نمی کنند رویای ما خود را ملاقات ما در بانک
از رودخانه من لبخند شما احمق اطراف با یک سنگ در آب که حرکت می کند و حرکت
سنگ سخت است اما شما و آب همسران خالص از احمقانه ترین چیز اگر من نشسته من
منعکس نوشتن بین خطوط در ماهی نوع خیالی در آکواریوم که در آن هیچ چیز و هیچ چیز
اما هیچ چیز نمی تواند به اندازه کافی اکسیژن تنفس می کنید به دنبال آزادی یک روز شنا
بدون آکواریوم که هدیه و غیره آره رویا سلام من می بینم که شما پرسید که چگونه وجود
دارد شما هستم بیشتر یا کمتر به شما می گویند من گوشو من فکر می کنم بیشتر منگلاهی از
دیدن شما کمتر از حد هرگز ببینید کمتر دیده می شود و احساس چه نگران شما و نه تخلیه
ذهن مثبت و خلاق خود را ، اما هرگز منفی بود قهوه سازنده از دست دادن ایمان کسی کاغذ
برداشته من احساس پنجمحافظت از من کسی است که هرگز فراموش نمی و به من می
گوید بعد از آن شما بله من می خواهم شما شاد و خوشحال خوشحال مانند هر کس دیگری
چیزی است که من آرزو می کنم این جمعیت در حال تحول است تا اشتیاق نگاه پیش رو دیدم
که تو این بود سحر و جادو جذاب بود وجود دارد کهمی خواستم تو بودی فقط شما تنها من و
تو خوشحال بودند که من تماشا باران در حال سقوط و مرطوب متحده و پرشور ما همه با

این قطره از سحر و جادو هولناک و تمام است که شادی منتقل شد هر زمان که احساس می‌کنم هر زمان که من چیزی بنویسم که من می‌بینم به یاد داشته باشید و می‌بینید مستقیم به جلو در آینده و در این من می‌خواهم شما را به همیشه فکر می‌کنم زمانی که من می‌بینید با من ناف به لب ناف با لب بدن با بدن متصل بیشتر از دوستان همیشه چیزی او را دیدم بود و نگفت چیزی بودمی خواستم و احساس چیزی یک قوی بدون اتصال به پریشانی شما در تخیل من قرار داده شد ایجاد چیزی زیبا در فام های زرد به عنوان خورشید که هرگز می‌رود و تابش در تمام طول روز به نوبه خود از نور هنگامی که آن را تاریک می‌شود همه وجود دارد مبهم وارد این بعدتاریکی دلیل آن این است که هیچ تخیل انگیزه هیچ جا از خالی شما تمام پروژه های در تاریکی نمی‌بینم وجود دارد تصور یک دیوار قطره به بدترین موانع شاخکهای شروع می‌شود نشان می‌دهد من نور تا پارچه تا زمانی که

من فکر می‌کنم شما خواب اما فکر نمی‌کنم درست مثل چیزی است مانند ذهن فکر می‌کند متفاوت از مردم را به مردم تو به من فکر می‌کنم خیلی خوب! اما فکر می‌کنیم و قانون یک مسافر را ببینید به darkness'm همیشه تنها یک به اتفاق می‌افتد به عنوان من عشق کمی چگونه احساس می‌کنم تمام نقاط بدن احساسات خفته شکسته توسط تن صدا که نهبه خواب نیست، بلکه بهتر ear'm می‌گوید من آرامش تاکید و جذب شده توسط ظهور تنش ایستاده دم تنظیم Pulse'm است هر چیزی را فراموش کرده ام برای از بین بردن شاید آخرین من منتشر شده است و من آرام هستم، اما همیشه راه حلی برای سوال نمی‌واکنش ندارد و تنها عمل مراقبت از وضعیت در اینجا وجود دارد این است که یک زمان sofridão خوب همیشه توپ رو .

من فکر می‌کردم خواب بیدار شدم من شما را دیدم در خواب رو یک داستان شما یکی که تا به حال بیش جذابیت بیشتری شاهزاده خانم هوا زیبایی بود الهام بخش من بود تخیل جنگجو برای محافظت از قلب به unarmored شوالیه خود را برای شما بود من هر گونه اقدام حال شد خواب آلودگی شما باز شد به خواب رفتن شما دهان من از شما در کنار خود تکیه دروغ خواسته برای یک بوسه به او عطا تمایل می‌خواستم با تو باشم فکر کردم من پیدا کردم خودم رویای شما می‌بینم که بی‌سر و صدا زنبق گلبرگ عطر خود را گمراه من من منجر به ملاقات شما سرگیجه متلاطمما در پشت بام خود را برای دیدن ستاره خودم به شما و به من شما را به من لبخند از دست داده تو به من احساس خیلی خوب به من اجازه فراتر از هیچ کس به چنان ملایم یکی از بیش از هزار و یا بهتر به علاوه بی‌نهایت است بسیار زیبا من احساس می‌کنم برای شما غیر ممکن است احساس تر است به من اجازه برای شما . به توسط سحر و جادو خود را برای شادی شما

شماناز شما یک نوزاد که در اطراف با پای پیاده بوده است آنقدر عزیز بسیار دوست من من می‌most're شما می‌خواهید با من سرگرم کننده هستند که بهترین هستند همه چیز همدردی smiling're خواستم و می‌خواستم یک کودک ناز بسیار مهربان هستند بسیار هستند بزرگترین شادی هستند پسر من می‌مزاحم جهان پسر شیطان من شما جیمز توله سگ من بچه من و بچه من تبدیل سرد بیش از حد تمام روز لبخند خود را ، شادی خود را از انرژی

از من به دلیل **acercas** شگفت انگیز از چیزی پرش خالص قرص دیوار به هستند در باره همیشه لبخند بر لب و **TAS** شیرین آمده و من پودینگ خود را به من از همه شما روز آماده برای رفتن به خیابان خیلی شیرین خیلی باحال هستید، باغ یک پسر بازیگوش مانند شما و شما را دوست دارم من می خواهم شما بدانید که من شما می خواهید همیشه در کنار من

سفر تحت ابرها پرواز زیر آسمان در در مریخ در سیاره مریخ و مشتری است تصمیم گرفت به شما دوست و مشتری آیا شما در اینجا من پرواز از سیاره به سیاره قلم بود قدرت قدرت بود شادی چیزی است که منتقل شد وجود دارد عشق بود در شکوفه تا به حال نیروی خورشید منتقل مثل آفتابگردان میل و علاقه در تعقیب بی امان از چیزی سوختن بود یک رویا بود یک دستاورد بود همه چیز را هدف با بعد اشتیاق زیادی بود شگفت آور در نهایت نگاه های بسیار دوست داشتنی پرنجره من در افق صرف متوجه اسکن زیادی نگاه پیش رو دیدم ستاره خود را گرفت سوسو زننده درخشان نگاه کردن من تو را دیدم ماه بود من و دوران خود را چشم انداز سفر من شما را دیدم به روی زمین و زیر دریا سفر بود تا به دنبالدست برد سفر بر روی زمین و زیر دریا فقط زیر نور مهتاب بود

است که مایل است به میل است به عشق است به فکر می کنم این است که **Saudade** احساس می کنم از دست شما می خواهید این است که شما را در اینجا این است که آرزو جلسه است به عشق خود همیشه فکر کردن در مورد شما را به احساس حضور شما از دست و تو را دوست دارم بدون دیدن شما **t**-رفته بدون تو و فکر می کنم و می خواهید و احساس و شما می خواهید با 5 حواس : بینایی شما از دیدن بدون درب، بدون بوی بوی ، شنیدن صدای شما اعمال را بدون سر و صدا، طعم من بدون اثبات شما و لمس شما را بدون لذت هیچ چیز بهتر به یاد داشته باشید و احساس نوستالژی را لمس کند

ایجاد چیزی فانتزی اما بسیار مبهم تصور ایجاد و تبدیل نوشتن به کسی خواندن آنچه نمی دانند اما من می دانم چرا، ولی فاقد الهام بخش من برای موضع به چهره این وضعیت به ارسال و چیزی به عنوان خوانده شده شروع به فکر می کنم من سعی خواهد کرد به رها کرده اند تسلیم دلیل آن است که آسان به می کنید

بگویند تنها در یک روز و **misadventures** اگر یک روز وجود دارد به ماجراهای یا یا یک سال در حال حاضر گذشته یک سال من می توانید ببینید 50 روز 365 روز سال ، 7 روز 24 ساعت شبانه روز در اینجا یک هفته یک بیت از یک 50 روز بار برای این 365 در استسال برخی از روزهای هفته تا کی و 60 دقیقه به مدت 24 ساعت مدت زمان ! کوتاه ، برای لحظه ای زندگی می کنند

بدون ترس زیر نور مهتاب در کنار دریا بود من بود کاپیتان همه چیز را با erer پیروزی دست به حال روی عرشه کشتی سفر آمد نبرد برنده تصویر یک شاهکار بود.

شادی که کسی کههدرب، پنجره های باز و پرواز بی باک زیر O- اگر آن روز می رود آسمان قفل است هیچ کار شایسته قضاوت ناخودآگاه توافق من همیشگی برای یادداشت سست، محیط زیست در یک مکان بسیار گرم وجود دارد نیلوفرهای ، گل های جعفری پیشکند پژمرده خاک مرطوب، مرطوب بر روی سقف ،لامپ گیج کننده و ایمن در مانده تا استدلال رشته افزایش می یابد تنش وجود دارد بار حتی سخت دشوار اما هیچ کس منظورم هیچ کس نمی دانست چه یک درک و درک به عنوان تنها بودن در میان جمعیتاما در اینجا این است که بدون موجود و بالاتر از همه لبخند بسیار تمایلی به طور خلاصه زندگی می کنند گریه برای مرثی نوشت آنچه من درک نیست، اما به خصوص احساس من همه چیز را دیدم و هیچ چیز نگاه برای پس از آن فقط گریه چون به من داد و هرگز شما اجازه می دانم ، اما هیچ چیز در اینجا عطر که گسترش یافته استو روشن شور مرزی درد زمان به چیزی می گویند پس از آن بود نه تنها به خاطر چیزی در حال حرکت در رگهای فرار خون گاهی اوقات به دور از قلب می کند که پمپ نه تنها بود برای گرفتن ایده وجود دارد آن را به عنوان بازدید شور قوی و قدرتمند حتی در روحگدا عمدتا مردم بود و ذهن به حال دلیل این که شما می ترسند از چیزی است که در نهایت احساس همیشه پایان و آغاز من فکر می کنم من سزاوار است نه برای من و یا برای شما می باشد برای هر دو چون ما را دوست دارم و همچنین چیزی است که تنها چیزی است که به دنیا و شکوفا رد وجود دارد رشد می کند همه چیز را در یک روز و یک دوم ناپدید شد تا هر آنچه را که اتفاق افتاده بود وجود دارد ، نه تنها به خاطر یکی می خواستم به زندگی می کنند یک روز و لحظه ای دیگر بدون اینکه بی ثبات همیشه بسیار مهم بود زمانی بود شکست زمان بود و دیگر به اندازه کافی گاهی اوقاتباور دوباره متولد می شود که من نگاه و تصور نمی حقیقت در سال های اولیه چه چیز درست است در عمل نشان داده یک عمل برای به دست آوردن قلب بود اتصال زاینده افکار بدون هیچ چیز و یا هر کسی نمی گویند که چه اتفاقی افتاده چیزی می ترسید شده که لرزش بود بیهوده بود به عنوان او دست خود را باپاک کردن گذشت همیشه سمت کسی وجود دارد چرا که پس از آن وجود است که می گویند بله حتی فکر کردن در مورد داشتن این دلیل است نه اما بله آن است که همیشه می خواهم که نیست و مایل هرگز شداما گاهی اوقات انجام یک جای به مبارزه غیر صداقت بنگر برای آزادی عمل یک تبدیل است درست است و نه یک بله نه به خاطر من و نه فقط می خواهم برای زنده ماندن است چرا که من وجود داشته باشد و هنگامی که در حال حاضر تصور می شد به عنوان خواننده شده به گسترش و ارسالبه خواب به عنوان او راه می رفت و ایستاد فرار بود میوه جریان از تفکر آزاد و هوشمند از جنبش آگاه راه می رفت بود و فقط راه می رفت چرا که من دوست برای این عشق جهان را در خرافات باور حتی اگر نه در انسان باور ها و اختراع خود سوالات مفروضات تصورات توهمات استبا یونهای یا پروتون ایجاد راکت نور انرژی است و این نمی تواند دیده می شود اما تولید هیچ راهنمای را و می تواند بود آن مرد آنقدر مبتذل تنها

تصور شد و ایجاد احساس نمی حس ششم آن را به عنوان نامیده می شد اما پس از آن واقعی است که اتفاق افتاده بود هر زمان که ما می خواستیم

اگر ما به طور خلاصه توسط لحظات زندگی می کردند، که آیا فصیح و یا حتی گرم ، هیچ کس می گویند که عشق درد است که لطمه می زند تصور کنید عشق بدون درد است به هر آنچه در آن طول می کشد سوختن تب و تاب بودن با یک نفس طولانی تر از شما می خواهم تصور کنید که حقیقت است در بود دوست داشتن و دادن ، حتی رنج همان دیدن نیست اما به خصوص احساس و تحمیل درد به عشق حتی دیدن نیست، بلکه مایل به محافظت از درد رابطه عشق خود را ایجاد حفاظت از احساسات عشق اشتباه چون درد می آید از قلب در شمانگاه ببینید دریا که من فقط به دنبال دوست نداریم کسی را بزنیم مژه در باد شن و ماسه اشک امواج من ساحل با پوسته سکندری در ستاره گریه را ببینید ، بنابراین یک دانه . تغذیه قلب من

اگر من دچار بود چرا که من نمی بینم و یا آنها نمی فهمیدم چه زندگی می کردند لبخند شاد با پرتوهای خورشید را آزاد خود را نشان دهد و embellishes باش آفتابگردان و زیبایی خود را که خفه که ترس دیوانه همه یک چیزی کمی که من نمی بینم منتقل شدمثل این اتفاق افتاده عذاب برای یک لحظه طولانی بود به عنوان می تواند مواجهه زمزمه کن نخواستیم چون کسی مردی را دیدم که که به طور خلاصه تنها تردید چرا که او نگاه کرد و در سمت چپ هیچ کس متوجه چون من دچار سکوت برای چیزی است که زندگی می کردند و دچار عنوان احساس شد وجود دارد شب شد سرد من به پایین جاده با همه چیز و هیچ آمد یک کسی از هم جدا شده است اما به عنوان کسی که کوتاه در چشم خود مطمئن شوید به Agias وضوح عمل بود و به حال غم و اندوه از مهارت در حال حاضر که نامشخص نمی درد که بینایی غمگین و O من O ، سن نادرستمن پس از آن در سقف نگاه کرد و همه چیز نوار مشتاق من در زمان من به طبقه به شکوه تنها به این دلیل می افتد و پایین در تواضع از همه که ترک به نظر می رسد در انسانیت سکوت صدای نگران کننده از سکوت نگران کننده از کسی که نمی گوید تا می شود خوشحال بیدار شد یک روز زمانی که او به من دست داده گفت که شادی که من احساس نیست و همه در یک روز بهبود فردا چیزی بود که او می خواست فقط به خاطر اینکه یک مرد غمگین است وجود دارد

در خلوت تاریکی می رسد نه نه گفتن به برادر آن است که رفتن نیست به شما بازی در قلب اگر آن را فقط به تنهایی به حال هیچ رحمت

این سنگ من نشسته نوشتن به شما چه من لبخند خود را فراموش کرده هرگز شرکت شما چیزی بود او همیشه پس از آن احساس زمانی که او تنها بود ، از زمان به زمان فکر شما و احساس فقط به یاد داشته باشید

هر گاه پی رویای بالا و نگاه من تعجب می کنم اگر شما هنوز هم به عنوان تصور و یا فکر و یا فقط سفر رویای ایجاد هیچ چیز تغییر هیچ چیز درک غلط همه چیز را در آن را بدون اصلاح است تا به ندرت خواب خسته کننده را از خواب بیدار شده است و در نهایت رویای

. رویا نیست همه چیز برابر است

در زندگی شب غمگین و انسان گریز آرام و بسیار عبوس آرام اما یک ستاره درخشان، نور مهتاب برای روشن حتی محیط شدید ترین و بی رحم است امید کسی یک قابل اعتماد بودن که ما را متحرک وجود دارد و کشیدن یک دوست، حتی همدم واقعی وجود دارد هر زمان می شود آن رابه کسی نهایی که در ما به نظر می رسد با بی تفاوتی و بدون باور می درد به نحوی در حال دوستان و به دنبال فقط **inflicts** کند با عشق به نظر نمی آید ما برای ناف خود را نیز او تا کنون احساس تفاوت که دوستان است باور نمودن دوستان و احساس می کند این باور عشق حتی در درد از زمان که یک روز مرد خواهد بود هیچ کس نمی تواند بگوید که آیا آن را بدون دانستن دلیل مرد همیشه باعث می شود چیز دیگری اتفاق می افتد در راه خود را از زندگی از لحظه تولد ریشه بود گفته شد و در نهایت همه چیز مرد . کسی پیش نمایش می دانستند و حتی نمی دانند که چرا او که مرد و بودن خود می میرند

من در چشمان توچیزی درخشش خاصی انجام ماشه شدید بود و علت به عشق من نگاه به حال دیدم دوباره ادامه به درخشش نگاه بود من برنده مثل یک ستاره درخشان و قوی درخشید گرفتار چشم من زیبا احساس بوداشتیاق زمانی که شما ببینید که در آن من میخوام از شما می خواهیم تا با من به همان شیوه که در این طومار که شانه ام به گریه در کسی می خواهید برای همیشه نوشته شده و من همیشه آرزو می کنم که جایی که ما با مهتاب ما و ستاره همان برنده خواهد شد همیشه درخشان

من نمی فهمم یا درک نمی کنند، حتی فقط درک به اندازه کافی نمی دانند برای تحقق بخشیدن به به می دانم به طوری بله میتوان استدلال از این رویداد مطلع شد بود فراتر از آنچه اتفاق افتاده فقط می خواستم به دانم که در آن آغاز شده و به پایان رسید در نهایت می خواهم شما بدانید که با وجود همه چیز را که می تواند رخ دهد کهپایان نمی تواند پیش بینی کند که من به شما فراموش نکنید و شما همیشه می توانید در عشق ما در هر موقعیتی به حساب زیرا نه تنها شور و شوق من در تاریکی من عمق شب از آن زمان به استراحت افزایش موسیقی در رادیو و اجازه دهید من منجر شد دیدم نگاه استشب یک همراه و همدم می توانید احساسات حساس ترین اشتراک است، چرا که او را نگه می دارد اسرار و مانند به آن تماس بگیرید شب ساکت و آرام آن همیشه گوش خوب است اما می گوید کمی هر چند همیشه . و بنابراین من خوشحال هستم **conniving**

چگونه زندگی می کنند زندانی از کل جهانی آزادی برای از بین بردن اضطراب است که احساس حبس اعصاب و لتاژ زدن بدون دیگران برای دیدن، ناگهان، اوراق قرصه است که در ما منتشر شد که باز می خواهم آزاد باشم و طبیعی به چیزی پیش پا افتاده تر را افزایش می دهد و یا مورد علاقه و یا من تصور چگونه آن کار می کرد به نوشتن و چیزی تصور و نمایندگی بودن من مبتدل ایستاده احساس کنید و ببینید من همه چیز را که رفت و از طریق . ذهن او خوشحال امیدوارم که شما به خواندن نیز ارسال

از این سردرگمی که ما را به فراموشی هل در **aimlessly** این موقعیت انفرادی فردی و

از دست رفتن کل احساس نیاز به تنفس باور این همان چیزی است که یک چهره در حالی که زندگی یک نگاهدود سیگار آه پس از چشم نفس دیگر گسترش می یابد، یک نفس‌مناشای دقیقه عبور سوختگی با سیگار به آرامی برای چیزی است که من به دنبال دائماً از هم اکنون نفس دیگری ، یک کلمه قبل از عبور از امید زمان این اعتیاد به دور یک روز از آن اتفاق افتاد که عبور تلاش پشتکار سحر و جادو میوه از نگرش مثبت بود چیزی خوب و یا حتی اصلی استثنایی خواهد بود اگر آنها از ماهیت بوجود می آیند و می خواهید برای بهتر و بیشتر از آن !برنده و در نهایت قریب به اتفاق قربانیان فاتح صبح در شب ساکت و آرام همه در دست من بدون گرفتن تمام برای توهم با شرایط زیر که خوشحال است یا بسیار خوشحال فقط به خاطر اینکه می خواستم شود

و به عنوان بخشی از چگونه ما احساس می کنیم همه چیز امروز در این روز هیچ مستعد برای رسیدن به شادی به زندگی من زندگی نمی کنند به شنیدن آنچه 'm century که من شنیده ام و نمی شود که در آن من نیز دوباره متولد برای زندگی را عادی به چیزی ماهرانه غیر معمول در حال حاضر نبوده استدر حال حاضر در چیزی ناخودآگاه است که ما فکرش را نمی من قصد دارم پیش رو با اطمینان از چیزی است که من هر روز همیشه با باور همه چیز ما تصور زندگی می کنند آگاه است یک دستاورد واقعی است اگر ما بردگان برخی از معاون و یا هر فضیلت است می توانید آن را احاطه کرده و آن را برگیرش اجرا می شود مگس در تخیل از حواس می سازد پوند قلب برای یک بار آزادی نهایی کسی که . توسط اعمال خود بودن قضاوت نمی رسیدن است برای زندگی آزاد

یک روز که قرار بود خیلی زود موفق به از دست دادن من ایستاده بود به زودی با نفس از غربالگری و اعتماد به نفس از بهبود از سر گرفته و زندگی می کردند اصرار به عنوان اگر وجود داشت یکی دیگر از ضربه یک گام آهسته اما پیوسته و مطمئن شوید که بهاحمقانه ترین مسابقه جهان بازگشت در زماننژاد است که به نام زندگی برای او بود که من تلاش و هدف خوشحال به خوبی در دراز قرار بودن از طریق رسید ... تلاش به تنهایی آزادی لازم است و این خواهر تنهایی و همچنین خروج همیشه تنها اولین برجسته و استدر نهایت شما فقط می توانید خود را برای اولین بار و آخرین اجرا تنهایی در زمانی که این روح مبارزه بود اما ما هرگز به تنهایی زندگی پیش رو و است که اجرا برای زندگی و برای اولین بار و آخرین است زمانی که ما در حال شروع یک چرخه طبیعی است کهترک در گذشته اما وجود دارد نقاط که در آن ما در حال پیروزی است در نتیجه زندگی برای اولین بار در یک مکان و دیگر گذشته اما هرگز متوقف بنابراین هیچ دهنده در رقابت زندگی ما همیشه برنده ! و در همان زمان به از دست دادن و این چیزی است که مبارزه و موفقیت در زندگی

و در نهایت در زمان یک عمل حزب در equacionei صفحه اوقات فراغت مدیتیت ، مرد بی قرار زمانی که نه زندگی می کند فقط وقتی که نمی تواند تحمل به آرام لازم است برای خوشبختی که از درون می آید چرا که ما به دنبال چیزی بی صبرانه از خارج نگاه ناراضی می شود همچنین این نگرانی باعث می شود ما غمگین تحمل تنهایی و در حال متوقف تقویت ما به دست آورد ما با خودمان زندگی می کنند پری خوشحال کسی است که به

دنبال هیچ چیز رسیده به دلیل آن را نمی از آن را با یک راه مبتلا به اوتیسم زندگی اما بزرگترین خوشبختی فکر می کنم پیدا شد در درون ماست.

tar 6 ... tar 6 وجود دارد که tar 6 وجود دارد ... tar 6 ... tar 6 وجود دارد حتی اگر نه tar 6 وجود دارد وجود دارد که شما می خواهید ... tar 6 وجود tar 6 وجود دارد که منشعله های آتش tar 6 وجود دارد که من احساس نمی ... tar 6 وجود دارد tar 6 طرفدار هر آید tar 6 ... tar 6 وجود دارد که شما از من فکر می کنم ... وجود دارد tar 6 وجود دارد فقط به tar 6 وجود دارد که مایل حتی tar 6 زمانی که شما تصور کنید ... tar 6 وجود دارد چون شما وجود tar 6 وجود دارد که منعشق tar 6 خاطر اینکه بله ... tar 6 وجود دارد که در tar 6 وجود دارد دلیل این که شما با من رویا tar 6 داشته باشد ... tar 6 وجود دارد tar 6 همیشه وجود دارد ... چیزی که من فکر می کنم tar 6 اینجا ...

اگر تا به حال می بینید، و می گویند که نگاه جالب دختر دختر ، شما چیزی در نگاه روشن لبخند شاد و درخشان به حال یک زن برای کسانی که می خواهند دوره های زیبا و نفسانی بود شما سحر و جادو - gostas به طوری که من اغوا و همیشه فقط می خواستم تا احساس ؟ این روز به روز من بود.

یک روز من فکر کردم همه فقط به خاطر آن است که ، نمی دانم چه می خواهم بگویم و سپس نوشتن متفاوت بود حتی ترس این بود که رویای بودن و نمی دانستند چه بود اتفاق خواهد افتاد من سعی کردم به توصیف آنچه هرگز اینجا را ببینید سفر در یکی از جهان به پایان رسید سکوت که وجود داشته و کسی که دچار فکر می کنم هر کسی باید انجام دهید فقط به انجام آنچه دیگران شجاعت نمی کنند عدم نیست ، اما می دانند که چگونه به چشم پوشی از رفاه کسی که نمی داند که چگونه به نگاه کنید و ببینید ترک و فکر می کنم حذف سیگار ، برخورد به عنوان میل شفا باقی مانده آغاز می شود .

من ارسال خواهد شد به دفع کردن و ایجاد کنید آنها صرف دو دقیقه شروع می شود حقیقت نوشتن و چیز دیگری شما شما نیست من احساس می کنم که من نمی توانم ، از سوی دیگر احساس یک جنگجوی که حقیقی ترین ، پیروزی . آیا در دقیقه 16 از حذف سیگار ، رشد همه چیز می رود زمانی که شما احساس می کنید چه اتفاقی . relight می کند میل به آن . می افتد .

من فکر بنابراین شما باید صبر کنید . ضعف میل میل را به نفع خود همه چیز را به عنوان غروب آفتاب آمده است در تماس مداوم با تمایل وجود داشته باشد من فکر می کنم نیم ساعت پس از آخرین باری که من خودم را ببینید و احساس می کنم زمانی که او پیشی گرفت و زمان سفر در ثانیه ، در دقیقه می مانند راکت به جشن می گیرند هر پیش من احساس می کنم کمی ، فکر کردن چگونه خواهد من رسیدن به پیشرفت . است شکست وجود دارد ، زیرا دسترسی سیگار وجود دارد در دقیقه 35 ناگهان عمل من می خواهم برای لغو .

. فکر نمی ، شد عمل حالت مکانیکی و رویه

. من این دسترسی در طول یک فرایند انقراض از وضعیت حال

من زودگذر ، ایجاد خود به خودی . کلمات، جملات با عمل و اتصال. من در **Recoloco** رادیو که طرح ممکن است سقط شنیدن ، من منعکس و احساس با شمال . 45 دقیقه و بین سیگار دیگر، من فکر می کنم ، البته! همه اما تقریبا همه چیز باعث می شود من فکر می کنم . و این که ما باید مقابله با

. این یک ساعت با یک نتیجه از 20 سال 30 من است

ما زندگی می کنند 66٪ از زندگی فکر کردن در مورد 100٪ که 33٪ می تواند به ما . بدهد پیچیده بود، اما توضیح داد

اگر من واقعا باید به مبارزه و جاه طلبی به مطالعه وسیله ای برای عمل

نه آسان ، دشوار به بازگشت به سیگار کشیدن " فقط " سیگار است. به نظر می رسد در یک . زمان، و یک مسیر می کند که پروژه را دنبال کنید

. البته من در مورد وضعیت دود . طبیعت من تا به حال به شامل خلوص

. **esfumacei** آنها دو ساعت دقیقه 03 به سر برد و پس از آن فکر

خواهد شد. من شروع به لبخند ، تفکر است که چیزی که **sortir** آیا شما پدیدار ، چیزی . قرار بود برای به دست آوردن

. ساده ترین بود به رها کردن ، اما من می اصرار دارند

. تقویت و فکر تنها می گویند من به دست آورد

چیزی غیر طبیعی غیر طبیعی بود. همانطور که من منعکس کننده، بهترین نوع است تظاهر . به خواب

. اراده است به آمده اما من نمی خواهد فرار . من هیچ نور هستم ، اما انرژی هرگز از دست

من احساس می کنم یک قدرت رعد و برق که هرگز به من تحت الشعاع قرار . من تغییر . خواهد کرد ، این لحظه ای تردید نمی برای تبدیل همه چیز

. و من چون من می دانم

. سیگار آرام و پیش پا افتاده ، تا حدودی مردد از آزار دهنده است

از شما درخواست برای بازگرداندن شما تا به **come'li** هنگامی که یک روز مرغ دریایی

حال چه زمانی که چیزی می خواستم همه را از دست داده به عنوان می توانم انجام دهم بدون تو درگیر شرح که شور عشق بزرگ و همیشه زرنگ و دانا زمانی که فکر شما تا به حال ، از طریق که نهم از دست داده در اینجا ، شما وجود دارد به عنوان من می خواستم به یک آتشفشان دوست به هم بزنی قلب خود را که عشق بزرگ، همیشه پیروز در هر نقطه من احساس میل عمیق که از دنیای من شما همیشه می خواستم ، به ویژه هنگامی که شما خنده نگاه از شادی بودقوی تر از همه برق، که از طریق آن تمام فعلی که ما متصل می شود و هرگز از هم جدا ما هرگز به حال قصد برخورد اتفاقی تصور پل روی رودخانه که در آن پیاده رو در حال حاضر به معنای چیزی دیدم شکل و فرار ، و مخفیم در یک مقاله به عنوان خوانده شده کلمه ی شیرین مثل نامه عسل نبود مزخرف معنی حال و در چیزی گذشته است که وزش باد به خاک سپرده شدند و فکر می کردم که چهره را با یک برس در چارچوب هیچ کس دوستش نداره که شما بخشی از هنر نتیجه بود بر روی صفحه نمایش به . رنگ شد رنگ شده، بوداز جمله سن آن

شکل

فرار ، فرار ، اما او به من برداشت و به من کشیده ، من با او صورت گرفت

لعنت به شکل که ما نمی بینیم اما منتشر . او شکل غیر قابل تشخیص از یک تجربه ظاهر ! مانند پری است . زمزمه شکل : شما می ترسند از یک مرد با هیچ چهره

بله - من با برخی از ترس پاسخ داد . ترس چون من فقط در حضور نور وجود ندارد

من از نور و انرژی صحبت اما هرگز از مردی که صورت بی اطلاع و . به نظر می رسد و اجرا فرار بدون دستیابی به فیزیکی خود را voluptuously

شکل یک موجود از تاریکی که بدون نور نمی تواند زندگی می کنند است . عجیب یک سایه کلاه بیچهره ، ostentat است که شما در تاریکی و سکوت پنهان . اما موج نور و با سیاه و سفید من به بهشت صعود ، بزرگ با تحریف نگاه خود را و نور دگرگونی . همراه آسمان رودخانه به عنوان هر کسی رودخانه با سلطان هوا از دلسردی و پاسخ با سرعت من به رها کردن کریستال و باران مرزی . اما برای یک مرد با densifico آسمان سیاه و هیچ آب صورت بدن من برس و پارچه گاباردین اصلی خود من خیس نیست . این است که به سایه ساخته شده است . این ارقام خیالی توسط من به شب مرده دوباره شد ، تعقیب در حال فرار از تاریکی و تقاضا نور است

من یکی از دوستان سایه بدبختی هستم

همه شر این رقم وجود ندارد

این یک ظاهر از دست رفته است

فریاد به عنوان یک شکل از لذت مادام العمر ظهور از روح تیره ،

. حس حفاظت به دیگران و روح وزوز وحشتناک

. چه بالا می رود و نه می افتد اما همیشه بالا می رود به گه کلاهبرداری

. آنچه می بینید واقعا بالا و نه سقوط صخره

. در ارتفاع امواج ، که در آن دروغ سبز و محو آبی

. خروش هشدار قرمز به عنوان اصول دیگران است

تاریک، غم انگیز ، بیهوده و بیمعنی است همیشه حاضر آن را به عنوان عمیق تر ناامیدی
از فریاد با صدای بلند و سکوت

. به عبارت اشاره به دیدار با سحر و جادو فوقالعاده است که شامل شور

بدون گرفتن ، حروف را ایجاد یک دیوار ادبی از کلمات می آید یک واقعیت اجتناب ناپذیر
... که در آن نوشتن و اشک از قناعت نشکن فطرتش مخالف نیست جریان ، اما آن را به
عنوان می شود احیا و به نظر می رسد با توجه به یک استراحتیخ قطب جنوب که نیز همین
طور سحر و جادو خود را از بودن در میان موجودات خیره کننده و چگونه است که محو به
آتش میل سوزان طولانی اعلام کرد به تلفظ کنید . او می نویسد و ترجمه روحغلیان احساسات
دستگاه ایجاد در میان خطوط و گفته در اینجا چیزی است که یک فکر می کند و دیگر
نظرات .

سرگیجه

ابتدا، یک صخره ، به دلیل زمان است زودگذر نیست. سقوط به موازات شروع بد،
در نوک پا راه رفتن من تعادل و من پرش، شیرجه رفتن. من من نا امید . **arrefeço**
نیست، شروع به پریدن کرد و سرگیجه تصور می کرد. قلب سریع مبهوت توسط چیزی است
که من در سفر تصور کنید. در مقابل ، من یک عمر در یک ثانیه دیدم به اسلاید بیش از هوا
. این سقوط آزاد این سقوط را به زمین برخورد بود ... جاده تار مرطوب درخشان در زمینه
استراحت هوا سرد است! آسفالت خیس احساس آب شیرین که در تاریکی می درخشد به یاد
داشته باشید آسمان روشن و درخشان و آن چنان قوی بود که زمین ، به شدت این تاثیر را از
بین ببرد چه شد آمدن بود. ساعت متوقف کرده است و لحظه ای از فکر خود را جاودانه . در
سرعت های بالاتر از باد در سقوط آمد و انحلال خود تبدیل شده و افزایش یافت، افزایش
یافت ، به لحظه قبلی بازگشت به بعد آن را تا بالا بردن سقوط هنگام بالا رفتن سرسام آور
. کاهش یافته است.

غرور و افتخار از احساس می کنم ببینید دیگر کسی رنج می برد که در پوست دیگر امید
احساس و هرگز دیدم هر یک از دیگر روح کمک و کمک متقابل در راه **sofrais** هرگز

هستند تخته سنگ وجود دارد بالا می رود این موانع نما افتخار به دنیا که راه درباور من به این دلیل که جهان آمد تا مبارزه تا پایان و اطمینان حاصل شود که شما و در نهایت می شود و به پایین به شناختن یکدیگر و شمشیربازی جهان خود را در هنر حصار وجود دارد به تحمیل ضربات تمام می رود از طریق احساس ضربه در پایان شمشیر مبارزه با قدرت رنج می برند ناخواسته انتقال را به نفع خود و می درخشد چهارم که برنده و بازنده هنگامی که در حال سقوط، احساس درد اما افزایش می یابد و می افتد به علت یک جنگنده که چه کسی برنده درد است در تصور استبالا آخرین عمل و ما در مورد شکوه برنده و بازنده تمام مبارزان سزاوار پیروزی مورد نظر حدس .

که آن روز صبح

این یک احمق و ناراحت اشک سحرگاه بود نه چندان دور از بیش از حد گریه که حس ساخته شده در برابر صبح مرطوب کهنه در حال حاضر شب قبل بود زمان سپری کرده بود گریه و گفت: مراقب خورشید می آیند و اشک تبخیردر حال اجرا کردن و جهان با ابرها لبخند ساده شگفت زده گفت: من تصمیم به آنچه بود برای آمدن می کنترل تصمیم گیری و این واقعا تست تصمیم گرفت که از هیچ جا به نظر می رسد نمی شما پدیدار می احساس که صندوق احساس دقیقه عادات از در مورد شجاعت و پشتکار تغذیه من امیدوارم که شکاف بالا و روشن مه و باد خائنانه آمد تمایل به رسیدن به چیزی که دست یابد.

شانس خواهد بود زمان راه اندازی به خودم و پیشرفت عشق در مبارزات و جنگ شات بی عیب و نقص دقیق بود برای روز بعد ضربه اشاره گرساعت ، دقیقه و ثانیه به عنوان خوانده شده و آزاد من ، تا اگر توسط سحر و جادو آن روز بودشادی و خوشحالی دیدم بیشتر از اتفاق می افتد *surtir* اکثر مردم بود ذهن مختلف تاک قطعا خواهد به سادگی

وب

من به طور جدی نگاه در اطراف من چشم انداز دیدم و زشت نیست به جامعه نگاه کرد دیدم یک وب که در آن همه چیز متصل شده و همه چیز اما من فکر عنکبوت یک توطئه مرگ درام واقعی بازدید از عنکبوت بود و در وب برای او بودنوع شام در زمان عنکبوت که ترین *calhava* و کم موج مردم گزیدگی رنج می برد و چگونه است که خوابش برد این خوردن مال حرام همه خواب اند که کسانی که در تار عنکبوت در آن مرده بود از مرگ زشت متوقف به وجود و مرگ و میر را تسلیم این بودرویی جاودانه بودن بدون ترس از وب ، عنکبوت و زندگی همه تسلیم اما آن است تا ما را به شکل یک وب سایت و می تواند خوب باشد برای زندگی می کند دریافت زشت نیست که اراده برای زندگی و نگاه عنکبوت به عنوان پایان نیست، بلکه پایانی یک چرخه از یک شرکت / وب است که همیشه تحت ساخت و ساز ساختمان در وب در حال تحول شد و عنکبوت هیچ راه حل وب ، عنکبوت زشت و تخیل من است.

چراغ قهوه سیگار پشت به میان قهوه شر و بو داده این این فضا استبا روح ، به خوبی

حضور داشتند که در آن مردم آمده در هر نقطه من خودم را در آینده برای ایجاد یک حلقه در این فضا جایی که من ارسال و پس از آنهدفمن امیدوارم که در حدود 2000 ساعت است که در حدود یک در هر خودم روز اختصاص در این فضا رسیده به طور خاص به نام چراغ قهوه که در آن من امیدوارم که برای روشن خطوط بین روز به روز من احساس نگه داشتن یک روند روزانه برای نوشتن یک ثابت **instant'II** انرژی آرام حتی برای ایجاد ، سرگردان ، تفکر و نوشتن چیزی پیدا کنم دریا هیجان انگیز و چالش برانگیز تصور خودم را در دریاهای جهان من است بین پایین است زندگی وجود دارد !شنا در اقیانوس نوشتن که در آن می بینم جوهر روان برای ایجاد خطوط زیبا بین متن ها، عبارات ، اشعار و یا افکار حتی ساده بدون توجه زیادی یا بارش ، حتی تنش می کند نیت در اقیانوس من برای رسیدن به در پس زمینه وجود دارد **harpoons** شکار کردن حروف با احساس احساسات مختلف ، احساس ، اما آنچه مهم است این است به شیرجه رفتن به دریا ما . و به خصوص دوست دریاها مختلف .

من نور قدرت فانوس فانوس به بنگر انرژی پاک خالی روشن، پر احساس خواب در من میل بی پایان اتفاق می افتد که شعله درخشان روشن بعد از ظهر به آرامی عبور می کند ، بسیار تنبل است نور بیدار نگاه روشن و چگونگی می آید یک افزایش در حضور دانش دادن یک عطر متراکم، بنگر شدید و مسری عطر و بوی که احساس لذت را به دم و چقدر خوب هر روز هرگز نفس کشیدن هوا همان لبخند لبخند همیشه دقیق نیست اما آنچه باعث می شود شما زیبا لبخند صمیمی کمی ، نشانه ای از شادی و درمان به عنوان یک شیفتگی شادی بی انتها بسیار طبیعی و آرام زمانی که معقول لبخند به من ضربه تب و تاب بودن که **stunning'm** مهم نیست و زمانی که شما به من دست بزنی مختلف **cunningly** تفکر کمی عمیق برای لحظه ای مانند شادی استبه یک نگاه بیش از حد روشن به عنوان من . گاهی اوقات دیده می شود به نظر می رسد در حقیقت دوگانگی از یک لبخند شاد .

یک قسمت را که نشانه نوستالژی بدون سن بیابان دور اما بسیار نزدیک **FADO FADO** به مقرر برای دیدن مورد نظر شمامی خواهید فقط شما احساس می کنید متعلق به همه چیز که . من ارسال نمی شود اما احساس می کنم آنچه که من ارسال

در اینجا است ساده، اما کلمه ای که قلب من گوش دادن به باد در واگذار باد تا شما را چند کلمه با باران نوشته است که با یک پست به شما خواهد گفت آن را طراحی خورشید با اشعه خود را و شما را کاهش نمین می خواهم بگویم که شما انرژی من هستی و برای شما آفتاب . من همیشه خواهد درخشید و حتی در روزهایی که برف این تفکر که باد همیشه ضربه بود

فکر می کنم ، منعکس و عمل و یا به عمل احساس می کند بیان نیست و چقدر دشوار است به احساس و به بیان فقط گاهی اوقات به اندازه کافی نه تنها به وجود دارد، اما منعکس قبل از واکنش مانند یک فرایند احساس و تظاهر به عنوان یک قانون کنترل فکر یا نهقانون در . حال حاضر ناگهان عاقل تر و سپس وانمود

این یک احساس است از آن به بعد منعکس و نه یک واکنش است که نمی توان احساس

همچنین می توانید گاهی اوقات سکوت آویزان فکر می کنم و فقط با حضور که به معنی بودن بماند.

مانع است مانع را به نفع خود خود را نشان می دهد بدون ترس نمی گاهی اوقاتفاعل احساس اما علاقه است برای زندگی و مبارزه برای ما به توسعه این گاهی اوقات این است که رشد و یادگیری در مبارزه برای زندگی ما همیشه باید واکنش نشان می دهند به از دست دادن ، بدبختی غلبه بر موانع استبه حداکثر رساندن من غلبه حداکثر لذت را به نفع خود و به ما مقدار مناسب را به ما غلبه و به دست آوردن ارزش در یادگیری از شکست می دهد و در نهایت برنده است جوهر زندگی است .

آب چرخش دریایی نورد به دریا ، در حال چرخش شن و ماسه دانه قطره قطره توسط دانه نسیم نورد در طبقه ، با شتاب با یک دست اقیانوس قطره با شن و ماسه دیگر از دریا به عنوان یک میزبان آغشته به شل دست خود را ، گسترش حس که همه چیز را در دست داشتند خود را آزاد می گذارد اما همه چیز نیست ، نه همه چیز به دست آورد گاهی اوقات فرار دست بین آنچه که ما در قلب و دست همه ما احساس یک هیجان و گرفتن که پدیدار تشکیل یکگردباد .

! چه چیزی نیست که به شما بگوید درست است، اما از آن است که دروغ مطلق نیست

درد شعله ور از دست دادن . از کجا ، اما شما کجا هستید؟چه من ؟

. من رویا نیست چون من انتظار بیدار هستم

شما خواهد آمد ، مرا از این سو فل نجات لرز من ، به من خنثیسازی ، شکستن من و فساد و می گوید شما نیست!جایی که من هستم ، من می خواهم بیشتر، من می توانم تنها زندگی و تنفس را حفظ کند.

راه را از طریق جبهه و چیزی است که من را نگه می دارد در حال حرکت رو به جلو ببین

.

از آنجا که عقب نشینی و به عقب بر گردیم به جایی که من حتی فکر می کنم و یا باشد

. fulminates من می خواهم به فرار ، خاموش سیگار ، برخورد بر روی صخره ها و

شما خواهد بود که rekindle قلبم شده مثل این سیگار که می رود به خارج از تمایل به گره هل . من نمی ، نمی خواهم به یک موضوع شل که روابط رسد درک کنم unties من و

.

آیا می خواهید به چیزی است که شما می گویند و یا در مورد من می گویند ، من می خواهم . به آنچه احساس می کنم

. این گره ، نمی بیند که گلودرد و زکام و فشار و از بین می برد

. این کراوات شکسته خواهد شد

همه چیز به صفر است. من فقط می خواهم به 0 بدون هیچ گونه منطقی پیگیری ، نمی خواهم به مثبت یا منفی است، اما شما اصرار دارند که شما باید انجام دهید و اتفاق می افتد

. اجازه بدهید

چرا گریه ؟

من نمی دانم ، اما همیشه می دانم که چرا سقوط اشک آور و شل ، من هم می دانم که به دلیل گاهی اوقات من به اشتباهات دیگران اجرا و چون من نگه نگه دارید

من می خواهم به گریه ، من می خواهم به من قطره. این تلخی احساس که من با لرز گرم سرد که ، اما ارزش اشک خود را ، و بخندی و بخندی و احساس ترک می کند. پایان خواهد مراقبت از پایان رسیده توسط یک قطره اشک نیست بیرون کردند اما همیشه کمین و اجرا . می شود در مواجهه با بی تفاوتی اشک را

من ، فکر به شما به عنوان می باشد. بنابراین امری عادی است، بنابراین مانند آنچه شما فکر . می کنم ، یک استاندارد

من اهمیتی نمی دهند چه داستان ، من نمی خواهم برای دیدن آنچه که شما نمی توانید به من . چه من باید به شما بدهد و نیست

من می خواهم . به شما من می خواهید که شما همواره ، آنچه که او فکر بود که چه چیزی . شما بود یا که در آن شما نبود، شما انجام شد تا شما را

. من، من هستم

من نمی دانم که چگونه این داستان من فکر می کنم چند خواهد شد اما به هیچ فلش و نه . تعظیم، چه رسد به هدف شروع کردم

، من حتی وزن نیست، من احساس می کنم که من دست خودم **taria** من هیچ هدف ضربه ، فلش است را به قلب رانده می شود، به طوری درد من . قلب تنها ، مشخص شده توسط . سکنه مغزی از شاداب ، درد بیش از حد قوی اراده به پمپ است

من آزادم نیست. من هرگز کاملاً رایگان خواهد بود ، عاشق آزادی من ، اما من احساس می کنم . کنم را موظف به که عشق برای من

از آنجا که آنها مرا دوست ؟

دوست دارم . آنها می خواهند آزاد و متصل به کسی. آیا می خواهید به من احساس تنهایی و

.دور بماند

من نمی خواهم به درک هر چیزی، نمی خواهم در مورد هر چیزی فکر می کنم ، چون من . حمله ، من می خواهم به دور از نزدیک

من عشق را نمی خواهم گفت به آزادی است.من فقط می خواهم به رها کردن آنچه که در من .

. غم و اندوه ، از دست دادن .بود و دیگر است

. لحظه بدون احساس جناح چپ نفوذ

.این طبیعت را به انجام و خنثی سازی و بیشتر، برای گفتن آنچه که ما را خواهم کرد

من نمی خواهم به انجام هر کاری ، نمی خواهم به دور ، من می خواهم به جایی که من می . کنید

. رفته و هیچ چیز به ارمغان خواهد آورد

گریه نکن ، خنده نیست، فکر نمی کنم ، به نظر نمی آید و احساس می کنم مثل من مرده ام .نیست

! چه یک تراژدی

. و من باید به یک روز من هم تسلیم خواهد شد

چگونه آمده است؟بله، من تعجب می کنم که چرا این ، چرا که ، اما نمی خواهم که به فکر .می کنم آنچه را که منتقل شده است

.آیا می خواهید به مبارزه ، نمی خواهم به همان اندازه به عنوان کسی که هرگز بود

. صدای ثابت شده که ابراز تاسف

.صبر کن

. من سفر ، من آیند و می روند صبورانه

. چه می توانم بگویم ، من لازم نیست ، خیلی زیادی ندارد و دیگری را من فاقد

.حمله به من شود به من گفتن به را نمی خواهم.من نمی خواهم

.من نمی خواهم برای رفتن به عقب ، من می خواهم به اینجا که موسیقی نقش و باد

آیا می خواهید به شیطان ، نمی خواهم به فرشته ، آیا بهشت و یا جهنم را نمی خواهم.من می

.خواهم زمین که در آن همه چیز وجود دارد

آیا می خواهید به ترک ، من ماندن جایی که من هستم ، من می خواهم همه وجود دارد ، فقط .به من فضا تنفس و فکر می کنم بر روی آن

.تصور کنید و ایجاد وجود خود من است

. من فقط می خواهم هوا برای نفس کشیدن.می خواهید من به عنوان نفس ما هوا شل

من در حال نوشتن چه خواهد شد پس از خواندن آنچه هستی من می خواهد برای انتقال بخار

.

من می دانم آن آسان نیست.من فکر می کنم بسیاری خواهد گفت نمی شود، بسیار نیز که که . درک نمی شود

.من رد می کنند

. شدید می خواهید به رد آنچه من را تضعیف

.چیزهای بی اهمیت هیچ جایی در قلب است بسیاری از احساسات وجود دارد

. چیزی که ما در یک نگاه ببینید شما می توانید در قلب خود علامت

.او می تواند آن را ندارد ، نمی خواهم برای دیدن ، اما احساس چه چشم خود را ببینید

. هرگز چشم باز از قلب زیرا او نمی توانید ببینید و رنج می برد

.من اینجا هستم

منو میبینی؟ من فکر می کنم نیست! آیا می توانید به من احساس؟ همچنین من فکر می کنم نیست! چه چیزی شما را در دیدن من؟

، نه می تواند ایستادن شما نیست، زیرا *esquecesses* ام ، من در اینجا هستم میادا من آنچه که ما را متحد می سازد گاهی اوقات ما را از هم جدا ، اما من به شما بگویم من اینجا هستم .

من نمی خواهد وانمود

. من ارسال خواهد شد و اجازه دهید آن را جریان

. چیزی که من ارسال بدون شک اشک

. همانطور که من نوشت اشک آن را به عنوان ، غم، تنهایی ، مرطوب، شل

اجازه بدهید من اشک خود را ، درد خود را ، غم و اندوه خود را ، تنهایی خود را ، که خفگی است که به تنهایی پاک کردن

اجازه بدهید لیسیدن اشک خود را ، من نوشیدن این درد شما احساس می کنید

! تنها ، به تنهایی. من ، این من است ، فقط به من

. من چگونه است؟ فقط من

. احساس گسترش می یابد، به واقعا حس درد

چگونه آن را احساس می کنید که ما می باشد. من فکر می کنم در مورد در حال رفتن فراتر . از آنچه می آید از خارج از کشور

باطن می دانم که من وجود داشته باشد، برای دیگران وجود داشته باشد فقط به ما نگاه کنید، اما هرگز شاهد همان است که من از دست صفحات ، ورق تک ، جملات سست، صفحات سست، ورق تک ، عبارات سست، همه چیز را می خواهید به بازی ، نمی خواهم صرفه که همه چیز من ارسال ، همه *evoluirei* جویی در هر چیزی، من خودم خالی ، فقط تا در نامه ای از درد جمله بیشتر، هر کلمه درد خود را ، *esvaísse* ، *evaporize* چیز من ارسال را به من. آیا می خواهید به رنج می برند

یک روز دیگر در صبح، هوا صبح تازه، پر سر و صدا بیش از حد. من می خواهم شب ، شب ساکت و آرام ، جایی که من در تاریکی به نور شما با شما را ببینید

. بیایید سکوت و تاریکی ببینید

. بیایید خاموشی نور است. طرف، گوشه ، گردن بند و جادوها، اشعار ، عبارات

. من میخوام نور خود را در شب تاریک

همانطور که من اجازه بده در گوشه و کنار جزر و مد عمیق به بازی چنگ پری دریایی بالا
. من می خواهم به ماندن و به شما نگاه بدون گفتن شما چه من ارسال

. به شما را فراموش کرده ام هرگز

هیچ چیز! آیا هیچ چیز

هدف با این کلمات پوچ است. من نمی خواهم شما را به خواندن ، ما دیگر نمی خواهید به
. ارسال یک روز خواهم به شما بگویم

. اما در حال حاضر فقط می خواستم کمی از هیچ چیز نیست

. من نمی دانم اگر شما آن را می خواند ، بسیار کمتر درک آنچه که من باید به شما بگویم

و همه ، اما حساب برای من وجود *entendas* چه می خواهم به شما متوجه است که
. دارد و شما می توانید روی من حساب . اما به کسی نگو

. من صبر کنید *decepe* من برای مرگ

!مرگ؟ هیچ مرگ وجود دارد

. و این است که همیشه حاضر . من می ترسم از مرگ اما از دست دادن تو نیستم

نه این که چیزی به من صدمه دیده است، اما تجربه داشتن و نداشتن تفاوت بودن است ،
چگونه می تواند این باشد؟

من می خواهم هیچ چیز، برای هر چیزی کمی و خیلی من می خواهم ، من می خواهم هیچ
چیز تکرار می کنم، من همه چیز را به حال زمانی که من نمی دانستم و در حال حاضر من
می دانم آنچه من می خواهم هیچ چیز، رد آنچه است و نه، من آزاد ، آزاد از همه چیز برای
. من خواهد بود روابط و من تلخی قطره، که داشته باشد

! به سادگی ، من می خواهم به

آیا من می توانم فقط به من باشد؟ بله من و همه، این چیزی من نمی خواهم نمی باشد . " بی
" انتها

آمار، و شروع کرد به زدن دائما باجریان بی سابقه ای از ناهنجاری ضربه و یا زخمی و
سپس یک روز در باز بیشتری به آینده را به انجام آن بود معدن باز و فوراً نزدیک من به
عنوان تلفظ کنید خواهد بود ، اما همیشه من شما منظور آن، شما و من در یک کلمه پس از آن
قلب! غم و اندوه عمیق بودن

معلوم نیست به آگاه و یادگیری با بنگر صمیمی خود را زندگی می کنند، شکاف قابل اغماض است و متعلق چیزی که همیشه به عنوان اگر محو در تسلیم است ، هیچ میلی در اصل فقط می خواهید به است از خود شما می توانید در پس زمینه درونی ما را ببینید و وجود دارد ما می بینیم این است که هیچ چیز تا تحتانی به عنوان آشکار بالاتر ناگهان فکر می کنم آشکار وجود دارد، من اجازه ندهید که برای بیان بسیار پایین تر از سطح که در آن ما خودمان را جای ما باید چگونه خود بالاتر دیدن است ، است به طور فزاینده نزدیک به بینهایت کوچک بنگر تخیلی همیشه تعجب متولد شود ، زندگی می کنند و یاد بگیرند و زمانی که شما واقعا متوجه می داند که بسیار راه می رفت دور از همه چیز و می دانم که خود خود شما چه تغییر کرده است ؟

همه چیز در جهان خاموش من! چگونه آمده است؟

از آنجا که من مایل به تغییر و صورت همه هستم اما تقریبا همه که از دنیای من دنیای من سکوت؟ این عقل است که به من می گوید به انجام کار درست به طوری است! تصور کنید ؟! بعد از استراتوسفر بدون محدودیت گسترش وارد ناامیدی از سحر و جادو بی در سطح توهم خود را همیشه با ظاهر تاریک توهم واقعی کلمه در حال حاضر صحبت از ناامیدی نسل . دورا از درگیری های داخلی را از عذاب ساده است که می تپد هر هماهنگی

مبهم ، عمیق و حساس است که این نامه غیر الزام آور از انرژی بسیار حروف بیشتر و یا . حرف کوچک است

خواهد و نوشتن بسیار در کمی گفته می **sedimenting** در اینجا یک سنگافراشت که شود است .

در چیزهای بیهوده شما بسیاری از خواهد آمد خواهد شد کسانی که شما را ترک کند، دیگران نمی خواهد ایستاد . به شما بگویم که بیشتر برای یک جنگنده دشوار است، اما شما " استفاده " که چند خواهد ایستاد ، اما کسانی که در کوچکترین داخلی دارای ارزش است که فقط شما می توانید دریافت کنید. زندگی می کنند، رشد ، یادگیری ، و در پس زمینه همیشه . کمی تخیلی دانش

در اینجا یک روز برای کمی است ، می خواهم فقط یک یاد بگیرند که نوشتن بود به وحدت دانا از دانش عادی از دانش علمی، هر دو آنها فقط با عقل عمیق است که به عنوان خوانده + شده توضیح

. من شروع به جایی که من می خواهم را به پایان برساند

دود گسترش می یابد، داخل اتاق من. برای داخل من نیز ، این نقض است . من می خواهم . برای شکستن با شما و با دیگران است

من را دریافت کنم؟

قدرت ، قدرت و نیرویی است که به من ثابت شده و به من می گوید به جلو حرکت کند بدون ترس !

. شما قبل از روز من به پایان خواهد رسید

همه قسمت بیرونی من رد ، به عنوان من احساس می کنم ... من نمی دانم ، اما در اینجا من ترک داستان کمی من است در این صفحه ، شما کنجکاوی داستان کوچک من مطرح شده است .

چیزی که من شما را در این صفحات بگویند است برای من برای پیدا کردن خود واقعی که . در من ساکن است ، بدون جهان خارج

. چگونه است که از این امکان، خواهیم دید که چگونه من به داستان من توضیح دهید

به هیچ پیش دیگر ، عقب نشینی در واقع آماده برای رفتن سیگار کشیدن همچنان به نفوذ این فضا .

. این داستان آغاز می شود که در آن به پایان خواهد رسید

چیزی که من به شما بگویم این است که به مبارزه با همه چیز . بیایید ببینید اگر من می توانم به پایان دریافت و می گویند من همه چیز و هیچ چیز، به عنوان حداکثر از درون خود انجام داد .

در اینجا در به طور خلاصه در سیگار وارد کرده است برابر تعداد صفحات به عنوان خوانده شده چرا

بیایید مبارزه ، این طول زمان

!در ساعت ، در دقیقه ، در ثانیه تمام شد Sopra

. من شروع به جایی که من به پایان رسید

من آماده این سیگار کشیدن پنجره و انتشار برس به هوا هستم ، من می خواهم به این دود فقط هوا وجود دارد

من فقط می خواهم به نفس کشیدن هوا

من می خواهم به شناور و تصور کنید چه در اینجا خواهد شد بگویند . چه من نمی خواهم به انجام ، شروع در نهایت همیشه همان اشتباهات را

. نبرد دور از قفل است

. احساسات ، شرایط و درگیری چه من می خواهم برای انتقال است
و مبارزه در برنده شدن در موجودی که من بوده است. من می خواهم به دیگر ، این رقم
. تعقیب من .

آگاهی خود من است که به من هشدار و به من می گوید : ظهور شما برنده
. در اینجا من ایستاده ام ، اما مبارزه با جنبش که تعقیب
عمده من ، می آید به خود من . آزاد خود را ، گسترش خود ، اجازه دهید من شما را از
. طریق من باشد .

flinching آغاز شده اینجا چیزی است که من خواهد بود . سوالات چه هستند ، ادامه بدون
. ، ناگهان یکی از چهره های است که به من ثابت شده

آیا ، اتفاق می افتد دوباره و دوباره متولد برای زندگی و احساس بدون عوامفریبی و
. توهمات ، زندگی می کنند آنچه شما نمی توانید ببینید

. از آنجا که تنها پس از آن شما پیشرفت خواهد کرد، بلند شدن و می گویند
. من می خواهم به آنچه که من هستم ، من من هستم

. در حال که من بود و که این رقم خواهد بود

. من به عنوان من تصور . هنگامی که تعقیب من من به شما بگویم پیشبرد

. در مواجهه با من و من آزاد . در نهایت هنوز شروع می شود

. همه که فکر . مراقب باشید این تعقیب شما و پایان دادن به کابل شما دوستان می باشد

بیش متاسفم برای این لحظه . رسیدم پایان عذاب ، او به من لمس و به آرامی به من ، شما
وجود دارد؟

. در حال حاضر پایان آغاز که من اینجا گزارش خواهد شد

. در حال حاضر من می گویند ، فقط به من می آیند و من را به پیروزی شامل

! عمده در من تبدیل به تو . من دارای

. شما می توانید آخرین بار بوی من . بله ، شما بروید

. را نشان نمی من با خروج خود را غمگین . به هر حال من به دنبال در راه خود را

برو که شما آمد ، از اینکه چگونه آمد . من می خواهید نیست، شما را بیشتر یک بدبختی

. در هم و بر هم . حضور شما توهینی است

. من می دانم که برای شما، هرگز به دست آورد ، تنها از دست داد

. شما مانند دوستان مصرف سیگار از بیماری هستید

قسمت و بروی، بروی رفتن که در هنگام ورود نمی خواهد وجود داشته باشد . همانطور که عطر و طعم و عطر دیگری به IRES ... به بوی خود را که تنها با Emano گفتم، دست آورید

. تو provocas شاید شما نمی که می دانید، نه به خاطر آنچه که شما

از آنجا که من می دانم که شما به یاد داشته باشید چند سال . به اندازه کافی در حال حاضر . است که در اینجا نهفته است میل به ادامه با شما

. من در حضور شما در ابتدا فکر می کردم شما زاری ، اما فال برای بیماری های جزئی

موضوع و من ایجاد ارتباط ما ، لذت با این حال به نمایش گذاشت و همراه کننده به شرایط زندگی کمی ضعیف است . من محرومیت جرات . زیرا تنها در آن نور و طبیعی است ، به طوری که من تغذیه

داغ، بی سر و صدا ، گرم و هماهنگ خواهد بود که جبران

باد طبیعی جریان به عنوان زمان همیشه با شمال آن احساس می شود . جریان هوا در برابر خواهد بود طوفان رو به ما ، آن است که تنها طبیعی است که دود از هوا bafejado ما است .

. که در آن ما در طبیعت خارج به داخل هماهنگی از جریان های رایگان پیدا کنید

گل، رشد می کند و تحکیم ریشه بسیار از آزادی . بخواد بدون ابهام جلسه ما صورتی بسیار از زمان ماسه بیابان گرفته تا دلیل سفت است . تا آزادی تصویر مبتدل بشر، به خروج از مرکز از رابطه صمیمی که ما را جدا می کند . ما متفاوت است ، من طبیعی و آلی تو های مصنوعی و ترکیبی و از این رو بدون من بدون عمل که خنثی خواهد ، exprimas شما مرا خوشحال کند

من درب را باز را برای شما به آمده با من حرف بزن . اما من آن را ترک نیمه بسته نگهداشته شده به خارج به زودی پس از . شکل شما را از گسترش خود آگاه هستند ، من شما هستند و شما خواهد بود اهمیت زیادی کم است . consomes صبر از ناآرامی

. همه ما این مراحل احمق ، معمولا در کودکان

اما اگر آنها به ما در بزرگسالان بگویند به انتشار کودک ما در ما ، پس من با تو فاز بد

بود. من قصد دارم به آرامش بیمار است.

شما می توانید به من در را قفل. کاملاً می دانم که چرا شما آمد، اما همچنین می دانیم که در . تو goest آن .

. شکاف است گسترده ، وسیع تر فکر به شما قطره

فرار ، بدون من ، شما و منفجر محصور . از روز اول که کلمه شما شده است عبارت من ، اما به من بگو نه زمانی که در کنار شما به من بگویید ، سلام ، من اینجا هستم، اما مطمئناً سفر خود را خواهد داشت بازگشت به واقعیت سخت اما هماهنگ طوری که آن را یا اجازه حمله ، ما آنچه که ما به دنبال ؟ پس فقط یک کلمه از شما ، که خداحافظی است

... و شما آمد رفتن به دور شروع

. این آخرین بار بود ... از دست آمدن به ترک . اشک افتاد و خاموش فریاد

طناب که من متصل می شود ، همان است که من خفه کننده نیست. بگره از گردن ، حلق آویز . شده توسط یک موضوع

. آگاهی sufocas ذهن و Estrangulas

چه به شما پیشنهاد یک مرگ تدریجی جوانی از سر گرفتن و راه رفتن در این راه و صحبت که ما انجام داده اند . هرگز درد پاک کردن حاد از یک ضربه قطع ورقه ورقه زنده ناهنجار

.

در بالای حافظه دلخراش و ضربه شبح مانند . حضور دوگانه خود را بین بودن و نبودن بود. زندگی تحت پوشش در لحظه عکاسی که تمام فروشگاه ها و فوراً ریخت. از آنجا که شما . در من از من زندگی می کنند. پاکسازی سرنوشت خود را و زندگی می کنند کسر

. این احساس بی انتها گسترش لحظات زیر است. چگونه بدون ترک صندلی خود را پرواز

این بار متوقف به دلیل تنفس نیست و می تواند شما تا به حال توقف، چه باعث می شود شما . نفس بکشم

. زندگی به عنوان قوی به عنوان نیاز به تنفس است . اما فقط تنفس زندگی نیست

. هنگامی که شما را ترک برای زندگی شما نمی قطع تنفس

. از این رو ، آنچه است که که در یک تصویر در مانده ناشی می شود

بدون محدودیت و یا عواقب ، گام بعدی . این در حال ظهور از یکی دیگر از هر لحظه به ما برسد چه ما واقعا هستند، توهم صخره زنجیرزی است به ما زندگی می کنند در حالی که زنده هستند ، چه حرکت می کند به ما طبیعت است که ما دائماً را احاطه کرده است و تنها ما

را ، منظورم این است که همزمان جذب است شامل تمایل تنها ذهن گمراه کننده از طبیعت
بیش از هر لحظه از فرم **superlatively** نشان دهنده تمامی فریم به صورت تصادفی و
جنش انسان است.

هر چه پیش می آید در اطراف شکل از خود خارج که بزرگدخالی، اما تنها گرفتن احساس
حواس پرتی یک موجود بیشتر است که ما را به مادر طبیعت حرکت است. اگر در هر زمان
، فضیلت ، حمله ضد و نقیض شما است که در لحظه ای از ذهن جذب این مطالب می تواند
یادگیری مطابقت ندارد و هر حرکت خارج شوید

.خوشبختانه موج، فکر بسیار زیاد و دور

.صحبت کنید **manobrate** من می خواهم در مورد ... شما تصمیم می گیرید ، همیشه

. معکوس کردن نقش می گوید سکوت

. پرواز از یک کلمه عمل است . همانطور که شما را نادیده بگیرد و شما را از

شما در حال پرواز در اطراف در سایه باد . از آنجا که شما پنهان ، ظاهر می شود تا زمانی
. که شما آن را می خواهم

آیا شما نمی بینید ؟

. خودت را دیگر ، شما دوست دیگری که نمی بدبختی های ساده خود را

.که پدیدار بخار است

لحظه **vislumbamento** این ترتیب که شمارش تا ده بود ، من متوجه شدم که چقدر
تصویر لحظهای از پنجره آینده باز بود و فقط مشاهده آخرین دود گسترش می یابد و به
. عنوان کلیک آینده بزرگ و گسترده می شود

Sá مورا Filipe کپی رایت © 2009 بازی،